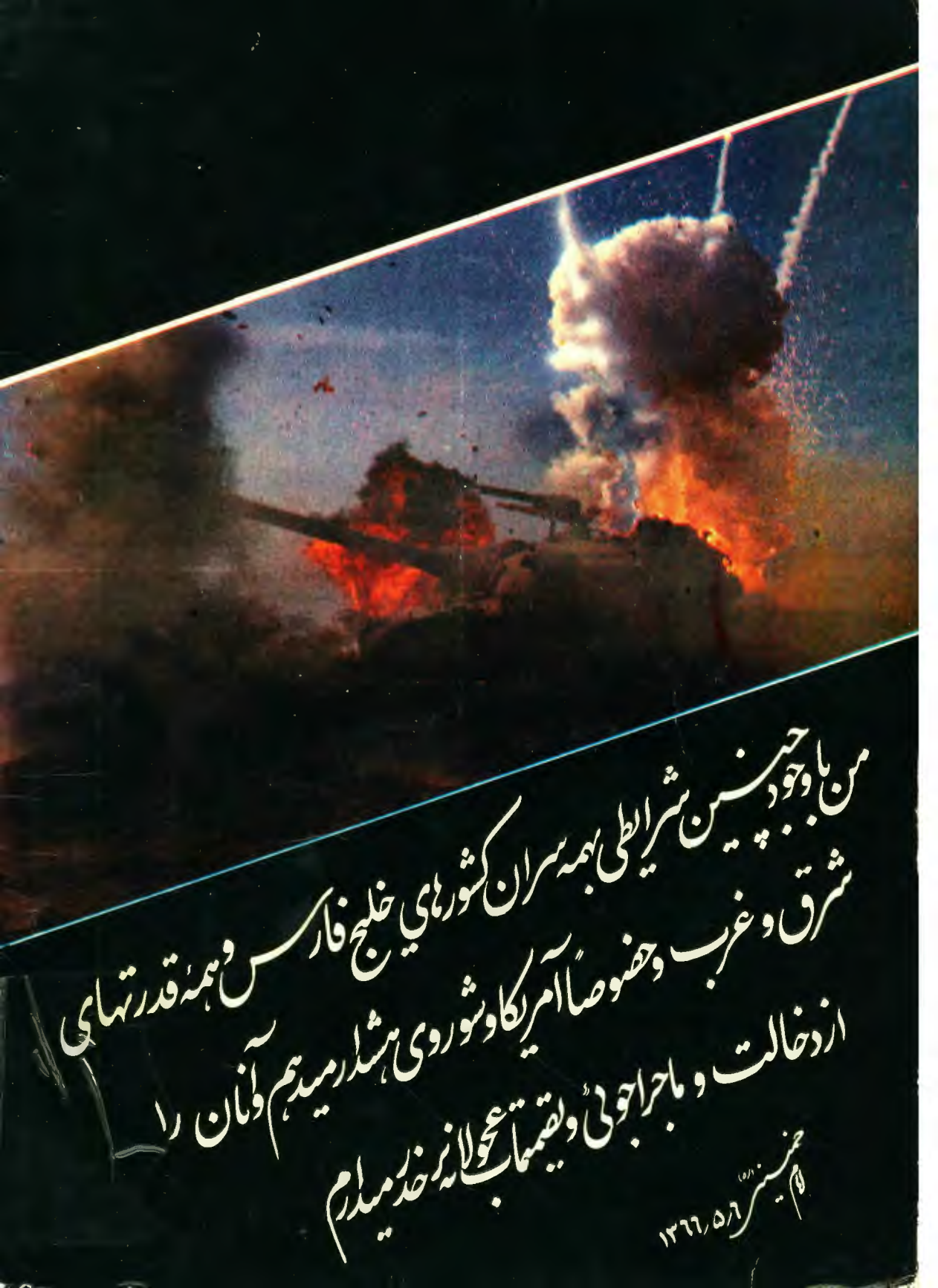


٢

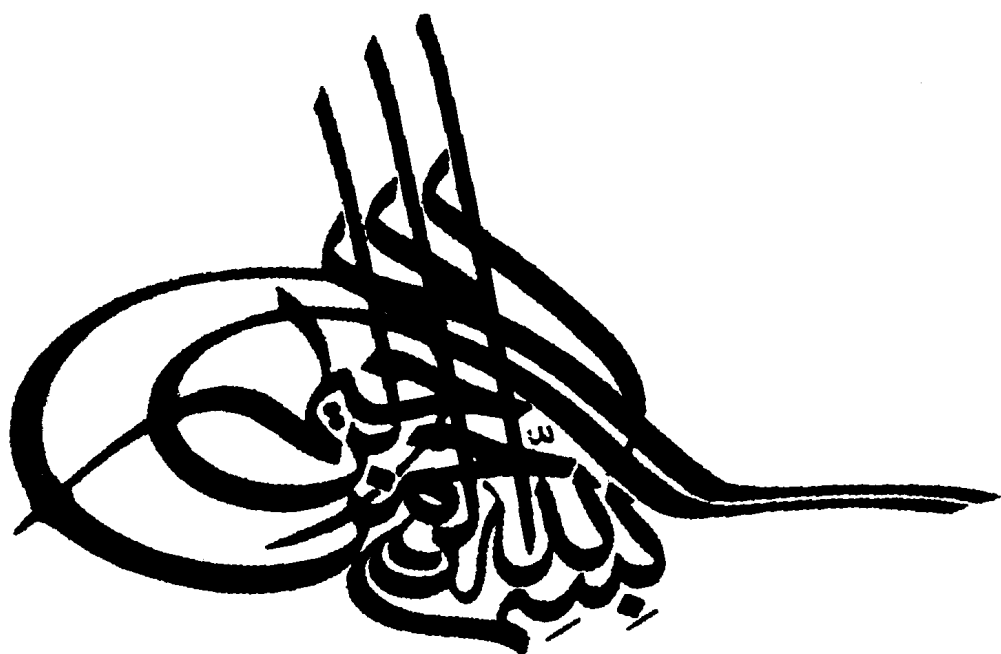


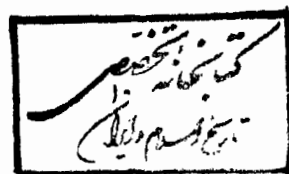




من با وجود حسن شرایطی بجهت سران کشورهای خلیج فارس و همه قدرتهای
شرق و غرب و خصوصاً آمریکا و شوروی هشدار میدهم و آنان را
از دخالت و مداخله و بی‌توجهی و یقیناً عواقب آن را خواهند دیدم

مخبر ۱۳۶۶/۵/۱





حقایق از جنگ خلیج فارس

نوشته :

Frank Chadwick

۱. فرانک چادویک

Matt Caffrey

۲. مت کفری



نام کتاب : حقایق از جنگ خلیج فارس

ناشر : معاونت طرح و برنامه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران

حروف چینی و صفحه آرایی : دایره کامپیوتر معاونت طرح و برنامه نزاجا

به سرپرستی محمد عسگری

ویراستار : حمید رضا سوده سرابی

تاریخ چاپ : اردیبهشت ۱۳۷۶ - چاپ اول

تیراژ : ۲۰۰۰ جلد

طراحی روی جلد : مدیریت پژوهش و تحقیقات

ترجمه : گروه مترجمین مدیریت پژوهش و تحقیقات معاونت طرح و برنامه نزاجا

به سرپرستی هوشنگ سرخوش

بررسی کنندگان : عبدالحمید خسرو پناه - احمد جنگانی - علی اکبر فصاحتی

چاپ : چاپخانه اهل البيت (ع)

حق چاپ محفوظ است

بسمه تعالی

"پیشگفتار"

عملیات «طوفان صحرا» در سال ۱۹۹۰ م به سرکردگی ایالات متحده آمریکا و همکاری متحدین او - اعم از کشورهای غربی و عربی از نقاط مختلف جهان - بمنظور آزادسازی کشور کویت از اشغال نیروهای عراقی انجام شد. بعلت گستردگی منطقه عمل و بکارگیری آخرین نوع و پیشرفته ترین سلاحها و تجهیزات نظامی در این عملیات، کارشناسان مسائل نظامی و سیاسی موضوع مذکور را مورد توجه قرار دادند و نویسندگان موضوعات نظامی نیز کتابهای مختلفی بانامهایی از قبیل «جنگ نفت» «جنگ خلیج فارس» و «حقایق از جنگ خلیج فارس» و در این رابطه تدوین و منتشر نموده اند.

کتاب حاضر که ترجمه کتاب «حقایق از جنگ خلیج فارس» می باشد بوسیله دوفراز نویسندگان خارجی به اسامی «فرانک چادویک» و «مت کفری» تالیف و توسط مترجمین معاونت طرح و برنامه نذاجا از متن انگلیسی به فارسی ترجمه گردیده است.

در این کتاب نویسندگان با ذکر مشخصات سلاحها و تجهیزات، استعداد نیروهای طرفین درگیر، سازمان و گسترش نیروها و سازمان برای رزم یگانهای شرکت کننده در عملیات با ارائه عکسها و نمودارهای متعدد، به جزئیات امور پرداخته و مطالب نظامی را برای کلیه خوانندگان محترم در سطح جامعه باز نموده و توضیح داده اند که این امر در گிரایی و جالب توجه بودن کتاب تاثیر بسزائی داشته است. امید است که خوانندگان گرامی با مطالعه کتاب براین امر صحه بگذارند.

بسمه تعالی

((مقدمه))

موقعیت استراتژیک خلیج فارس و کشورهای ساحلی آن که قسمت اعظم ذخائر نفتی خاورمیانه و جهان در آن قرار دارد، برکسی پوشیده نیست. اهمیت خلیج فارس برای کشورهای پیرامون آن و بخصوص کشور پهنای ایران که بزرگترین کشور ساحلی خلیج فارس است فوق العاده زیاد می باشد. حساسیت قضیه هنگامی به بیشترین مقدار وحد خود رسید که نیروهای نظامی سی کشور جهان، اعم از زمینی، هوایی و دریایی و با برخورداری از پیشرفته ترین سلاحها، تجهیزات و دکترین نظامی، با مجوز سازمان ملل متحد و تحت رهبری ایالات متحده آمریکا منطقه خلیج فارس و کشورهای عربی مجاور آنرا مورد تاخت و تاز خود قرار دادند تا به زعم خود نیروهای متجاوز عراقی را از کشور بسیار کوچک و اشغال شده کویت خارج سازند.

شیطان بزرگ، آمریکا که خود طراح و خط دهنده اصلی اینگونه جریانات است، پس از خاتمه جنگ سرد، با حضور مستمر در منطقه استراتژیک خلیج فارس به کنترل گلوگاه مهم انرژی و همچنین گسترش چتر استعماری خود در این منطقه حساس ادامه داده، با اعلام دکترین جدید «نظم نوین جهانی» و پس از انجام تبلیغات و مقدمه چینیهای سیاسی و نظامی - برای آماده کردن اذهان عمومی و به بهانه آزاد سازی کشور کویت - با یک بسیج جهانی کشورهای هم پیمان خود در شرق و غرب را به منطقه خلیج فارس کشاند.

آمریکا با اجرای این سیاست ، ضمن ویران نمودن دو کشور عراق و کویت و به خطر انداختن امنیت منطقه ، منابع اقتصادی و ثروت ملی آنها را به غارت برد و حتی بابت دستمزد خود میلیارد ها دلار نیز از کشورهای عربی منطقه باج گرفته و به جیب خود سرازیر نمود .

هرچند از عملیات متحدین در جنگ خلیج فارس بیش از ۶ سال می گذرد و حتی شاید گفته شود که زمان بررسی و تجزیه و تحلیل چگونگی انجام آن سپری شده است ، ولی قرائن و شواهد موجود خلاف آنرا ثابت می کنند ، زیرا :
اولا ایالات متحده آمریکا در این مدت حضور فیزیکی و اقتدار سیاسی - نظامی خود را در منطقه حفظ و حتی توسعه نیز داده است .

ثانیا کشورهای عربی هم پیمان آمریکا که قسمت عمده هزینه قشون کشی متحدین به خلیج فارس را تقبل نموده بودند با وجود پرداخت میلیارد ها دلار به آمریکا ، هنوز هم بدهکار او هستند .

ثالثا با تقسیم کشور عراق به سه منطقه و عدم حاکمیت آن کشور در مناطق شمالی و جنوبی ، عملا آمریکا در پوشش سازمان ملل متحد و به بهانه خلع سلاح اتمی و شیمیایی عراق ، دست به هر کاری که می خواهد می زند . پس ملاحظه می گردد که مسائل جنگ خلیج فارس در حال حاضر نیز موضوع روز مطبوعات و محافل سیاسی - نظامی جهان می باشد و ارزش آنرا دارد که کماکان مسائل آن مورد کنکاش قرار گیرد .

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار نویسندگان :
۴	ریشه های جنگ
۱۱	اصطلاحات و علائم نظامی ارتش
	فصل اول - نبرد نوین :
	دکترین های نظامی طرفین درگیر در جنگ خلیج فارس :
۲۹	نبرد هوایی - زمینی
۳۴	دکترین عراقی ها
۳۷	اصابت به هدف (بوسیله توپخانه ،تانک و موشکهای هدایت شونده ضدتانک)
۴۶	قدرت نفوذ گلوله در زره (زره چابهام - زره واکنشی)
۵۲	مینهای ضد تانک
	عملیات مهندسی :
۵۳	ایجاد معبر و عبور از موانع
۵۳	وظائف ساختمانی
۵۶	خط دفاعی صدام
۵۹	ماهیت توان هوایی در عصر حاضر :
۶۰	عوامل توان هوایی
۶۱	نیروهای رزمی ، پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی
	نبرد به منظور کسب برتری هوایی :
۶۸	کنترل هوایی
۷۰	دفاع هوایی منسجم
۷۳	نبرد هوایی
۷۷	حملات هوایی استراتژیک و راه کارهای موجود :

۷۸	انواع هدفها
۸۱	یافتن هدفهای استراتژیک و بمباران آنها
۸۵	حملات هوایی بر علیه نیروهای زمینی :
۸۶	وضعیت جغرافیائی و آب و هوا
۸۷	تکنولوژی عملیات در شب
۹۰	تک مشترک
۹۱	پشتیبانی هوایی نزدیک / پشتیبانی زمینی نزدیک
	فصل دوم - تجهیزات :
۹۵	تانکهای متحدین
۱۰۰	تانکهای عراقی
	کمین کننده های جدید :
۱۰۷	منهدم کننده های تانک
۱۱۴	خودروهای رزمی زرهی سبک متحدین
۱۲۳	خودروهای رزمی زرهی سبک عراق
۱۲۹	آتش موثر توپخانه صحرائی نوین :
۱۳۰	توپخانه متحدین و عراق
۱۳۶	هواپیماهای متحدین
۱۵۸	هواپیماهای عراق
۱۶۸	مهمات مورد استفاده نیروی هوایی متحدین
۱۶۹	روشهای انتخابی برای انهدام هدف
۱۷۵	مهمات ویژه ، بمب های هوشمند
۱۷۷	پدافند هوایی نیروی زمینی عراق :
۱۷۹	موشکهای زمین به هوا (سام)
۱۸۳	توپخانه ضد هوایی

فصل سوم - نیروهای شرکت کننده در عملیات :

۱۸۶ نیروهای هوایی متحدین :

۱۹۲ استعداد و پراکندگی یگانهای هوایی شرکت کننده در عملیات

۱۹۷ ناوگان ها و توان دریایی متحدین :

۲۰۲ سازمان برای رزم نیروهای دریایی متحدین

۲۰۷ نیروی زمینی آمریکا :

۲۰۸ سازمان ، استعداد و تجهیزات نیروی زمینی

۲۱۱ تفنگداران دریایی

۲۱۳ نیروهای زمینی فرانسه و انگلستان

۲۲۰ فرماندهی مشترک اعراب

۲۲۶ نیروهای دیگر کشورهای متحد

ساختار ارتش عراق :

۲۲۷ نیروی زمینی (مقایسه قدرت آتش دسته های پیاده عراق و آمریکا)

۲۳۳ نیروی هوایی عراق

۲۴۰ سازماندهی ارتش عراق در میدان نبرد :

۲۴۲ تعداد کل نفرات و تجهیزات و گسترش نیروها

۲۴۶ تعداد تانکهای عراق قبل از جنگ

۲۴۷ کشورهای فروشنده خودروهای رزمی زرهی به عراق

۲۴۷ نیروی دریایی عراق

۲۴۸ سازمان رزم نیروهای متحدین :

۲۴۸ ارتش سوم آمریکا

۲۴۸ قرارگاههای شرقی و شمالی نیروهای مشترک

فصل چهارم - جنگ :

نیل به تحرک استراتژیکی :

۲۵۴	تاسیسات ثابت نظامی
۲۵۵	ترابری (هوایی - دریایی)
۲۵۷	نیروی دریایی و تحرک استراتژیکی
۲۵۸	هواپیماهای ترابری
۲۶۵	کشتیهای ترابری
۲۶۷	ناوگان احتیاط آماده
۲۶۸	طرح ریزی نقشه تک پیروزی :
۲۷۱	معرفی فرماندهان نظامی آمریکا و عراق
۲۷۵	نبرد هوایی :
۲۷۹	شکست نبرد در انهدام موشکهای اسکاد
۲۸۱	عملیات ممانعتی
۲۸۲	شرح وقایع نبرد خفجی
۲۸۸	شکست خط دفاعی صدام
۲۹۴	بستن راه‌ها و پاکسازی سریع منطقه توسط سپاه ۱۸ هوابرد آمریکا
۳۰۰	ضربه کاری و نهائی سپاه هفتم آمریکا
۳۰۶	عملیات ویژه کماندوهای جدید :
۳۰۹	مسئولیت‌های نیروهای ویژه آمریکا در سطح جهان
۳۱۰	سازمان برای رزم گروه پنجم نیروهای ویژه در عملیات طوفان صحرا
۳۱۱	حضرت داوود (ع) و جالوت (موشکهای پاتریوت و اسکاد):
۳۱۲	تاریخچه موشکهای اسکاد عراق
۳۱۴	تاریخچه موشکهای پاتریوت
۳۱۷	جنگ افزاری که وجود نداشت (جنگ افزار شیمیائی)
۳۲۴	برآورد کارائی نیروهای متحدین پس از عملیات طوفان صحرا
۳۳۱	یادداشتی در مورد منابع و مآخذ کتاب
۳۳۶-۳۴۲	نقشه های عملیاتی

پیشگفتار نویسندگان

کتاب اصلی ما ، با نام ((حقایق عملیات سپر صحرا)) با استقبال همه جانبه خوانندگان روبرو شد.سؤالی که شاید بارها از نویسنده این کتاب شد این بود :چه وقت کتابی درخصوص جزئیات جنگ خلیج فارس منتشرخواهد شد؟پاسخ این سؤال هم اینک بانام((حقایق جنگ خلیج فارس)) در دست شما می باشد . پرداختن به جزئیات جنگ خلیج فارس طبیعتاًمانند هر طرحی با رعب و وحشت همراه بود . کتاب اصلی - حقایق عملیات سپر صحرا - یک سلسله اطلاعات استاندارد را که در مورد آنها به خوبی پژوهش و تحقیق شده بود، در فرمی قابل درک به خواننده ارائه می داد . زمانی که مطالب مربوط به جنگ به رشته تحریر در می آمد،پیروی از یک سلسله اصول وقواعد استاندارد ، مانع از ترس و هراس نویسنده می گردید .

اگر چه نام من بعنوان نویسنده کتاب در صفحه نخست قید شده است ، لیکن افراد زیادی در جمع آوری مطالب این کتاب همکاری نموده اند . همکارم ((مت کفری)) همچون من در تهیه این کتاب تلاش داشت بطوری که نتیجه این همکاری صمیمانه موجب مباهات ماگردیده است . درک و دانش عملیات هوایی مت سهم بسزائی درموفقیت این کتاب و((عملیات طوفان صحرا)) داشته است . به اعتقاد ما نتیجه نهایی ، کاملترین تاریخچه از جنگ خلیج فارس خواهد بودبودون تردیدباگذشت زمان وروشن شدن جزئیات وکسب اطلاعات بیشتر، برخی از عملیات کوچکتر را مفصل تربررسی خواهیم کرد ولی اطمینان داریم که درمورد زمینه های کلی نبرد ، مطالب این کتاب همچنان معتبر خواهد بود .

مسائل نظامی و شما :

فلسفه مسائل و امور نظامی مذکور در این کتاب، ارزش تشریح را دارد زیرا که درک این فلسفه در راستای درک فلسفه تهیه این کتاب خواهد بود .

در یک مفهوم مطلق می‌توان گفت که آمریکایی‌ها در امور نظامی، تبحر خیلی خوبی ندارند . میزان آگاهی آنان از مسائل نظامی در مقایسه با سایر ملتها مشخص نیست . شاید مردم سایر کشورها نیز مانند ما نسبت به اینگونه موارد کم اطلاع باشند . بدون توجه به درستی یا نادرستی این ادعا ، واقعیت اینست که مردم آمریکا در خصوص بازیهای ورزشی نسبت به امور نظامی دارای اطلاعات بیشتری هستند ، این موضوع می‌تواند روزی بعنوان یک مسأله جالب ، مورد بحث و بررسی قرار گیرد ، اما اکنون موضوع اصلی بحث ما نیست و مهم اینست که این اظهارات صحیح بوده ، قابل تأیید می‌باشد .

عقیده کلی بر آنست که آگاهی مردم نسبت به امور نظامی بعلت پیچیدگی موضوع ، بسیار اندک می‌باشد . اما روشن است که این موضوع صحت ندارد ، اثبات این ادعا در این کتاب توضیح داده شده است . از آنجائی که علوم نظامی دارای نگرشی ساده ، واضح و بصورت منطقی قابل درک در زمینه اعمال زور ، بمنظور نیل به اهداف سیاسی می‌باشد لذا نویسندگان کتاب براین باورند ، افراد جامعه که دارای فهم متوسط هستند قادر به درک موضوعات نظامی می‌باشند. با تأیید این موضوع سایر مسائل نیز قابل فهم خواهد بود .

بجای آنکه نخست پیرامون نظام پیچیده سیستم جنگ افزارها و توانائی‌های آنها سخن بگوئیم ، تلاش شده است تا مشکلاتی که نیروهای نظامی با آنها روبرو هستند مطرح گردد . وجود مشکلاتی نظیر مسافت ، تاریکی ، شرایط جوی نامناسب ، تأمین نیرو و عده‌ها در مواضع مقدم و امثال آنها ، لزوماً

بررسی و انتخاب راه حل‌های ممکن را ضروری می‌سازد. نتیجه نهائی در بررسی راه حل‌های ممکن، منطق و چگونگی استفاده از توانائی‌ها و مقدورات سیستم جنگ افزارهای مختلف را مشخص می‌نماید. منطق مسائل نظامی، مارا علاقمند و اادار به توضیحاتی پیرامون این موضوعات نموده است.

تاریخ و وقایع نگاری

آیا کتابی را که اندکی پس از یک رویداد نوشته شده می‌توان تاریخ نامید؟ یا اینکه باید تنها آن را یک گزارش ساده پنداشت؟ در نهایت، اتخاذ چنین تصمیمی به خوانندگان واگذار می‌شود.

به هر جهت نگارش در خصوص جنگ یقیناً با استفاده از ذهنیات تاریخی و تجارب قبلی ممکن می‌باشد. با وجودی که توجه اولیه ما به گزارش وقایع و رویدادهای جنگ معطوف بوده، ولی تلاش نموده ایم این واقعیت را نادیده نگیریم که ما با یک سلسله رخداد‌های ناگهانی روبرو هستیم.

با توجه به نوع جنگی که در خلیج فارس اتفاق افتاد، می‌توان گفت که این حادثه ریشه در سابقه تاریخی نیروهای متحدین و ارتش عراق دارد. لذا تلاش شده است که موضوعات تاریخی مربوط به جنگ بطور ریشه ای تبیین شود تا با درک آن ریشه ها، حوادث متعاقب مربوط به جنگ بهتر قابل فهم گردد. جنگ خلیج فارس نه تنها مجموعه منحصر بفردی از پیشینه های تاریخی را در بردارد بلکه خود در آینده، پیشینه ای برای تاریخ خواهد شد.

دیدگاه مردم دنیا در مورد توازن نظامی جهانی، هزینه های نظامی آن و همچنین انتخاب اعمال زور و یا اجتناب از بکارگیری آن بواسطه وقوع جنگ خلیج فارس بکلی تغییر کرده و بنظر می‌رسد هرگز به وضعیت گذشته بازنخواهد گشت. رودخانه تاریخ با قطع کرانه خود مسیر جدیدی ایجاد نموده و

اینکه این آبراه جدید در سالهای آینده مارابه کجا خواهد برد، موضوع بسیار جالبی خواهد بود.

ریشه های جنگ

خلیج فارس یکی از کهن ترین آبراههای تجاری جهان بشمار می رود و به همین دلیل در طول سالیان متمادی بخاطر آن درگیریهایی بین کشورها رخ داده است، از زمانی که مرزها وجود داشته اند منازعات نیز رخ داده است. مسائل مربوط به نفت - که امروزه از موضوعات بسیار با اهمیت جهانی محسوب می شود - یکی از ریشه های مجادلات اخیر در خلیج بشمار می رود. دو کشور کنونی عراق و کویت تا قبل از شکست امپراتوری ترکهای عثمانی در جنگ جهانی اول و تشکیل جامعه ملل، جزئی از خاک آن امپراتوری بودند.

عراق سابقه ای قدیمی در زمینه استقلال ملی دارد که به زمان قوم بابل برمی گردد، لیکن در طول قرنها، بخشی از امپراتوریهای ایران و عثمانی را تشکیل می داد.

کویت نیز یکی از امیر نشینهای کوچک و نیمه مستقل تحت سلطه عثمانی ها بود. خانواده الصباح در سال ۱۷۵۹ م، امیرنشین کویت را بنیان گذاشت اما این منطقه در سال ۱۸۹۹ م بدست انگلیسی ها افتاد. انگلیسی ها پس از جنگ جهانی اول و تشکیل جامعه ملل، عراق را تحت قیمومیت خود قرار دادند. در واقع با این اقدام، از عراق و کویت مستعمراتی ساخته شد و تنها نام آنها باقی ماند. انگلیس، امور اقتصادی، روابط دیپلماتیک و سیاست خارجی آنها را تحت کنترل خود گرفت و مسئولیت دفاعی آنها را عهده دار شد.

قیمومیت بر عراق ، در سال ۱۹۳۲ م . با انتصاب یک پادشاه در عراق توسط انگلیسی ها خاتمه یافت و کویت نیز تا بعد از جنگ جهانی دوم بصورت یک کشور تحت الحمایه باقی ماند و سرانجام در سال ۱۹۶۱ م . استقلال یافت . نفت در این منطقه در دهه ۱۹۳۰ م . کشف گردید اما بعلت وقوع جنگ جهانی دوم، استخراج و بهره برداری از آن تا سال ۱۹۴۶ م . به تعویق افتاد . عراق و کویت از اعضای اصلی سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک)^۱ هستند . اوپک ائتلافی از کشورهای عضو ، بمنظور کنترل قیمت و همچنین تعیین میزان تولید سالیانه نفت اعضا می باشد .

عراق

عراق کشوری است که بدون توجه به درآمدهای نفتی نیز قادر به ادامه حیات خود می باشد . این کشور در حال حاضر دارای سیستمهای موثر خوبی برای کشاورزی ، ذخائر معدنی (درکوهستانهای شمالی) و برخی صنایع می باشد . عراق از نظر کشاورزی تقریباً خودکفامی باشد و ظرفیت و توان صنعتی آن نسبت به کویت از رشد اقتصادی بیشتری برخوردار است . این کشور به دلایل مختلف ، خصوصاً با تلاش در زمینه احداث نیروگاه اتمی و ادامه برنامه غیرمشخص هسته ای خود ، بالقوه خطرناک می باشد .

رژیم سلطنتی محدود عراق که توسط انگلستان تحمیل شده بود با ترور ((ملک فیصل دوم)) در سال ۱۹۵۸ م فرو پاشید و رژیم جمهوری در عراق مستقر گردید ، اما از آن زمان تاکنون انتخاباتی در کشور انجام نشده است و

^۱ Organization of Petroleum Exporting Countries
(OPEC)

قانون اساسی موقت کنونی از سال ۱۹۶۸م - که حزب سوسیالیست بعث عراق^۲ نخست وزیر وقت ، عبد الکریم قاسم * را سرنگون ساخت - معتبر می باشد .
صدام حسین از سال ۱۹۵۹ عضو مهم حزب بعث بود و از ۱۹۶۸ به بعد ، چندین پست مهم دولتی را عهده دار گردید و سپس با شکست دادن رقبایش در سال ۱۹۷۹ رئیس جمهور عراق شد .

عراق از پایان قیمومیت انگلستان به بعد همواره با کلیه همسایگان خود و در ابعاد مختلف - از یادداشت اعتراض دیپلماتیک مبادله شده با سوریه تا جنگ با ایران - منازعات مرزی داشته است ، حتی سربازان عراقی در سال ۱۹۷۳ به قسمتی از خاک کویت وارد شدند .

^۲ Baath Socialist Party of Iraq (BPI)

* حزب بعث با براندازی عبدالرحمن عارف حاکم گردید .

کویت

کویت در واقع بجز نفت از منابع دیگری برخوردار نیست ، اکثر زمینهای آنرا صحرای لم یزرع تشکیل داده است و برای مواد غذایی و آب آشامیدنی موردنیاز خود ، وابسته به واردات می باشد. ۹۰ درصد از درآمد صادرات کویت ، از صدور نفت و مشتقات آن بدست آمده است و بقیه نیز عمدتاً از صدور مجدد (واسطه ای) مواد نفتی تأمین می گردد .

کویت در سال ۱۹۶۱ م . که بریتانیا بخش عمده ای از نفوذ خود را در خلیج فارس از دست داده بود ، استقلال خود را از انگلیس بدست آورد این کشور به موجب قانون اساسی مصوبه ۱۹۶۳ م . توسط امیران خانواده الصباح حکمرانی می شود. (اگرچه مقررات انتخاباتی از ۱۹۷۶ م به حال تعلیق درآمده است) .

ریشه های مخاصمه

ریشه های درگیری عراق و کویت به سالها ، بلکه به قرنهای قبل برمی گردد . بسیاری از مرزها در منطقه بگونه ای مستبدانه در طی دهه ۱۹۳۰ توسط انگلستان به کشورهای منطقه تحمیل شد. میدان نفتی وسیع روميله^۳ منطقه عمده درگیریهای مداوم در مرز دو کشور عراق و کویت بوده است .

اساساً عراق مدعی است که کویت بیش از حد توافق شده ، از میدان نفتی روميله نفت برداشت می نماید .

بنابرا دعای عراق ، کویت سقفهای تولید اوپیک را در اواخر دهه ۱۹۸۰ نادیده گرفته است و با فروش نفت بیشتر از سهمیه مربوطه در بازار آزاد ، سبب کاهش درآمدهای نفتی عراق و در نتیجه میلیونها دلار ضرر به این کشور شده

است. علاوه بر این عراق مدعی است که کویت، زمانی بخشی از استان بصره متعلق به امپراطوری عثمانی بوده و چون در طی سالهای امپراتوری عثمانی و قیمومیت بریتانیا، اداره عراق و کویت از بغداد صورت می گرفت، به حق بایستی کویت از تاریخ ۱۹۳۲ م که کشور فعلی عراق تشکیل شده، بخشی از کشور عراق محسوب گردد.

از موارد دیگر درگیری، جزایر ((بوبیان و ورهبه))^۴ هستند که دسترسی مستقیم به بندر عراقی - ام القصر - را از طریق خلیج فارس غیر ممکن می سازند. نفتکشهای متعلق به عراق باید از محدوده بین این جزایر عبور نمایند و تملک این جزایر بوسیله کشوری دیگر (کویت) عاملی بوده که بطور مداوم خشم عراق را برانگیخته است.

نهایتاً در سال ۱۹۹۰ م عراق از کویت درخواست نمود که بخشی از میدان نفتی رومیله را به عراق واگذار و ۲/۵ میلیارد دلار نیز بعنوان جبران مقدار نفتی که بطور غیر مجاز از حوضه نفتی مذکور برداشت نموده، به عراق پرداخت نماید. علاوه بر این، عراق بعنوان خسارت وارده به درآمدهای نفتی خود بعلت نقض مقدار سهمیه تولید اوپک از سوی کویت، تقاضای ۱۴ میلیارد دلار از این کشور را نمود، در ضمن خواستار منتفی شدن ۱۲ میلیارد دلار وامی که در خلال جنگ با ایران از کویت دریافت نموده بود، گردید.

با امتناع کویت از بحث بر سر مطالب مورد ادعای عراق، در ماه ژوئیه عراق با تمرکز نیرو در مرز، تلاش نمود که کویت را به پای میز مذاکره بکشاند.

بسیاری از ناظران معتقدند که تقاضاهای عراق بحدی سنگین بود که مذاکرات در کمتر از یک ساعت منجر به شکست گردید و لذا زمینه های تهاجم عراق به کویت فراهم شد .

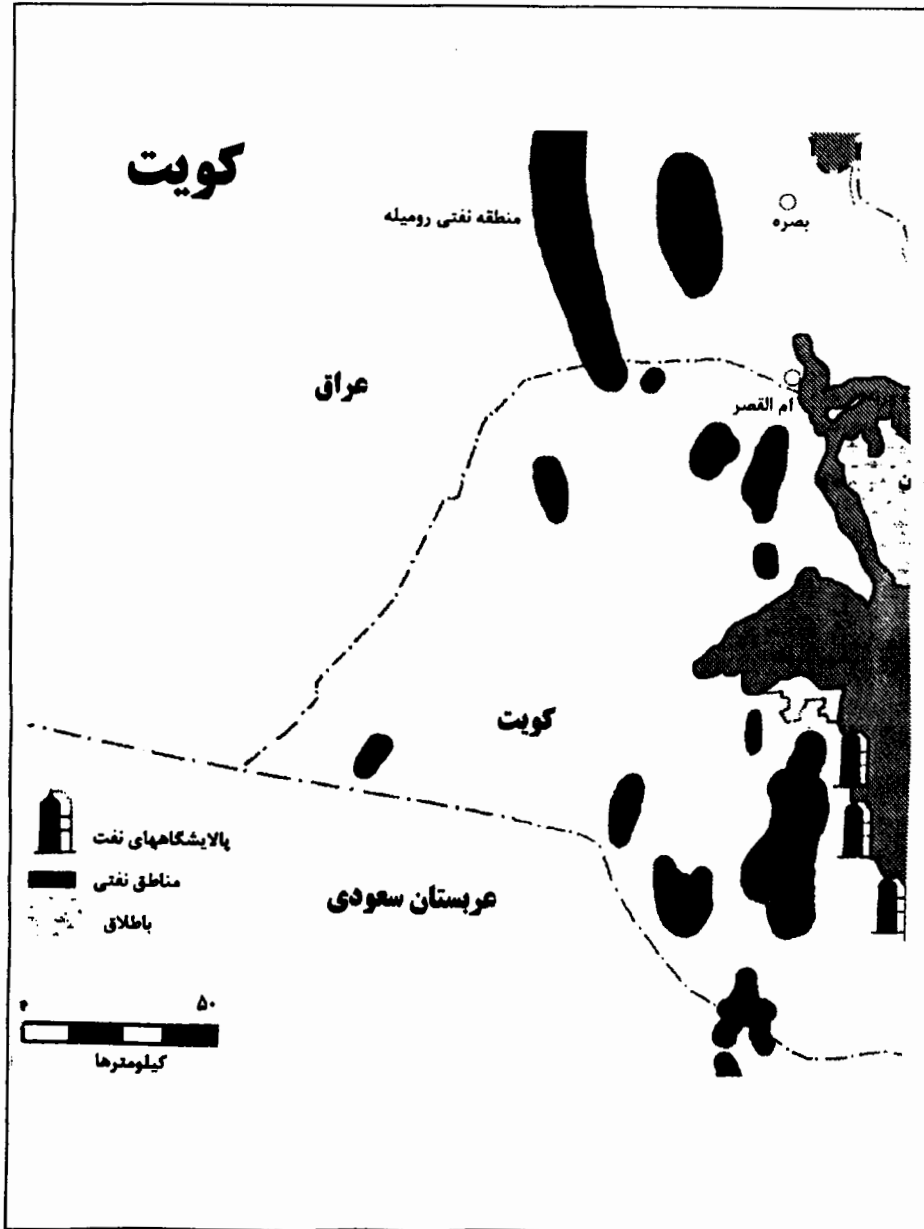
مسئلاً کشور عراق با یک فاجعه اقتصادی مواجه بود ، جنگ با ایران و تقویت نیروهای نظامی که در طول جنگ انجام گرفت ، این کشور را گرفتار دیون و بدهی های سنگین ساخته بود . تولید ناخالص ملی^۵ عراق در سال ۱۹۸۸ در حدود ۴۵ میلیارد دلار بود در حالی که بدهی آن کشور به ۸۰ میلیارد دلار رسیده بود . کاهش قیمت جهانی نفت ، درآمدهای دولت را پائین آورد و هیچ وسیله ای را جهت جبران فشارهای اقتصادی و بدهی های سنگین برای عراق باقی نگذاشت .

تنها راه کاری که باقی ماند ، حمله به کویت و تاراج خزانه کویت بود که بدین وسیله بخش عمده ای از قروض عراق پرداخت می شد و نیاز عراق به پول نقد را مرتفع می ساخت و اقتصاد آن کشور را سرپا نگه می داشت . کنترل میدانهای نفتی کویت نه تنها درآمدهای بیشتری را عاید عراق می نمود ، بلکه کنترل موثرتری را نسبت به میزان عرضه نفت و در نتیجه کنترل قیمت آن در بازارهای جهانی برای آن کشور میسر می ساخت .

روز دوم اوت نیروهای گارد جمهوری عراق^۶ ضربه خود را به کویت وارد آوردند.

^۵ Gross Domestic Product (GDP)

^۶ Republican Guard Corps (RGC)



اصطلاحات و علائم نظامی ارتش نوین

ارتش ، زبان و علائم خاص خود را دارا می باشد. دراین بخش سعی نموده ایم تا پاره ای از کلمات و عبارات مورد استفاده در ارتش را شرح دهیم تا بدین صورت خوانندگان عادی نیز قادر به درک بهتر آنها باشند .

اندازه یگانها

ارتشها از سلسله مراتب یگانها تشکیل شده اند ، به این شکل که از بهم پیوستن یگانهای کوچک ، یگانهای بزرگتر تشکیل می شود .

گروه : مشتمل بر ۶ الی ۱۲ نفر سرباز بوده که معمولاً بوسیله یک نفر گروهان رهبری می شود . گروهها ، مبنای اصلی یک یگان را تشکیل می دهند و در بسیاری از ارتشهای جهان ، کوچکترین یگان بشمار می روند .

رصد : یگانی است که به لحاظ اندازه ، بین گروه و دسته قرار دارد ، مشتمل بر ۱۵ الی ۳۰ نفر سرباز می باشد و معمولاً بوسیله یک استوار هدایت می شود. در ارتش انگلستان واژه ((رصد)) بجای گروه مورد استفاده قرار می گیرد .

دسته : شامل ۳ الی ۴ گروه یا رصد (۴۰ الی ۵۰ نفر سرباز) بوده ، هر دسته دارای یک نفر فرمانده دسته (معمولاً یک نفر ستوان) و یک نفر معاون دسته (استوار) می باشد .

گروهان : شامل ۳ الی ۵ دسته و یک ارکان گروهان می باشد و معمولاً بوسیله یک نفر سروان رهبری می گردد .

یگان سوارزرهی : معادل یک گروهان است . در ارتش بریتانیا گروهان سوار زرهی معادل یک دسته مکانیزه می باشد . هنگامی که یگانهای آمریکایی و انگلیسی عملیات مشترکی را اجرا می نمایند ، این امر موجب بروز اشتباهاتی می شود (برای اطلاع بیشتر به توضیحات مربوط به گردان سوارزرهی مراجعه گردد) .

آتشبار : شامل تعدادی عراده توپ که از یک نوع می باشند ، تشکیل یافته است و معمولاً از نظر استعداد پرسنلی معادل یک گروهان می باشد .

دسته پروازی : کوچکترین یگان نیروی هوائی است . یک دسته پروازی شامل ۴ فروند هواپیماست که بوسیله یک نفر سرگرد رهبری می گردد .

گردان : مشتمل بر ۳ الی ۵ گروهان و نیز یک گروهان ارکان است و معمولاً بوسیله یک نفر سرهنگ دوم رهبری می گردد .

گردان سوارزرهی : در ارتش ایالات متحده معادل یک گردان و در ارتش بریتانیا معادل یک گروهان مجهز به تانک یا خودروهای زرهی می باشد .

گردان پروازی : در نیروی هوائی یک گردان پروازی شامل ۱۲ الی ۲۴ فروند هواپیما از یک نوع بوده که صرفاً برای مأموریت خاص و مشابه بکار می روند و یک نفر سرهنگ دوم آنها رهبری می نماید .

هنگ : شامل چند گردان (معمولاً ۳ الی ۵) و یک یگان قرارگاه بوده و معمولاً بوسیله یک نفر سرهنگ فرماندهی می شود . در بسیاری از ارتشهای جهان از جمله بریتانیا ، یک هنگ معادل یک گردان می باشد .

گروه : در ارتشهای جهان ، گروه عمدتاً از ۲ گردان یا بیشتر تشکیل می شود و معمولاً به وسیله یک نفر سرهنگ فرماندهی می گردد . در نیروی هوائی، گروه پروازی شامل ۲ اسکادران یا بیشتر می باشد .

تیپ : شامل چند گردان (معمولاً ۳ الی ۶) می باشد و عموماً بوسیله یک نفر سرهنگ یا سرتیپ فرماندهی می گردد .

تیپ هوائی : در نیروی هوائی ایالات متحده، یک تیپ هوائی شامل سه اسکادران پروازی می باشد. در سپاه تفنگداران دریائی ایالات متحده، یک تیپ ، (شامل چند اسکادران پروازی) وجود دارد . تیپ هوائی بوسیله یک نفر سرهنگ یا سرتیپ فرماندهی می گردد .

لشکر : شامل چند تیپ یا هنگ (معمولاً ۳) و یگانهای کوچکتر (گردان یا گروهان) پشتیبانی کننده بوده و عموماً بوسیله یک نفر سرلشکر فرماندهی می شود . لشکر بزرگترین یگانی است که دارای جداول سازمان مشخص و رسمی می باشد .

لشکر هوائی : قرارگاه عملیاتی و منطقه ای، برای هدایت سه تیپ هوائی است و توسط یک نفر سرلشکر فرماندهی می گردد .

سپاه : شامل چند لشکر و تعدادی یگانهای پشتیبانی کننده کوچکتر می باشد . تعداد لشکرها به مأموریت سپاه بستگی دارد و معمولاً به وسیله یک نفر سپهد فرماندهی می گردد .

قرارگاه عملیات هوایی : قرارگاهی است برای کنترل عملیات کلیه پایگاههای هوائی یک منطقه و بوسیله یک نفر سپهد فرماندهی می گردد .

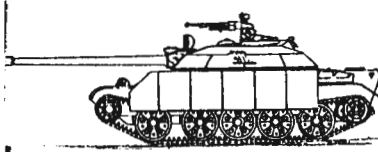
ارتش : شامل چند سپاه و تعدادی یگانهای پشتیبانی است و معمولاً بوسیله یکنفر ژنرال چهار ستاره (ارتشبد) فرماندهی می شود .

علائم نظامی یگانها

در این کتاب برای نشان دادن یگانها از یک سری علائم نظامی استاندارد استفاده شده است . در این روش ، مستطیل به معنی یگان نظامی است و علامت داخل مستطیل ، نوع و رسته نیروهای تشکیل دهنده یگان و علامت موجود در بالای مستطیل ، اندازه یگان را مشخص می نماید ، اعداد و حروف مختلف مورد استفاده ، اطلاعات بیشتری را در خصوص یگان به خواننده ارائه می کند ، حروف در سمت چپ مستطیل و اعداد در سمت راست به ترتیب نشان دهنده ملیت و هویت یگان هستند .

بعنوان مثال : مستطیلی با یک بیضی در داخل آن ، معرف یک یگان زرهی است و علامت XX در بالای مستطیل نمایانگر اینست که این یگان یک لشکر است و حروف US در سمت چپ و عدد 3 در سمت راست ، این یگان را بصورت لشکر سوم زرهی ایالات متحده، به خواننده معرفی می نماید.

گاهی اوقات علائم مربوط به نوع یگان بصورت ترکیبی از دو علامت در داخل مستطیل درج می شود؛ بعنوان مثال : برای مشخص نمودن یگانی از نوع پیاده مکانیزه ، ترکیبی از دو علامت پیاده و زرهی استفاده شده است .



تانک چیست ؟

یکسان دانستن تانک با خودروهای زرهی ، یکی از متداول ترین اشتباهات در گزارشهای نظامی است . تانک به خودرویی شنی دار با زره سنگین که دارای یک توپ سنگین با آتش مستقیم است ، گفته می شود . گزارشگران اغلب ، خودروهای زرهی دارای برجک از قبیل بی . ام . پی ساخت شوروی و یا برادلی (IFV) آمریکائی را با تانک اشتباه می گیرند . گرچه این خودروها نیز دارای شنی و برجک هستند لیکن از سه نظر تانک محسوب نمی شوند :

۱. زره آنها سبک است .

۲. توپ آنها بسیار کوچکتر از توپ تانک

است.

۳. مأموریت اصلی آنها حمل نفرات پیاده

است و نه توپ ، گاهی هویتزر خودکشی

۱۰۹-ام نیز که دارای زره سبک و تیر

منحنی است باتانک اشتباه گرفته می شود.

پیاده



زرهی



پیاده مکانیزه



پیاده محمول هوایی



پیاده هوابرد



جنگ افزارهای سنگین



سوار زرهی



شناسائی



توپخانه



خیمپاره انداز



سوار زرهی موتوریزه



پیاده موتوریزه



توپخانه پدافند هوایی



موشک انداز چند لوله ای



توپخانه ضد تانک



توپخانه ضد تانک خودکشی



تفنگداردریایی








توپخانه خود کشی



شناسائی موتوریزه

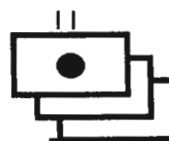


یگان شناور دریائی		مهندسی	
نیروهای عملیات مخصوص		دژبان	
		هوانیروز	

رده یا اندازه یگانها (برابر استانداردهای ناتو) :

علامت	یگان	درجه فرمانده
xxxx	ارتش	ارتشبد (ژنرال ۴ ستاره)
xxx	سپاه	سپهبد (ژنرال ۳ ستاره)
xx	لشکر	سرلشکر (ژنرال ۲ ستاره)
x	تیپ	سرتیپ (ژنرال ۱ ستاره) یا سرهنگ
۱۱۱	هنگ	سرهنگ
۱۱	گردان	سرهنگ ۲
۱	گروهان یا آتشبار	سروان
●●●	دسته	ستوان
●●	رسد	استوار
●	گروه	گروهان

سه گردان توپخانه



واژه های نظامی

از آنجائیکه ارتش با فعالیتهای و تجهیزات خاصی مرتبط است ، لذا به مجموعه ای از اصطلاحات و واژه های مناسب و مربوط به خود نیاز دارد. این واژه ها بشرح زیر عنوان می گردند :

AFV^۷ (خودروهای رزمی زرهی) - این نوع خودرو دارای زره و سلاح می باشد و به منظور رزم مورد استفاده قرار می گیرد . از انواع این خودروها می توان تانکها ، نفربرهای زرهی ، خودروهای رزمی سوارزرمی و خودروهای رزمی پیاده نظام را نام برد .

AOR^۸ (منطقه مسئولیت) - قسمتی از منطقه عملیات است که یک فرمانده مسئول آن می باشد .

APC^۹ (نفربر زرهی) - از انواع خودروهای زرهی است که مأموریت اولیه آن حمل و نقل نفرات پیاده در داخل منطقه نبرد می باشد و معمولاً دارای زره سبکی است تا سر نشینان خود را در مقابل آتش جنگ افزارهای سبک و ترکش گلوله ها ، محافظت نماید .

ARM^{۱۰} (موشک ضد تشعشع) - این نوع موشکها مجهز به وسایلی هستند که با استفاده از تشعشعات راداری ، هدف را ردیابی نموده ، به سوی آن می روند . این موشکها توسط هواپیما ها ، بر علیه رادارهای ضد هواپیمای دشمن بکار می روند .

⁷ Armored Fighting Vehicle

⁸ Area of Responsibility

⁹ Armored personnel Carrier

¹⁰ Anti Radiation Missile

Armored (خودروی زرهی) - منظور از اصطلاح زرهی، این می باشد که خودرو دارای امکانات حفاظتی زرهی محکم باشد تا سرنشینان و خدمه خود را مورد محافظت قرار دهد.

اصطلاح زره سنگین در مورد خودروهای بکار می رود که در مقابل اصابت گلوله های توپ مقاوم هستند.

اصطلاح زره سبک نیز در مورد خودروهای بکار می رود که نیاز است در مقابل اصابت گلوله های جنگ افزارهای سبک و ترکش توپها مقاوم باشند.

ATGM^{۱۱} (موشک هدایت شونده ضد تانک) - این نوع موشک سلاحی است که از نیروی یک موتور موشکی پیش برنده، بهره می جوید، به نحوی که موشک را تا هدف به جلو رانده و هدایت می کند و این روند دائماً در سرتاسر مسیر پرواز ادامه می یابد. این موتور قادر است حتی در صورت متحرک بودن هدف، موشک را تا رسیدن به آن هدایت نماید.

ATGW^{۱۲} (جنگ افزار ضد تانک هدایت شونده) - این سلاح بمنظور انهدام خودروهای زرهی از قبیل سی ال جی پی^{۱۳} بکار می رود. معمولاً ATGW را مترادف با ATGM بکار می برند در حالیکه این دو جنگ افزار دارای کاربرد متفاوتی می باشند.

۱. موشکهای هدایت شونده ای که بوسیله اشعه لیزر یا مادون قرمز تا هدف هدایت می شوند: در این نوع موشک، خدمه بصورت مستمر، اشعه را روی هدف ثابت نگه می دارد تا موشک به سوی هدف هدایت شود.

11 Anti Tank Guided Missile

12 Anti Tank Guided Weapon

13 CLGP

۲. موشکهای هدایت شونده ای که بوسیله سیم هدایت می‌شوند : در این نوع موشک ، دستورات هدایت موشک از طریق یک دوربین الکترونیکی پیچیده که به سوی هدف نشانه روی می‌شود انجام می‌گیرد .

AWACS^{۱۴} (سیستم کنترل و اعلام خطر هوایی) - سیستم راداری است که روی هواپیما نصب می‌شود تا هواپیماهای دشمن را تشخیص داده و ردیابی نماید .

BDA^{۱۵} (ارزیابی میزان خسارت جنگ یا بمب) - بوسیله بازدید و شناسائی وضعیت دشمن و تجزیه و تحلیل موارد مشهوده ، میزان اثر حملات و خسارت وارده به دشمن تعیین می‌گردد .

Blister Agent (عامل تاول زا) - نوعی عامل شیمیائی است که موجب سوختگیهای شیمیائی پوست بدن می‌گردد . کاربرد ماسکهای ضد گاز و لباسهای محافظ مانع از اثرات سوء آن می‌شود .

Blood Agent (عامل خون) - نوعی عامل شیمیائی است که از راه تنفس عمل نموده ، موجب مرگ می‌شود که ماسکهای ضد گاز ، محافظت کافی را در مقابل آن فراهم می‌نماید .

CBR^{۱۶} (ش . م . ه) - به این سه نوع جنگ (شیمیایی ، میکروبی یا بیولوژیکی ، هسته ای یا رادیولوژیکی) که خصوصاً نیروهای نظامی درگیر آنها هستند، گاهی **ABC** (اتمی، بیولوژیکی ، شیمیایی) و گاهی نیز **NBC** (هسته ای ، بیولوژیکی ، شیمیایی) می‌گویند .

14 Airborne Warning and Control system

15 Battle (or Bomb) Damage Assessment

16 Chemical , Biological , Radiological

CEP^{۱۷} (دایره پراکندگی احتمالی اصابتها) - این اندازه گیری برای تعیین دقت اصابت موشکها، گلوله توپها و بمبها به هدف می باشد. شعاع این دایره بنحوی تعیین گردیده تا نیمی از گلوله های پرتابی به داخل آن اصابت نماید ، بطور مثال اگر CEP جنگ افزاری ۱۰۰ فوت باشد در هر حمله ای که باین جنگ افزار صورت گیرد ۵۰ درصد احتمال اصابت به داخل منطقه هدف (دایره ای به شعاع CEP) وجود خواهد داشت .

CFV^{۱۸} (خودرو رزمی سوارزری) - نوعی خودرو رزمی زرهی است که در شناسائیها و گشت زنیها مورد استفاده قرار می گیرد و گاهی به آن زره پوش نیز می گویند . ممکن است زره سنگین نیز داشته باشد ولی اغلب دارای زره سبک می باشد .

Chobham (زره چابهام) - نوعی زره مرکب تکمیل شده و توسعه یافته توسط انگلستان است که در ساختمان تانکهای (آبرامز ام - یک) بکار رفته است . (جهت توضیحات بیشتر به صفحه ۴۸ مراجعه شود) .

CLGP^{۱۹} (گلوله توپخانه هدایت شونده) - نوعی سلاح بالستیکی است که دارای پره ها و سیستم هدایت الکترونیکی پیچیده بوده ، به نحوی که گلوله مربوطه را تا رسیدن به هدف هدایت می نماید .

Collateral Damage (خسارت جانبی) - به هر گونه خسارات غیر عمدی ناشی از عملیات نظامی اطلاق می شود و اغلب در هر عملیات برای

17 Circular Error Probability

18 Cavalry Fighting Vehicle

19 Cannon - Launched Guided Projectile

پیش بینی میزان تلفات و مجروحین غیر نظامی مورد ملاحظه قرار می گیرد . این اصطلاح معنی وسیعتری نیز دارد بدین معنا که اگر خودروی حامل مهمات، مورد اصابت قرار گیرد و انفجارات ناشی از این اصابت موجب خساراتی در اطراف (مثلاً انهدام یک خودرو نظامی دیگر) شود ، به این خسارت نیز خسارت جانبی اطلاق می گردد .

Direct Fire (تیر مستقیم) - با جنگ افزارهای دارای تیر مستقیم به اهدافی شلیک می شود که توسط شلیک کننده قابل رؤیت باشد هر چند ممکن است گلوله تا رسیدن به هدف ، خط مستقیمی را طی ننماید . بعضی از جنگ افزارها قادرند هم تیر مستقیم و هم تیر منحنی اجرا نمایند(به تیر منحنی مراجعه شود) .

EW^{۲۰} (جنگ الکترونیکی = جنگال) - عبارتست از بکارگیری رادار و وسایل الکترونیکی بمنظور کشف و تشخیص و گمراه نمودن و یا مقابله با اقدامات دشمن .

FASCAM^{۲۱} (میدان مین پرتابی بوسیله گلوله توپخانه) - نوعی گلوله توپخانه است که حاوی تعدادی مین ضد تانک و یا ضد نفر می باشد و بمنظور احداث میدان مین تعبیلی با قبول حداقل خطر بکار می رود .

FLIR^{۲۲} (دوربین دید در شب مادون قرمز) - نوعی دوربین دید در شب و مادون قرمز است که در هواپیماها نصب شده و مورد بهره برداری قرار می گیرد بطوریکه در شب تصاویری با جزئیات دقیق تهیه می نماید. ساختمان این

20 Electronic Warfare

21 Field Artillery Scatterable Minefield

22 Forward - Looking Infra Red

دستگاه بر اساس دریافت تشعشع گرمایی اشیاء است و مشابه دستگاههای دید حرارتی می باشد .

Force Package (یگان مختلط پروازی) - گروه بندی موقت چندین فروندهوایما (گاهی در انواع مختلف) را گویند که بمنظور اجرای یک مأموریت ویژه انجام می شود .

HEAT^{۲۳} (گلوله سوختار شدید ضد تانک) - نوعی گلوله است که با سوختن دقیق خرج منفجره و ایجاد جریانی از فلز گداخته جهت نفوذ در زره ساخته شده است .

Heavy Forces (یگانهای سنگین) - به یگانهایی گفته می شود که از ترکیب تعدادی تانک ، یگانهای پیاده مکانیزه و توپخانه خود کششی تشکیل گردیده و دارای قدرت آتش انبوه و ویرانگری می باشند . مصرف سوخت و مهمات این یگانها و همچنین تلفات آنها نیز قابل توجه است .

ICM^{۲۴} (گلوله های زمانی پیشرفته) - نوعی گلوله توپخانه است که تعدادی نارنجک کوچک در آن قرار دارد و در فاصله ای معین و ثابت از زمین منفجر و نارنجکهای آن در منطقه وسیعی پخش می گردد . این نارنجکها هنگام تماس با سطح زمین ویا در ارتفاع ۱ تا ۳ متری (با تنظیم قبلی) منفجر می شود .

IFV^{۲۵} (خودرو رزمی پیاده نظام) - این نوع خودروها بمنظور حمل و نقل افراد پیاده در میدان نبرد و انجام پشتیبانی رزمی با اجرای آتش بوسیله

23 High Explosive Anti Tank

24 Improved Conventional Munitions

25 Infantry Fighting Vehicle

جنگ افزارهای ضد زره متعلق به خود بکار برده می‌شوند. (برادلی ام - ۲) ایالات متحده آمریکا و (بی ام پی) شوروی از این نوع خودرو می‌باشند.

Indirect Fire (تیر منحنی) - این نوع آتش بر علیه هدفهائی اجرا می‌شود که قابل رویت بوسیله شلیک کننده نبوده است و معمولاً بر اساس اطلاعات دریافتی از دیده بانهای مستقر در خطوط مقدم ، هواپیماها و خودروهای شناسائی اجرا می‌گردد. کلیه آتشیهای دور برد توپخانه ، تیر منحنی محسوب می‌شود.

MBT^{۲۶} (تانک اصلی رزم) - نوعی خودروی رزمی زرهی سنگین است که سلاح اصلی آن با کالیبر بالا می‌باشد و قادر است در اکثر عملیات گسترده و شدید شرکت نماید. در آمریکا به این نوع خودرو ((آبرامز))^{۲۷} گفته می‌شود.

Mechanized (مکانیزه) - به یگانهای پیاده ای که سوار بر نفربرهای زرهی یا خودروهای رزمی می‌باشند اطلاق می‌گردد. این نوع یگانها دارای قابلیت تحرک بیشتری هستند و قادرند جنگ افزارهای بیشتر و سنگین تری را حمل نموده ، قدرت ضربت بیشتری را نسبت به یگانهای پیاده غیر مکانیزه اعمال نمایند.

MLRS^{۲۸} (سیستم موشکی چند لوله ای خود کششی) - جنگ افزار است با قابلیت شلیک چند راکت بطور همزمان با نواخت سریعتر ، این نوع موشکها روی خودرو نصب می‌شوند و خودکشی نیز هستند.

26 Main Battle Tank

27 Abrams

28 Multiple - Launch Rocket System

MOS^{۲۹} (مشاغل تخصصی نظامی) - به زمینه های تجربی و آموزشهای مخصوصی که به سربازان ارائه می گردد گفته می شود . آموزشهای ارائه شده به سربازان در این مورد ، مربوط به سرباز پیاده یا خدمه تانک می باشد . برای سایر پرسنل از قبیل : مکانیک خودرو ، منشی و تکنیسین رادار ، آموزشهای تخصصی دیگری داده می شود . هزاران تخصص شغلی در ارتش وجود دارد .

Motorized (موتوریزه) - به یگانهای پیاده ای گفته می شود که سوار بر کامیونها و سایر خودروهای غیر زرهی باشند . مزیت عمده اینگونه یگانهای پیاده ، سرعت یا تحرک آنها می باشد .

MRL^{۳۰} (سیستم موشکی چند لوله ای کششی) - چنانچه سیستم موشکی چند لوله ای، کششی باشد، بجای MLRS از این عنوان استفاده می شود .

Nerve Agent (عامل اعصاب) - نوعی عامل شیمیائی است که سیستم عصبی را مورد حمله قرار داده ، از طریق پوست جذب می گردد . این عامل از کشنده ترین عوامل شیمیائی محسوب می شود زیرا تنها یک قطره آن ، هنگامی که از راه پوست جذب شود ، در مدت چند دقیقه منجر به مرگ خواهد شد . برای محافظت در برابر این عامل بایستی مجهز به ماسک و لباسهای کامل ضد گاز بود .

Platform (سکو) - یک اصطلاح معمول در نیروی دریایی است . کشتی یا زیر دریایی در حقیقت یک سکو برای نصب و پرتاب انواع جنگ افزارها بشمار می رود .

29 Military Occupational Specials

30 Multiple - Rocket Launcher

Republican Guards (گارد جمهوری) - به زبده ترین ، قابل

اعتماد ترین و مجهزترین نیروهای نظامی رژیم عراق گفته می شود .

RPV³¹ (هواپیمای بدون خلبان هدایت شونده) - هواپیمایی است

بدون خلبان و قابل کنترل از راه دور که دارای دوربین تلویزیونی است و بمنظور دیده بانی برای آتش توپخانه بکار می رود . این وسیله توسط یگانهای نیروی زمینی و ناو های جنگی ایالات متحده در جنگ خلیج مورد استفاده قرار گرفت .

SAM³² (موشک زمین به هوا) - موشکی است که بر علیه هواپیما

بکاربرده می شود و از زمین شلیک می گردد . این نوع موشک معمولاً دارای نوعی وسیله ردیابی جهت هدایت تا اصابت به هدف می باشد .

SAS³³ (یگان ویژه هواپرد) - معادل بریتانیایی آن ، نیروهای ویژه یا

مخصوص می باشد .

Special Forces (نیروهای مخصوص) - در اصطلاح غربی ها به

نیروهای کماندوئی سبک و منتخب جهت انجام مأموریت های ویژه و پنهانی گفته می شود . در ارتش عراق این نیروها به جنگ افزارهای سنگین نیز مجهز شده اند .

Sortie (پرواز) - به یک پرواز هواپیما یا هلیکوپتر گفته می شود .

31 Remotely Piloted Vehicle (RPV)

32 Surface to Air Missile (SAM)

33 special Air Service (SAS)

Sortie Rate (نواخت پرواز) - به تعداد پروازهایی که یک هواپیما

یا هلیکوپتر در یک روز انجام می‌دهد و یا به میانگین تعداد پروازهای هریک از آنها در یک نیرو گفته می‌شود.

SSM^{۳۴} (موشک زمین به زمین) - موشکی است که از روی زمین

بر علیه هدفهای زمینی پرتاب می‌گردد. این موشکها به دو نوع هدایت شونده و غیر هدایت شونده تقسیم می‌شوند.

Task Force (گروه رزمی) - تاسک فورس در نیروی زمینی به

گروه بندی موقت چند یگان مختلف با استعدادی در حدود گردان تقویت شده و در نیروی دریایی به گروه بندی موقت ناوهای مختلف که بمنظور اجرای مأموریتی خاص سازماندهی می‌شوند، اطلاق می‌گردد.

Theater (صحنه عملیات) - منطقه جغرافیایی است که یک جنگ

یا عملیات نظامی در محدوده آن به وقوع می‌پیوندد. در نبردهای محدود، صحنه عملیات به کل منطقه درگیری اطلاق می‌شود، در حالیکه ممکن است جنگهای عمده و گسترده در چندین صحنه عملیات بامشخصات جغرافیایی خاص جریان داشته باشد.

Thermal Sights (دوربین دید در شب حرارتی) - اساس ساختمان

این نوع دوربین طوری است که هدف با استفاده از حرارت تولید شده توسط آن حتی در تاریکی مطلق کشف می‌گردد.

Zulu (وقت گرینویچ) - بیست و چهار منطقه زمانی را در اطراف

کره زمین در نظر گرفته اند که با حروف ((الفبا)) مشخص گردیده است و در

عملیات نظامی جهانی برای مشخص ساختن زمان ، از زمان محاسبه شده بر مبنای گرینویچ که علامت استاندارد آن GMT یا Zulu است ، استفاده می شود .

فصل اول

نبرد نوین

دکترین های نظامی طرفین درگیر در جنگ خلیج فارس

نبرد هوایی - زمینی

دکترین : یکی از اصطلاحاتی است که بیشتر از آنچه درک می گردد ، مورد استفاده قرار می گیرد . منظور ما از دکترین ، مجموعه ای از اصول رهبری و روشهای خاصی است که بر مبنای آن ، یک ارتش برای نبرد هدایت می گردد . دکترین معمولاً اشاره به روشی دارد که بدان طریق ارتش فعالیتهای تاکتیکی و عملیاتی خود را هدایت می کند ، لذا یک ارتش ممکن است دکترین عملیاتی و نیز دکترین تاکتیکی داشته باشد . اصطلاحات نظامی جالبتری از قبیل استراتژی ، عملیات و تاکتیک هم وجود دارد که عمدتاً بیش از آنکه مفاهیم آنها درک شود بکار برده می شود . تفاوت در چیست ؟

استراتژی : عبارت است از تعیین اهداف سیاسی کشور بهنگام منازعه ، و در صورت درگیری نیروهای نظامی ، استراتژی به تعریف هدفهای کلیدی نظامی پرداخته و آنها را مشخص می نماید بطوری که تأمین آنها ، دسترسی به اهداف سیاسی را میسر می سازد .

عملیات : عبارتست از تعیین و اختصاص نیروهای مناسب بمنظور تأمین هدفهای نظامی معین ، و در طرح وظائف و اقداماتی که بایستی با کاربرد نیروها و بمنظور تأمین هدفها انجام شود ، مشخص می گردد .

تاکتیک : راههای دستیابی نیروها به اهداف تعیین شده در محدوده طرح کلی عملیاتی را ، تاکتیک می گویند .

بعنوان مثال : تحت فشار قرار دادن عراق بمنظور عقب نشینی از کویت و کاهش توان تهاجمی عراق ، استراتژی جنگ خلیج فارس بود و طرح عملیاتی براساس اجرای حمله توأم با غافلگیری در شرق و درگیری گسترده در غرب انجام می شد . لذا تجزیه نیروهای عراقی در صحنه عملیات کویت ، نهایتاً منجر به انهدام کامل آنها می شد . تاکتیک مورد استفاده عبارت بود از تدارک و بکارگیری توپخانه ، حملات هوائی ، حرکت سریع ستونهای تانک و اجرای عملیات نفوذی در خطوط پدافندی مستحکم صدام .

پیدایش نبرد هوایی - زمینی

از لحاظ تاریخی ، ایالات متحده از دکترین تاکتیکی متکی بر موضع و قدرت آتش پیروی می نماید . بدین معنی که به یگانهای دریائی و زمینی آموزش داده شده است که در موقع عملیات حداکثر استفاده را از زمین منطقه عملیات بعمل آورده ، با حداکثر قدرت آتش ، نیروهای دشمن را منهدم نمایند . گرچه فرماندهان نظامی ، تحرک یگانها را گوشزد می نمایند ، لیکن آموزش واقعی ، بر مانور نزدیک و قدرت آتش تأکید دارد .

از آنجائیکه ارتش ایالات متحده در دهه ۱۹۷۰ تهدید زمینی غیر اتمی از سوی شوروی در اروپا را جدی تلقی می نمود ، لذا نحوه و چگونگی نبرد متداول در ارتش سرخ را با دقت بیشتری مورد توجه و بررسی قرار داد . آنچه که در نظر اول موجب خرسندی و قوت قلب مقامات ارتش ایالات متحده گردید ، تاکتیک های یکنواخت و کلیشه ای بود که در ارتش سرخ اتخاذ می گردید . یگانها در وضعیت های متفاوت عملیات ، از روشهای یکنواخت و تکراری استفاده می نمودند ، بطوری که عکس العملها در رده های پائین قابل پیش بینی بود .

بکارگیری این تاکتیک غیر مؤثر در میدان نبرد به سهولت قادر به عقب راندن دشمن نبود ، درست همانطوری که در جنگ جهانی دوم در مقابل آلمانها روی داده بود . پیروزی ناشی از کاربرد سبک غربی از سوی ارتش اسرائیل در مقابل سبک شوروی ارتشهای عرب در جنگهای متعدد ، مؤید درستی این نظریه و دیدگاه می باشد .

در بررسی های دقیق تر ، به تناقضاتی نیز برخورد می شود . هرچه مطالب تاریخی مربوط به ارتش سرخ در جنگ جهانی دوم بیشتر مورد بررسی قرار می گیرد ، مشخص می شود که هرچند دکترین تاکتیکی شوروی ساده و خشک بوده ، دکترین عملیاتی آنها کارائی زیادی داشته و طرح ریزی های عملیاتی بسیار مؤثر و بگونه ای دهشت زانجام می گرفته است .

ایالات متحده هرگز تا بدان حد که شایسته بوده به دکترین عملیاتی توجه نداشت و تفاوت های اساسی ارتشها را به دو گروه وسیع تقسیم می نمود : ارتشهایی که از نظر عملیاتی ، فعالیت های عمده خود را صرف مانور می نمایند و ارتشهای که به قدرت آتش و مواضع - حفظ زمین - اهمیت می دهند . در دسته اخیر می توان ارتشهای بریتانیا ، ایالات متحده و اعراب را نام برد در حالیکه ارتشهای آلمان ، شوروی سابق و اسرائیل در زمره دسته نخست قرار می گیرند . به مرور زمان تجارب و درس هایی که از جنگ های اعراب و اسرائیل آموخته ایم ، کمتر از گذشته روش های جنگی ما را مورد تأیید قرار می دهند .

از زمانی که درک روزافزون و قابل تحسین از هنر عملیاتی شورویها در ارتش ایالات متحده ایجاد گردید ، فشار فزاینده ای بمنظور انجام تغییراتی اساسی در دکترین ارتش پدید آمده است . لذا اقدامی عمده و مؤثر از سوی فرماندهی

دکترین و آموزش ایالات متحده - ترادوک^۲ - زیرنظر ((ژنرال ون آ. استاری))^۳
بعمل آمد که دکترین نبرد هوایی - زمینی نامیده شد .

ویژگیهای مهم نبرد هوایی - زمینی

دکترین نبرد هوایی - زمینی دارای مشخصات بسیاری نسبت به دکترین متکی بر تحرک ، در ارتشهای سرخ ، آلمان و اسرائیل است ، در عین حال که این نوع نبرد ، مشخصات متعدد و منحصر بفرد خود را نیز داراست . مشخصات و ویژگیهای مهم بسیاری می توانند به ما در درک این مهم و بطور کلی جنگ متحرک کمک نمایند .

آفند : پیروزی در یک نبرد بدون آفند ممکن نیست . ناتوانی در اجرای آفند ، به دشمن اجازه می دهد که در مورد مکان و زمان نبرد تصمیم بگیرد . بدنبال پدافند موفقیت آمیز ، بایستی اقدام به آفند نمود ، در غیر اینصورت به دشمن این امکان داده می شود تا مجدداً حملات خود را آغاز نماید .

مانور: ارتشهایی که برای مواضع مناسب ، ارزش بیشتری قائل هستند ، آنقدر به حرکت ادامه می دهند تا مواضع بهتر را جهت انجام نبرد بیابند و سپس با قدرت آتش خود ، بعنوان منظور نهائی ، دشمن و حریف خود را منهدم می سازند . ارتشهای متحرک آنقدر به نبرد ادامه می دهند تا راهی یافته ، به مانور بپردازند ، این ارتشها حرکت نیروهای خود به پشت خطوط دشمن را عاملی در راستای ایجاد شکاف در مواضع نیروهای دشمن تلقی می نمایند .

^۲ US Training and Doctrine Command (TRADOC)

^۳ General Donn A. Starry

بعنوان مثال : حرکت سپاه هفتم و سپاه هیجدهم هوابرد متحدین در عمق و پشت نیروهای عراقی ، موجب شکاف بزرگی در نیروهای دشمن شد ، ضمن آنکه پیشروی آنها سبب ضایعاتی بر نیروهای عراقی گردید .

هدف : مهمترین هدف را که تضمین کننده نتیجه موفقیت آمیز نبرداست ، انتخاب نموده و تمام امکانات خود را روی آن متمرکز سازید . در اینجا تمرکز هم از نظر زمان است و هم از نظر مکان . حتی اگر حوزه جغرافیایی کلیه ضربه های اساسی متفاوت باشد ، بایستی ضربات تاحدمقدور بطور همزمان به دشمن وارد گردد . مفهوم دیگر از تمرکز اینست که توانائیهای ذهنی فرمانده و عناصر ستاد ، متمرکز و هماهنگ باشد . هدف درجنگ خلیج ، گارد ریاست جمهوری عراق بود که می بایست مورد آماج حملات قرار می گرفت .

فعالیت : "نفوذ به دایره تصمیمات دشمن " یکی از شعارهای دکترین نبرد هوائی - زمینی است . منظور از این عبارت چیست ؟

واقعیه ای روی می دهد ، فرمانده گزارش آنرا دریافت و با توجه به وضعیت ، تصمیم می گیرد ، سپس تصمیم خود را به پرسنل جمعی ابلاغ و آنها اجرا می نمایند . این یک دوره کامل تصمیم گیری است . تا زمانی که دستور فرمانده به پرسنل ابلاغ می شود ، طرف مقابل اقدام دیگری بنماید ، این دیگر ربطی به وضعیت در حال تغییر نخواهد داشت و این به معنی نفوذ به دایره تصمیمات دشمن است . روشی که یک نیرو برای نیل به این هدف اتخاذ می نماید ، نیاز به فعالیت مستمر و هدف دارد .

زمانیکه عملیاتی آغاز می گردد ، باید بدون وقفه و با تمام سرعت ادامه یابد تا کاملاً به اهداف تعیین شده دست یابد .

دکترین عراقی ها

آیا عراقی ها از دکترین شوروی استفاده نمودند ؟ شاید از دکترین تاکتیکی آنها پیروی نموده باشند ، اما به وضوح می توان گفت که دکترین عملیاتی شوروی را بکار نبردند . چگونگی عملکرد ارتش عراق در طی ۸ سال جنگ با ایران ثابت می نماید که ارتش عراق تنها به نبردهای موضعی اعتقاد داشته اند و در مورد اجرای مانور عملیاتی هیچگونه آمادگی نداشته اند . آهنگ عملیات یگانهای ارتش عراق بجز در یک یا دو مورد که وضعیت تحمیلی توسط ارتش سوم بر آنها بود ، بسیار کندتر و نامناسب تر اجرا گردید . حتی اگر سیستم کنترل و فرماندهی ارتش عراق دست نخورده باقی می ماند ، سرعت برق آسا و فشار متمرکز ارتش سوم موجب متلاشی شدن مراکز حساس سیستم کنترل و فرماندهی می گردید .

ایوان^۴ چگونه آنرا انجام می داد ؟

پاسخ کلاسیک شوروی (سابق) به وضعیت موجود در صحنه عملیات کویت ، با توجه به درک و برداشت روسها از نبرد متحرک ، بشرح زیر خواهد بود :

نیروهای جبهه^۵ متحدین با مواضع عمده و مستحکم عراق مواجه خواهند شد ، دشمنی که نیروهای مسلح مختلط ، بخصوص پیاده نظام و توپخانه را جهت درگیری وزمین گیرکردن نیروهای مقابل بکار می برد . جبهه متحدین ، یک گروه

ایوان نام روسی است که ظاهراً به جای کلمه شوروی بکار رفته Ivan^۴ است .

نیروهای جبهه بالاترین رده یگانهای شوروی است Front Forces^۵

مانور عملیاتی^۶ را با استفاده از یک لشکر همراه با تجهیزات زرهی و هجومی هوایی اضافی و تقویت شده، تشکیل می دهد.

گروه مانور عملیاتی، در قسمتی از جبهه که با مقاومت سبکتر دشمن روبروست نفوذ نموده و در صورت امکان از تماس با دشمن پرهیز و به سرعت به عمق عقبه دشمن هجوم برده، موجب اختلال و انهدام در مراکز فرماندهی و مواضع توپخانه و یگانهای احتیاط می گردد.

هنگامی که نیروهای پیاده دشمن متوقف می شوند، نیروهای احتیاط او وارد عمل می گردند. ارتش تانک نیروهای جبهه در قسمتی از خط که پیش بینی می شود امکان نفوذ باشد، ترجیحاً از جناح - ضربه خود را وارد می نمایند. این ارتش تانک، گروه مانور عملیاتی را دنبال نموده و از دو طرف دشمن، ضربات قطعی را بر مراکز حساس و عمده قوای او وارد می سازند.

تیپ هجوم هوایی جبهه به اضافه عناصری از ارتش تانک، پیشاپیش ارتش تانک به جبهه دشمن رخنه کرده، نقاط حساس را در پشت جبهه وی تصرف و راههای فرار او را قطع خواهند نمود.

یگانهای سبک و واحدهای شناسائی و هوانیروز، جناحها را پوشانده و از مداخله دشمن در مقابل نفوذ ارتش تانک جلوگیری خواهند نمود.

اگر سپاه هفتم متحدین را معادل ارتش تانک شوروی تلقی نمائیم، نیروی پوششی و زرهی سبک لشکر ششم فرانسه، لشکر ۱۰۱ هجوم هوایی، گروه مانور عملیاتی یا لشکر ۲۴ مکانیزه و سایر یگانهای دریایی و نیروهای مسلح مختلط، سازمان رزم طرح حمله فرماندهی مرکزی^۷ را تشکیل

^۶ Operational Maneuver Group (OMG)

^۷ Central Commands plan of Attack

اصابت به هدف

توپخانه با آتش مستقیم

از آنجائیکه تانکها مرگبارترین سیستم رزم نزدیک درمیادین نبرد نوین می باشند، لذا ارتشها تلاش بسیاری را جهت از کار انداختن تانکهای دشمن معمول می دارند .

سه سیستم عمده جنگ افزار وجود دارد که در رزم نزدیک با تانکها ، مورد استفاده قرار می گیرد :

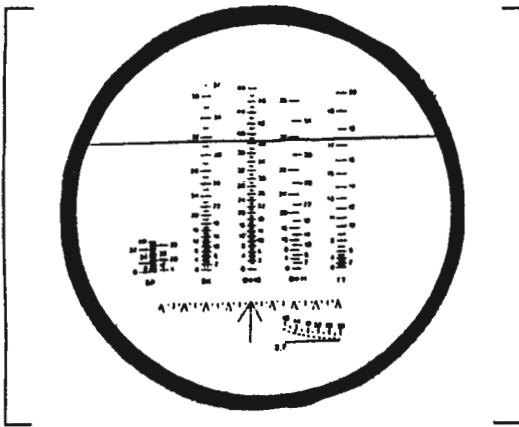
۱. توپهای با نواخت تیر (سرعت) زیاد که معمولاً بر روی تانکهای خودی نصب می گردد.
 ۲. موشکهای هدایت شونده ضد تانک .
 ۳. راکتهای ضد تانک غیر هدایت شونده که توسط افراد پیاده حمل می گردد .
- نخسین گام در جهت انهدام یک تانک با استفاده از هر یک از جنگ افزارهای فوق الذکر ، زدن تانک می باشد .

توپ تانکها

زدن تانک دشمن با توپ تانک خودی به عوامل متغیر پیچیده ای بستگی دارد ، بطوریکه توپچی باید جهت موفقیت در اصابت گلوله پاسخ و راه حلی برای هر یک از این عوامل بیابد .

روش قدیمی - در تانکهای که مجهز به دوربین چشمی می باشند،

توپچی به روش مرسوم در زمان جنگ جهانی دوم ، با تانکهای دشمن درگیر می شود . برای حصول اطمینان از اصابت به هدف ، توپچی باید مواردی را بشرح زیر رعایت نماید :



تصویر فوق نشانگر دوربین چشمی یک تانک با مسافت یاب چشمی می باشد .

(تی ۵۵ یا تی ۶۲) .

۱ . مسافت : هر چه هدف دورتر باشد سر توپ باید بالاتر باشد تا بتواند

آنها مورد اصابت قرار دهد . لذا توپچی باید

دقیقاً و یا تقریباً بداند که هدف در چه مسافتی

است تا بتواند زاویه تیر توپ را تعیین نماید .

در قسمت سمت راست و پائین تصویر

دوربین ، تار موئی مدرج با فواصل ۲۰۰ متری

وجود دارد که از ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ متر

درجه بندی شده است . توپچی لوله توپ را به

نحوی تنظیم و بالا و پائین می برد تا قسمت

پائین هدف با خط تار موی مدرج منطبق گردد

و خط برجک تانک نیز با خط مورب بالا تماس

حاصل نماید که این عمل مسافت را تا

۲۰۰ متر تقریب نشان می دهد . عدد ۲/۷ نیز

نشانگر ارتفاع هدف می باشد (ارتفاع یک تانک غربی). اگر ارتفاع تانک کمتر از آن باشد (مانند تانک ام - ۱ - آ - ۱) یا بخشی از آن مخفی باشد و یا بین خطوط مدرج قرار گیرد توپچی از حدس خود استفاده می کند.

۲. مهمات : انواع مختلف مهماتی که از یک توپ شلیک می شود دارای ویژگیهای بالیستیکی مختلفی می باشد؛ لذا بستن درجه برد صحیح APFSOS (بدون در نظر گرفتن نوع مهمات) موجب خواهد شد تا برخی گلوله ها مانند محترقه شدید ضد تانک، که سرعت اولیه کمتری دارد ، نرسیده به هدف سقوط نماید .

توپچی باید خط مسافت یاب - که از چپ تا راست دوربین حرکت می نماید - را روی قسمت مدرج مربوط به نوع مهماتی که توسط تانک شلیک می شود، با توجه عدد مسافت قرار دهد. محل تقاطع خط مسافت یاب و امتداد فلشی که در قسمت پایین دوربین قرار دارد نقطه نشانه روی توپچی را مشخص می نماید . حال توپچی با بالا و پائین بردن لوله توپ و حرکت در سمت برجک تانک ، هدف را روی نقطه نشانه قرار می دهد .

۳. حرکت تانک^۸: اگر تانک در حال حرکت باشد توپچی

باید در حین شلیک گلوله، سمت حرکت تانک را مورد توجه قرار دهد، سرعت را تخمین بزند و توپ را به چپ و راست حرکت دهد تا جبران حرکت تانک گردد.

۴. زاویه میل توپ^۹: اگر توپچی مسافت تا هدف را بداند به

سادگی لوله توپ را به میزان معینی بالا برده، شلیک می‌کند. حال اگر تانک به یک پهلو متمایل باشد، بالا بردن لوله توپ موجب ازدیاد زاویه تیر نمی‌گردد و لذا گلوله درست اصابت نمی‌کند. اگر تانک در شیب راست یا چپ باشد - خدمه تانک در صورت پیدا کردن زمین کاملاً مسطح خوش شانس خواهد بود - توپچی باید به طریقی انحراف توپ از هدف را جبران نماید و کمی بالاتر، در سمت مخالف انحراف لوله هدف گیری نماید، که در این مورد از حدس خود بهره می‌جوید.

۵. باد جانبی^{۱۰}: این بادهای هنگام شلیک گلوله به هدفهای

نزدیک، مشکل بزرگی ایجاد نمی‌کند، ولی در مسافتهای زیاد اهمیت بیشتری می‌یابد.

⁸ Lead

⁹ Cant

¹⁰ Crosswind

گلوله های جدید ضدتانک که دارای پره و سرعت زیاد هستند بطور مشخصی نسبت به بادهای جانبی حساس می باشند .

بادجانبی به کلیه قسمت های گلوله شلیک شده از تفنگ خان دار فشار یکسانی وارد می نماید ، در نتیجه گلوله را کمی به پهلو می راند اما تغییری در مسیر آن نمی دهد . اما در گلوله های پره دار ، این گونه بادهای قسمت انتهایی گلوله را بیشتر از قسمت جلویی آن تحت تأثیر قرار می دهند بطوریکه عملاً گلوله را از مسیر خود می لغزاند و بجای هدایت در جهت باد ، آنرا به سمت خلاف جهت حرکت باد می چرخاند .

زدن هدف از فاصله دور بسیار مشکل است زیرا تشخیص سرعت و جهت حرکت باد در حین زدن دکمه شلیک ، تقریباً غیر ممکن است ، مگر اینکه توپچی بتواند دقیقاً میزان تأثیر بادهای جانبی را اندازه بگیرد .

۶. خمیدگی لوله^{۱۱} : بر مبنای دستگاه نشانه روی توپ و فرض بر آن است که لوله مستقیم است و یا حداقل در حد متعارف انحناء قرار دارد .

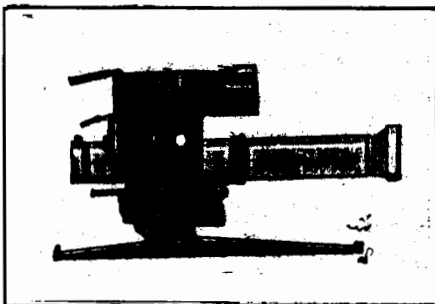
^{۱۱} Barrel Droop

بهر جهت در حین عملیات ، شلیکهای مکرر توپ باعث داغ شدن لوله می گردد و متعاقب این امر لوله شروع به خمیدگی می نماید . این موضوع در مناطق دارای آب و هوای گرم یک مسأله ایجاد می نماید . بدین سان که آفتاب ، بالای لوله توپ را بیشتر از قسمت پائین آن که در معرض سایه است داغ می سازد و در نتیجه موجب خمیدگی لوله می گردد . در این حالت خصوصیات بالستیکی توپ کمی تغییر می کند که لازم است توپچی با اقداماتی آن را جبران نماید در غیر این صورت گلوله ها قبل از هدف ، و پائین تر اصابت خواهند نمود . لذا توپچی باید لوله را اندکی بالا برده و دوباره شلیک نماید .

۷ . فرسودگی لوله^{۱۲} : هرچه توپ بیشتر شلیک نماید و یا از عمر آن بگذرد ، لوله اش بیشتر فرسوده می گردد و این امر در خصوصیات بالستیکی گلوله شلیک شده از تانک ، تأثیر می گذارد و بایستی همان روش مذکور در مبحث خمیدگی لوله - جهت جبران این نقیصه - رعایت شود .

¹² Barrel Wear

راه حل جدید : در تانکی که مجهز به مسافت یاب لیزری و سیستم بالستیکی کامپیوتری می باشد کار توپچی بسیار راحت تر است بدین معنی که او با فشار یک دگمه روی کامپیوتر، نوع مهمات را انتخاب و هدف گیری می نماید و سپس مسافت یاب لیزری را به کار می اندازد . این مسافت یاب فاصله تا هدف را دقیقاً و یا با چند متر اختلاف اندازه گیری می نماید . بعد کامپیوتر میزان زاویه تیرتوپ را با توجه به نوع مهمات ، زاویه میل توپ ، خمیدگی لوله ، فرسودگی لوله و سرعت باد (با بادسنج مستقر روی برجک) محاسبه نموده ، حرکت توپ را در سمت و برد تنظیم می نماید و این در حالی است که دستگاه نشانه روی توپ بر روی هدف ثابت می ماند . در مواقعی که توپ به درستی مستقر شده باشد توپچی شلیک می نماید و در اغلب موارد هدف را مورد اصابت قرار می دهد.



موشکهای هدایت شونده ضد تانک

برای نصب یک توپ با کالیبر بالا و نواخت زیاد، نیاز به خودرویی بسیار سنگین می‌باشد تا بتواند عقب نشینی شدیدلوله را تحمل نماید. سلاح انتخابی برای نصب روی خودروهای سبک، موشک ضد تانک می‌باشد.

موشک عقب نشینی ندارد، چون موتور مربوطه، موشک را از داخل لوله (یا از روی ریل) بسوی هدف پرتاب می‌کند. خدمه، موشک را به طرف هدف حتی در مسافت زیاد و بطور دقیق هدایت می‌نمایند.

اغلب موشکها بوسیله سیم هدایت می‌شوند، بدین معنی که موشک بوسیله یک سیم نازک به سکوی پرتاب^{۱۳} متصل می‌باشد و هر چه موشک به جلو می‌رود، سیم باز می‌شود.

موشکهای محدودی هستند که فرامین هدایت خود را بوسیله امواج رادیویی، لیزر و یا اشعه مادون قرمز از سکوی پرتاب دریافت می‌نمایند.

موشک هل فایر^{۱۴} (آتش جهنم) که از هلیکوپترهای تهاجمی ((آپاچی))^{۱۵} ایالات متحده آمریکا شلیک می‌شود بوسیله بازتاب اشعه لیزر بسوی هدف هدایت می‌شود. هدف را می‌توان بوسیله هلیکوپترهای هجومی یا شناسائی تعیین و انتخاب نمود.

راکت اندازهای ضد تانک

حمل اغلب موشکها توسط افراد پیاده به علت سنگینی، بسیار مشکل است.

^{۱۳} Launcher

^{۱۴} Hellfire

^{۱۵} Apache

افراد پیاده در موقع دفاع نزدیک بر علیه ادوات زرهی دشمن ، راکت انداز ضد تانک را حمل و مورد استفاده قرار می‌دهند . این سلاحها ، راکت غیرهدایت شونده شلیک می‌کنند . لذا سرباز پیاده بایستی تانک دشمن را هدف قرار دهد؛ او با همان مشکلاتی که یک توپچی تانک دارد ، مواجه می‌باشد ، با این تفاوت که هیچگونه ابزار و وسایل کمکی تکنیکی در اختیار ندارد . این خدمه راکت اندازها مانند موشکها ، راکتهائی را پرتاب می‌کنند که دارای سرعت کم و محترقه شدید ضد تانک می‌باشد .

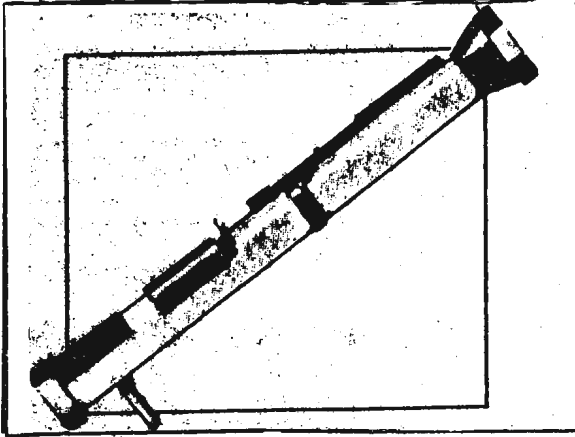
بطور کلی دو نوع راکت انداز ضد تانک وجود دارد :

راکت اندازهای یکبارمصرف و راکت اندازهای قابل گلوله گذاری مجدد
راکت اندازهای نوع اخیر از جمله ((آر پی جی ۷)) و ((کارل گوستاو))^{۱۶} خودشان سنگین هستند ولی گلوله هایشان سبکتر می‌باشد . این راکت اندازها نسبت به نوع یکبارمصرف ، دقیق ترند . راکت اندازهای نوع اول مانند ((لاو ۸۰))^{۱۷} و ((آتی ۴))^{۱۸} برای توزیع و واگذاری به تعداد زیادی از سربازان مناسب ترند . هر دو نوع راکت اندازها دارای برد کمی بوده ولی در مناطق شهرها و یا مواضع مستحکم مرگبار می‌باشند .

^{۱۶} Carl Gustav

^{۱۷} LAW - 80

^{۱۸} AT - 4



قدرت نفوذ گلوله در زره

تانکها و سایر خودروهای زرهی برای حفاظت در مقابل سلاحهای دشمن از زره استفاده می کنند. اکثر نفربرهای زرهی دارای زره بسیار سبکی هستند که فقط به منظور حفاظت در مقابل گلوله های جنگ افزارهای سبک و ترکشهای توپخانه دشمن تهیه شده اند اما تانکها دارای زرهی به مراتب ضخیم تر هستند تا بتوانند در مقابل بعضی یا تمام سلاحهای ضد تانک مقاومت نمایند.

در صفحات بعدی لیستی از تانکهای عمده و اصلی و همچنین سایر خودروهای زرهی که در مدت جنگ بکار گرفته شده اند، همراه با میزان حفاظت زرهی آنها ارائه می گردد. در تمام موارد مقدار بیان شده، تخمینی از میانگین حفاظت زرهی قسمت جلویی خودروهای زرهی می باشد.

قسمت جلوی خودروها بیشتر از سایر قسمتها در معرض آتشیهای دشمن قرار دارد. زیرا زره سنگین در تمام قسمتهای خودرو موجب سنگینی بیشتر از حد آن می‌گردد. لذا همیشه در دوطرف و عقب تانکها از زره سبکتری استفاده می‌شود. سلاحهایی که قادر نیستند در زره جلویی تانک نفوذ کنند برای دوجناح و عقب تانکها می‌توانند مؤثر باشند ولی اقدام به این امر بسیار خطرناک و مشکل می‌باشد.

تمام زره های مذکور در لیست، سخت تر از زره های معادل منظور شده است. واژه «معادل» در اینجا مهم است چون اغلب تانکها دارای زرهی به مراتب کمتر از آنچه نشان داده شده می‌باشند. به هر جهت زره تانک ها را طوری می سازند که دارای زوایایی باشند تا در مقابل گلوله های دشمن مقاومت عمل نمایند. زوایای بیشتر در سطح زره، شانس انحراف گلوله های دشمن را افزایش می دهد. قابل ذکر است که هرگونه زاویه دار کردن زره موجب کاهش آسیب پذیری زره و جبران نازکی آن در مقابل گلوله ها - که ممکن است بدون داشتن زاویه، زره را سوراخ کنند - خواهد شد.

با یک حساب سر انگشتی، اگر سطح زره، زاویه ۳۰ درجه نسبت به خط قائم داشته باشد، ۵۰ درصد بیشتر در مقابل گلوله ها مقاومت خواهد داشت و اگر این زاویه ۶۰ درجه شود، انحراف گلوله ها نیز دو برابر بیشتر از حالت قبل می گردد.

متذکر می گردد که برای بعضی تانکها دو نوع ضخامت زره نشان داده شده است: یکی برای گلوله های معمولی و دیگری که ضخیمتر است برای گلوله های محترقه شدید ضد تانک. این تانکها یا دارای زره چاهام هستند و یا زره واکنشی.

زره چابهام (CHOBHAM) - این نوع زره در صنایع نظامی چابهام

بریتانیا از نظر ساخت ، توسعه و تکامل یافته ، لذا این نام را گرفته است . این زره یک ترکیب منحصر بفرد از بلوکهای سرامیکی است که در داخل بخشی از جنس ((صمغ)) و در بین صفحات زره معمولی قرار دارد ، این نوع زره ها در مقابل توپهای معمولی تانکها خیلی مقاوم است . اما در مقابل گلوله های محترقه شدید ضد تانک - راکت های شلیک شده از جنگ افزارهای ضد تانک و افراد پیاده و یا موشکهای هدایت شونده ضد تانک - فوق العاده آسیب پذیر می باشند .

زره بکار رفته در تانکهای آمریکایی ، با زره چابهام انگلیسی تفاوت چندانی ندارد و در مقابل گلوله های محترقه شدید ضد تانک مقاوم تر می باشد ولی از نظر ساخت ، از همان اصول پیروی می کند :

الف . فولاد معمولی در قسمتهای خارجی و داخلی زره

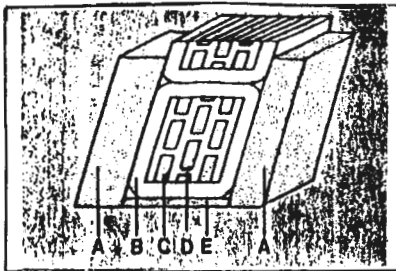
ب . پوشش آلومینیومی یا پلاستیکی در قسمت داخلی زره

پ . بلوکهای سرامیکی

ت . چسب مخصوص یا اپوکسی (Epoxy)

ث . صفحه های فولادی اضافی و نگهدارنده بلوکها در محل مربوطه

(در بعضی مدلها بلوکها را با پیچ محکم می نمایند)



نحوه عمل گلوله های ضد تانک

گلوله های ضد تانک دارای انواع مختلفی هستند ولی دو نوع آن نسبت به بقیه برتری دارد :

الف . گلوله های ضد زره پره دار با خرج موشکی جدا شونده^{۱۹}

ب . گلوله های محترقه شدید ضد تانک

گلوله های نوع الف ، بوسیله توپهای خان دار و بی خان شلیک می شود و دارای یک قسمت پره دار نفوذ کننده در زره است که بشکل پیکان با دو یا سه قطعه خرج موشکی - SAY BOW - می باشد و مثل آلومینیوم سبک وزن است . سبکی وزن گلوله بدین معنی است که پودر خرج ، باعث هرچه زودتر رسیدن گلوله به سرعت فوق العاده زیاد می شود . پس از ترک گلوله از لوله توپ ، خرج موشکی از آن جدا شده و می افتد در حالی که قسمت نفوذ کننده به زره هدف برخورد نموده ، آن را سوراخ می کند .

گلوله های نوع ((ب)) را می توان با توپ پرتاب کرد ، اما آنها را بعنوان راکتهای سبک و یا موشکهای هدایت شونده با سیم نیز می توان بکار برد . این نوع گلوله جهت تولید انرژی مورد نیاز خود ، به سرعت موشک متکی نبوده و با برخورد به هدف منفجر می گردد .

قسمت منفجره گلوله های نوع ((ب)) دارای ((خرج گود)) می باشند که انفجار را به سمت جلو هدایت می کنند . جریانی از فلزات مذاب ، مسیر خود را سوزانده ، بجلو می رود و درست مانند نفوذ کننده قوی گلوله نوع الف عمل می کند .

^{۱۹} Armor- Piercing Fin- Stabilized Discarding Sabot
(APFSDS)

برای مدتی طولانی چنین تصور می‌شد که گلوله های نوع ب با سوزاندن و ذوب مسیر خود در زره به جلو می‌رود ، اما اکنون مهندسين ثابت کرده اند که معادلات حرکت سیالات همچنانکه در مورد نفوذ گلوله های نوع الف تشریح شد برای گلوله های نوع ب نیز صدق می‌کند .

مزیت گلوله های نوع ((ب)) اینست که به سرعت زیاد نیاز ندارد از این رو به سیستم توپی که چنان سرعت زیادی را تولید می‌کند، محتاج نیست . افراد پیاده نظام قادر به حمل توپ تانکها نمی‌باشند ولی آنها می‌توانند یک راکت انداز کم سرعت با گلوله محترقه شدید را براحتی جابجا نمایند . بطریق مشابه ، موشکهای هدایت شونده با سیم ، به نفرات پیاده و خودروهای سبک توانایی استفاده از موشکهای ضد تانک با برد بلند را می‌دهند . نقطه ضعف گلوله های نوع ب اینست که نیروی سوراخ کنندگی آنها به آسانی تحلیل رفته ، توانائی نفوذ در زره و انهدام هدف کاهش می‌یابد . دو وسیله عمده جهت ایجاد این نقطه ضعف عبارتند از: زره چابهام و زره واکنشی .

زره واکنشی (Reactive Armor)

این نوع زره از نظر اصول ساخت ، بی نهایت ساده است . بدین معنی که شامل تعدادی بلوک یا قطعه های منفجرشونده است که در قسمت خارجی خودروهای زرهی تعبیه شده اند و در صورت اصابت گلوله های با انرژی زیاد دشمن منفجر می‌گردد - حد اقل از لحاظ تثوریک این بلوکها به نحوی طراحی شده است که با آتش تیربارمنفجر نمی‌شود - گرچه این زره در مقابل گلوله های معمولی ضدزره تأثیر پذیری کمتری دارد ولی در مقابل گلوله های محترقه شدید

ضد تانک بسیار خوب عمل می‌کند، زیرا با ضعیف نمودن قدرت سوراخ کنندگی گلوله، موجب کاهش نفوذ آن در زره می‌گردد.

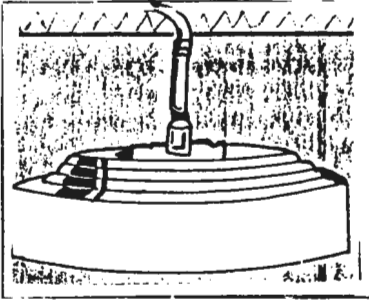
در حالیکه بررسی و مطالعه نحوه عمل فیزیکی زره واکنشی هم اکنون نیز ادامه دارد، نزدیکترین بیان و تعریف مکانیسم عمل، اینست که انفجار یک بلوک، موجب پرت شدن صفحه رویی بلوک تحت زاویه ای به اطراف می‌گردد. در حالیکه گلوله در حال سوراخ کردن و عبور از آنست از این رو مقدار قابل توجهی از مواد نفوذ کننده نیز به اطراف پخش می‌شود.

اولین ارتشی که این نوع زره را بکار گرفت ارتش رژیم صهیونیستی بود که در لبنان آنرا مورد استفاده قرار داد، و این بدین خاطر بود که تانکهای آنها مجبور بودند وارد مناطق مسکونی لبنان شوند و در این حال تیمهای ضد تانک لبنان به راحتی می‌توانستند به آنها نزدیک شده، با راکت اندازهای دستی خود، آنها را مورد اصابت قرار دهند.

ارتش شوروی - سابق - بلافاصله با تقلید از صهیونیستها، تلاش گسترده ای را معمول داشت تا این نوع زره را بر روی تانکهای یگانهای خود در اروپا قرار دهد. در نتیجه می‌توانست با موشکهای برتر ضد تانک ناتو، مقابله نماید. زره واکنشی ساخت شوروی که احتمالاً نحوه عمل بخصوصی دارد، گمان می‌رود تا حدود ۲۵۰ میلیمتر محافظت زرهی برای تانکها در مقابل نفوذ انواع گلوله های محترقه شدید ضد تانک ایجاد نماید.

خوشبختانه اینطور بنظر می‌رسد که زره واکنشی قبل از تحریم نظامی عراق به آن کشور تحویل نشده باشد و هیچ تانک عراقی نیز به این نوع زره یا وسایل نصب آن مجهز نباشد. تنها تانکهای ((ام ۶۰)) تفنگداران دریائی آمریکا می‌باشند که این نوع زره بودند، تانکهای ((ام ۶۰)) تفنگداران دریائی آمریکا می‌باشند که اغلب در حین پخش اخبار تلویزیونی، صفحات بزرگ و بآسانی قابل تشخیص

بلوکهای زره واکنشی آنها در قسمت برجک و قسمت جلو شاسی تانک نشان داده شده اند .



مینهای ضد تانک

گرچه مأموریت اصلی جنگ افزارهای ضدتانک ، نفوذ در زره و انهدام تانکها می باشد ولی آنچه حقیقتاً ضروری است ، از حرکت بازداشتن تانکهاست ، که بدین منظور کاربرد مینها در سطح عالی می باشد .

عراقی ها بسیاری از آنها را در جنگ اخیر - که ((خط صدام)) نامیده شد - بکار بردند .

مین از یک خرج منفجره و چاشنی تشکیل شده است . چاشنی ها ممکن است مغناطیسی و یا با استفاده از فرمان دور و یا یکی از انواع مرموز و عجیب و غریب آن باشد ، ولی متداول ترین آن چاشنی ساده فشاری است . هنگامیکه تانک روی زمین قرار می گیرد مین منفجر شده ، حداقل موجب پاره شدن شنی می شود .

با وجودی که مهندسین نیروهای متحدین اقدامات خوبی را در رابطه با خشی نمودن مینهای عراقی نمودند، مینهای ضد تانک عراقی ، تعدادی از تانکهای مصری را که به خط مقدم و استحکامات عراقی ها رسیده بودازکار انداخت تعداد تانکهای متحدین که بوسیله مینها از کار افتادند مساوی یا کمی بیشتر از تانکهایی بود که بوسیله جنگ افزار تانکهای عراقی منهدم شدند .

عملیات مهندسی

ایجاد معبر و عبور از موانع

مهندسان رزمی، افرادی هستند که در برداشتن موانع تخصص دارند. موانع گاهی طبیعی و گاهی مصنوعی می‌باشد. گاهی موانع عبارتست از عدم وجود یک ساختمان یا ساختاری مانند پل یا جاده و گاهی اوقات عبارتست از وجود قیفهای انفجاری، میدین مین و یا خندق. در تمام این موارد مهندسان وظیفه دارند سربازان را از میان موانع عبور داده، ادامه حرکت آنان را میسر سازند.

وظایف ساختمانی

شبه جزیره عربستان دارای سکنه بسیار اندکی است، در نتیجه جاده‌ها و ساختمانهای موجود بصورت پراکنده است و زیر سازی جاده‌ها نیز سطحی می‌باشد. اگرچه در سالهای قبل از جنگ خلیج فارس دیده شده است که پایگاههای هوایی بسیاری ساخته شده ولی هنوز نیازهایی جهت احداث باند فرودگاه و پناهگاه وجود دارد. سربازانی هستند که فاقد آسایشگاه می‌باشند. هرچند این سربازان مدتی را می‌توانند در چادرها سپری نمایند، اما در مدت طولانی این امر به بهداشت و روحیه آنان لطمه وارد خواهد ساخت.

وظایف عمده ای که مهندسين در صحنه عملیات کویت با آن مواجه هستند، انجام کارهای ساختمانی زیر بنائی می‌باشد که به نحوی با کمبودهای فوق مرتبط است. جاده‌ها، پایگاههای هوایی و سربازخانه‌ها آن هم به تعداد زیاد، مورد نیاز می‌باشد. تعمیر و نگهداری جاده‌های موجود نیز اهمیت داشته است و نیازهای عمده ای چون جابجائی سربازان و تدارکات سنگین،

بایستی از طریق چند جادهٔ محدود و در دسترس رفع ، گردد . این بدان معنی بود که جاده ها با تراکم عبور و مرور مستمر مواجه بودند . همانگونه که جاده سازی در جنگ اهمیت دارد، طبیعی است که عملیات پشتیبانی رزمی نیز از همان اهمیت برخوردار می باشد . مهندسان رزمی علاوه بر آنکه مجهز به وسایل مورد نیاز ساختمانی هستند، دارای انواع خودروها و وسایل مناسب جهت نفوذ در موانع دشمن و پاکسازی آنها می باشند . یکی از بارزترین این وسایل بولدوزر است . بولدوزرها بطور گسترده جهت ایجاد معبر در خاکریزهای ماسه ای و در طول مرز - خط مقدم - بکار می روند . گاهی اوقات این بولدوزرها بصورت «تانک بولدوزر»^{۲۰} ویژه تجهیز می شدند ولی در اغلب موارد بصورت استاندارد و غیر مسلح بودند .

تفنگداران دریائی آمریکا و سربازان فرماندهی نیروهای مشترک که مأمور درهم شکستن خط دفاعی صدام بودند، توجه خاصی به میادین مین داشتند و از وسایل مختلف بمنظور ایجاد معبر در میادین مین استفاده می نمودند ؛ یکی از متداول ترین این وسایل ، مین کوب بود که در قسمت جلوی تانکهای استاندارد نصب می شد و اینها کمی قبل از حمله ، درست مانند ماشینهای شخم زنی که در فیلمهای ویدئویی نشان داده می شد بودند . وقتی مین کوب پائین آورده شود ، تیغه های آن به داخل زمین و به زیر مینها رفته ، مینها را بیرون آورده ، به کناره های تانک هدایت می کند . بطوریکه اگر مین منفجر شود، فاصله آنقدر است که به تانک آسیبی نرسد .

دومین وسیله مهم دیگر، جهت ایجاد معابر ((خط خرج منفجره))^{۲۱} می باشد و عبارتست از راکتی که به یک لوله خرطوم‌می‌حاوی مواد منفجره متصل است. این موشک پس از شلیک به پرواز در آمده، لوله را به دنبال خود می‌کشد و وقتی لوله بالای میدان مین قرار می‌گیرد، مهندسان آنرا منفجر نموده، بدین وسیله کلیه مینهای واقع در زیر لوله، منفجر می‌شود و معبری که برای عبور سربازان و تانکها کافی باشد، پاکسازی می‌گردد.

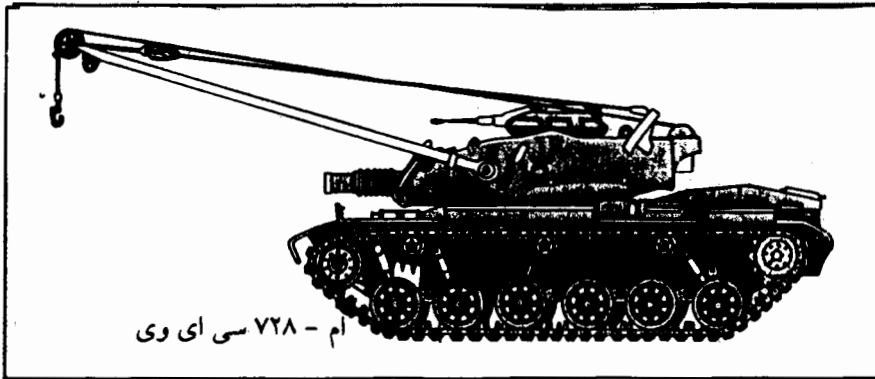
((سوخت قابل انفجار هوایی))^{۲۲} نیز وسیله دیگری است که جهت پاکسازی و ایجاد معبر در میادین مین مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش، سوخت از هوا پاشیده می‌شود و مقدار زیادی سوخت را در محوطه بالای هدف تخلیه می‌کند و وقتی که این سوخت بصورت مخلوطی از گاز و هوا در منطقه هدف پراکنده شد، یک چاشنی با ماسوره تأخیری که بوسیله چتر در هوا معلق می‌باشد منفجر شده، انفجار عظیمی را پدید می‌آورد و فشار بیش از حد وارد بر روی زمین، مینهای واقع در منطقه وسیعی را منفجر می‌نماید.

خودروهای ویژه پل سازی - تانکهای اصلاح شده حامل پل های قیچی شکل - جهت ایجاد خندقهای عرضی و شیارهای ضد تانک بکار برده می‌شوند. ((خودروهای مهندسی رزمی ویژه))^{۲۳} غالباً مجهز به جرثقیلهای سنگین و توپهای تخریب با برد کوتاه و کالیبر بزرگ می‌باشند. هر مانعی را که نتوان بوسیله جرثقیل از سر راه برداشت توسط توپ منفجر و تخریب شده و از مسیر برداشته می‌شود.

²¹ Explosive Line Charge

²² Fuel Air Explosive (FAE)

²³ Combat Engineer Vehicle (CEV)



خط دفاعی صدام^{۲۴}

عراقی ها متقاعد شده بودند که از ناحیه جنوب و مرز کویت با حمله توسط نیروهای ائتلاف یا متحدین مواجه خواهند شد. لذا اقدام به ساختن سیستم استحکاماتی نمودند که به ((خط صدام)) موسوم شد. اگرچه استحکامات همیشه با همان دقت و ترتیبی که در کتابچه ها و آئین نامه های نظامی و روزنامه ها دیده می شود، ساخته نمی شود ولی با این وجود هنوز سدهای مستحکمی وجود دارد. اساس این استحکامات یک سری دژهای ((گردانی مثلثی))^{۲۵} می باشد که قدرت اصلی لشکرهای پیاده در خط را تشکیل می دهد. یک لشکر ممکن است تا عمق ۱۰ کیلومتر گسترش یابد ولی مناطق عقب یک لشکر بیشتر توسط یگانهای توپخانه و پشتیبانی کننده اشغال می گردد. یگانهای رزمی در رده های پشت سرهم، در عمق و در مواضع مستحکم گسترش می یابند.

²⁴ The Saddam Line

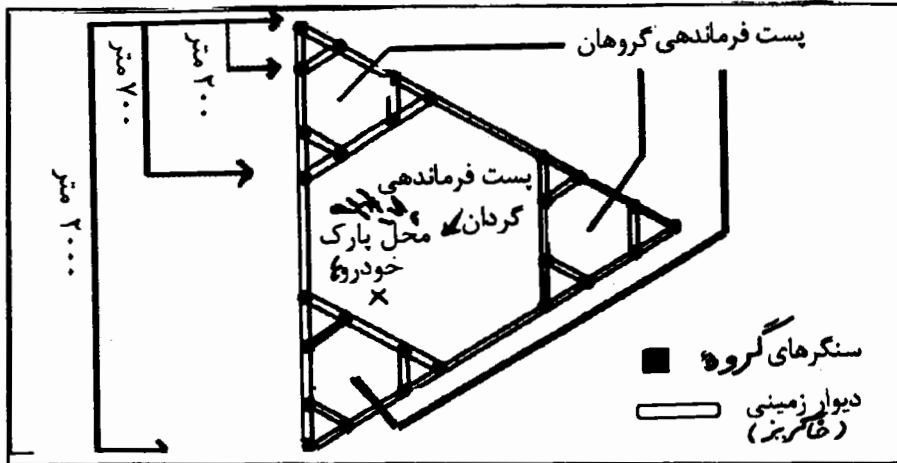
²⁵ The Triangular Battalion Fort

در قسمت جلوی زنجیره دژهایی گردانی ، موانع مختلف قرار داشت . این موانع شامل چندین ردیف از جمله : خندقهای ضد تانک ، خندقهای روغن ، سیمهای خاردار و میادین مین می شد . بیش از نیم میلیون عدد مین توسط عراقیها در امتداد مرز با کویت کار گذاشته شده بود . در مواردی که از نظر زمان و نیروی کار امکان حفر خندق ضد تانک مناسب نبود، خندق کم عمق تری حفر و داخل آن با روغن پر می شد. هدف از انجام این عمل ، مشتعل نمودن روغنها بوسیله گلوله های آتشزا و یا خرجهای فسنری در زمان نزدیک به شروع تک بود . شکاری بمب افکن ((هری یر))^{۲۶} نیروی دریائی به مدت چندین روز قبل از شروع تک ، با بمبهای ((ناپا لم)) این خندقها را به منظور آتش زدن روغنها بمباران می نمودند و تعداد معدودی از این خندقها حتی در روزهای عملیات و حمله واقعی بطور موفقیت آمیزی می سوخت . وسعت موانع ایجاد شده بقدری زیاد بود که تعداد نیروهای موجود برای نگهداری آنها کافی نبود .

وقتی روی میادین مین بوسیله ماسه یا لایه های گل لغزنده پوشیده می شد ، مین ها یا منفجر می شدند و یا بعلت پوشش اضافی که روی آنها قرار می گرفت، بی خطر می گردیدند و خندقها نیز از گل پر می شدند و یا روغن آنها بداخل زمین فرو می رفت . تمام این رخدادهای طبیعی موجبات کاهش تأثیر موانع و استحکامات را فراهم می آورد ، با وجود این ، موانع و استحکامات همچنان باقی می ماند .

بعنوان تحلیل نهائی گفته می شود که ارزش و اهمیت استحکامات معادل است با تعداد نیروهای مستقر در آن . تا قبل از آغاز جنگ زمینی ، اکثر پرسنل پادگانهای عراقی ترسیده بودند و روحیه آنان نیز تضعیف شده بود بطوریکه اگر

سخت تر نیز می‌جنگیدند ، تغییری در نتیجه حاصل نمی‌شد و تنها این اثر را داشت که نیروهای متحدین برای کسب پیروزی تلفات بیشتری را بدهند .



دژهای مثلثی گردانی

تیپهای پیاده عراقی معمولاً در یک جبهه بعرض ۸ کیلومتر گسترش می‌یابند . خط مقدم این تیپها از سه دژ گردانی که بفاصله ۵ کیلومتر از یکدیگر قرار دارد ، تشکیل می‌گردد . هر دژ گردانی بصورت مثلث متساوی الاضلاع که هر ضلع آن ۲ کیلومتر است ، می‌باشد . اضلاع مثلث نیز خاکریزی است به ارتفاع ۲ الی ۴ متر که توسط بولدوزر و از خاک یا ماسه ها ساخته شده ، ضمناً تمام خودروهای گردان در مرکز دژ پارک می‌گردند .

مواضع حقیقی جنگی در سه گوشه دژ که محل استقرار هر یک از گروهانها بود ، قرار داشت . هر یک از این مواضع گروهانی از سه دژ دسته ای مثلثی شکل و هر دسته نیز از سه موضع گروهی مثلثی شکل تشکیل شده بود . هر یک از اضلاع دژهای مثلثی به شکل گروهانی و دسته ای به ترتیب دارای ۷۰۰ و ۲۰۰ متر عرض بودند . هر یک از سنگرهای گروهها نیز به نحوی طراحی

شده بود که بشود در تمام جهات از آنها شلیک نمود. این سنگرها از خاکهای متراکم همراه با شبکه های فولادی یا بتون ساخته شده بود. هر یک از یگانها و واحدهای تابعه آنها پاسگاه فرماندهی و سلاحهای سنگین خود را در مرکز مواضع خود قرار می دادند و در زمانیکه وسایل مهندسی کافی در دسترس بود، اطراف دژها را با سیم خاردار و میادین مین می پوشانیدند.

در جلوی دژهای عراقی ها در کویت، میادین مین در سه ردیف - کمر بند - قرار داشتند که در بین هر دو کمر بند میادین مین، خندقهای ضدتانک کنده شده بود. شبکه هایی مملو از بنزین در نقاط مختلف خندقها گذاشته شده بود به نحوی که چاشنی های آنها بوسیله کنترل از راه دور و از داخل سنگرهای عراقی ها عمل می نمود و شبکه ها را منفجر می کرد.

ماهیت توان هوایی* در عصر حاضر

اگرچه در خلال نخستین ماه ((عملیات توفان صحرا)) توجه مطبوعات بیشتر به سلاحهای هوشمند و نبرد ((ناین تندو))^{۲۷} معطوف میگردید، لیکن بسیاری از نبردهای هوایی از نظر خلبانان، مشابه نبردهای هوایی جنگهای جهانی اول و دوم و ویتنام بود. با وجودی که تغییرات گسترده ای در تجهیزات نیروی هوایی پدید آمده بود، معذالک بعضی از خلبان ها از این تجهیزات استفاده نمودند. هر چند برخی از تجهیزات مورد نظر، تغییرات نسبتاً کمی داشتند.

موارد استفاده توان هوایی

در هر جنگی ، توان و برتری هوایی را می توان عیله سه مرکز قدرت دشمن بکار گرفت : استفاده از آن برای مقابله با توان هوایی دشمن ، تک علیه نیروهای سطحی (زمینی و دریائی) دشمن و بالاخره بمباران هدفهایی از دشمن ، که در نتیجه توان رزمی دشمن کاهش یافته و یا رزم فرسایشی صورت می گیرد . (به صفحات بعدی رجوع شود)

عوامل توان هوایی

هر چند مشهودترین عامل توان هوایی ممکن است هواپیمایی باشد که بمب می ریزد ، لیکن گاهی اوقات عوامل غیر کشنده توان هوایی بیشترین تأثیر را دارا می باشد .

توان هوایی را می توان در سه قسمت طبقه بندی نمود :

تلاشهایی که اثرات مرگبار آنها بطور مستقیم بر علیه نیروهای رزمی دشمن وارد می گردد .

تلاشهایی که توان رزمی نیروهای زمینی ، هوایی و دریائی خودی را افزایش داده ، توان رزمی دشمن را کاهش می دهند (این تلاشها در نیروی هوایی آمریکا به نیروهای کمکی و در ارتش آمریکا به «پشتیبانی رزمی» موسومند) .

تلاشهایی که نیروهای هوایی خودی را تقویت می نمایند، نیروهای ((پشتیبانی کننده)) نام دارد .

نیروهای رزمی

هواپیماهای شکاری^{۲۸} - منظور از ساخت هواپیمای شکاری انهدام

سایر جنگنده ها می باشد، که اگر به این امر قادر شوند، خواهند توانست هواپیماهای شکاری، بمب افکن و پشتیبانی کننده را به راحتی نابود کنند. یک هواپیمای سریع السیر برای رهگیریها مفید است لکن مهمتر آنست که جنگنده، قدرت مانور و شتاب خوبی داشته باشد تا پس از اجرای مانورها، بتواند به سرعت قبلی خود برسد. هواپیماهای شکاری برای پیدا کردن شکار خود نیاز به حساسه های رادار، اشعه مادون قرمز و ... دارند زیرا بدون اینها پیدا کردن هدف مشکل خواهد بود. اغلب شکاری ها تک سرنشین هستند زیرا نفر دوم باعث افزایش وزن و کاهش قدرت مانور و شتاب می شود و ضمناً برای تسهیل در دید، نیاز به بدنه بزرگتری می باشد.

هواپیمای تک ور (جنگنده)^{۲۹} - این نوع هواپیماها با نیروهای

سطحی درگیر می شوند. وقتی که نیروهای زمینی و ناوگانهای دریائی در طی روز و معمولاً در هوای خوب نبرد کنند، این هواپیماها در این شرایط به دشمن تک می نمایند. از آنجاکه نیروهای زمینی و دریائی بیش از پیش در پی کسب قابلیت های نبرد در شب و در هر شرایط جوی می باشند، هواپیماهای تک ور نیز باید بدنبال کسب اینگونه قابلیت ها باشند. در عین حال دیدن و سرنگون ساختن هواپیماهای تک ور در شب مشکل تر است.

²⁸ Fighter

²⁹ Attack Aircraft

توانائی این هواپیماها از نظر دقیق زدن اهداف خود ، از دو جهت حائز اهمیت می باشد : نخست از لحاظ تأثیر تاکتیکی است که بجا می گذارد و دیگری اجتناب از وارد آوردن خسارت و تلفات به نیروهای خودی .

هواپیمای رزمی چند منظوره^{۳۰} (شکاری - جنگنده) - همگام

با پیشرفت نبردهای هوایی ، نیاز فرماندهان به انواع مختلف هواپیماها نیز تغییر می یابد . به همین علت مدتهاست که تمایل به داشتن هواپیماهای چند منظوره احساس می شود و برخی از تحلیل گران ، ساخت این نوع هواپیماها را راهی در جهت صرفه جویی مالی می دانند ، در صورتی که این چنین نیست و هواپیماهایی که برای انجام چندین وظیفه طراحی می شوند، بسیار گرانقیمت بوده ، هریک از وظایف مربوطه را نمی توانند بخوبی انجام دهند . اما علاقه به انعطاف پذیری و کاهش هزینه ها همچنان باقی است . طبق یک نظریه ، هواپیما جهت انجام دو نقش یا وظیفه با ویژگی های مشابه طراحی می گردند و انواع مختلفی از هواپیماهای شکاری یا جنگنده بدین منظور ساخته شده است ، این هواپیماها که ((سوئینگ فایتر))^{۳۱} نیز نامیده می شوند پس از نائل شدن به برتری هوایی می توانند به سمت زمین چرخش نموده ، تک نمایند . این نوع هواپیما ها بیشتر از یک هواپیمای تخصصی (یک منظوره) قیمت دارند و احتمالاً هیچ یک از مأموریت های خود را بطور کامل و خوب انجام نمی دهند .

هواپیماهای بمب افکن - این هواپیماها به هدف های ثابت حمله

می نمایند . هدف های آنها در عمق بیشتری از خاک دشمن قرار دارند. بنابراین برد این هواپیماها اهمیت بیشتری خواهد داشت و حداقل به دو نفر خدمه نیاز است

³⁰ The Multirole Combat Aircraft - Fighter / Attack

³¹ Swing Fighter

تا یکی از آنها تمرکز فکری لازم را روی خاک دشمن برای وارد آوردن ضربات در فواصل زمانی، مورد نظر داشته باشد. توانائی بمباران در شب و در هر شرایط جوی از این جهت مفید است که قابلیت زنده ماندن خدمه را افزایش می‌دهد. اینکه دشمن به سختی بتواند هواپیمای ما را شناسایی نماید نیز حائز اهمیت است. توانائی زدن دقیق هدفها از دو جنبه مهم است: یکی از نظر تأثیر نظامی که می‌گذارد و دیگری اینکه تلفات و زخمیهای غیر نظامی محدود می‌گردد. با توجه به تعداد مأموریت‌هایی که در روز انجام می‌شود (احتمالاً یک مورد) حمل بمبهای بیشتر مطلوب خواهد بود.

۳۲ نیروهای تقویتی یا پشتیبانی رزمی

معمولاً از این نیروها بعنوان تقویت کنندگان نیروهای رزمی یاد می‌شود، زیرا آنها خودشان نیروهای دشمن یا قابلیت‌های پشتیبانی او را منهدم نمی‌نمایند بلکه اثرات فعالیت‌های نیروهای رزمی خودی را چند برابر نموده و به همین نسبت نیز از اثرات قوای دشمن می‌کاهند. این نیروها عبارتند از:

۳۳ هواپیماهای شناسائی - هواپیماهای شناسائی به فرماندهان

زمینی، هوائی و دریائی این امکان را می‌دهد که بدانند دشمن در کجا هست یا در کجا نیست. شناسائی دقیق و تعیین آسیب پذیرترین مناطق دشمن، می‌تواند اثر حملات نیروهای خودی بر دشمن را بیشتر نماید. با شناسائی تهدیدات دشمن همچنین می‌توان خسارات وارده به نیروهای خودی را کاسته، از وارد آمدن خسارت جلوگیری و یا بر علیه تهدیدات دشمن اقدام نمود.

³² Force Enhancement / Combat Support Forces

³³ Reconnaissance Aircraft

هواپیماهای مراقبت و کنترل^{۳۴} - وقتی که هواپیماهای شناسایی

طرحریزیهای عملیات آتی را مورد پشتیبانی قرار می دهند، هواپیماهای مراقبت و کنترل نیروهای زمینی، هوایی و دریایی کمک می کنند تا بگونه ای موثرتر تک نمایند. حساسه های با قدرت محمول هوایی (معمولاً رادارها) منطقه نبرد را زیر نظر می گیرند و سیستم کنترل نیز اطلاعات بدست آمده را به نیروهای هوایی، دریایی و زمینی منتقل می نمایند. این نوع هواپیما از نظر اندازه بزرگتر ساخته می شود تا بتواند چندین رادار مراقبتی و دستگاههای کنترل کننده را در خود جای دهد.

جنگ الکترونیکی^{۳۵} - بوسیله جنگ الکترونیکی و تضعیف رادارهای

دشمن و پخش پارازیت در سیستم ارتباطی دشمن، می توان اثرات نیروهای آنها را کاهش داد. جنگ الکترونیکی همچنین می تواند با کشف محل استقرار فرستنده های دشمن، بر تأثیر بخشی فعالیتهای نیروهای خودی افزوده و از فرستنده های دشمن اجتناب نموده، یا آنها را منهدم نماید.

ترابری هوایی^{۳۶} - نقش مهم ترابری هوایی در تحرک استراتژیکی، قبلاً

مورد بحث قرار گرفته است. ترابری هوایی می تواند در طی نبردها تحرک اساسی را فراهم آورد، این تحرک می تواند شامل نیروهای خودی و پشتیبانی گردد. در مورد این هواپیماها ایجاب می نماید که بالها بزرگتر و بدنه هواپیما به زمین نزدیک تر باشد تا بارگیری و تخلیه بارها به نحو آسان و سریعی انجام گیرد.

³⁴ Surveillance and Control Aircraft

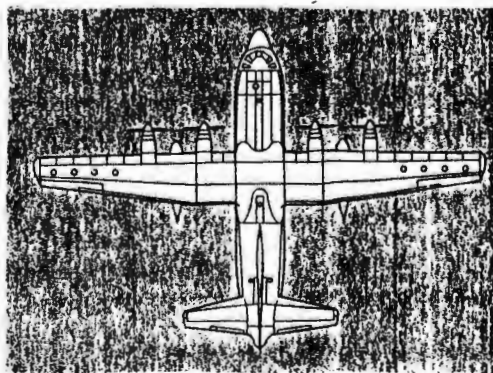
³⁵ Electronic Combat

³⁶ Air Lift

سوخت گیری هوایی^{۳۷} - تانکرهای هوایی با سوخت رسانی مجدد به هواپیماهای رزمی و تقویتی موجب افزایش برد و توانائی های آنها می گردد . بعنوان مثال ، جنگنده ها می توانند در حین پرواز سوخت گیری مجدد نموده ، آماده رهگیری هواپیماهای دشمن باشند . تانکرهای هوایی معمولاً با هواپیماهای ترابری و یا بمب افکن سازگار می باشند.

نیروهای پشتیبانی کننده^{۳۸} - این نیروها شامل مکانیسم های هواپیما (که اصطلاحاً آماده پرواز نگهدارنده خوانده می شوند) ، مهماتچی های مسلح کننده هواپیما ها ، دکترها ، آشپزها ، مسئولین تهیه و خرید ، روحانیون و سایر پرسنل که انجام امور نیروی هوایی را موجب می گردند ، می باشد . به ازای هر عضو نیروی هوایی که پرواز می کند ، بطور نمونه ۲۰ نفر در روی زمین انجام وظیفه می نمایند .

هواپیمای هرکولس افسانه ای^{۳۹}



³⁷ Aerial Refueling

³⁸ Support Forces

³⁹ The Legendary Herk

عموماً حقیقتی وجود دارد که: ((هر هواپیمایی که برای انجام یک وظیفه خاص طراحی شده باشد، در آن زمینه بخصوص، بهتر از هواپیمای چندمنظوره عمل می‌نماید)). در طول مدت خدمت مفیدترابری تاکتیکی هواپیمای ((سی-۱۳۰))، اقدامات مشروحه زیر توسط این هواپیما انجام گرفته است:

۱. حمله: هواپیمای ۱۳۰ - AC امروزی مجهز به حساسه‌های مراقبتی پیشرفته و چندین سلاح سنگین می‌باشد که در تمام شرایط جوی و در تمام سمت - ۳۶۰ درجه - بطور مؤثر عمل می‌نماید. توپ محمول هوایی مورد استفاده، از نوع و نسل سلاح ((اژدهای جادویی را فوت کن))^{۴۰} می‌باشد که در جنگ ویتنام بکار رفته است.

۲. بمباران: بزرگترین بمبی که در طول عملیات ((طوفان صحرا)) مورد استفاده قرار گرفت، ((دی زی کاتر))^{۴۱} (قطع کننده گل مروارید) بود که در طول جنگ ویتنام توسعه یافت و به منظور پاک کردن منطقه فرود هلیکوپتر در جنگلهای انبوه بکار رفت و در کویت نیز بمنظور پاک کردن میادین مین از آن استفاده شد. این نوع بمب فقط بوسیله هواپیمای سی - ۱۳۰ قابل حمل و انداختن می‌باشد.

۳. جنگیدن: توپهای هواپیمای ای سی - ۱۳۰^{۴۲} می‌توانند بطور مؤثر بر علیه هلیکوپترها بکار روند. نیروی هوایی آمریکا بگونه ای فعال در صدد نصب موشکهای هوا به هوا بر روی برخی از هواپیماهای ای-سی - ۱۳۰ جهت دفاع از خود می‌باشد.

⁴⁰ Puff the Magic Dragon

⁴¹ Daisy Cutter

⁴² Ac - 130

۴. شناسائی : حساسه های راداری - هواپیمای ای سی - ۱۳۰ می توانند اطلاعات بسیاری را کسب نمایند .
۵. مراقبت و کنترل : نیروی هوایی آمریکا از هواپیمای سی - ۱۳۰ بعنوان پاسگاه فرماندهی محمول هوایی استفاده نموده است و برخی از کشورها نیز در مورد نصب رادارهای مراقبتی در این هواپیما ابراز علاقه نموده اند .
۶. جنگ الکترونیک : هواپیمای تی سی - ۱۳۰^{۴۳} یکی از قابلترین هواپیماهای جنگ الکترونیکی ایالات متحده آمریکا محسوب می گردد ، هرچندکه نگهداشتن این هواپیما در آسمان خودی از روی احتیاط می باشد .
۷. تانکر سوخت هوایی : هواپیمای کی سی - ۱۳۰^{۴۴} یکی از متداولترین مدل سوخت رسانی مجدد هوایی می باشد .
- ۸ - مهندسی هوانوردی * : برای هواپیماهای سی - ۱۳۰ ، باند فرود ساخته نمی شود اما هواپیماهای هرکولس پس از انجام اصلاحات مخصوص توانائی این را خواهند داشت که از یک قسمت بزرگراهها یا بستر یک دریاچه خشک ، بعنوان باند فرود و پرواز استفاده نمایند . این هواپیماها دقایقی قبل از هواپیماهای رزمی فرود می آیند تا آنها را مجدداً مسلح نمایند . سربازان تعمیر و نگهداری از هواپیماهای سی - ۱۳۰ مخصوص سوخت و مهمات ، بیرون پریده و هواپیماهای جنگنده و رزمی را تجدید سوخت و مسلح می نمایند .

⁴³ EC - 130

* Aviation Engineer

⁴⁴ KC - 130

نبرد بمنظور کسب برتری هوایی

کنترل هوایی

وقتی عبارت ((برتری هوایی)) مورد استفاده قرار می‌گیرد، چنین تصویری به مغز ما خطور می‌کند که این برتری در نبردهای هوایی بعنوان یک برگ برنده می‌باشد. هنگامیکه برتری هوایی پس از یک نبرد هوایی کسب و سپس حفظ شد و ششای متعددی جهت کنترل آسمان منطقه وجود خواهد داشت. به درستی مفهوم نبرد هوایی چیست؟ و چرا اینقدر اهمیت دارد؟ و چگونه به آن نائل می‌شویم؟

سطوح کنترل هوایی

در حالیکه اغلب مردم از برتری هوایی سخن می‌گویند، نظامیان از آن بعنوان کنترل آسمان یاد می‌کنند. این کنترل ممکن است در سطح صحنه عملیات و یا در سطح منطقه و دارای چندین درجه باشد:

رقابت در کنترل هوایی^{۴۵}: اگر کنترل در تمامی صحنه عملیات مورد رقابت قرار گیرد، هر دو طرف بایستی بخاطر آنچه دنبال آن هستند جنگ را در آسمان ادامه دهند.

برتری نسبی هوایی^{۴۶}: هر گاه یکی از طرفین جنگ در اغلب نبردهای محلی بخاطر برتری هوایی پیروز گردند، گفته می‌شود که آنطرف به برتری کامل هوایی دست یافته است، ولی در صورتیکه دشمن بتواند در بعضی از نقاط به برتری هوایی محلی دست یابد، لازم است کماکان ماموریت های مهم خودی از نظر هوایی محافظت شود و دفاع هوایی نیز ادامه یابد.

⁴⁵ Contested Air Control

⁴⁶ Air Superiority

برتری کامل هوایی* : وقتی یکی از طرفین جنگ به برتری کامل دست یابد ، جنگ خاتمه می یابد ، اسکورت های هوایی حذف می گردند و جنگنده های سوئینگ می توانند بر علیه نیروهای زمینی تک نمایند .

ارزش کنترل هوایی

در اینکه کنترل هوایی ارزشمند است، جای هیچگونه سوالی نیست و حتی اغلب نیروهای زمینی و دریائی در این مورد توافق دارند که نخستین اولویت در جنگ ، حصول اطمینان از کنترل هوایی بر فراز نیروهای خودی است . کنترل هوایی ، از حملات هوایی دشمن بر علیه مراکز استراتژیک خودی جلوگیری نموده ، همچنین دشمن را کور می سازد.

نبرد هوایی

در عصر حاضر، نبردهای هوایی ، دیگر مقابله تک تک جنگنده ها با یکدیگر نیست و همچنین جنگهای زمینی عبارت از رزم تانکها ، بطور انفرادی با یکدیگر نیست ، ممکن است اینطور نیز باشد ولی بندرت و یا در مقیاسی کوچک نسبت به یک جنگ واقع می گردد .

به دلایلی نبرد هوایی رخ می دهد . یکی از طرفین جهت اجرای مأموریت خود وارد فضای دشمن می گردد و او نیز سعی می کند تا حریف خود را متوقف نماید . برخورد آنها با یکدیگر معرف نبرد هوایی مدرن است .

دفاع هوایی منسجم

سیستم دفاع هوایی منسجم شامل حساسه هائی است که به ما این امکان را می‌دهد تا ببینیم چه رخ می‌دهد، این سیستم یک رکن فرماندهی است تا در مورد نحوه دادن پاسخ مقتضی و بکار بردن نیروها، تصمیم‌گیری بعمل آورد و همچنین شامل ارتباطی است که باید عوامل فوق الذکر با یکدیگر داشته باشند. یک فرمانده دفاع هوایی، با سه روش به وسیله نیروهای خود به اقدامات دشمن پاسخ می‌دهد: توپخانه پدافند هوایی (AAA)، موشکهای زمین به هوا (SAMS) و در نهایت بوسیله هواپیماهای خود که شامل: رهگیرها و جنگنده ها می‌باشد، که محاسن و معایب هر یک عبارتند از:

۱. توپخانه پدافند هوایی:

الف. محاسن:

(۱) حد اقل هزینه، قابل خرید به تعداد زیاد

(۲) قابل استتار و مقاوم

(۳) عدم توانائی دشمن درانهدام گلوله ها، با اقدامات

متقابل

ب. معایب:

(۱) برد کم

(۲) کشف محل استقرار توسط هواپیماهای دشمن

(۳) پرواز جنگنده ها بر فراز یا اطراف محل استقرار

۲. موشکهای زمین به هوا:

الف. محاسن:

(۱) هزینه کمتر نسبت به هواپیما

(۲) قابل استتار و مقاوم

(۳) برد بیشتر نسبت به توپخانه پدافند هوایی

ب. معایب :

(۱) کشف محل استقرار توسط هواپیماهای دشمن

(۲) پرواز جنگنده ها در اطراف محل استقرار و در

ارتفاع پائین

(۳) این موشکها که بوسیله رادار یا گرا هدایت

می شوند، توسط هواپیماهای جنگنده ، سیستم هدایت آنها مختل می گردد .

۳. هواپیماهای تدافعی^{۴۷} :

الف. محاسن :

(۱) داشتن تحرک جهت رهگیری جنگنده ها

(۲) در صورت اختلال در سیستم هدایت موشکها

توسط جنگنده های دشمن ، این هواپیماها می توانند از توپ خود استفاده نمایند .

(۳) اجتناب از درگیری با هواپیمای جنگنده دشمن در

صورت خیلی قوی بودن اسکورت هواپیمای مهاجم .

ب. معایب

(۱) پرهزینه ترین وسیله دفاعی

(۲) مشکل رؤیت هواپیمای دشمن در طول شب ،

شرایط بد جوی و پرواز در سطح پائین .

(۳) در صورت حمله به سایر قسمت های سیستم دفاع

هوایی ، هواپیمای تدافعی قادر به درگیری نخواهد بود .

یک سیستم دفاع هوایی منسجم می‌تواند ترکیبی از انواع فوق الذکر باشد تا بدین وسیله نقاط قوت به حداکثر و نقاط ضعف آنها به حداقل برسد .
 هواپیماهای مهاجم برای رخنه به سیستم دفاع هوایی منسجم دو راه انتخاب دارند: اجتناب از درگیری ، نبرد و پیروز شدن .

هواپیماهای مهاجم بایستی سعی نمایند از سیستمهای تدافعی دشمن اجتناب کنند. هواپیماهای ((استیلث))^{۴۸} بمنظور کشف نشدن ، راههای اجتناب از درگیری را جستجو می‌نمایند . یکی از راههای تدافعی هواپیمای مهاجم اینست که از تیررس توپخانه پدافند هوایی ، بخصوص در اطراف هدف ها خارج باشد .
 راه دیگر اینست که هواپیمای مهاجم بر سیستمهای دفاعی فائق آید که طریقه اصلی و اساسی اجرای این روش ، تشکیل تیم ((عملیاتی پرواز))^{۴۹} می‌باشد .

اجزاء متشکله تیم عملیاتی پرواز

هواپیماهای اصلی مأموریت : این هواپیماها معمولاً حامل بمب هستند و مأموریت آنها دلیل تشکیل تیم عملیاتی است .
هواپیماهای جنگنده اسکورت : این جنگنده ها ، بقیه هواپیماهای تیم را در مقابل جنگنده های تدافعی حریف محافظت می نمایند .
هواپیماهای اسکورت ((ویزل))^{۵۰} (راسو) : این جنگنده ها هواپیماهای تیم را از اصابت موشکهای سام (زمین به هوا) محافظت می‌نمایند .

⁴⁸ Stealth Aircraft

⁴⁹ Force Package

⁵⁰ weasel

هواپیماهای جنگ الکترونیک : مأموریت این هواپیما ها عبارتست از : از بین بردن انسجام سیستم دفاع هوایی دشمن ، ممانعت از دیده شدن عناصر تیم و آنچه اتفاق می افتد ، ارتباط و مکالمه با یکدیگر و اختلال در سیستم هدایت سلاحهای تدافعی انفرادی .

هنگامیکه هواپیماهای تیم با سیستم دفاع هوایی منسجم دشمن برخورد می نمایند، نبرد هوایی رخ می دهد . اگر تیم به انجام مأموریت خود نائل شود یا هواپیماهای جنگ الکترونیکی در اجرای وظائف خود موفق شوند و یا هواپیماهای تدافعی تشخیص دهند که هواپیماهای اسکورت بسیار قوی می باشند. ممکن است هیچ نبرد هوایی رخ ندهد؛ ولی اگر هواپیماهای مدافع به مهاجمین نزدیک شوند، ممکن است منجر به وقوع نبرد هوایی کلاسیک گردد .

نبرد هوایی

در طول جنگ جهانی اول ، اکثر خلبانانی که هواپیماهایشان مورد اصابت قرار گرفت هرگز کسی را که آنها را از بین می برد، نمی دیدند . اگر یک طرف دارای سیستم مراقبت و کنترل باشد و طرف دیگر فاقد آن بوده ، یا خارج از برد او باشد ، طرف فاقد سیستم، زیان بسیاری خواهد دید . بعنوان مثال : اگر هواپیمای تدافعی چنین سیستمی داشته باشد ولی هواپیماهای مهاجم فاقد آن سیستم باشند ، جنگنده های تدافعی می توانند از پشت سر و پائین ، بنحوی هدایت شوند که به گروه عملیاتی مهاجم نزدیک شوند . خلبانان تمام ملتها ، آموزش (CHECK 6) را که به معنی ((گاهگاهی پشت سرخود را نگاه کن)) می باشد، می بینند . تیم عملیاتی پرواز در حین حمله خوش شانس خواهد بود اگر با انفجار اولین هواپیمای خود متوجه این امر گردد .

- بعنوان تجزیه و تحلیل نهائی ، چه کسی برندهٔ نبرد هوا به هوا خواهد بود ؟
- در این مورد چندین عامل وجود دارد که عبارتند از :
- تعداد : تعداد هواپیماهای آماده برای نبرد هوا به هوا در محل وقوع نبرد مورد نظر است نه تعداد هواپیماها در لیست مربوطه . هواپیمائی که در یک روز چندین بار می‌تواند پرواز نماید (بیشترین سورتی پرواز) از امتیاز بسیار بالائی برخوردار است .
 - میزان تناسب هواپیما برای نبرد هوا به هوا .
 - تسلیحات : هواپیمائی که فاقد موشک هدایت شونده بوسیله رادار می‌باشد نسبت به جنگنده ای که دارای آن است ، مزیت بزرگی را ازدست داده است . یک موشک حرارتی که می‌تواند دشمن را از مقابل مورد اصابت قرار دهد ، مزیت زیادی نسبت به هواپیمائی که باید مانور کند و خود را به پشت سر هدف رسانیده و سپس شلیک کند ، دارد .
 - پشتیبانی (مراقبت و کنترل) : خلبانی که اطلاعات مورد نیاز خود را از یک ((سیستم کنترل)) دریافت می‌نماید، نسبت به رقیب خود که سیستم مراقبت و کنترل او مختل و یا نابود شده ، مزیت دارد .
 - و بالاخره این انسان (خلبان) است که بیشترین تأثیر را دارد . زمان پرواز کافی در هر ماه ، دستگاههای سیمپلاتور مطابق با واقعیت و آموزش نبردهای هوایی مختلف همگی نقش مهمی در این امر دارند .
 - اما به عنوان تحلیل نهائی : هواپیما ، وسایل و تجهیزات ، آموزشهای خدمه و مربیان در نبرد هوایی موثرند ولی همه بستگی دارند به انسانی (خلبان) که جان خود را در این راه گذارده و مایل است در نبرد فاتح گردد .

مبارزه برای کنترل هوایی

از آنجایی که داشتن اسکورت قوی موجب موفقیت یک مأموریت مشخص می گردد ، لذا احتمال نمی رود یک تیم عملیاتی پرواز بدون آن ، حتی با نبردهای هوا به هوا بتواند بطور قطعی به کنترل هوایی نائل شود . اگر یکی از طرفین درگیر ، تعداد زیادی هواپیما از دست بدهد باید تاموقع ترمیم خسارات خود ، از نبرد اجتناب نماید . معمولاً برای بدست آوردن کنترل هوایی ، لازم است تا تهاجم به کلیه ارکان دفاع هوایی دشمن صورت پذیرد .

منظور از کنترل هوایی ، از هم گسستن دفاع هوایی منسجم دشمن وانهدام جزء بجزء آنست . جنگنده های ((ویزل))^{۵۱} که مأمور محافظت سایر هواپیماهای تیم عملیاتی هستند ، به رادار های دشمن حمله می نمایند تا سیستم راداری او را کور نمایند . بقیه جنگنده های تیم نیز به مراکز فرماندهی و مخابراتی یورش می برند . ویزلها به آتشبارهای موشک سام حمله می نمایند و یا دستگاههای پرتاب موشکها را خاموش می کنند تا از انهدام خود جلوگیری کنند . ضمناً تیمهای عملیاتی مذکور به پایگاههای هوایی نیز تک می نمایند .

درست همانگونه که نیروهای هوایی می توانند با انجام یورش به نیروهای زمینی ، کارائی آنها را کاهش دهند ، باحمله به پایگاههای هوایی دشمن نیز می توانند نبرد هوایی را برای کسب برتری کامل هوایی تسهیل نمایند . این حملات می تواند از طریق هوا ، دریا یا زمین صورت گیرد . تخریب صنایع پتروشیمی آلمان توسط بمب افکنهای آمریکائی در طی جنگ جهانی دوم کمک بزرگی به نیروهای متفقین جهت کسب برتری هوایی نمود . نیروی هوایی

⁵¹ Weasel Escort

آلمان^{۵۲} سوخت کافی برای هواپیما، جهت تربیت خلبانان جدید و حتی برای تداوم پروازهای خود نداشت. وقتی که میادین نفتی رومانی توسط ارتش سرخ تصرف شد، آخرین قطره های سوخت هوایی نیز قطع گردید. بهمین نحو در ژاپن نیز آموزشهای پرواز و اکثر پروازهای رزمی متوقف شد زیرا نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا کشتی های تجاری ژاپن را منهدم می نمود. ژاپنی ها بعلت این خسارتهای دیگر راهی برای انتقال و حمل سوخت از منابع خود (واقع در اندونزی فعلی) به ژاپن را نداشتند.

عامل اول و ممتاز در نبردهای هوا به هوا

در طول تاریخ نیروی هوایی، بخش عمده پیروزی در نبردهای هوا به هوا، به درصد کوچکی از خلبانان، اختصاص یافته است. این خلبانان ممتاز و نخبه به نظر می رسد از تمام ملل و طبقات باشند. اظهار اینکه چه چیزهایی یک خلبان را ممتاز می سازد، مشکل است ولی تشخیص اینکه یک خلبان چه موقعی توانایی پرواز را دارد، آسان می باشد.

تکنولوژی به یک خلبان ممتاز کمک می کند تا در یک جنگنده درجه دوم، غالباً بر جنگنده بهتر، با خلبان متوسط، پیروز گردد. واقعیت این است که نیروهای متحدین در نبردهای هوا به هوا خسارتی متحمل نشدند و ممکن است به این علت باشد که نیروهای متحدین، نیروهای خود را با کارایی و سرعت بیشتری آماده کردند تا به برتری کامل هوایی دست یابند و این عمل بستگی به عدم کیفیت و توانایی های جنگی پرسنل هوایی عراق نداشت.

حملات هوایی استراتژیک

وقتی نظامیان نیروی هوایی، از حملات هوایی استراتژیک صحبت می‌کنند منظورشان تهاجم بر علیه اهدافی از دشمن است که برای آنها حیاتی بوده و موجب تداوم جنگ می‌شود. قبل از پیشرفت نبرد هوایی مدرن، برای رسیدن به مراکز حیاتی دشمن معمولاً ضروری بود تا با نیروی زمینی یا ناوگان دشمن درگیر شده و از آنها عبور نمایند.

توان هوایی، این اجازه را می‌دهد که مراکز حیاتی دشمن مستقیماً مورد تک واقع شود - توجه شود که تصرف نمی‌گردند - وقتی صدای آژیر سفید - رفع خطر حمله هوایی - پس از خاتمه حملات هوایی به صدا در می‌آید، دشمن هنوز اهداف خود را در اختیار دارد. معمولی ترین پاسخ دشمن در این مورد بازسازی و تحکیم هدف می‌باشد. از این رو حمله هوایی استراتژیک به مسابقه ای گفته می‌شود که حمله کننده طی آن کوشش می‌کند هدفها را قبل از آنکه دشمن بتواند آنها را بازسازی نماید، منهدم نماید.

راه کارهای استراتژیکی

آنچه باید بمباران شود: در هر نبرد هوایی استراتژیک، تعداد هواپیماهای در دسترس، به حد کافی می‌باشد، به عبارت دیگر تعداد اهداف قابل بمباران احتمالاً بسیار زیاد خواهد بود. یکی از متداولترین اشتباه های فرماندهان هوایی اینست که سعی می‌نمایند به تمام هدفهایی که قبلاً بطور جزئی و یا پراکنده مورد اصابت قرار داده اند مجدداً حمله نمایند. چگونه هدفها انتخاب می‌شود؟ ابتدائی ترین پاسخ اینست که هدفها با در نظر گرفتن طرح کلی صحنه عملیات انتخاب می‌شود. بیشترین قسمت پاسخها بستگی دارد به ملاحظات عملی تواناییها و

محدودیت‌های هر دو طرف، یعنی هواپیماهای مهاجم و مدافعین. معمولاً پلی که روی رودخانه است و در حوالی آن می‌توان از رودخانه عبور کرد را بمباران نمی‌کنند. با وجود اهمیتی که انبارها یا پناهگاه‌های زیر زمینی دارد اگر انهدام آنها بسیار مشکل باشد معمولاً تلاشی برای انهدام آنها صورت نمی‌پذیرد. برخی از مکانهای صنعتی مانند کارخانه‌های بلبرینگ سازی را اصولاً می‌توان بسادگی پراکنده نموده و به سایر کارخانه‌ها منتقل نمود و یا حفاظت آنها را بیشتر نمود ولی در مورد سایر واحدهای صنعتی از جمله پالایشگاه‌ها، این امر امکان ندارد. زیرا تأمین آنها بسیار دشوار و انتقال به سایر کارخانجات غیرممکن می‌باشد و تعمیر آنها نیز بسیار کند صورت می‌گیرد.

وقتی شما اهمیت یک کار انجام شدنی و مبارزه گسترده را با توجه به مشکلات مربوط به انجام آن کار، با یکدیگر مقایسه می‌کنید، به اصول انتخاب اهداف، نزدیک شده اید. بقیه ملاحظات اصلی جنبه سیاسی دارند. تلفات و مجروحین غیر نظامی در اثر بمبارانها، مسئولیت ما در قبال نسلهای آینده برای حفظ آثار تاریخی و لزوم رعایت حقوق بین الملل، نقش مناسبی در تعیین و انتخاب اهداف دارند.

انواع هدفها

مراکز فرماندهی، کنترل و ارتباطات: (که به تبعیت



از حروف اول این کلمات، C 3^{۵۳} نامیده می‌شود) حمله به مراکز ۳ گانه مذکور بیشترین تاثیر را بلافاصله پس از بمباران خواهد داشت. در حال حاضر شبکه های ارتباطی قدیمی همه کنار گذاشته

شده و سیستمهای جدید جای آنها را گرفته است. حملات علیه مراکز سه گانه موقعی بیشترین تأثیر را خواهد داشت که بلافاصله پس از اجرای بمبارانها، نیروهای خودی حرکت جدید خود را آغاز نمایند. این حملات موجب تأخیر در واکنش دشمن در مقابل حرکت جدید نیروهای خودی خواهد شد. اجرای حملات به مراکز مخابراتی در زمانی که فرامین جدیدی توسط رهبری دشمن صادر نمی شود، ممکن است بسادگی موجب مشکل تر نمودن قطع ارتباطات دشمن (نسبت به زمان دیگری که اجرای تک مناسبتراست) گردد.



مراکز تولید محصولات جنگی: این مراکز همواره یکی

از اهداف مشترک تهاجمات استراتژیک می باشد ولی تأثیرات این حملات متغیر بوده است. در اواخر جنگ جهانی دوم این مراکز

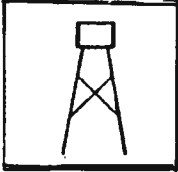
چنان بخوبی متفرق، استتار و محافظت شده بودند که حملات هوایی تأثیر چندانی نداشتند. ولی بنظر می رسد کارخانه های سلاحهای شیمیایی و میکربی عراق بسهولت مورد حمله و انهدام قرار گیرد و تعمیر آنها برای عراقی ها غیر ممکن باشد.



مراکز علمی: یک جنگ افزار نوین می تواند بطور مشخصی

چشم انداز جنگ را تغییر دهد. حمله به مراکز تحقیقات و توسعه (که موجب تأخیر در اثرات مضر سلاحهای جدید می گردد) می تواند بسیار مهم تلقی شود. برنامه انهدام سلاحهای اتمی عراق نشان داد که

نه تنها نیروهای هوایی متحدین توانائی عبور از نیروهای زمینی و حمله به مراکز حیاتی عراق را دارند بلکه بسیاری براین باورند که رسیدن به یکی از اهداف نظامی بیان نشده ایالات متحده آمریکا را نیز مستقیماً در بر خواهد داشت.



مناطق نفتی: قلابه تأثیر چشمگیرانهدام صنعت پتروشیمی

آلمان نازی توسط متفقین اشاره شده است ، نیروی هوایی

ایالات متحده امیدوار بود که حمله به مخازن ذخیره سوخت ویتنام شمالی نیز به همین اندازه تأثیر داشته باشد . ولی ویتنام شمالی سوخت مورد نیاز خود را از کشورهای هم پیمان فراهم و آنها را در انبارهای تقریباً کوچک و بطور متفرق در مناطق مسکونی جای داد .

اختلال در سیستم حمل و نقل^{۵۴} : این عمل عبارتست



از حمله به سیستم حمل و نقل دشمن . بدینوسیله جریان حمل مواد اولیه به کارخانه ها به تأخیر افتاده و یا رسیدن مواد و نیازمندیهای نیروهای مسلح به آنها قطع می گردد . تأثیرات این

اختلال در سیستم حمل و نقل دشمن ، با توجه به موقعیت جغرافیائی ، شرایط آب و هوائی و وضعیت نظامی منطقه تغییر می نماید . این اقدام بمنظور جلوگیری از تحرک دشمن بایستی مورد توجه قرار گیرد . البته بعید است همان تأثیری را داشته باشد که در جنگل و کوهستان دارد بطور مثال : در منطقه ((هوشی مینه تریل))^{۵۵} . یگانهای مکانیزه سنگین در این نوع حملات نسبت به نیروهای چریک آسیب پذیر ترند .

^{۵۴} Interdiction

^{۵۵} The Ho Chi Minh Trail

یافتن هدفهای استراتژیک (به نقشه شماره ۴ در پایان کتاب مراجعه شود)

هنگامی که تحلیل گران نظامی نتوانستند بلافاصله اثرات اولین ضربات نیروی هوائی را در عملیات "طوفان صحرا" مشخص کنند، ماهواره های اطلاعاتی آمریکا مورد انتقاد بعضی ها واقع شد. بحث بر سر این موضوع ادامه داشت که اگر این ماهواره ها قادرند از مدار خود حتی شماره پلاک خودروها را بخوانند، پس چرا ما تأثیر این حملات را نمی توانیم شناسایی کنیم؟

حقیقت امر اینست که آنچه بنام ((سرمایه های ملی)) نامیده می شود در طرحهای شناسایی استراتژیکی و یافتن هدفهای تهاجم استراتژیکی قرار می گیرد. نوع شناسایی مورد نیاز برای تعیین میزان تخریب بمب^{۵۶} و حرکت نیروهای زمینی را «شناسایی تاکتیکی» گویند و یک فرمانده بدین وسیله می تواند هواپیما را در زمان معین به محل مورد نظر، جهت کسب اطلاعات مورد نیاز اعزام نماید.

حرکت ماهواره ها از قانون جاذبه عمومی تبعیت می نماید. اگر ماهواره در مدار و ارتفاعی از زمین به بهترین وجه کار کند و هر دو روز یکبار از بالای یک نقطه معین عبور کند، کار بزرگی را نتوانسته انجام دهد. تمام ماهواره های این چنینی، مقداری سوخت همراه دارند تا در ابتدا بتوانند آنها در ارتفاع مورد نظر بطور یکنواخت حفظ نموده و بدرستی کار نمایند. ضمناً این سوخت می تواند جهت تنظیم مدار ماهواره مصرف شود اما به مرور، عمر مفید ماهواره در مدار کاهش می یابد.

یافتن اهداف استراتژیکی و توسعه اطلاعات در مورد آنها، حقیقتاً یک عملیات جامع اطلاعاتی می باشد. قسمتی از اطلاعات از منابع آشکار مانند کتابچه های راهنمای تلفن بدست می آید. در کشوری مانند عراق که بیشتر

تأسیسات و امکانات آن توسط شرکت‌های خارجی ساخته شده ، عملاً رونوشت طرح‌های آن تأسیسات و امکانات ممکن است در اختیار قرار گیرد . با ارسال و دریافت امواج و اطلاعات مخابراتی^{۵۷} بدست آمده ممکن است نحوه کاربرد امکانات و تجهیزات را مشخص کرد .

بمباران هدف‌های استراتژیک (به نقشه شماره ۴ در آخر کتاب مراجعه شود)

وقتی که معیار انتخاب هدف بدست آمد و تجهیزات لازم برای تعیین موقعیت هدف در مدار قرار گرفت ، آخرین و موثر ترین تغییرات در نحوه بمباران هدف داده می شود . عملیات طوفان صحرا همانند جنگ ((ناین تندر))^{۵۸} بخاطر فیلم های مهیج و گیرا از سلاح‌های هوشمند، مدتهای طولانی در خاطره ها خواهد بود . مفهوم این فیلمها چه بسا گیرا تر نیز می باشد .

حتی قبل از جنگ جهانی دوم ، نیروی هوایی ارتش آمریکا، بصراحت از بمباران دقیق هدف‌های استراتژیک طرفداری و حمایت می کرد که آنهم بدلائل تأثیرات نظامی و تمایلات بشر دوستانه مبنی بر به حداقل رسانیدن تلفات و مجروحین مناطق شهری بود . مشکل این بود که بمباران به آن وقتی که مورد نظربود انجام نمی شد. هواپیماهای بمب افکن ب-۱۷ بمنظور کاهش کارائی توپخانه پدافند هوایی دشمن ، بالاتر از ارتفاع مورد انتظار پرواز می نمایند . توپخانه پدافند هوایی هنوز می تواند هواپیماهای مهاجم را از اطراف هدف دور سازد ، باد نیز می تواند همین عمل را در حین سقوط بمب انجام دهد . هواپیماهای بمب افکن ب - ۱۷ با ۴۵۰۰ سورتی پرواز ، می توانند معادل

^{۵۷} Signals Intelligence (SIGINT)

^{۵۸} The Nintendo War

۹۰۰۰ بمب ۲۰۰۰ پوندی را برای انهدام یک هدف بیاندازند. اگر هدف در یک منطقه مسکونی و شهری باشد میزان تلفات افراد بیگناه بیشتر خواهد بود.

تا زمان جنگ ویتنام، تکنولوژی با وجودیکه پیشرفت کرده بود ولی هنوز پیش بینی تأثیرات باد بطور یقین غیر ممکن بود. عملیات بمباران فوق الذکر که با ۴۵۰۰ سورتی پرواز انجام می شد اکنون فقط به ۹۵ سورتی پرواز نیاز دارد که ۱۹۰ بمب ۲۰۰۰ پوندی را برای انهدام همان هدف رها نماید. اکثر بمبهای که رها می شد به هدف اصابت نمی کرد و اگر هدف در یک منطقه پر جمعیت بود می بایستی از حمله به آن خودداری می شد.

بوسیله بمبهای هوشمند مدرن^{۵۹}، یک بمب برای انهدام یک هدف کافیت. بادهای دیگر یک مشکل جدی نیستند زیرا اگر بمب از مسیر خود بطرف هدف، خارج گردد مجدداً مسیرش را تصحیح خواهد کرد. هدفهای واقع در مناطق مسکونی و شهری را می توان با اطمینان بمباران نمود زیرا خسارات، محدود به محلی خواهد شد که هدف در آن قرار دارد.

هواپیماهای اف ۱۱۷

این هواپیماها بدون در نظر گرفتن تعدادشان به نتایج مورد نظر بطور کامل رسیدند. این هواپیماها که پنج درصد توان هوایی متحدین را دارا بودند، مسئولیت بمباران بیش از یک سوم هدفهای استراتژیکی را بعهده داشتند. کارائی این نوع هواپیما خیلی بیش از این است زیرا به تنهایی قادر می باشند مأموریتی را انجام دهند که سایر هواپیماها بوسیله یک تیم عملیاتی پرواز(شامل جنگنده های اسکورت، جنگنده های ضد موشکهای سام و غیره) تا رسیدن به برتری کامل

^{۵۹} New Smart Bomb

هوایی انجام می‌دهند. علاوه بر این، حقیقت این است که این هواپیماها با وجودیکه اهدافی را که شدیداً محافظت می‌شد در عمق خاک عراق بمباران نمودند، حتی یک هواپیما یا خلبان را از دست ندادند.

چگونه اف ۱۱۷ قادر به انجام چنین عملی بود؟ وقتی تکنیکهای دقیق و فنی هواپیمای استیلت^{۶۰} دسته بندی شود، اصل اساسی بسیار ساده است، شما می‌دانید که مشاهده هر شیئی در جهان به میزان دوری و چگونگی دیدن آن بستگی دارد.

تکنولوژی بکار رفته در هواپیمای استیلت، هواپیمای اف - ۱۱۷^{۶۱}، را قادر می‌سازد تا بسختی توسط رادار دیده شود. بعلاوه اف ۱۱۷ آ، آنقدر به رادار دشمن نزدیک نمی‌شود که کشف شود. این عمل بدو طریق انجام می‌گردد:

این هواپیما بین دو رادار بزرگ و قوی که در جستجوی هواپیمای نزدیک شونده هستند، پرواز می‌کند. چون رادارهای کنترل کننده موشکهای سام (زمین به هوا) در نزدیک هدف این هواپیما کوچکتر هستند، هواپیمای اف - ۱۱۷ آ می‌تواند با امنیت بیشتری به هدف نزدیک شوند. بمنظور جلوگیری از نزدیک شدن زیاد که ممکن است دیده شود، هواپیما از سلاحهای هوشمند مخصوص^{۶۲} خود استفاده می‌نماید، سیستمی وجود دارد که موجب بقاء دقت عمل حیرت آوری برای هواپیما می‌شود. از همه بهتر و مهمتر اینکه هواپیمای اف - ۱۱۷ آ، دو بمب هوشمند ۲۰۰۰ پوندی حمل می‌کند و در هر سورتی پرواز می‌تواند دو هدف را منهدم نماید در حالی که قبلاً صحبت از این بود که چه تعداد پرواز برای انهدام یک هدف لازم است.

⁶⁰ Stealth

⁶¹ F - 117 A

⁶² Smart Stand Off Weapons

حملات هوایی بر علیه نیروهای زمینی

وضعیت نظامی که رهبران متحدین با آن مواجه شدند بعنوان ((تحقق رؤیای حمایت از نیروی هوایی)) توصیف شده است. یک ارتش بزرگ با تانکها و سایر تجهیزات بزرگی که به سهولت قابل دید است و در روی زمین مسطحی پراکنده هستند ضایعات بیهوده ای بعثت عدم توانائی در مخفی نگهداشتن آنها خواهد داشت. از طرفی تصور می شد که دید نمی توانست محدود باشد. اما از جنبه های متعددی نتیجه عملیات طوفان صحرا از انتظارات خوشبینانه حامیان نیروی هوایی نیز فراتر رفت.

عملیات طوفان صحرا بطور ضمنی نقطه ضعف نیروی هوایی را آشکار ساخت ولی چون تأثیر نا چیزی داشت لذا تاکنون گزارش نشده است. گرچه یک گروه از سربازان عراقی موفق شدند خود را تسلیم یک هواپیمای تاندربولت (صاعقه)^{۶۳} نمایند ولی آنها عموماً در مقابل هواپیماهای مهاجم سر تسلیم فرود نیاوردند. قرائنی وجود دارد که نشان می دهد بسیاری از عراقیها بدنبال فرصتی بودند تا خود را تسلیم نمایند.

مقدار (تن) بمبی که در درگیریهای هوایی ۸ ساله آمریکا با ویتنام بر آن کشور ریخته شد، در مقایسه با عملیات ۶ هفته ای طوفان صحرا خیلی بیشتر بود ولی تأثیر خیلی کمتری نسبت به جنگ با عراق داشت. چه چیزی باعث اینهمه ویرانگری حملات هوایی در طول عملیات طوفان صحرا شد ؟

بعبارتی ساده ، وضعیت جغرافیائی و آب وهوائی خیلی مطلوب بود ، تکنولوژی پیشرفته و دکترین متحدین ، فاکتورهای مؤثر بودند. اما عوامل دیگری وجود داشت که احتمالاً اهمیت بیشتری داشته اند.

وضعیت جغرافیائی و آب و هوا : این موضوع بارها گفته شده ولی

باز هم تکرار آن خالی از لطف نیست که دیدن دشمن در یک دشت صاف بسیار آسانتر است تا دیدن او در جنگلی انبوه و کوهستانی که در طرفین مسیر عبور قرار دارند .

بمدت ۵۰ سال مفهوم اینکه کشورهای خوبی برای مانور تانکها (مانند دشتها و صحراها) و همچنین کشورهای بد و نامناسبی (مانند باتلاق ها و شهرها) وجود دارند مورد قبول ارتشهای جهان قرار گرفته است . اما صحبت در باره اینکه چه کشوری برای - پرواز - هواپیما خوب است عجیب بنظر می رسد .

هنگامی که یک هواپیما ، دقیقاً با یک سرعت بر فراز زمین بطول یک مایل پرواز کند، این زمین در زمان جنگ برای او خیلی مناسبتر می شود . هرچه فرصت طبیعی نیروهای زمینی برای مخفی شدن کمتر باشد، تأثیر حملات هوائی بیشتر خواهد بود . احتمالاً بیشترین تأثیر قدرت هوایی در دریا می باشد زیرا آنجا نه برآمدگی و تپه و ماهور دارد و نه نیاز به بررسی و تحقیق است . زمینهای صاف و لم یزرع کویت تقریباً به مفهوم جمله اخیر ، شبیه حالت دریا هستند ، آب و هوا و وضعیت جوی نقش مهمی را بازی می کنند . حملات هوایی به نیروهای سطحی (زمینی و دریائی) را می توان به مسابقه ای تشبیه کرد که بین قدرتهای تخریبی مهاجم و توانائی های بهبود یافته مدافع در جریان است . هر وقفه ای که بخاطر بدی آب و هوا در حملات هوائی پیش بیاید به مدافعین فرصت می دهد تا تجدید قوا نموده ، اقدامات لازم را برای کاهش تأثیرات حملات بعدی به عمل آورند . بسیاری از هواپیماهای متحدین فقط برای شرایط جوی خوب آنهم در طول روز مناسب بودند . قابلیت های هواپیماهایی که در تمام شرایط جوی و بدی آب و هوا می توانند بجنگند با سایر هواپیماها تفاوت بسیار دارند . حقیقت

اینست که هواپیماهایی که در شرایط جوی بسیار بد می‌توانند مؤثر باشند بسیار اندک هستند.

تکنولوژی عملیات در شب بهبود می‌یابد

متعاقب جنگ جهانی دوم، فرمانده نیروهای زرهی آلمان گله می‌نمود که تلاش برای نبرد هنگامی که نیروهای متفقیین دارای برتری هوایی بودند مانند بازی شطرنجی می‌باشد که در ازای هر یک حرکت ما او سه حرکت انجام می‌دهد. در حالیکه متفقیین می‌توانستند نیروهای خود را در صبح، ظهر و شب جابجا کنند ما فقط قادر بودیم تحت پوشش تاریکی نیروهای خود را حرکت دهیم. طرفی که کنترل هوایی را از دست داده حتی پیشرفتهای تکنولوژی نیز نمی‌تواند حرکت او را ممکن سازد.

وسایل و تجهیزاتی که به خلبان کمک می‌کند تا او بتواند در شب دست به حمله بزند، وسایل الکترو - اپتیک^{۶۴} (الکتریکی - بصری) نامیده می‌شود. مؤثرترین تکنولوژی تک شبانه دیدن جلو بوسیله اشعه مادون قرمز^{۶۵} می‌باشد. هواپیماهایی مانند اف ۱۱۱ - اف نیروی هوایی و آ ۶ ئی نیروی دریائی و تفنگداران آمریکا از رادار خود بمنظور یافتن موقعیت تقریبی هدف استفاده می‌نمایند. همچنانکه هواپیما به هدف خود نزدیک می‌شود کلید دید در شب روشن می‌شود. بوسیله این سیستم (فلیر) حرارت مربوط به اشیاء واقع در میدان دید دستگاه رویت شده، در صفحه ای نمایان می‌شود. این مهم است که فلیر را باید تقریباً در جهت درست قرار داد تا شروع بکار نماید، زیرا میدان دید فلیر درست مانند دیدن از لای حصیر است. هواپیمای ((اف ۱۱۱ اف)) روی

^{۶۴} Electro - Optic Devices (EO)

^{۶۵} Forward - Looking Infrared (FLIR)

دستگاه فلیر خود ، سیستم زوم (تنظیم فاصله دوربین) دارد ، و اگر در حالت وایدانگل (زاویه دید عریض) قرار گیرد مانند این است که از لای حصیر بزرگی نگاه کنیم .

هواپیماهای اف ۱۱۱ اف نیروی هوایی ودرتقدم بعدی هواپیماهای آ-۶ ئی نیروی دریائی آمریکا که به هدفهای استراتژیک حمله می‌برند، در حال بهبود و توسعه قابلیت‌های تک شبانه خود بمنظور یورش به نیروهای سطحی می‌باشند . هواپیماهای ((اف آ - ۱۸)) جدید نیروی دریائی و تفنگداران دریائی آمریکا ، دارای بعضی از قابلیت‌های تک شبانه هستند . نیروی هوائی آمریکا تصمیم گرفت که هواپیماها با سیستم حفاظتی بنام ((لنترن)) ، بمعنی فانوس که عبارتست از ((ناوبری در ارتفاع کم و هدف یابی بوسیله اشعه مادون قرمز)) ، پرواز نمایند .

سیستم لنترن بطور مناسبی در دو محفظه کوچک آیرودینامیکی که مقاومت هوا در آنها تأثیر کمی دارد قرار گرفته است و می‌تواند قبل از حملات شبانه روی هواپیما نصب شود . این محفظه ها را می‌توان قبل از عملیات روزانه - در روشنائی از هواپیما جدا ساخت تا بدینوسیله وزن هواپیما کاهش یافته و ضمناً از گم شدن یا صدمه وارد شدن به آن درصورت اصابت هواپیما ، جلوگیری گردد . یک محفظه لنترن^{۶۶} در حقیقت یک فلیر (یا دوربین دید در شب) با زاویه دید عریض می‌باشد که به خلبان اجازه پرواز شبانه در ارتفاع کم را می‌دهد . از آن جایی که اجباری در استفاده از رادار نیست لذا شانس کمتری برای دشمن وجود خواهد داشت تا از حمله ای که در پیش است آگاهی یابد . محفظه سیستم لنترن حاوی دستگاه (فلیر) سنتی ((ازلای حصیرنگاه کن))، جهت هدف یابی می‌باشد .

^{۶۶} Low-Attitude Navigation and Targeting Infrared System (LANTERN)

متأسفانه وقتی عملیات سپر صحرا شروع شد مدت زیادی از تولید لترین نگذشته بود بنابراین مشخص نمی‌باشد که آیا خدمه مربوطه، آموزش کافی را در این مدت دیده و در عملیات طوفان صحرا نیز آنرا بکار برده اند.

روش دیگر دیدن در عملیات شبانه، بکار بردن عینکهای مخصوص دید در شب^{۶۷} که اطرافش پوشیده شده، می‌باشد. خلبانان از عینکهای مخصوصی که نور موجود را تقویت می‌کند، استفاده می‌نمایند. بجز نور کابین خلبان که با عینک سازگاری دارد، تغییر و تبدیل دیگری در هواپیما انجام نمی‌شود. تنها اشکال این روش اینست که بطور قابل توجه ای تشخیص عمق توسط خلبان را کاهش می‌دهد. این اشکال در زمانیکه پرواز در سطح پائین انجام می‌شود، جزئی نیست. اما با وجود این، خلبانان هواپیمای جت عمود پرواز هاریر آوی - ۸ بی^{۶۸} تفنگداران دریائی آمریکا و همچنین خلبانان بیشتر هلیکوپترها که این سیستم را بکار برده اند از آن بخوبی یاد کرده اند.

یکی از جالب ترین روشهای تک شبانه در هواپیمای آ - ۱۰ نیروی هوائی آمریکا بکار گرفته شده است. این هواپیما اصلاً سیستمی که بتواند در شب ببیند ندارد. ولی موشک ماوریک^{۶۹} حمل می‌کند که می‌تواند با کلاهک جستجو کننده خود، تصاویر مادون قرمز بگیرد. این موشک می‌تواند در شب ببیند و آنچه را که می‌بیند در اطاقک خلبان آ - ۱۰ روی صفحه ای نمایان سازد. البته وقتی ثمام موشکهای هواپیما شلیک و رها شد دیگر هواپیما نمی‌تواند هدفهای زمینی را ببیند، از آنجائی که دیگر مهماتی ندارد، نیازی به دیدن نخواهد بود.

^{۶۷} Night Vision Goggles

^{۶۸} US Marines A V - 8 B Harrier

^{۶۹} Maverick Missile

تک مشترک^{۷۰}

کیفیت همکاری مشترک بین نیروی هوایی و نیروهای سطحی (زمینی و دریائی) همواره در نوسان بوده است. معمولاً در هنگام جنگ درسهای مشکلی فرا گرفته می شود که در زمان صلح فراموش می گردد. در طول دهه اخیر ایالات متحده آمریکا بنحوی این الگو را تغییر داده است. نیروهای مسلح آمریکا وارد جنگی شدند که از نظر آمادگی هوایی، زمینی و دریایی هیچ وقت در طول تاریخ خود و در جنگهای قبلی به این حد نبوده است.

قسمتی از این اعتبار آمادگی احتمالاً مربوط به نیروی زمینی آمریکا می شود که دکترین جدیدی را بنام "جنگ هوا زمین" توسعه دادند. علیرغم اینکه نیروی هوایی نقش بالایی را داشت ولی این دکترین جدید به نیروی زمینی نقش برتری را داد که هیچ وقت مورد قبول نیروی هوایی آمریکا واقع نشد. با این حال دکترین جدید قدم بزرگی در مسیر درست برداشت و این جرقه شروعی شد برای تحلیل مداوم، چگونگی همکاری و یکارگیری توأم نیروهای زمینی و هوایی. برآشتگی اوضاع نیز ممکن است در این امر نقشی داشته باشد. این نابسامانی و مشکلات سرویسهای خدماتی که مورد بحث هستند در طول عملیات گرانادا نیز نقش داشتند.

با نگاهی منصفانه، بیشترین قسمت مشکلات را می توان فرصت بسیار کم موجود برای طرح ریزی و هدایت عملیات دانست. با این حال چنین تداعی شد که سرویسها نمی توانند با یکدیگر همکاری نمایند. نیروهای مسلح آمریکا حتی در مورد همکاری نزدیک نیروهای هوایی و زمینی اسرائیل، در حین نفوذ به جنوب لبنان، وضع بدتری داشتند.

^{۷۰} Joint Attack

قسمت بعدی داستان ، چیزی شبیه این بود که کدامیک اول بوجود آمد : مرغ یا تخم مرغ ؟ کنگره و نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا هردو شروع به حرکتی به سمت تشریک مساعی بزرگتر و فشرده تر گروههای کار سرویسهای مختلف نمودند . کنگره آمریکا پیشنهاد اعلام شده توسط گلد واتر - نیکلز^{۷۱} را که مبتنی بر افزایش قدرت رؤسای ستاد مشترک^{۷۲} و فرماندهان کل^{۷۳} فرماندهی های مشترک (شبیه فرماندهی مرکزی یا قرار گاهی که شامل عناصری از سرویسهای مختلف می باشد) بود ، تصویب نمود . دانشکده های خدمات جنگی شروع به افزایش مقدار مطالعات مشترک در برنامه تحصیلی خود نمودند . وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) و فرماندهی های مشترک تأکید خود را روی طرح ریزی و بازی جنگ طرحهای عملیاتی مشترک ، متمرکز و افزایش دادند .

پشتیبانی هوایی نزدیک / پشتیبانی زمینی نزدیک^{۷۴}

نتیجه نهایی تمام این تدارکات و آمادگی ها در میدان نبرد قابل مشاهده خواهد بود . موضوع اساسی در تک مشترک هوایی و زمینی به یک هدف ، پشتیبانی هوایی نزدیک می باشد . اگر چنین بشود و چند فروند جنگنده در اختیار فرمانده یگان زمینی باشد او خواهد توانست تصمیم بگیرد که آنها در کجا به بهترین وجه عمل نمایند . در بخشی که مثالی در مورد اسرائیل زدیم چیزی که

^{۷۱} Gold water - Nickols Act

^{۷۲} Joint Chiefs Of Staff

^{۷۳} Commanders in Chief (CinCs)

^{۷۴} Close Air Or Ground Support

می‌توان آنرا پشتیبانی زمینی نزدیک از عملیات هوایی نامید، استتاج می‌شد. توپخانه صحرایی نیروی زمینی بایستی بر علیه جنگ افزارهای ضد هوایی دشمن آتش نماید. در یک چنین فضای امنی که ایجاد می‌شود، هواپیماها خواهند توانست تا علیه توپخانه دشمن قبل از اینکه آنها بتواند علیه توپخانه خودی اجرای آتش کنند تک نماید.

عوامل نهایی

در توضیح اظهارات ژنرال جورج سی. کنی که در حین جنگ، برتری در مقابل آدمک ارزش چندانی ندارد، باید گفت: سربازان عراقی آدمک نبودند. آنها در داخل قوطی های گذاشته شده روی تانکهای سالم، آتشهای دودزا روشن می‌کردند تا خلبانان متحدین را به این فکر بیاندازند که قبلاً آن تانکها منهدم شده اند. ضمناً آنها تانکهای منهدم شده را تعمیر سطحی و رنگ آمیزی می‌نمودند به امید اینکه متحدین با انهدام مجدد آنها گلوله های بیشتری تلف نمایند. بالاخره آنان وقتی تشخیص می‌دادند که وضعیت امیدوار کننده نیست، خود را تسلیم می‌کردند.

صدام حسین، ارتش خود را در یک وضعیت غیرممکن و ناجور قرار داد. او نیروهایش را در روی زمین متوقف کرد - رژیایی که هر خلبان هواپیمای هجومی در سر دارد - سپس نیروها را آنقدر آنجا نگه داشت تا اینکه ماهواره های اطلاعاتی آمریکا از هر انبار و سنگری تصویر تهیه نمایند. اگر صدام در ماه اوت نیروهایش را بطرف جلو حرکت می‌داد ممکن بود پایگاههای هوایی متحدین را که جهت به پای کار آوردن قدرت هوایی نیاز به آنها بود تصرف نماید و اگر صدام نیروهایش را عقب می‌کشید حداقل ارتش خود را نجات می‌داد. همانطوریکه هر دانشجوی نیروی هوایی موافق است، ارزیابی

معروف ((ژنرال شوار تسکف)) در مورد فرماندهی صدام حسین احتمالاً سخاوتمندانه بود :

((بعید است صدام حسین یک استراتژیست بزرگ نظامی باشد ، او نه تنها استراتژیست نبود بلکه آموزش هنر جنگ را نیز ندیده بود و تدابیر جنگی را هم بخوبی نمی دانست ، ضمناً او نه یک ژنرال بود و نه یک سرباز . از طرف دیگر او ظاهراً یک شخصیت نظامی بزرگ است و من از شما می خواهم این را بدانید)) .

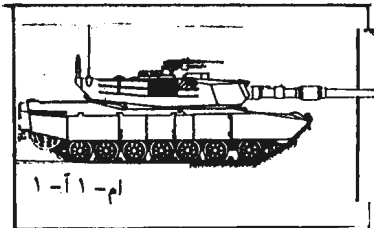
فصل دوم

تجهیزات

تانکهای متحدین

ام ۱ - آ ۱ (M1 - A1) - پیشرفته ترین تانک موجود در زرادخانه ایالات متحده آمریکا می باشد و با دلیل می توان گفت که بهترین تانکی است که تا بحال بخدمت گرفته شده است . زره چابهام بکار رفته در آن از نوع جدید است که مرکب از یک شبکه فوق العاده سخت از جنس اورانیوم تهی شده می باشد و باعث افزایش هر چه بیشتر حفاظت تانک می گردد . این تانک ضمناً یکی از سریعترین تانکهای موجود در ارتش آمریکا است .

مشخصات :



وزن : ۶۵ تن

سرعت در جاده : ۷۲ کیلومتر در

ساعت

نوع توپ : کالیبر ۱۲۰ م م بدون

خان و تثبیت شده

کنترل آتش : بوسیله مسافت یاب لیزری و کامپیوتر بالستیک

تعداد گلوله قابل حمل : ۴۰ عدد

حفاظت زرهی : ۶۰۰ م م (۱۳۰۰ م م در مقابل گلوله ضد تانک سوختار

شدید)

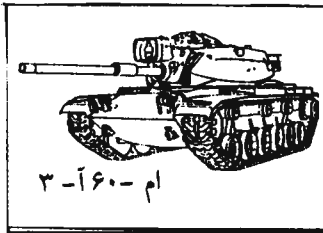
مورد استفاده توسط : ارتش ایالات متحده آمریکا

ام ۶۰ - آ ۳ ام بی تی (M60A3 MBT) : این تانک نمونه

پیشرفته تانک متوسط ام ۴۸ می باشد . در انواع مختلف تانکهای ام ۶۰ ، توپ

۱۰۵ م م دارای خان نصب شده است ولى مدلهای جدید دارای یک کامپیوتر بالستیکى و دستگاه نشانه روى حرارتى مى باشد .

تانکهای ام ۶۰ تفنگداران دریائی آمریکا مجهز به قطعات زره واکنشى هستند که حفاظت زرهى بیشتری را برابر گلوله های ضد تانک سوختار شدید ایجاد مى کند ، بقیه نیروهای متحدین که از تانک ام ۶۰ استفاده مى نمایند فاقد این نوع زره هستند .



ام - ۶۰ - ۳

مشخصات :

وزن : ۵۱/۵ تن

سرعت در جاده : ۴۸ کیلومتر در ساعت

نوع توپ : کالیبر ۱۰۵ م م

کنترل آتش : بوسیله مسافت یاب لیزرى و کامپیوتر بالستیک

تعداد گلوله قابل حمل : ۶۳ عدد

حفاظت زرهى : ۲۵۰ م م (۵۰۰ م م در مقابل گلوله ضد تانک

سوختار شدید . فقط تفنگداران دریائی آمریکا دارای تانک بسا

زره واکنشى هستند)

مورد استفاده توسط: ارتشهای عربستان ، بحرین و مصر و تفنگداران

دریائی آمریکا

ام ۵۵۱ شرایدن (M - 551 SHERIDEN) این تانک دراصل

بعنوان یک خودروى شناسائى عمومى بکار برده مى شود . سلاح اصلی آن کماکان

مشکلاتى را برای آن ایجاد مى نماید . توپ آن قادر به شلیک گلوله ۱۵۲ م م کم

سرعت و همچنین موشک ((شیل لا)) می باشد . در عمل مشاهده می شود که ضربه ناشی از شلیک گلوله معمولاً به سیستم هدایت موشک صدمه می زند و موشک انداز را غیر عملیاتی می نماید . این مشکل و مشکلات دیگر باعث شده است که این تانک خارج از رده شود . ولی در حال حاضر گردان تانک سبک هوابرد، لشکر ۸۲ هوابرد مجهز به این تانک می باشد . این تانکها اولین تانکهای آمریکایی بود که وارد عربستان سعودی شدند .

مشخصات :



ام - ۵۵۱ شرایدن

وزن : ۱۶ تن

سرعت در جاده : ۶۵ کیلومتر در ساعت

نوع سلاح : توپ و موشک انداز ۱۵۲ م م

کنترل آتش : بوسیله مسافت یاب لیزری

تعداد گلوله قابل حمل : ۲۰ گلوله توپ ، ۱۰ فروند موشک شیل لا

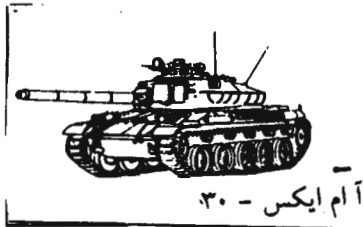
حفاظت زرهی : ۱۰۰ م م

مورد استفاده توسط : لشکر ۸۲ هوابرد آمریکا

آام ایکس - ۳۰ (AMX-30) این تانک از اواسط دهه ۱۹۶۰ در

فرانسه تولید می گردد و بمنظور برتری در سرعت و قدرت آتش بر علیه حفاظت زرهی طراحی شده است ، برای داشتن حفاظت بیشتر ، یک توپ ۱۰۵ م م روی آن نصب شده است که قادر است گلوله های ضد تانک سوختارشدیدرا شلیک کند، این گلوله ها در آن زمان بهترین گلوله های ضد زره بود. گذشت زمان ، اشتباه بودن بسیاری از تصمیمات طراحان این تانک را به ثبوت رسانیده است . زره های چابهام و واکنشی ، بطور قابل ملاحظه ای ارزش گلوله های ضد تانک سوختار شدید را کاهش داده است ، در حالیکه گلوله های جدید ، فوق العاده

سریع و دارای قدرت نفوذ عالی هستند ولی توپ این تانک آنقدر قوی نیست که بهره کافی را عاید نماید. قدرت تکنولوژیکی جدید کارخانه ها باعث افزایش سرعت تانکها در حد این تانک و یا حتی بیشتر از آن شده است. این تانک دارای زره سبک، سرعت، قدرت تخریبی و کشتار متوسط است. مدل پیشرفته تر این تانک بنام آم ایکس -۳۰ بی ۲ در خدمت نیروهای فرانسوی در صحنه عملیات کویت، دارای مسافت یاب لیزری و حفاظت زرهی اضافی بود.



آم ایکس - ۳۰

مشخصات:

وزن : ۳۶ تن

سرعت در جاده : ۶۵ کیلومتر در

ساعت

تعداد گلوله قابل حمل : ۴۷ عدد

حفاظت زرهی : ۱۵۰ م م (۱۸۰ م م در نوع آم ایکس ۳۰ بی ۲)

نوع توپ : ۱۰۵ م م دارای خان

مورد استفاده توسط : ارتشهای عربستان، امارات متحده و قطر

(نوع بی ۲ در فرانسه)

کنترل آتش : مسافت یاب انطباقی (مسافت یاب لیزری در نوع آم ایکس

۳۰ بی ۲)

چیفتن ام کا ۵ (MK5 - CHIEFTAIN) - وقتی این تانک

ساخته شد و معرفی گردید، دارای ضخیم ترین زره و قویترین توپ در بین تانکهای دنیا بود ولی سرعت آن بسیار کم بود. هر چند که در تولیدات بعدی در این مورد نیز بهبودی حاصل شد.

مشخصات :



وزن : ۵۵ تن

سرعت در جاده : ۴۸ کیلومتر در ساعت

تعداد گلوله قابل حمل : ۶۴ عدد

نوع توپ : ۱۲۰ م م دارای خان

کنترل آتش : مسافت یاب لیزری

حفاظت زرهی : ۴۰۰ م م

مورد استفاده توسط : ارتشهای عمان و کویت

ام - ۸۴ (M 84) : این تانک ساخت کشور یوگسلاوی سابق و مدل

دیگری از تی ۷۲ روسی می باشد . علاوه بر صفحات زرهی اطراف این تانک ، تفاوت آشکار دیگر آن باتانک تی ۷۲ وجود یک باد سنج بر روی برجک آن می باشد .

مشخصات :



وزن : ۴۱ تن

تعداد گلوله قابل حمل : ۴۰ عدد

سرعت در جاده : ۵۰ کیلومتر در ساعت

نوع توپ : ۱۲۵ م م بدون خان

حفاظت زرهی : ۲۵۰ م م

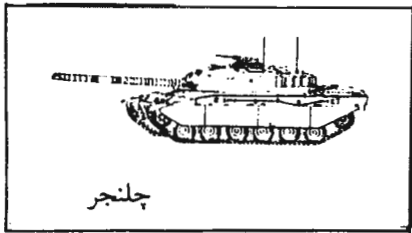
مورد استفاده توسط : ارتش کویت

کنترل آتش : مسافت یاب لیزری ، کامپیوتر بالستیک و توپ تثبیت شده

چلنجر (CHALLENGER MBT) : سرویس دهی این تانک باتوجه

به مشکلاتی که از نظر توپ اصلی داشت ، بطور قابل ملاحظه ای ناامیدکننده بود .

نوع اصلاح شده توپ ۱۲۰ م م دارای خان تانک چپفتن ، در این تانک بکار گرفته شده که به این تانک اجازه می دهد تا مهمات ضد زره دارای باله های تثبیت کننده مسیر با خرج موشکی را با سرعت فوق العاده شلیک کند . با این حال نصب غیر استاندارد ادوات کنترل آتش بر روی برجک باعث مشکل شدن کار خدمه برای درگیری مؤثر با اهداف متحرک می شود . این مسئله برای درگیری با تانک دیگر یک عیب محسوب می شود اما برای شلیک از مسافت دور مسئله زیادی ایجاد نمی نماید .



چلنجر

مشخصات :

وزن : ۶۲ تن

تعداد گلوله قابل حمل : ۵۲

عدد

سرعت در جاده : ۶۰ کیلومتر در ساعت

ضخامت زره : ۵۰۰ م م (در مقابل گلوله ضد تانک سوختار شدید

، ۸۰۰ م م)

مورد استفاده : ارتش بریتانیا

نوع توپ : ۱۲۰ م م دارای خان

کنترل آتش: مسافت یاب لیزری، کامپیوتر بالستیک و توپ تثبیت شده

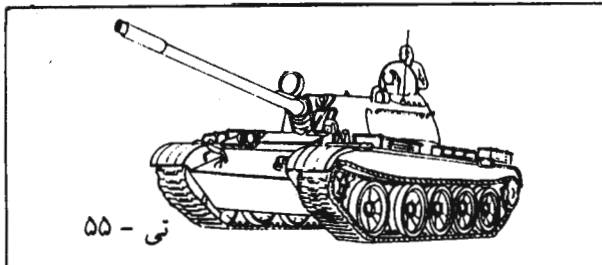
تانکهای عراقی

گرچه زره به تنهایی نمی تواند عامل برنده شدن در جنگ باشد ، ولی خودروهای رزمی زرهی ، هسته مرکزی هر نیروی تهاجمی را در میدین رزم نوین

تشکیل می‌دهند. بخصوص در سرزمین وسیعی چون شبه جزیره عربستان، نیروهای زرهی عراق به بهترین وجه آموزش دیده و هدایت شده بودند، بطوریکه آنها تنها نیروهای مقاومت کننده جدی در مقابل تهاجم متحدین بودند.

تانکهای اصلی میدان جنگ

تی ۵۴/۵۵ (T - 54 / 55) : تانکهای تی ۵۴ و مدل کمی پیشرفته تر آن تی ۵۵ در دهه ۱۹۵۰ به ظهور رسید. به علت عمر قابل ملاحظه آنها، هنوز هم در مقیاس وسیعی در ارتشهای جهان بخدمت گرفته می‌شوند. امروزه این نوع تانکها از نظر نبردهای تانک با تانک و در مقام مقایسه با تقریباً هر نوع تانک متحدین، در رده عقب تری قرار دارند.



مشخصات :

وزن : ۳۶ تن

تعداد گلوله قابل حمل : ۳۴ عدد در مورد تی ۵۴

: ۴۳ عدد در مورد تی ۵۵

سرعت در جاده : ۴۸ کیلو متر در ساعت

ضخامت زره : ۲۰۰ م م

نوع توپ : کالیبر ۱۰۰ م م (D-10t2s)

تعداد موجود : ۱۴۰۰ دستگاه

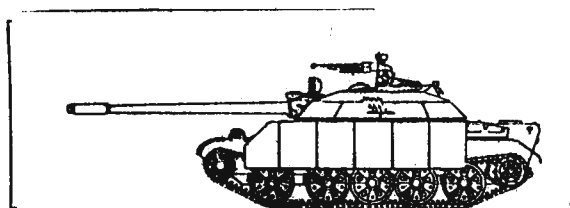
کنترل آتش : وسیله نشانه روی چشمی

تانک تی ۵۵ پیشرفته (اصلاح شده) : عراقی ها دو نوع تانک

تی ۵۵ اصلاح شده تولید نموده اند . یکی از این دو نوع که تی ۵۵+ نامیده شده ، همان توپ ۱۰۰ م م تانک اصلی را دارا می باشد ولی صفحات زرهی (که گمان می رود از چین خریداری شده باشند) در اطراف آن تعبیه شده اند .

این صفحات زرهی اضافه شده ، میزان زره این تانک را شاید تا ۱۵۰ م م افزایش داده که ظاهری غیر روسی به آن داده است .

نوع دیگر این تانک ، که تی ۵۵ کیو (T - 55 Q) می باشد بجای توپ ۱۰۰ م م دارای توپ ۱۲۵ م م بدون خان است که مجهز به دستگاه گلوله گذار خودکار و مسافت یاب لیزری می باشد. این اقدام عراق ، شیه سیستم توپ روسی بکار رفته در تانک تی ۷۲ می باشد . هیچ کدام از این دو مدل تانک به تعداد زیاد در صحنه ظاهر نشد .



تی - ۵۵ پیشرفته

مشخصات :

وزن : ۳۶ تن در مورد تی ۵۵ و بیش از ۴۰ تن در مورد تی ۵۵+

سرعت در جاده : ۴۸ کیلومتر در ساعت

نوع توپ : ۱۲۵ م م بدون خان (تی ۵۵ کیو) ، ۱۰۰ م م D-10T25 (تی ۵۵+)

کنترل آتش : مسافت یاب لیزری

تعداد گلوله قابل حمل : ۴۰ عدد (تانک تی ۵۵ کیو) ، ۴۳ عدد (تانک تی ۵۵)

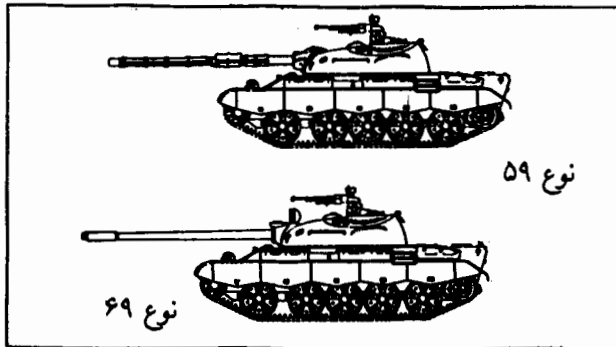
ضخامت زره : ۲۰۰ م م (تی ۵۵ کیو) ، ۳۵۰ م م (تی ۵۵)

تعداد موجود : اندک

تانک نوع ۵۹ / ۶۹^۱ : تانک چینی نوع ۵۹ ، نمونه ساده ای از تانک

تی ۵۴ می باشد و فاقد بعضی تجهیزات (مانند صفحات مقاوم برجک) که بیشتر ارتشها آنها را جزو ضروریات منظور می نمایند، می باشد . تانک نوع ۶۹ دارای مسافت یاب لیزری و یک سیستم حفاظتی کامل در برابر عوامل شیمیایی ، میکربی و رادیو اکتیویته می باشد. هردو نوع تانک ۵۹ و ۶۹ دارای صفحات کنگره دار در اطراف خود می باشند که بدینوسیله آنها را از تانک استاندارد تی ۵۵ متمایز می سازد. نوع ۶۹ مدل جدیدتر نوع ۵۹ می باشد . تمام تانکهای نوع ۵۹ که در اختیار ارتش عراق می باشد ظاهراً تعمیر و روی آنها توپهای ۱۰۵ م م تانک و مسافت یاب لیزری نصب شده اند ولی تانکهای نوع ۶۹ ظاهراً توپهای ۱۰۰ م م روسی خود را حفظ کرده اند .

نمونه هایی از این تانکها که اخیراً تولید شده ، به سایر کشورها صادر شده اند که از نظر کنترل کیفی بسیار ضعیف بوده اند، بخصوص در بعضی از اجزای متشکله آن از جمله حلقه برجک و دنده ها .



مشخصات :

وزن : ۳۶ تن

ضخامت زره : ۲۰۰ م.م

سرعت در جاده : ۴۸ کیلومتر در ساعت

تعداد موجود : نوع ۵۹ ، ۵۰۰ دستگاه

نوع ۶۹ ، ۱۰۰۰ دستگاه

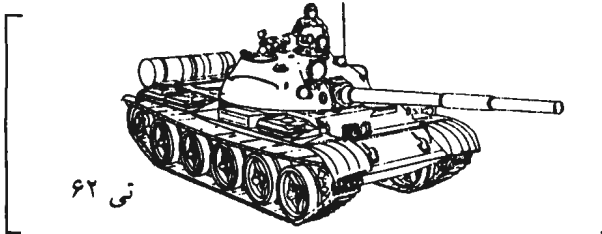
نوع توپ : ۱۰۰ م.م (D 10T2S) در نوع ۶۹

۱۰۵ م.م L7 در نوع ۵۹

تعداد گلوله قابل حمل : ۳۴ عدد

کنترل آتش : مسافت یاب لیزری

تانک تی ۶۲^۲ : این تانک نمونه ساده ای از تانک تی ۵۵ می باشد و یک برجک اصلاح شده دارد که توپ قویتر ۱۱۵ م م بدون خان یو - ۵ تی اس روی آن قابل نصب است . اولین توپهای بدون خان تانک ، توسط روسها تهیه شده است . دقت این توپ از توپ ۱۰۰ م م خان دار تانکهای تی ۵۴ و ۵۵ بهتر است ، اما از نظر استانداردهای جدید هنوز در سطح پایین قرار دارد . تانکهای تی ۶۲ قسمت عمده تانکهای مدرن عراق را تشکیل می دهد . تعدادی از این تانکها حتی به کشورهای عضو پیمان ورشو صادر گردید ولی اکثر این تانکها که بوسیله کشتی به آنسوی دریاها ارسال شد ، در اوائل دهه ۱۹۷۰ به کشورهای عربی فرستاده شد . بیشتر تانکهای تی ۶۲ عراقی در لشکرهای نخبه گارد جمهوری متمرکز است .



تی ۶۲

مشخصات :

وزن : ۳۶/۵ تن

ضخامت زره : ۲۰۰ م م

سرعت در جاده : ۵۰ کیلومتر در ساعت

تعداد موجود : ۱۰۰۰ دستگاه

نوع توپ : ۱۱۵ م م یو - ۵ تی اس

کنترل آتش : وسیله نشانه روی چشمی (بعضی هادارای امواج

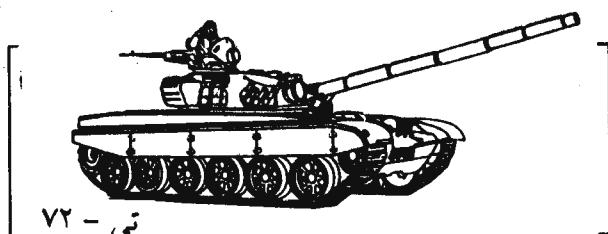
لیزری)

تعداد گلوله قابل حمل : ۴۰ عدد

تانک تی ۷۲: گرچه این تانک نسبت به تانکهای قبلی روسی بهتر است، مدل اصلی و اولیه تی ۷۲ از نظر استانداردهای معاصر، از حفاظت ضعیفی برخوردار است و حقیقت این است که سوخت و مهمات در داخل این تانک بصورت فشرده و نزدیک بهم قرار گرفته اند که در صورت هدف قرار گرفتن، موجب افزایش درصد کشتار و فاجعه آمیز خواهد بود. با تشخیص این عیب، روسها در تولید مدل‌های بعدی تی ۷۲، میزان مقاومت زره این تانک را افزایش دادند. در مدل تی ۷۲-ام از نظر ظاهری نیز مشخص است که بدنه و قسمت جلوی برجک ضخیمتر است. (برآمدگی قابل توجه قسمت جلوی برجک این مدل تانک موجب شد تا پرسنل زرهی آمریکایی آنرا عروسک چرخان^۳ لقب دهند).

تخمین زده می‌شود که در قسمت جلوی این تانک به ضخامت ۳۵۰ م م صفحات زره گذاشته شده باشد. آخرین مدل این تانک بنام تی ۷۲ ام ۱۰ دارای برجکی با ضخامت بیشتر است که حفاظت آنرا تا ۴۰۰ م م بالا می‌برد و لذا لقب ((عروسک چرخان ۲)) را دریافت نموده است ضمناً ضخامت زره بالای برجک نیز افزایش یافته و تانک مجهز به مسافت یاب لیزری می‌باشد. مشکلی که همواره بمدت سی سال طراحان تانک روسی با آن مواجه بودند عدم دقت کافی توپ اصلی است و این تانک نیز همان سنت را ادامه داده است. بعلت سرعت زیاد و مسیر صاف گلوله، دقت توپ تا ۱۵۰۰ متر خوب است اما بعد از آن، دقت شدیداً افت می‌نماید. قسمت عمده تانکهای تی ۷۲ عراقی از همان تولیدات اولیه (تی ۷۲ بی) و مدل‌های صادراتی (تی ۷۲ جی) هستند، احتمالاً عراق بیش از ۳۰۰ دستگاه از تانکهای مدل تی ۷۲ - ام و تی ۷۲ ام ۱ در اختیار ندارد.

^۳ Dolly Parton



مشخصات :

وزن : ۴۱ تن ، تعداد موجود ۱۰۰۰ دستگاه

کنترل آتش : مسافت یاب لیزری - سیستم تثبیت شده توپ

سرعت در جاده : ۵۰ کیلومتر در ساعت

ضخامت زره : ۲۵۰ م م (اما در تی ۷۲ - ام ۳۵۰ م م و در تی ۷۲ ام ۴۰۰ م م) نوع توپ : ۱۲۵ م م

تعداد گلوله قابل حمل : ۴۰ عدد

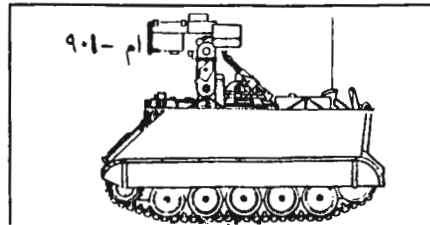
زدن هدف از مسافت دور بخصوص در حین نبرد در صحرا بسیار مشکل است . مسافتیابهای با امواج لیزری نسبت به نوع نوری دارای برتری می باشد . کامپیوترهای بالسنیکی نیز دقت اصابت در مسافتات زیادرا بیشتر می نماید . توپهای از نوع تثبیت شده حتی هنگام حرکت تانک ، با کمال دقت قادر به اجرای آتش هستند ولی تانکهایی که این نوع توپها را ندارند برای شلیک باید توقف نمایند .

کمین کننده های جدید

منهدم کننده های تانک

اغلب گفته می شود که بهترین روش برای انهدام یک تانک استفاده از تانک دیگر است . اگرچه احتمالاً این نظریه درست است ولی همیشه امکان این امر نیست . یگانهای پیاده نیاز به جنگ افزارهای مخصوص بخود دارند تا در مقابل

تانکها دفاع نمایند ، چون نمی‌توانند همیشه روی خودروهای زرهی خودی که در مواقع نیاز در محل مورد نظر باشند حساب نمایند .



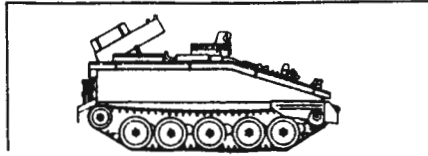
خودروی زرهی حامل موشک تاو پیشرفته

وزن : ۱۱ تن نوع سلاح: موشک تاو ۲

کشورهای استفاده کننده: آمریکا، مصر و کویت

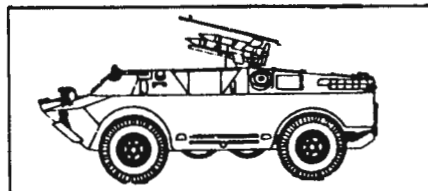
راه حل اینست که ترکیبی از راکت اندازه‌های ضد تانک برای مسافت نزدیک و موشکهای ضد تانک برای مسافت دور بکار رود . راکت اندازه‌های بایستی به حد کافی سبک باشند تا بوسیله سربازان قابل حمل باشند و در مواقعی که جدا از خودروهای مربوطه بکار گرفته می‌شوند مورد استفاده قرار گیرند ، زیرا وزن زیاد موجب بیشتر شدن محدودیتهای بکارگیری آنها در عملیات می‌شود .

از طرف دیگر موشکهای ضد تانک که بوسیله خودروها حمل می‌گردند ، می‌توانند سنگین تر باشند . موشکهایی که توسط سربازان پیاده حمل می‌گردند نبایستی زیاد سنگین باشند . از اینرو در مورد اینکه دسته‌های پیاده عملاً از چه نوع سلاح ضد تانک استفاده نمایند دو نظریه وجود دارد .



خودروی زرهی با موشک ضدتانک استرایکر
وزن : ۸ تن نوع سلاح : سوئینگ فایر
کشور استفاده کننده : بریتانیا

یک نظریه اینست که موشکهای سنگین بطور دائم روی خودروها نصب گردند. مثالهایی در اینمورد عبارتند از : آی اف وی برادلی^۴ (خودرو رزمی پیاده) با موشک انداز تاو ۲، یا بی ام پی - ۲ روسی با موشک انداز آ تی - ۵ اسپاندرل^۵ (بی ام پی ۲ های کویتی که مدلهای صادراتی ساخت کشور چک هستند، فقط مناسب سلاح ضد تانک آ تی - ۴ می باشند).
نظریه دوم اینست که موشکها باندازه کافی سبک و قابل جدا شدن از



خودروی زرهی با موشک ضدتانک بی آر دی ام - ۲
وزن : ۸ تن نوع سلاح : آ تی - ۳ ساگر
کشور استفاده کننده : عراق

^۴ Bradley IFV (Tow II)

^۵ Soviet BMP-2 (AT-5 Spandrel)

خودرو ، توسط پرسنل پیاده حمل و مورد استفاده قرار گیرد . ارتشهای بریتانیا و فرانسه مطابق این نظریه از موشکهای ضد تانک میلان^۶ استفاده می کنند. این موشک بعلت محدودیت وزن برد کمتری نسبت به تاو دارد .

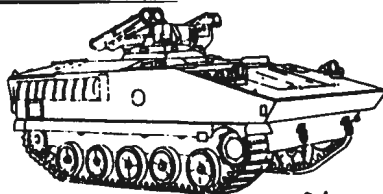
فرانسویها روی خودروی رزمی پیاده ، آم ایکس - ۱۰ پی^۷ مقری قرار داده اند تا موشک ضد تانک میلان روی آن نصب شده و بعنوان یک سلاح خودرویی بتواند بکار رود و هنگامی که سربازان گروه از خودرو پیاده می شوند آنرا نیز بتوانند از خودرو جدا نموده ، بکار برند .

آمریکا روش پر هزینه ولی موثری را برگزید تا هر دو نوع سلاح را در اختیار داشته باشد . علاوه بر موشک انداز تاو ۲ نصب شده روی خودرو ، سربازان گروه همچنین دارای موشک انداز دراگون قابل حمل به وسیله نفر می باشند که بدون خودرو نیز قابل استفاده است .

بدون توجه به راه حلی که در سطح دسته و گروهان مورد قبول واقع شده ، بیشتر ارتشهای جهان با تولید خودروهای مخصوص ضد تانک ، روش دفاعی ضد تانک فوق العاده ای را بکار می برند . این خودروها معمولاً نفربرهای زرهی یا خودروهای زرهی هستند که یک موشک انداز برد بلند روی آنها نصب می شود . این خودروها می توانند بجای حمل پرسنل پیاده ، تعداد حداقل ۱۲ فروند موشک اضافی را حمل نمایند .

^۶ Milan

^۷ AMX-10 P IFV



مخودروئی ضد تانک آم ایکس - ۱۰ آ

وزن: ۱۴ تن

دارای سلاح هات

استفاده کننده: عربستان سعودی

چه کشوری، چه نوع موشکهای هدایت شونده ضد تانک بکار می برد؟

هل فایر^۸ (آتش جهنم): ایالات متحده آمریکا

تاو^۹: مصر، مراکش، عمان، عربستان، امارت متحده عربی و بحرین

تاو I: کویت

تاو II: ایالات متحده آمریکا

میلان: فرانسه، بریتانیا، عمان، قطر، مصر و امارت متحده عربی

دراگون^{۱۰}: مراکش، عربستان و آمریکا

آتی - ۳ ساگر^{۱۱}: عراق و سوریه

آ تی - ۴ اسپیگات^{۱۲}: عراق، سوریه، کویت

هات^{۱۳}: فرانسه، عراق، کویت، قطر، عربستان و امارت متحده عربی

سوئینگ فایر^{۱۴}: بریتانیا

^۸ Hell fire

^۹ Tow

^{۱۰} Dragon

^{۱۱} AT-3 Sagger

^{۱۲} AT-4 Spigot

^{۱۳} Hot

^{۱۴} - Swing Fire

جنگ افزارهای سبک ضد تانک

ال آر سی - اف ۱۵ : فرانسه

کارل گوستاو^{۱۶} : بریتانیا ، کویت ، قطر ، عربستان و امارات متحده عربی

آرپی جی ۷ : سوریه ، مصر و عراق

آرتی ۴ : آمریکا

ام ۷۲ آ - ۱ لاو^{۱۷} : مراکش و آمریکا

لاو ۸۰^{۱۸} : بریتانیا

این شکارچیان و منهدم کنندگان مخصوص تانک معمولاً بعنوان گروهان های ضد تانک در رده های گردان و تیپ تشکیل می شوند. تمام گروهان ضدتانک بطور یکجا می تواند بعنوان پوشش قسمت های حساس خط مقدم بکار رود ، ولی اغلب به دسته هایی تقسیم می شوند تا بمنظور ازدیاد قدرت دفاعی گروهان های مانوری مورد استفاده قرار گیرند. بطور مثال در یک گردان پیاده مکانیزه ایالات متحده آمریکا^۴ گروهان پیاده مکانیزه (که هر کدام دارای ۱۴ دستگاه خودروی رزمی ام ۲ برادلی^{۱۹} می باشند) و یک گروهان ضد زره (شامل ۱۲ دستگاه خودروی پیشرفته حامل موشک انداز تاو ام ۹۰۱^{۲۰}) وجود دارد. بعضی ارتشها در هر لشکر یک گردان کامل خودروهای ضد تانک در اختیار دارند .

^{۱۵} LRAC F1

^{۱۶} Carl Gustar

^{۱۷} M 72 A 1 LAW

^{۱۸} LAW 80

^{۱۹} M2 Bradley

^{۲۰} M 901

قدرت نفوذ موشکهای هدایت شونده ضدتانک درزره با توجه به مسافت

موشک هل فایر در فاصله ۴۰۰۰ متر

۱۰۵۰ م

موشک تار در فاصله ۳۰۰۰ متر

۶۰۰ م

موشک تار I در فاصله ۳۵۰۰ متر

۸۰۰ م

موشک تار II در فاصله ۳۷۵۰ متر

۹۰۰ م

موشک میلان در فاصله ۲۰۰۰ متر

۶۰۰ م

موشک دراگون در فاصله ۱۰۰۰ متر

۵۰۰ م

موشک ساگر مدل AT-3 در فاصله ۳۰۰۰ متر

۴۰۰ م

موشک اسپیکات AT-4 در فاصله ۲۰۰۰ متر

۵۰۰ م

موشک هات در فاصله ۴۰۰۰ متر

۸۰۰ م

موشک سوینگفایر در فاصله ۴۰۰۰ متر

۸۰۰ م

موشک اسپاندرال AT-5 در فاصله ۳۵۰۰ متر

م ۷۵۰

قدرت نفوذ سلاحهای سبک ضد تانک در زره با توجه به مسافت

سلاح M-72A1 ۶۶ میلیمتری در فاصله ۲۰۰ متری

م ۳۲۵

سلاح LRACF1 ، ۸۹ میلیمتری در فاصله ۴۰۰ متری

م ۴۰۰

آرپی جی ۷- در فاصله ۵۰۰ متری

م ۴۰۰

سلاح LAW-80 ، ۹۴ میلیمتری در فاصله ۵۰۰ متری

م ۶۰۰

سلاح کارل گوستاو ۸۴ میلیمتری در فاصله ۷۰۰ متری

م ۴۰۰

سلاح At-4 ، ۸۴ میلیمتری در فاصله ۳۰۰ متری

م ۴۰۰

خودروهای رزمی زرهی سبک متحدین

نفربر ام ۱۱۳^{۲۱} - این نفربر یکی از خودروهای زرهی می باشد که در

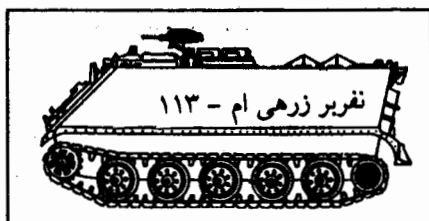
طول تاریخ بیشترین بهره برداری از آن بعمل آمده است . نفربرهای ام ۱۱۳

مصری دارای صفحات زرهی اضافی هستند که ضخامت زره آن را تا ۵۰ الی

۶۰ م افزایش می دهند .

²¹ M 113 APC

مشخصات :



وزن : ۱۱ تن

نوع توپ : تیربار ۱۲/۷ م م

ضخامت زره : ۳۰ م م

سرعت در جاده : ۶۷/۶ کیلومتر در

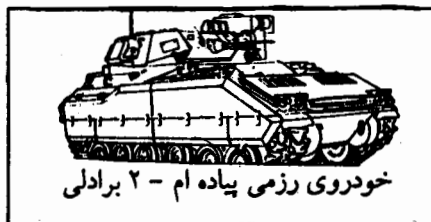
ساعت

ظرفیت : ۱۱ نفر

کشورهای استفاده کننده : عربستان ، کویت ، مصر و مراکش

خودروی رزمی پیاده ام ۲ برادلسی : زره های طرفین این خودرو

شامل ۲ صفحه فولادی سخت به ضخامت یک چهارم اینچ و یک صفحه آلومینیومی به ضخامت یک اینچ می باشد . فضای خالی بین صفحات ، حفاظت فوق العاده ای در برابر خرجهای گود ایجاد می کند . بطور کلی میزان حفاظت این زره در مقابل گلوله های عادی معادل ۳۰ م م فولاد می باشد . نوع جدیدتر این خودرو (ام ۲ آ ۱)^{۲۲} دارای ۳۰ م م صفحه زرهی فولادی اضافه شده به قسمت جلو و طرفین خودرو می باشد . بیشتر خودروهای سپاه هفتم آمریکا از نوع پیشرفته این خودرو می باشند .



مشخصات :

وزن : ۲۲/۵۹ تن

حد اکثر سرعت در جاده :

۶۶ کیلومتر در ساعت

نوع توپ : ۲۵ م م و موشک انداز تاو ۲

ظرفیت : ۷ نفر

قطر زره : ۳۰ م م (ام ۲) - ۶۰ م م (ام ۲ آ ۱)

استفاده کننده : ارتش آمریکا

^{۲۳} خودروی رزمی پیاده واریر

انگلستان آخرین قدرت نظامی مهم بود که یک خودروی رزمی پیاده را به خدمت گرفت. نام این خودرو ((واریر)) است و در حال حاضر منتقدین نظامی تردید ندارند که خودروی نامبرده ارزش این انتظار طولانی را داشته باشد. واریر یک خودروی آبی خاکی نبوده و بر خلاف سایر خودروهای زرهی پیاده به سیستم پرتاب موشکهای هدایت شونده ضد تانک مجهز نیست و ضمناً بر روی برجک آن، مقر مناسبی برای موشک انداز گروه تفنگدار وجود ندارد. این دو نقص عمده، کارایی و قابلیت انعطاف واریر را کاهش داده است. البته اخیراً مذاکراتی در مورد طرح ریزی، ساخت و نصب مقر موشک انداز میلان^{۲۴} بر روی خودروی نامبرده انجام شده است.

^{۲۳} WARRIOR IFV

^{۲۴} MILAN

مشخصات :



خودروی رزمی پیاده وارییر

وزن : ۲۴ تن

حد اکثر سرعت در جاده :

۷۵ کیلومتر در ساعت

نوع توپ : ۳۰ م م

راردن^{۲۵}

ظرفیت : ۷ یا ۸ نفر

قطر زره : ۴۰ تا ۶۰ م م

کشور استفاده کننده : انگلستان

خودروی رزمی پیاده آ ام ایکس - ۱۰ پی

برجک این خودرو پایه ای برای نصب موشک انداز میلان دارد . معمولاً هر گروه تفنگدار ، مجهز به یک موشک انداز میلان است که هنگام پیشروی در منطقه عملیات ، آن را روی خودرو سوار می کنند ، اما در مواقع اشغال مواضع پدافندی ، این موشک انداز از روی خودرو برداشته می شود . تعدادی از این خودروهای رزمی آ . ام . ایکس در منطقه بعنوان مقر نگهدارنده سیستم موشک هدایت شونده ضد تانک ((هات))^{۲۶} مورد استفاده قرار می گیرند . این خودرو یکی از وسایل نقلیه متداول و مورد استفاده در منطقه عملیات می باشد .

^{۲۵} RARDEN

^{۲۶} Hot ATBM

مشخصات :



خودروی زرمی پیاده آ ام ایکس - ۱۰ بر

وزن : ۱۴/۲ تن

حداکثر سرعت : ۶۵

کیلومتر در ساعت

نوع توپ : ۲۰ م م

قطر زره : ۳۰ م م

ظرفیت : ۸ نفر

کشورهای استفاده کننده : فرانسه ، عربستان سعودی ،

امارات متحده عربی و قطر

نفربر زرمی فرانسوی وی . آ . بی^{۲۷}

این خودروی فرانسوی ، سبک وزن و چرخدار بوده و بعنوان خودروی

فرماندهی یا برای ترابری پرسنل شناسایی پیاده ، مورد استفاده قرار می گیرد .

مشخصات :

وزن : ۱۳ تن

حداکثر سرعت : ۹۲ کیلومتر در ساعت

نوع سلاح : تیربار ۷/۶۲ م م

ظرفیت : ۱۰ نفر

قطر زره : ۱۲ م م

کشورهای استفاده کننده : فرانسه و قطر

^{۲۷} VAB(VEHICULE DE L , AVAN BLINDE) APC

خودروی زرهی فرانسوی آ ام ایکس - ۱۰ آر سی

این خودرو، دارای زرهی سبک و سرعت زیاد بوده، بیشتر از آنکه برای شناسایی مورد استفاده قرار گیرد بعنوان یک تانک سبک یا ضد تانک بکار گرفته می شود. یگانهای مجهز به خودروی زرهی نامبرده، غالباً وظایف مربوط به سوار زرهی، از قبیل شناسائی مواضع دشمن، اشغال سریع و تصرف مناطق بدون پدافند یا دارای پدافند ضعیف، نیروی پوشش در حرکات به عقب، و غیره را انجام می دهند.

مشخصات :

وزن : ۱۵/۸ تن

حداکثر سرعت : ۸۵ کیلومتر در ساعت

نوع توپ : ۱۰۵ م م

بار مهمات همراه : ۳۸ گلوله

قطر زره : ۴۰ م م

کشور استفاده کننده : فرانسه

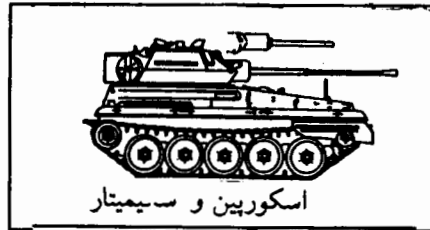


خودروهای سبک شناسائی اسکورپیون^{۲۸} و سیمیتار^{۲۹}

این دو خودرو شبیه هم بوده، تنها از لحاظ جنگ افزار با هم اختلاف دارند و به همین دلیل غالباً با هم مورد استفاده قرار می گیرند. اسکورپیون بوسیله گلوله های سوختار شدید، با هدف های دارای وزن سنگین درگیر می شود، ولی سیمیتار، خودروهای رزمی زرهی را با آتش سریع توپ مورد هدف قرار می دهد.

²⁸ SCORPION

²⁹ SCIMITAR



<u>سیمیتار</u>	<u>اسکورپین</u>	<u>مشخصات</u>
وزن: ۷/۷۶ تن	۸ تن	وزن:
۸۰/۵ کیلومتر	۸۰/۵ کیلومتر در ساعت	حداکثر سرعت:
در ساعت		
	۳۰ م م	توپ: ۷۶ م م
۱۶۵ گلوله ۳۰ م م	۴۰ عدد گلوله ۷۶ م م	بار (مهمات) همراه:
۴۵ م م	۴۵ م م	قطر زره:

کشورهای استفاده ، انگلستان و امارات متحده عربی ، انگلستان و عمان

کننده :

خودروهای رزمی پیاده بی ام پی - ۲

این خودرو، مدل پیشرفته بی ام پی - ۱ روسی است. اختلاف ظاهری این خودرو با مدل قدیمی عبارتست از:

- برجک دو نفره بزرگتر از مدل قدیمی می باشد که در روی قسمت عقب شاسی نصب شده است.

- یک توپ خودکار با لوله بلند بجای توپ لوله کوتاه و بدون خان کالیبر بزرگ (۷۳ م م) قبلی.

- موشک انداز لوله ای شکل نصب شده بر روی سکوی واقع در مرکز برجک بجای موشک انداز بدون حفاظ قبلی که بر روی یک ریل پرتاب در بالای توپ مستقر بود.



مشخصات:

وزن: ۱۴ تن

حداکثر سرعت: ۷۰ کیلومتر

در ساعت

نوع توپ: ۳۰ م م

نوع موشک: AT-4 (ضد تانک)^{۳۰}

بار (مهمات) همراه: (۲۰۰ گلوله ۳۰ م م و ۳ فروند موشک ضد تانک)

AT - 4

ظرفیت: ۷ نفر

قطر زره: ۱۵ تا ۲۰ م م.

کشور استفاده کننده: کویت

نفربر آبی خاکی زرهی آ آی وی^{۳۱} - ۱۷

این نفربر ، مدل نسبتاً پیشرفته خودروی ال وی تی پی - ۷ قبلی می باشد .
بیش از ۸۰۰ دستگاه از این خودروی ۱۷ آ مورد استفاده ارتش های جهان است
و بیش از نیمی از این تعداد در منطقه خلیج فارس یا در راه رسیدن به آن هستند .
این تعداد نفربر آبی خاکی زرهی - ۱۷ آ برای ترابری و انتقال تقریباً تمام
تفنگداران دریائی موجود در منطقه کفایت می کند .



مشخصات :

وزن : ۲۳ تن

حد اکثر سرعت : ۶۴

کیلومتر در ساعت

نوع سلاح : تیربار ۱۲/۷ م م

ظرفیت : ۲۵ نفر

قطر زره : بیش از ۳۰ م م

نیروهای استفاده کننده : تفنگداران دریائی آمریکا

خودروی رزمی پیاده ال ای وی^{۳۲} - ۲۵

هر لشکر تفنگداران دریایی آمریکا ، یک گردان هجومی زرهی سبک که
مجهز به ۱۰۰ دستگاه خودروی ال ای وی - ۲۵ است ، در اختیار دارد . این
خودروها در قالب گروهان به تیپهای مستقل تفنگداران دریائی واگذار می شود .

³¹ Armored Amphibious Troop Carrier (AAV)

³² Infantry Fighting Vehicle LAV - 25

به این ترتیب حدود ۵۰ دستگاه خودروی لاو در اختیار تیپ گذارده شده است که این تعداد برای مکانیزه کردن یک گردان تفنگدار دریایی کافی است.

مشخصات :



خودروی رزمی پیاده ال آ وی - ۲۵

وزن : ۱۴ تن

حداکثر سرعت : ۹۵

کیلومتر در ساعت

نوع سلاح : تیربار ۲۵ م م

بار (مهمات) همراه : ۲۰۰ گلوله

ظرفیت : ۶ نفر

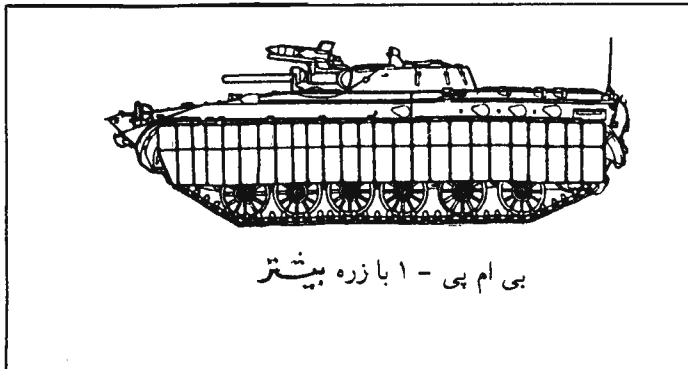
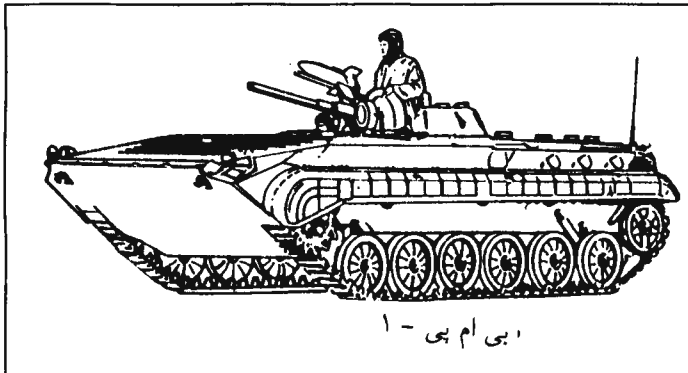
قطر زره : ۲۵ م م

نیروی استفاده کننده : تفنگداران دریایی آمریکا

خودروهای رزمی زرهی سبک عراق

عراق در طول سالهای گذشته ، خودروهای رزمی زرهی مورد نیاز خود را از کشورهای مختلف خریداری کرده است ، بدین علت است که یگانهای مکانیزه آن ، وضعیتی نامتجانس داشته است و اصطلاحاً شبیه یک کاروان از کولی های بیابانگرد شده است. این تنوع بیش از حد خودروی زرهی ، باعث ایجاد مسائل و مشکلات متعدد در امر آماد و تعمیر و نگهداری آنها شده و سرویسهای لجستیکی عراق از این نارسائی و نقص عمده ، درد سر و سختی زیادی را متحمل می گردند بهر حال توضیحات لازم در مورد تعدادی از مهمترین خودروهای رزمی زرهی سبک عراق بشرح ذیل عنوان می گردد :

خودروی رزمی پیاده بی ام پی - ۱



خودروی رزمی پیاده بی ام پی روسی ، نسل اول و اصلی این نوع خودروها در سراسر ارتشهای جهان است و بسیاری از کشورها در طرحریزی و ساخت خودروهای مشابه ، این مدل اولیه و دارای قدمت زیاد را بعنوان الگو و نمونه در نظر گرفته اند . خودروهای رزمی پیاده ماردر آلمانی ، وایر انگلیسی ، آم ایکس ۱۰ پی فرانسوی ، خودروی رزمی زرهی هلندی و ام ۲ برادلی آمریکائی ، از روی این خودرو که در نوامبر ۱۹۶۷ در میدان سرخ مسکو به

نمایش گذارده شد، ساخته شده اند. در طرحریزی بی ام پی، یک خودروی پشتیبانی آتش را با یک نفربر زرهی معمولی در هم ادغام کرده اند. این امر به سربازان گروه تفنگدار امکان می دهد که در پناه زره خودرو در جاده حرکت کنند. این حفاظ زرهی شرایط مطلوبی را برای افراد پیاده فراهم می سازد بطوری که دیگر توپخانه نیروی مقابل نخواهد توانست حرکت به جلوی یگان را با اجرای آتش مختل سازد. هنگامیکه افراد پیاده، برای اجرای تک از خودروها پیاده می شوند، خودروی رزمی بی ام پی بدنبال آنها حرکت کرده، قدرت آتش مورد نیاز را برای افراد فراهم می سازد. این وضعیت به گروه تفنگدار این امکان را می دهد که یک تفنگ بدون عقب نشینی و یک موشک انداز هدایت شونده ضدتانک را نیز همراه با مقادیر نسبتاً زیادی از مهمات مورد استفاده جنگ افزارهای یادشده، بدون تحمل بار اضافی به وسیله این خودرو حمل نمایند.

خودروی بی ام پی برای حمل گروه تفنگدار به منطقه جلو که توسط آتش مستقیم دشمن درو می شوند طرحریزی نشده، زره آن تنها در برابر ترکش های توپخانه مقاومت دارد. عراقیها برای رفع این مشکل، در دو طرف تعدادی از بی ام پی های خود، صفحات زرهی اضافه قرار داده اند، ولی این زره اضافی نیز، خودرو را در مقابل آتش سنگین توپخانه با سیستمهای جدید محافظت نمی نماید.

اکثر بی ام پی های عراق در تپهای مکانیزه گارد ریاست جمهوری متمرکز و بکار گرفته می شود. تعدادی از بی ام پی های عراق در واقع خودروهای بی وی بی-۱ ساخت چک و اسلواکی می باشد.

مشخصات :

وزن : ۱۴ تن

حداکثر سرعت در جاده : ۷۰ کیلومتر

نوع توپ : ۷۳ م م بدون خان

نوع موشک : ساگر ضد تانک - ۳

تعداد سرنشین : ۸ نفر

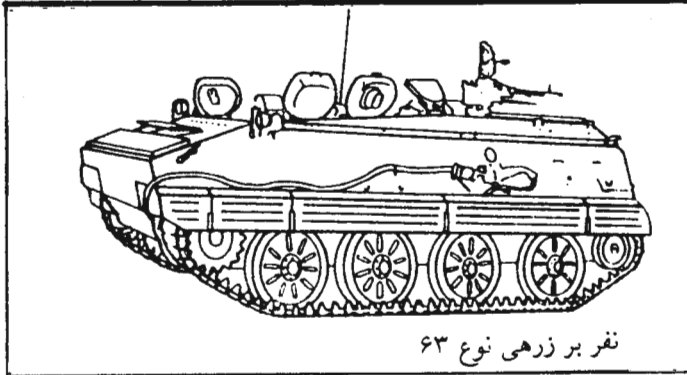
بار (مهمات) همراه : ۴۰ گلوله توپ و ۵ فروند موشک

قطر زره : ۱۵ تا ۲۰ م م (شاید ۳۰ م م در انواع خودروهای با زره سنگین)

تعداد موجود : ۱۰۰۰ دستگاه

نفر بر زرهی مدل ۶۳

این همان نفر بر زرهی استاندارد چینی می باشد که به تعداد قابل ملاحظه ای توسط عراق خریداری شده است . خودروی یاد شده ، زرهی سبک داشته ، از نظر مکانیکی قابل اطمینان نبوده و بطور کلی دارای ارزش و اعتبار زیادی نیست . نفربر زرهی مدل ۶۳ معمولاً توسط عناصر مکانیزه لشکرهای پیاده (مانند گردان نیروهای مخصوص لشکری) و یا لشکرهای پیاده موتوریزه مورد استفاده قرار می گیرد . یگان پیاده مکانیزه ای که در خفجی مبادرت به تک کرد ، از این نوع نفربر استفاده نمود .



مشخصات :

وزن : ۱۲ تن

حداکثر سرعت در جاده : ۶۵ کیلومتر در ساعت

نوع سلاح : تیربار ۱۲/۷ م م

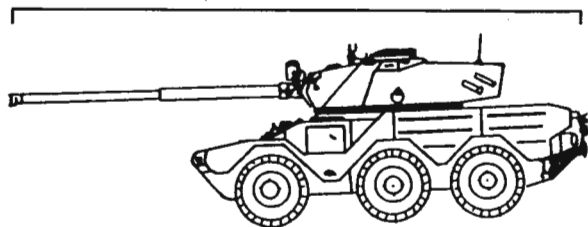
تعداد سرنشین : ۱۳ نفر تفنگدار

قطر زره : ۵ تا ۱۰ م م

تعداد موجود : بیش از ۱۰۰۰ دستگاه

خودروی زرهی ای آر سی - ۹۰ پانهارد^{۳۳}

این خودروی زرهی فرانسوی به تعداد زیاد به کشورهای دیگر صادر گردیده و علاوه بر آن، در خود ارتش فرانسه نیز بکار گرفته شده است. (با وجود این، هیچکدام از واحدهای فرانسوی شرکت کننده در عملیات طوفان صحرا به این خودروها مجهز نبودند.) بلندی لوله توپ، بزرگی بیش از اندازه برجک و نمای قایق شکل آن، ویژگی هائی است که این خودرو را مشخص می سازد. گروهان شناسائی تیپ مکانیزه عراق که به خفجی حمله کرد، تعدادی از این خودروها را در اختیار داشت و حداقل یکی از آنها مورد اصابت قرار گرفت



مشخصات :

خودروی زرهی آر سی - ۹۰

وزن : ۸/۳ تن

حداکثر سرعت

در جاده : ۸۰

کیلومتر در ساعت

نوع توپ : ۹۰ م م

بار (مهمات) همراه : ۳۰ گلوله

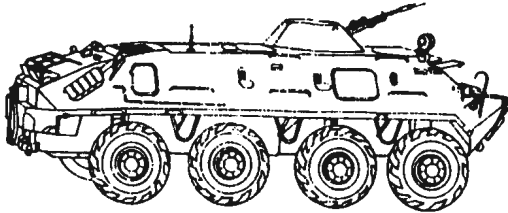
قطر زره : ۱۰ تا ۱۵ م م

نفربر زرهی بی تی آر - ۶۰

شکل لوزی بدنه و چهار محوری بودن این نفربر ، یک علامت تجارتي است برای ارتشهایی که توسط شوروی سابق تأسیس شده است . این خودرو یک نفربر زرهی در ارتش عراق می باشد که بیشتر مورد استفاده بوده و مکمل نوع مشابه آن یعنی او تی - ۶۴ ساخت چک و اسلواکی است .

شباهتی که این خودرو از لحاظ طرح کلی با خودروی زرهی ال ای وی - ۲۵ تفنگداران دریائی آمریکایی داشت ، بدون تردید باعث شده که در نبرد خفجی ، با لاو - ۲۵ اشتباه گرفته شده ، منجر به حوادثی ناشی از تیراندازیهای خودی بشود .

مشخصات :



وزن : ۱۰ تن

حداکثر سرعت

در جاده : ۸۰

کیلومتر در ساعت

نوع سلاح : تیربار

۱۲/۷ م

نفر بر زرهی بی تی آر - ۶۰

تعداد سرنشین : ۸ نفر تفنگدار

قطر زره : ۷ تا ۹ م

تعداد موجود : بیش از ۱۰۰۰ دستگاه

آتش مؤثر

توپخانه صحرائی نوین

بامکانیزه شدن فزاینده ارتشها ، توپخانه ها ، توانایی خود را برای تسلط برمیدان نبرد (مانند گذشته) از دست داده اند. اکنون جابجایی اغلب نیروها بوسیله خودروهای زرهی که در مقابل ترکشهای توپخانه مقاوم هستند انجام می شود .
 بنابر این با تولید مهمات جدید ، توپخانه بار دیگر جایگاه خود را بعنوان یکی از اجزای مهم تیمهای رزمی مرکب بازیافته است . این مهمات جدید بطور اعم بعنوان گلوله های ((مهمات فرعی))^{۳۴} نامیده می شوند زیرا این گلوله ها در هوا منفجر شده ، مقادیر زیادی از مهمات کوچکتر را در سطح وسیعی از زمین پخش می نمایند . دو نوع از معمول ترین این مهمات عبارتند از :

^{۳۴} Submunition

آی سی ام (ICM) ^{۳۵} - این گلوله های پیشرفته متعارف، با تعداد زیادی (چند دوجین) از خرجهای نارنجکی شکل ۴۰ م م پر می شوند و موجب مرگ پرسنل پیاده و خدمه توپها در فضای باز می شوند، بنابراین گلوله های ایده-آلی برای متوقف کردن یگانهای توپخانه کشتی هستند. (از تعداد ۳۵۰۰ عراده توپ صحرایی عراقی، ۳۰۰۰ عراده آن بجای خودکشتی بودن، کشتی هستند). مطلب مهم دیگر اینست که گلوله های ضد تانک سوختار شدید نیز قادرند به میزان وسیعی خودروهای زرهی، از جمله نفربرها و خودروهای رزمی پیاده را از کار بیاندازند و حتی در صورت اصابت دقیق به تانکها نیز می توانند خسارت عمده ای به آنها وارد سازند.

مینهای پخش شونده، بوسیله توپخانه صحرایی ^{۳۶} : گلوله های

پرتاب کننده این مینها به یگانهای توپخانه اجازه می دهد تا در مدت زمان کوتاهی میدین مین ضد تانک و ضد نفر را کیلومترها دورتر از نزدیکترین یگانهای خودی ایجاد نمایند که این عمل از نظر جنگ متحرک توانایی بسیار ارزشمندی است. همچنین این عمل موجب تحرک سریعتر نیروهای مکانیزه می شود و آنها نیز قادر می گردند تا جناحین خود را پوشش دهند و بوسیله کاشتن مینها، حرکت نیروهای پاتک کننده دشمن را در مسیر نیروهای احتیاط متحرک پیشرونده خودی، کند نمایند.

توپخانه متحدین : نیروهای متحدین، از بین توپها و راکت های مشابه،

نمونه هایی را انتخاب کرده و بکار بردند. ایالات متحده آمریکا و بریتانیا سیستم

^{۳۵} Improved Conventional Munitions (ICM)

^{۳۶} Field Artillery Scatterable Mines (FASCAM)

راکت انداز چند لوله ای^{۳۷}، ساخت آمریکا را مورد استفاده قرار دادند و ضمناً آمریکا بعنوان کسب تجربه تعدادی از سیستمهای موشکی تاکتیکی^{۳۸} را مورد آزمایش و استفاده قرار داد. این موشکها نیز مانند راکتها از یک خودرو پرتاب می‌شوند اما خودروی سکوی پرتاب بجای حمل ۱۲ راکت می‌تواند فقط ۲ موشک را حمل نماید.

بیشترین توپهایی که مورد استفاده متحدین واقع گردیدند ((هویتزر ۱۵۵ م م)) و ((ام ۲۱۰۹ خود کشی)) و یا ((ام ۱۹۸ کشی)) بودند. برای مأموریت‌های با آتش سنگین تر، هویتزرهای ۲۰۳ م م (۸ اینچی) و ام ۲۱۱۰ خود کشی بکار گرفته شد. فرانسوی‌ها از هویتزرهای خودکششی جی سی تی و تی آر کشی ۱۵۵ م م ساخت خود استفاده نمودند. لشکریهای مصری اغلب به جنگ افزارهای ساخت آمریکا مجهز بودند در حالی که سعودی‌ها و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس ترکیبی از توپهای آمریکایی و فرانسوی را بکار بردند. در واقع تمام این سلاحها قادرند هم با گلوله‌های معمولی و هم با گلوله‌های ((مهمات فرعی)) اجرای آتش نمایند.

سیستمهای توپخانه متحدین

توپهای کشی :

سیستم : ام - ۱۹۸

کالیبر: ۱۵۵ م م

حد اکثر برد: ۲۴ کیلومتر

سیستم : تی آر

^{۳۷} Multiple - Launch Rocket System (MLRS)

^{۳۸} Tactical Missile Systems (TACMS)

کالیبر ۱۵۵ م م

حد اکثر برد : ۱۸ کیلومتر

توپهای خود کششی :

سیستم : ام - ۲۱۰۹ (اس پی) کالیبر ۱۵۵ م م

حد اکثر برد : ۱۸ کیلومتر

سیستم : ام ۲۱۱۰ (اس پی) کالیبر ۲۰۳ م م

حد اکثر برد : ۱۹ کیلومتر

سیستم : جی سی تی (اس پی) کالیبر ۱۵۵ م م

حد اکثر برد : ۲۱ کیلومتر

موشک اندازهای چند لوله ای :

سیستم : ام.ال.آر.اس

کالیبر ۲۲۷ م م

حد اکثر برد : ۳۲ کیلومتر

تعداد راکت : ۱۲ فروند

سیستم : تاک.ام.اس

کالیبر ۸۰۰ م م

تعداد موشک : ۲ فروند

حد اکثر برد : ۹۶ کیلومتر

توپخانه عراق

عراقی ها جنگ را با مجموعه ای کاملاً متنوع و گسترده از سیستمهای

توپخانه شروع کردند . آنها ۳۰۰۰ عراده توپ کششی ، ۵۰۰ عراده توپ خود

کششی و ۲۰۰ راکت انداز چندلوله ای داشتند . بسیاری از این جنگ افزارها

دارای سیستم روسی بوده و چندان مؤثر نبودند و استفاده از آنها محدود به گلوله های معمولی بود. ضمناً عراق تعدادی از سیستمهای توپخانه با قابلیت بالا که ساخت کشورهای غربی می باشند نیز در اختیار داشت.

جالبترین نوع این توپها یک سری توپهای ۱۵۵ م م بودند که توسط یک کارشناس بالستیک کانادائی الاصل بنام دکتر ((جرال د بال)) طراحی شده بودند. معروفیت دکتر بال بیشتر بخاطر طراحی باصطلاح ((یک ابر توپ^{۳۹} با چند خان)) برای عراق می باشد. ظاهراً قسمتهای مختلف این توپ توسط گمرک بریتانیا توقیف شد. بهر حال تمام حقایق پشت پرده این طرح، ممکن است هرگز فاش نشود زیرا دکتر بال در مارس ۱۹۹۰م در بلژیک بقتل رسید و قاتلین نیز شناخته نشدند، اما شایعات موجود، این اقدام را به سازمان اطلاعاتی اسرائیل نسبت می دهند.

صرف نظر از اینکه ابر توپ مورد استفاده واقع می شد یا نمی شد، توپهای ۱۵۵ م م متعارف دکتر بال بسیار شگفت آور می باشند. عراق در حدود ۱۰۰ عراده توپ جی - ۵ ساخت آفریقای جنوبی و ۲۰۰ عراده توپ جی اچ ان - ۴۵ ساخت اتریش در اختیار داشت که برد گلوله های آنها از هر توپ متعلق به نیروهای متحدین بیشتر بود.

موضوع جالبترینکه، عراق تعداد ۶۰ موشک انداز چندلوله ای آستروس - ۲ برزیلی را در اختیار داشت که دارای سیستمهای جدید و بسیار مؤثری بوده و گلوله های مختلفی از قبیل ((مهمات فرعی)) را می شد با آنها پرتاب نمود. مخزن نگهدارنده موشکهای این سیستم، کار پرتاب موشک را نیز انجام می دهد و به علت استفاده کردن از قسمتهای پیش ساخته قابل جابجائی (ماژول) در موشک انداز، می توان با آن موشکهای ۱۲۷، ۱۸۰ و ۳۰۰ م م را پرتاب نمود. ذکر

³⁹ Supergun

این مطلب نیز قابل توجه است که عدم توانائی عراق در پرداخت بدهیهای مربوط به این جنگ افزار به کشور برزیل ، کارخانه سازنده در آن کشور را به ورشکستگی کشاند .

اشکال اصلی توپخانه عراق این بود که توپهای مورد استفاده ، غالباً کشتی بودند و این امری بدیهی است که توپهای کشتی در مقایسه با مدلهای خودکشتی ، آسیب پذیرتر می باشند و به این علت توپخانه عراق هنگام مواجه شدن با برتری هوائی متحدین ، زمینگیر می گردیدند . بر خلاف زمان قبل از جنگ ، توپخانه عراق به هیچ وجه قادر به مداخله مؤثر در عملیات نبود و هرگاه که مبادرت به اجرای آتش می کرد بلافاصله با آتش ضد آتشبار متحدین مواجه می شد .

سیستمهای توپخانه عراق

توپهای کشتی :

سیستم : ام- ۵۶ کالیبر ۱۰۵ م م	حداکثر برد : ۱۳ کیلومتر
دی- ۷۴ کالیبر ۱۲۲ م م	حداکثر برد : ۲۴ کیلومتر
دی- ۳۰ کالیبر ۱۲۲ م م	حداکثر برد : ۱۵ کیلومتر
ام- ۱۹۳۸ کالیبر ۱۲۲ م م	حداکثر برد : ۱۲ کیلومتر
ام- ۴۶ کالیبر ۱۳۰ م م	حداکثر برد : ۳۲ کیلومتر
ام- ۱۹۴۳ کالیبر ۱۵۲ م م	حداکثر برد : ۱۲ کیلومتر
ام- ۱۹۳۷ کالیبر ۱۵۲ م م	حداکثر برد : ۱۷ کیلومتر
جی- ۵ کالیبر ۱۵۵ م م	حداکثر برد : ۳۰ کیلومتر
جی اچ ان- ۴۵ کالیبر ۱۵۵ م م	حداکثر برد : ۳۰ کیلومتر
آ ۲- ۳۶ کالیبر ۱۵۲ م م	حداکثر برد : ۲۷ کیلومتر

اس - ۲۳ - کالیبر ۱۸۰ م م حداکثر برد : ۳۰ کیلومتر

توپهای خودکشی :

۲ اس - ۱ کالیبر ۱۲۲ م م حداکثر برد : ۱۵ کیلومتر

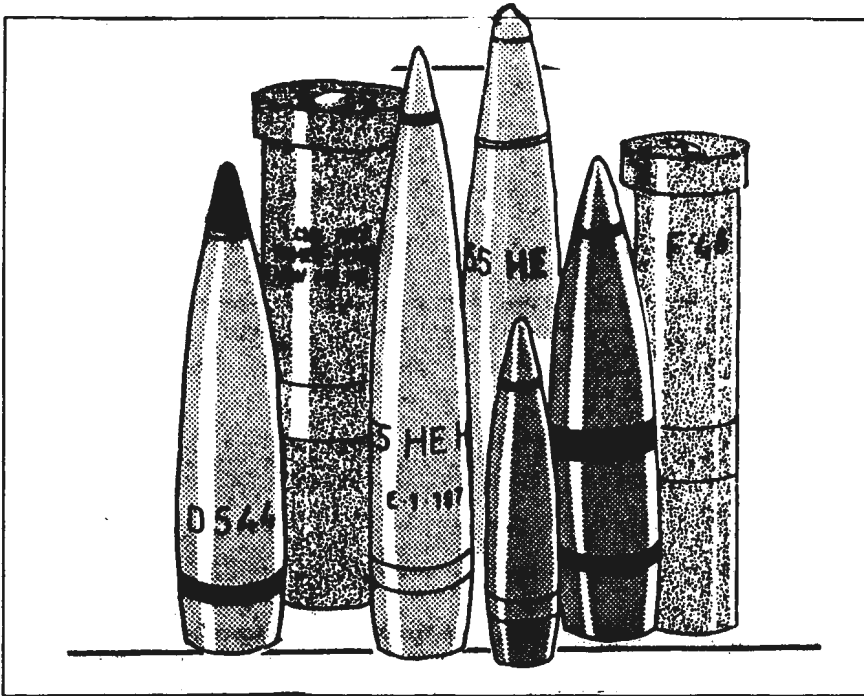
۲ اس - ۳ کالیبر ۱۵۲ م م حداکثر برد : ۱۸ کیلومتر

«مجنون» کالیبر ۱۵۵ م م حداکثر برد : ۳۰ کیلومتر

آلفانو کالیبر ۲۱۰ م م حداکثر برد : ۴۵ کیلومتر

سکوهای پرتاب راکت انداز چند لوله ای

نوع سیستم	کالیبر (میلیمتر)	حداکثر برد (کیلومتر)	تعداد لوله
آستروس ۲ - اس	۱۲۷	۳۰	۳۲
اس - ۳۰			
آستروس ۲ - اس	۱۸۰	۳۵	۱۶
اس - ۴۰			
آستروس ۲ - اس	۳۰۰	۶۰	۴
اس - ۶۰			
ام - ۱۹۷۵	۱۲۲	۲۰	۱۲
بی ام - ۱۳	۱۳۲	۸	۱۶
بی ام - ۲۱	۱۲۲	۲۰	۴۰

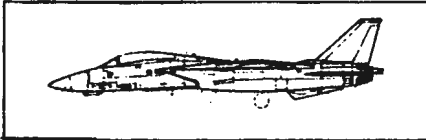


هواپیماهای متحدین

امروزه استفاده مؤثر از نیروی هوایی ایجاب می‌کند که در اکثر مأموریت‌های پروازی، چند نوع هواپیما با هم بکار گرفته شوند. این هواپیماها شامل جنگنده‌های ضد موشک زمین به هوا، هواپیماهای تهاجمی، بمب افکنها، هواپیماهای کنترل و مراقبت، شناسائی، جنگ الکترونیکی، حامل سوخت، باربری و بسیاری هواپیماهای دیگر می‌باشد.

هواپیماهای رهگیر

هواپیمای اف - ۱۴ تام کت^{۴۰}



خدمه : ۲ نفر

حداکثر سرعت : ۲/۴ ماخ

شتاب : خوب

قدرت مانور : خوب

اندازه : بزرگ

سیستمهای حس کننده* : رادار عالی، تلویزیون دارای کانون متغیر و ردیاب
مادون قرمز

شعاع عملیاتی : ۹۲۸ کیلومتر

حداقل طول باند : ۳۰۰۰ فوت

نوع سلاحهای هوا به هوا : توپ ۲۰ م م ، ۴ فروند موشک فونیکس
و آ آی ام - ۷ یا آ آی ام - ۹ .

نوع سلاحهای هوا به زمین : بمبهای چند منظوره^{۴۱}

قابلیت پرواز در شب و در شرایط جوی مختلف : هوا به هوا : عالی
هوا به زمین : نسبتاً خوب .

قابلیت سوخت گیری در هوا : دارد

سال بکارگیری : ۱۹۷۴ م

استفاده کننده : نیروی دریائی آمریکا

^{۴۰} Tomcat

* Sensors

^{۴۱} Multi Purpose Bombs

ماموریت تامکت اینست که به بمب افکنهای حامل موشکهای ضد کشتی نزدیک شده و آنها را قبل از پرتاب موشک مورد هدف قرار دهند . در اختیار داشتن یک سیستم کنترل آتش عالی و موشک استثنائی با برد بلند فونیکس ، این هواپیما را قادر ساخته است تا در انجام ماموریتش توانا تر گردد . علاوه بر آن ، نیروی دریائی آمریکا تلاش نموده تا دو خاصیت رهگیری و جنگندگی را در هواپیمای اف - ۱۴ ترکیب نماید و آنها تا اندازه ای نیز به این هدف دست یافته اند . بهر حال ، هرچند تامکت جنگنده هوائی برتر نیست ، ولی آن را یک هواپیمای کم اهمیت نیز نمی توان به حساب آورد .

Tornado F-3

تورنادو (گردباد) اف - ۳



مشخصات :

خدمه : ۲ نفر

حداکثر سرعت : ۸۰۰ نات

شتاب : خوب

قابلیت مانور : خوب

اندازه : بزرگ

سیستم حس کننده : رادار عالی

شعاع عملیاتی : ۷۵۰ مایل دریائی (۱۳۹۰ کیلومتر)

حداقل طول باند پرواز : ۳۰۰۰ فوت

سلاح هوا به هوا : آ آی ام - ۹

سلاحهای هوا به زمین : بمبهای چند منظوره ، برق آسمان* و موشک

ضد زیر دریائی

قابلیت پرواز در شب یا در شرایط جوی مختلف: عملیات هوا به هوا: عالی

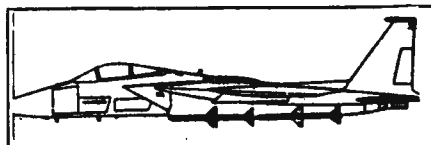
سال بکارگیری این هواپیما : ۱۹۸۲م

کشور استفاده کننده : بریتانیا

هواپیماهای شکاری

هواپیمای اف - ۱۵ سی ایگل (عقاب) F-15c Eagle

مشخصات:



خدمه : یک نفر (خلبان)

حداکثر سرعت : ۱۳۴۲ نات

(۲۴۸۵ کیلومتر در ساعت)

شتاب : خیلی عالی

قابلیت مانور : عالی

اندازه : بزرگ

شعاع پرواز عملیاتی : ۶۴۵ مایل دریائی

سیستم حس کننده : رادار خیلی عالی

حداقل طول باند پرواز : ۴۰۰۰ فوت

سلاحهای هوا به هوا : توپ ۲۰ م م ، ۴ فروند موشک ضد موشک*

۴۷ فروند موشک ضد موشک ۹

سلاحهای هوا به زمین : بمب های چند منظوره

قابلیت پرواز در شب و در شرایط جوی مختلف : هوا به هوا ،

خیلی عالی

توانائی سوخت گیری هوایی : دارد

سال بکارگیری این جنگنده : ۱۹۷۴

استفاده کننده: ایالات متحده، عربستان سعودی و اسرائیل (فلسطین اشغالی)

تقریباً همه بر این باورند که در حال حاضر هواپیمای اف - ۱۵ سی ایگل

بهترین جنگنده هوایی برای استفاده های عملیاتی در جهان می باشد . رادار بسیار

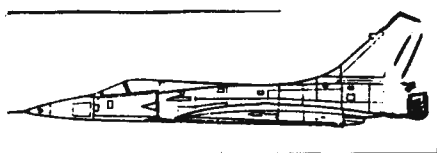
قدرتمند و استثنائی این جنگنده آنرا قادر ساخته تا قبل از رهگیری شدن توسط

هواپیمای دشمن ، آن را دیده و زیر آتش بگیرد .

Mirage

هواپیمای میراژ ۲۰۰۰

مشخصات:



خدمه : یک نفر (خلبان)

حداکثر سرعت : ۲/۲

ماخ یا ۸۰۰ گره (۱۴۸۲ کیلومتر در ساعت برابر ۹۲۱ مایل در

ساعت)

شتاب : عالی

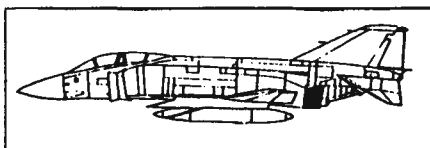
قابلیت مانور : خیلی عالی

اندازه : متوسط

* AIM - 7

سیستم حس کننده : خیلی خوب
 شعاع عملیاتی : ۸۰۰ مایل دریائی
 حداقل طول باند پرواز : ۴۰۰۰ فوت
 نوع سلاحهای هوا به هوا : دو قبضه توپ ۳۰ م م ، ماترا^{۴۲} ۵۵۰ مجیک
 و ماترا سوپر ۵۳۰
 نوع سلاحهای هوا به زمین : موشک ضدزیر دریایی ، ال جی ،
 بمبهای چند منظوره و سیستم آ آر دیلو (ARW)
 قابلیت پرواز در شب و در شرایط جوی مختلف : خوب
 قابلیت سوخت گیری در هوا : ندارد
 سال بکارگیری این جنگنده : ۱۹۷۹ م
 کشور استفاده کننده : فرانسه
 آخرین نوع از سری هواپیماهای میراژ با بال دلتایی شکل همین مدل ۲۰۰۰
 می باشد . در بدو امر هدف این بود که میراژ ۲۰۰۰ فقط یک جنگنده برتر هوایی
 باشد ، ولی در مراحل بعدی طرحریزی و تولید ، بعضی قابلیت های تهاجمی به
 آن افزوده شد .

هواپیمای اف - ۴ جی وایلد ویزل (راسوی وحشی)^{۴۳}



مشخصات:

خدمه : ۲ نفر

حداکثر سرعت : ۲ ماخ

^{۴۲} Matra 550 Magic

^{۴۳} Wild Weasel F-4G

شتاب نسبتاً خوب

قابلیت مانور : نسبتاً خوب

اندازه : بزرگ

سیستمهای حس کننده : رادار خوب ، حس کننده های مخصوص برای

تعیین موقعیت تشعشعات الکترونیکی

شعاع عملیاتی : ۷۰۰ مایل

حداقل طول باند پرواز : ۸۰۰۰ فوت

نوع سلاحهای هوا به هوا : دو فروند موشک ضد موشک شماره ۹

نوع سلاحهای هوا به زمین : شرایک^{۴۴} و هارم^{۴۵}

قابلیت پرواز در شب و در شرایط مختلف آب و هوا : عالی

توانائی سوخت گیری در هوا : دارد

سال بکارگیری : اف - ۴ : ۱۹۶۰ م و اف ۴ جی : ۱۹۷۵ م

استفاده کننده : نیروی هوایی آمریکا

تلفات سنگینی که نیروی هوایی آمریکا در برابر توپخانه ضد هوایی و موشکهای زمین به هوای ویتنام شمالی متحمل شد ، باعث اختراع نوع جدیدی از جنگنده های هوایی گردید . این هواپیما به منظور در گیری با هواپیماهای دشمن طرح ریزی نشده ، بلکه می باید علیه سلاحهای پایگاههای ضد هوایی دشمن عمل کند . قابلیت زیاد و قدرت نابود کنندگی جنگ افزارهای ضد هوایی و کارآیی سطح بالای تجهیزات ویژه اف - ۴ جی همراه با خدمه آن که برای مقابله

^{۴۴} Shrike

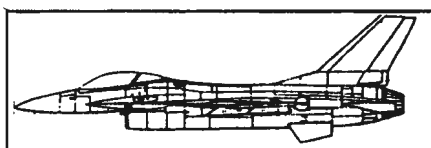
^{۴۵} Harm

با این تهدید زمینی آموزش ویژه دیده اند ، هواپیمای اف - ۴ ویزل را یکی از ارزشمندترین سلاحهای موجود در زراد خانه فرماندهی هوایی ساخته است .

هواپیماهای شکاری تک ور

هواپیمای اف - ۱۶ فالکن^{۴۶}

مشخصات:



تعداد خدمه : انفر

حداکثر سرعت پرواز :

۲۲۵۰ کیلومتر در ساعت

شتاب : خیلی عالی

قدرت مانور : عالی

اندازه : کوچک

سیستم حس کننده : رادار خوب

شعاع عملیاتی : ۵۰۰ مایل دریایی

حداقل طول باند پرواز : ۸۰۰۰ فوت

نوع سلاحهای هوا به هوا : توپ ۲۰ م م و ۲ فروند موشک ضد موشک

شماره ۹

نوع سلاحهای هوا به زمین : بمبهای چند منظوره ((ای او))* ،

بمبهای خوشه ای # و موشکهای مارریک (Maverick)

^{۴۶} Falcon

* Gp/ Eo/ LG bombs # CBU

قابلیت پرواز در شب و در شرایط جوی مختلف : هوا به هوا :
نسبتاً خوب ، هوا به زمین : نسبتاً خوب (فقط با ماوریک)
قابلیت سوخت گیری در هوا : دارد
سال بکارگیری : ۱۹۷۹ م
استفاده کننده : نیروی هوایی آمریکا

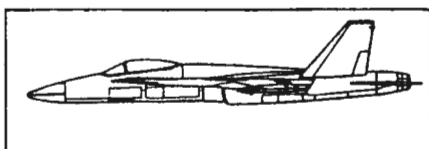
هواپیمای اف - ۱۶ به مفهوم جنگنده هوایی قابل انعطاف^{۴۷} ، جامه عمل پوشانید . منظور از این اصطلاح ، هواپیماهایی است که تا زمان بدست آوردن برتری هوایی با هواپیماهای دشمن نبرد کرده ، سپس به یگان های سطحی (زمینی - دریایی) او تک می کند . البته در این زمینه هواپیمای مذکور دارای توانایی ها و ضعف هایی است که در زیر به شرح آنها می پردازیم :

اف - ۱۶ از لحاظ قابلیت مانور و توانایی اش در رزم نزدیک ، کم نظیر و استثنایی می باشد ، ولی به علت مجهز نبودن به موشک های دور برد و میان برد ، قبل از آنکه به هواپیماهای دشمن نزدیک شود غالباً مورد اصابت موشک قرار گرفته ، سرنگون می شود .

هر چند که اف - ۱۶ یک بمب افکن بسیار دقیق است ولی به نظر بعضی از صاحب نظران نیروی هوایی ، به علت سرعت بسیار زیاد قادر نیست یگانهای گسترش یافته دشمن را هدف گیری کند ، از طرفی باند پرواز طولانی که مورد نیاز این هواپیما است به آن امکان می دهد به اندازه کافی به منطقه جلو نزدیک شده ، برای پاسخگویی به وضعیت های جنگی که در آن منطقه ، سریعاً متحول می شوند آماده شود .

^{۴۷} Swing Fighter

هواپیمای هورنت^{۴۸} اف/آ - ۱۸



مشخصات:

خدمه : انفر خلبان

حداکثر سرعت : متجاوز از ۱/۸ ماخ

شتاب : بسیار خوب

قابلیت مانور : عالی

اندازه : کوچک

سیستم هدف یابی : رادار بسیار خوب

شعاع عملیاتی : ۵۷۵ مایل دریایی (۱۰۶۵ کیلومتر)

حداقل باند پرواز : ۲۰۰۰ فوت

نوع سلاحهای هوا به هوا : توپ ۲۰ م م ، ۲ فروند موشک آ آی ام ۹ و

۲ فروند آ آی ام - ۷

نوع سلاحهای هوا به زمین : بمبهای چند منظوره ((ای او)) ، لیزری

و خوشه ای

قابلیت پرواز در شب و در شرایط جوی مختلف : هوا به هوا : خوب ،

هوا به زمین : خوب

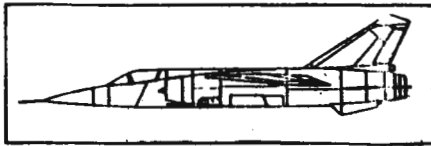
قابلیت سوخت گیری در هوا : دارد

سال بکارگیری : ۱۹۷۹ م

استفاده کننده : کانادا ، نیروی دریایی و تفنگداران دریایی آمریکا

هواپیمای هورنت در نیروی دریایی آمریکا بعنوان یک جنگنده قابل انعطاف هوایی که دارای توانایی های پروازی متعارف می باشد انتخاب شده ، هر چند در نبرد هوایی ، مانند اف - ۱۶ از کارایی سطح بالائی برخوردار نیست ، ولی به یک موشک میان برد هوا به هوا مجهز می باشد .

هواپیمای میراژ اف - ۱



مشخصات:

- خدمه : ۱ نفر (خلبان)
- حداکثر سرعت : ۸۰۰ گره (۱۴۸۰ کیلومتر در ساعت)
- شتاب : عالی
- قابلیت مانور : عالی
- اندازه : متوسط
- سیستم هدف یابی : خوب
- شعاع عملیاتی : ۶۵۰ مایل دریایی (۱۲۰۰ کیلومتر)
- حداقل طول باند پرواز : ۴۰۰۰ فوت
- نوع سلاحهای هوا به هوا : ۲ قبضه توپ ۳۰۰ م م دی ای اف آ و انواع موشک
- نوع سلاحهای هوا به زمین : بمبهای چند منظوره و لیزری ، راکت ، موشک ضد موشک و موشکهای ضد رادار
- قابلیت پرواز در شب و در شرایط مختلف جوی : محدود
- قابلیت سوخت گیری در هوا : دارد
- سال بکارگیری : ۱۹۶۷ م

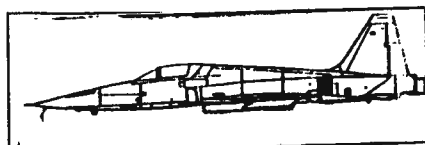
استفاده کننده : عراق ، فرانسه و قطر

هواپیمای میراژ اف - ۱ اولین هواپیمای قابل انعطاف ساخت فرانسه

می باشد. F- 5E Tiger 11

F- 5E Tiger II

هواپیمای اف ۵ - ای تایگر ۲



مشخصات:

خدمه : ۱ نفر (خلبان)

حداکثر سرعت : ۷۱۰ گره (۱۳۱۴ کیلومتر در ساعت)

شتاب : خوب

قابلیت مانور : خوب

اندازه : خیلی کوچک

سیستم هدف یابی : ضعیف

شعاع عملیاتی : ۱۲۰ مایل دریایی (۲۲۲ کیلومتر)

حداقل طول باند پرواز : ۳۰۰۰ فوت

نوع سلاح هوا به هوا : ۲ قبضه توپ ۲۰ م م و ۲ فروند موشک ا آی ام - ۹

نوع سلاح هوا به زمین : بمبهای چند منظوره ، لیزری و خوشه ای ،

تعدادی راکت و توپ ۳۰ م م

قابلیت پرواز در شب و در شرایط جوی مختلف : ندارد

امکان سوخت گیری در هوا : ندارد

سال بکار گیری : ۱۹۷۲ م

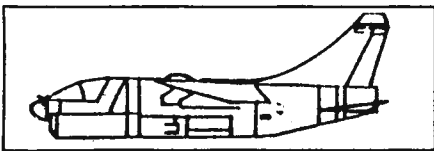
استفاده کننده : عربستان سعودی

مدل اولیه اف-۵ هواپیمایی ارزان قیمت و از لحاظ نگهداری آسان بود . آمریکا این هواپیما را در اختیار کشورهای دوست خود در جهان سوم گذارد و آنها نیز تصور می کردند یک جت جنگنده تحویل گرفته اند . بهر حال با پیشرفت و گسترش وسایل الکترونیکی سبک وزن ، ارزان قیمت و کوچک و کاربرد این سیستم ها در هواپیمای اف-۵ ، ارزش اعتبار آن به عنوان یک هواپیمای جنگی آشکار گردید. عیب عمده این هواپیمای کوچک بودن شعاع عملیاتی آن است .

هواپیماهای تک ور

A-7D Corsair II

هواپیمای مدل آ - ۷ دی کورسر ۲



مشخصات :

خدمه : انفر (خلبان)

حداکثر سرعت : ۶۰۰ گره (۱۱۲۶ کیلومتر در ساعت)

شتاب : نسبتاً خوب

قابلیت مانور : نسبتاً خوب

اندازه : کوچک

سیستم هدف یابی : رادار نسبتاً خوب

شعاع عملیاتی : ۷۰۰ مایل دریایی

حداقل طول باند پرواز : ۷۰۰۰ فوت

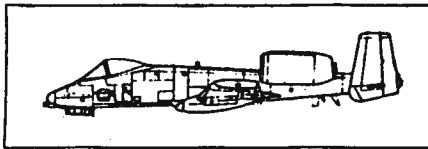
نوع سلاح هوا به هوا: اقبضه توپ ۲۰ م م و ۴ فروند موشک آ آی ام - ۹
نوع سلاح هوا به زمین: بمبهای چندمنظوره ای او، لیزری و خوشه ای ،
تعدادی راکت ، توپ ۳۰ م م و موشک ماوریک
قابلیت پرواز در شب در شرایط جوی مختلف : محدود است و فقط در
صورت استفاده از موشک ماوریک کار آیی نسبی دارد .
امکان سوخت گیری در هوا : دارد
سال بکارگیری : ۱۹۶۶ م

استفاده کننده : نیروی دریایی آمریکا

هوا پیمای تاندر بولت^{۴۹} آ ۲ - ۱۰

(آ . کا . آ وارتوگ)

(A . K . A . Warthog)



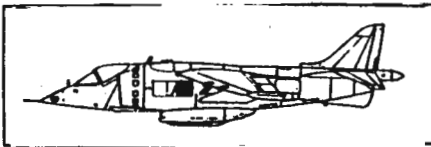
مشخصات:

خدمه : یک نفر (خلبان)
حداکثر سرعت : ۳۸۰ گره دریایی (۷۰۹ کیلومتر در ساعت)
شتاب : ضعیف
قابلیت مانور : خوب
اندازه : بزرگ
سیستم هدف یابی : ندارد
شعاع عملیاتی : ۲۵۰ مایل دریایی
حداقل طول باند پرواز : ۴۰۰۰ فوت

نوع سلاح هوا به هوا : ۲ فروند موشک آ آی ام - ۹
 نوع سلاح هوا به زمین : ۱ قبضه توپ ۳۰ م م و بمبهای چند منظوره
 ((ای او))، لیزری ، خوشه ای و بی ال یو و موشک ماوریک
 قابلیت پرواز در شب و در شرایط جوی مختلف : با استفاده از موشک
 ماوریک

به طور محدود عمل می کند .
 قابلیت سوخت گیری در هوا : دارد
 سال بکارگیری : ۱۹۷۲ م
 استفاده کننده : نیروی هوایی آمریکا

هواپیمای آوی - ۸ بی هاریر^{۵۰}



مشخصات :

خدمه : ۱ نفر (خلبان)
 حداکثر سرعت : ۶۵۰ گره (۱۱۷۶ کیلومتر در ساعت)
 شتاب : نسبتاً خوب
 قابلیت مانور : خوب
 اندازه : کوچک
 سیستم هدف یابی : ندارد
 شعاع عملیاتی : ۲۶۰ مایل دریایی (۴۱۸ کیلومتر)
 حداقل طول باند پرواز : صفر

نوع سلاح هوا به هوا: ۲ قبضه توپ ۳۰ م م و ۲ فروند موشک آ آی ام - ۹
نوع سلاح هوا به زمین: مهمات به وزن ۵۰۰۰ پوند شامل بمبهای
چند منظوره و راکت.

قابلیت پرواز در شب و شرایط جوی مختلف: محدود

قابلیت سوخت گیری در هوا: ندارد

سال بکار گیری: ۱۹۸۲ م

استفاده کننده: تفنگداران دریایی آمریکا

هارییر اولین هواپیمای جنگنده می باشد که بطور عمودی از زمین برخاسته و فرود می آید، هر چند در مأموریت های پروازی با برد معمولی و برای مهمات گذاری جنگ افزارها، این هواپیما به باند پرواز بسیار کوتاهی نیاز دارد، برد پرواز و وزن سلاحهای هارییر، کارایی آن را مختل نساخته و از طرف دیگر، انعطاف پذیری زیاد به آن امکان می دهد که خیلی نزدیک به خطوط مقدم عمل کند. در ضمن سرعت واکنش نسبت به تهدید هواپیماهای دشمن و نواخت رفت و برگشت (سورتی) این هواپیما بی نظیر می باشد.

هواپیمای جگوار^{۵۱}

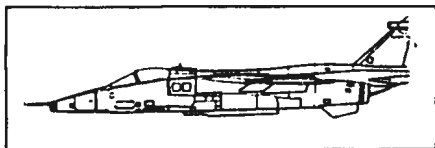
مشخصات:

خدمه: ۱ یا ۲ نفر

حداکثر سرعت: ۹۱۷ گره (۱۶۹۹ کیلومتر در ساعت)

شتاب: خوب

قابلیت مانور: خوب



(پلنگ آمریکایی) Jaguar^{۵۱}

اندازه : کوچک

سیستم هدف یابی : ندارد

شعاع عملیاتی : ۴۹۵ مایل دریایی (۱۹۱۷ کیلومتر)

حداقل طول باند پرواز : ۴۰۰۰ فوت

سلاح هوا به هوا : ۲ قبضه توپ ۳۰ م م

سلاح هوا به زمین : تعدادی بمب به وزن کلی ۱۰۵۰۰ پوند شامل

بمبهای چند منظوره ، خوشه ای و بی ال یو و چند فروند راکت

قابلیت پرواز در شب و در شرایط جوی مختلف : محدود

قابل سوخت گیری در هوا : دارد

سال بکارگیری : ۱۹۶۹ م

استفاده کننده : انگلستان ، فرانسه و عمان

جاگوار به عنوان یک هواپیمای تک ور ، سبک ، روز پرواز ، توسط دو کشور فرانسه و انگلستان طرح ریزی و ساخته شده است . با اصلاحاتی که در این هواپیما صورت گرفته ، قابلیت نسبی اجرای عملیات پروازی در هر نوع شرایط جوی را پیدا کرده است .

هواپیماهای بمب افکن

هواپیمای اف - ۱۵ ای هجومی ایگل F- 15E Strike Eagle



مشخصات:

خدمه : نفر ۲

حداکثر سرعت : ۲/۵ ماخ

شتاب : خوب

قابلیت مانور : خوب

اندازه : بزرگ

سیستم هدف یابی : ممتاز

شعاع عملیاتی : ۶۵۰ مایل دریایی

حداقل طول باند پرواز : ۶۰۰۰ فوت

نوع سلاح هوا به هوا : تفنگ ۲۰ م م ، ۴ فروند موشک آ آی ام - ۷ و

چهار فروند موشک آ آی ام - ۹

نوع سلاح هوا به زمین : تعدادی بمب به وزن کلی ۲۴۵۰۰ پوند

قابلیت پرواز در شب و شرایط جوی مختلف : ممتاز

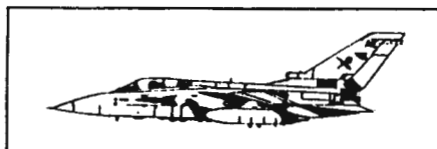
قابلیت سوخت گیری در هوا : دارد

سال بکار گیری : ۱۹۸۸ م

استفاده کننده : نیروی هوایی آمریکا

از نظر یک ناظر معمولی ، فرقی بین دو مدل ((اف - ۱۵ سی)) و ((اف ۱۵ ای)) ، موجود نیست ، زیرا اختلافات جزئی و کوچک این دو هواپیما به راحتی قابل تشخیص نمی باشد . به هر حال ایگل هجومی در حال حاضر احتمالاً موثرترین هواپیمای بمب افکن متوسط در شرایط جوی مختلف می باشد .

هواپیمای تورنادو^{۵۲} (گرد باد) جی آر ۱



مشخصات:

خدمه : ۲ نفر

حداکثر سرعت : ۸۰۰ گره (۱۴۸۰ کیلومتر در ساعت)

شتاب : خوب

قابلیت مانور : خوب

اندازه : بزرگ

سیستم هدف یابی : رادار عالی

شعاع عملیاتی : ۷۵۰ مایل دریایی (۱۳۹۰ کیلومتر)

حداقل طول باند پرواز ۳۰۰۰ فوت

نوع سلاح هوا به هوا : ۲ قبضه توپ ۲۷ م م و یک فروند موشک آ آی

ام - ۹

نوع سلاح هوا به زمین : بمبهای چند منظوره ، خوشه ای ، لیزری ،

بی ال یو ، موشک ضد موشک هدایت شونده ، جنگ افزار جی پی

۲۳۳ و تعدادی راکت .

قابلیت پرواز در شب و در شرایط جوی مختلف : عالی

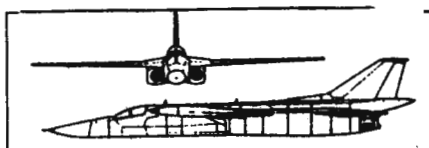
قابلیت سوخت گیری در هوا : دارد

سال بکارگیری : ۱۹۸۰

استفاده کننده : انگلستان ، عربستان سعودی و ایتالیا

هواپیمای تورنادو با همکاری مشترک سه کشور انگلستان ، آلمان و ایتالیا در دو مدل بمب افکن ورهگیر ساخته شده و ((جی آر ۱)) اساساً به عنوان یک بمب افکن طراحی گردیده است . هدف اصلی این هواپیما ، پایگاه های هوایی دشمن است .

هواپیمای اف - ۱۱۱ آر دوارک^{۵۳} (مورچه خوار)



مشخصات:

خدمه : ۲ نفر

حداکثر سرعت : ۱۴۳۳ گره (۲۶۵۵ کیلومتر در ساعت)

شتاب : نسبتاً خوب

قابلیت مانور : ضعیف

اندازه : بزرگ

سیستم هدف یابی : خیلی خوب

شعاع عملیاتی : ۸۵۵ مایل دریایی (۱۸۰۰ کیلومتر)

حداقل طول باند پرواز : ۹۰۰۰ فوت

نوع سلاح هوا به هوا : ۲ فروند موشک آ آی ام - ۹

نوع سلاح هوا به زمین : ۲۰۰۰۰ پوند بمب شامل بمب های چند

منظوره ، ((ای او)) ، لیزری و خوشه ای

قابلیت پرواز در شب و شرایط جوی مختلف : ممتاز

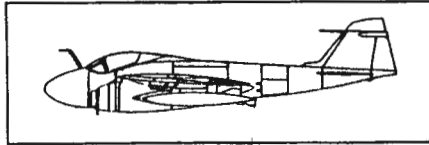
قابلیت سوخت گیری در هوا : دارد

سال بکارگیری : ۱۹۶۶ م

استفاده کننده : نیروی هوایی آمریکا

هوایمای ((اف - ۱۱۱)) بعنوان یک بمب افکن برای مأموریت های مختلف طراحی و ساخته شد . این موضوع قابل ذکر است که طرح اولیه این نوع هوایما بسیار گران قیمت و گسترده بوده و نیروی هوایی آمریکا برای کاهش هزینه آن طرح بلند پروازانه ، هوایمای آردوارک راکه یک بمب افکن متوسط با کارایی سطح بالا می باشد، ساخته است . نام آردوارک برای بمب افکن اف-۱۱۱ رسماً به ثبت نرسیده است .

هوایمای بمب افکن اینترودر^{۵۴} - آ ۶ ای



مشخصات:

خدمه: ۲ نفر

حداکثر سرعت : ۵۶۰ گره (۱۰۳۷ کیلومتر در ساعت)

شتاب : نسبتاً خوب

قابلیت مانور : ضعیف

اندازه : بزرگ

سیستم هدف یابی : خوب

شعاع عملیاتی : ۲۸۱۸ مایل دریایی (۵۲۲۲ کیلومتر)

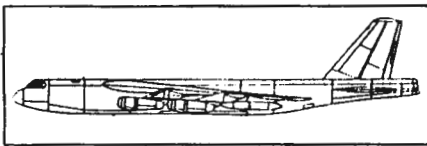
حداقل طول باند پرواز : ۵۰۰۰ فوت

نوع سلاح هوا به هوا : ۲ فروند موشک آ آی ام - ۹

نوع سلاح هوا به زمین : مهمات به وزن ۱۵۰۰۰ پوند شامل بمب های
چند منظوره ، ای او ، لیزری ، خوشه ای و بی ال یو
قابلیت پرواز در شب و در شرایط جوی مختلف : خیلی خوب
قابلیت سوخت گیری در هوا : دارد
سال بکارگیری : ۱۹۶۱
استفاده کننده : نیروی دریایی آمریکا

هواپیمای اینترودر آ - ۶ ای بمب افکن سنگین هوانیروز می باشد . در طول
جنگ ویتنام - این نوع هواپیماها - تنها بمب افکن های آمریکا بودند که در هر
نوع شرایط جوی و همچنین در هر نوع فضای نامساعد و مخاطره آمیز به پرواز
در می آمدند . هر چند این هواپیما از لحاظ دقت پرتاب بمب ، با هواپیماهای
جدید قابل مقایسه نیست ، ولی هنوز آنرا می توان بعنوان یک عضو با ارزش
تیمهای هوایی به شمار آورد .

بمب افکن ب - ۵۲ جی



مشخصات:

خدمه : ۶ نفر

حداکثر سرعت : ۳۶۵ گره (۶۷۶ کیلومتر در ساعت)

شتاب : نسبتاً خوب

قابلیت مانور : ضعیف

اندازه : خیلی بزرگ

سیستم هدف یابی : عالی

شعاع عملیاتی : ۴۳۴۲ مایل دریایی (۱۶۰۹۵ کیلومتر)

حداقل طول باند پرواز : ۱۰۰۰۰ فوت

نوع سلاح هوا به هوا : ۴ قبضه توپ ۵۰ م م که در قسمت دم هواپیما قرار دارند

نوع سلاح هوا به زمین : مهمات به وزن ۳۸۲۵۰ پوند شامل بمب های چند منظوره و موشکهای هارپون (Harpoon)

قابلیت پرواز در شب و در شرایط جوی مختلف : خیلی خوب

قابلیت سوخت گیری در هوا : دارد

سال بکار گیری : ۱۹۵۵ م (مدل ب - ۵۲ جی ، سال ۱۹۵۹)

استفاده کننده : نیروی هوایی آمریکا

هنگامی که اولین پرواز ((ب - ۵۲)) انجام شد ، کمتر از نصف نفرات

فعالی شاغل در نیروی هوایی آمریکا متولد شده بودند .

هواپیماهای عراقی

نیروی هوایی عراق مانند نیروی زمینی آن کشور مقادیر زیادی اقلام و

تجهیزات در اختیار داشت که بخشی از آنها جدید و مدرن بودند . هر چند

نیروهای متحدین از لحاظ کمیت و کیفیت (تجهیزات و نیروی انسانی) به

مراتب از عراق قوی تر و برتری کامل هوایی آنها نیز مشخص بود ، ولی در

نبردهای هوایی ، عراق به علت داشتن نیروی بالقوه در نیروی هوایی خود ، برتر

بود . در واقع اگر متحدین عملیات غافلگیری را اجرا نکرده و طرح ریزی های

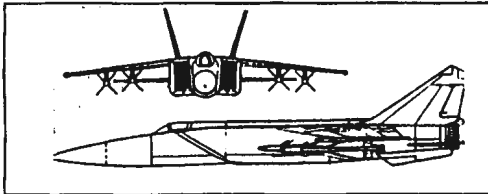
نظامی را آنقدر ماهرانه پیاده نمی کردند ، هواپیماهای عراقی که در زیر به شرح

آنها پرداخته می شود ، حداقل برای زمانی محدود مزاحمتهایی برای نیروهای

متحدین ایجاد می نمودند .

هواپیماهای رهگیر

هواپیمای میگ - ۲۵ فاکس بت^{۵۵} شناسایی



مشخصات:

خدمه : ۱ نفر (خلبان)

حداکثر سرعت :

۲/۸۳ ماخ^{۵۶}

شتاب : خوب

قابلیت مانور : ضعیف

اندازه : بزرگ

سیستم هدف یابی : خوب

شعاع عملیاتی : ۷۸۰ مایل دریایی

حداقل طول باند پرواز : ۵۰۰۰ فوت

نوع سلاح هوا به هوا : ۴ فروند موشک هوا به هوا

نوع سلاح هوا به زمین : ندارد

قابلیت پرواز در شب و در شرایط جوی مختلف : خوب

قابلیت سوخت گیری در هوا : ندارد

سال بکار گیری : ۱۹۶۶ م

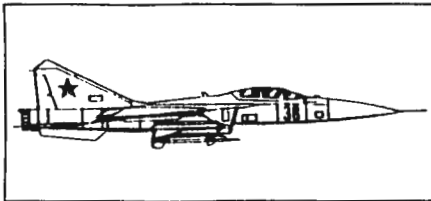
^{۵۵} FOX BAT / Recon

^{۵۶} ماخ : برابر است با سرعت صوت (۱۲۲۴ کیلومتر در ساعت) Mach

میگ ۲۵ برای رهگیری هواپیماهای بمب افکن با سطح پرواز بالا و سرعت زیاد طرح ریزی شده است ، ولی روسها تعداد زیادی از آنها را به هواپیماهای شناسایی تبدیل کرده اند . این موضوع که عراقی ها نیز از هواپیمای میگ ۲۵ در بدو امر یا انحصاراً برای شناسایی استفاده کرده اند ، قابل قبول می باشد .

هواپیماهای جنگنده

هواپیمای میگ ۲۹ فالكروم^{۵۷}



مشخصات:

تعداد خدمه : ۱ نفر (خلبان)
 حداکثر سرعت : ۱۲۶۰ گره (۲۳۳۴ کیلومتر در ساعت)
 شتاب : ممتاز
 قابلیت مانور : ممتاز
 اندازه : متوسط
 سیستم های هدف یابی : رادار عالی ، گیرنده اشعه مادون قرمز و مسافت یاب لیزری
 شعاع عملیاتی : ۴۳۲ مایل دریایی (۸۰۰ کیلومتر)
 حداقل طول باند پرواز : ۱۲۰۰ فوت
 نوع سلاح هوا به هوا : ۱ قبضه توپ ۳۰ م م ، ۶ فروند موشک هدایت شونده با رادار و ۶ فروند موشک هدایت شونده با اشعه مادون قرمز

^{۵۷} Fulcrum (نقطه اتکا)

نوع سلاح هوا به زمین : ندارد

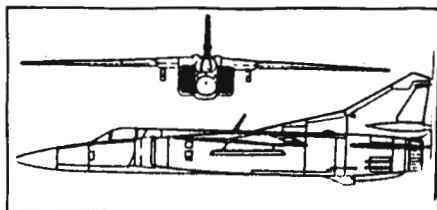
قابلیت پرواز در شب و در شرایط جوی مختلف : عالی

قابلیت سوخت گیری در هوا : ندارد

سال بکار گیری : ۱۹۸۵ م

هواپیمای میگ ۲۹ فاکروم از لحاظ توانایی های بالقوه نبردهای هوایی ، تقریباً معادل هواپیمای اف/آ - ۱۸ بوده و حتی تعدادی از ویژگیهای آن از بهترین هواپیماهای جنگنده غربی نیز بالاتر است . میگ ۲۹ می تواند هواپیمای دشمن را در حالیکه رادار آن خاموش است ، با استفاده از گیرنده های مجهز به اشعه مادون قرمز خود تعقیب و رهگیری کند . در حال حاضر اکثر هواپیماهای جنگی ، مجهز به ادوات و وسایلی هستند که در صورت شناسایی شدن بوسیله رادار دشمن ، به خلبان اعلام خطر می کنند . این عمل در هواپیمای میگ ۲۹ بوسیله سیستم مجهز به اشعه مادون قرمز انجام می گردد .

هواپیماهای میگ - ۲۳ - و ۲۷ فلاگر^{۵۸} (شلاق زن)



مشخصات :

تعداد خدمه : انفر (خلبان)

حداکثر سرعت : ۲/۳ ماخ

شتاب : خوب

قابلیت مانور : خوب

اندازه : متوسط

سیستمهای هدف یابی : خوب

شعاع عملیاتی : ۶۵۰ مایل دریایی

حداقل طول باند پرواز : ۳۰۰۰ فوت

نوع سلاح هوا به هوا : ۲ قبضه توپ ۲۳ م م ، ۴ فروند موشک

آ آ^{۵۹} - ۷ (موشک هوا به هوا) و ۴ فروند موشک آ آ - ۸

نوع سلاح هوا به زمین : بمب های چند منظوره و خوشه ای

قابلیت سوخت گیری در هوا : ندارد

سال بکارگیری : ۱۹۶۸ م

فلاگر در ابتدا بعنوان یک هواپیمای جنگنده طرح ریزی گردید ، ولی بعدها برای آنکه بتواند بمب هم پرتاب کند ، تعدادی از قابلیت های پروازی به آن افزوده شد . این هواپیما در آغاز با هواپیماهای جنگی کشورهای غربی تا

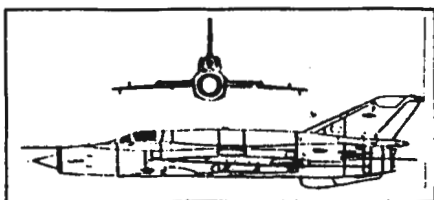
^{۵۸} Flogger

^{۵۹} Air to Air Missile (A A M)

اندازه ای رقابت می‌کرد ولی تقریباً از ۲۰ سال پیش تا کنون ، در بین هواپیماهای جنگی جدید جایی برای آن وجود نداشته است .

میگ - ۲۱

مشخصات:



تعداد خدمه : ۱ نفر (خلبان)

حداکثر سرعت : ۲/۰۵ ماخ

شتاب : خوب

قابلیت مانور : خوب

اندازه : کوچک

سیستمهای هدف یابی : نسبتاً خوب

شعاع عملیاتی : ۲۰۰ مایل دریایی

حداقل طول باند پرواز : ۳۰۰۰ فوت

نوع سلاح هوا به هوا : ۱ قبضه توپ ۲۳ م م ، ۲ فروند موشک آ - ۲

و یا ((۲دی)) و ۲ فروند موشک آ - ۲۰

نوع سلاح هوا به زمین : ۳۳۰۰ پوند بمب ، شامل بمب های بی پی^{۶۰}

(نقطه مبنا)

قابلیت پرواز در شب و در شرایط جوی مختلف : ندارد

قابلیت سوختگیری در هوا : ندارد

سال بکارگیری : ۱۹۶۸ م

در آسمان ویتنام شمالی ، میگ - ۲۱ با بهترین هواپیماهای جنگنده ای که آمریکا در آن زمان داشت ، رقابت می‌کرد . البته این موضوع مربوط به بیش از

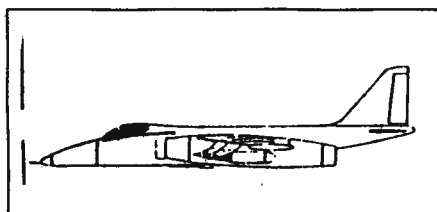
^{۶۰} Base point Bombs (BP)

۲۰ سال قبل است. در حال حاضر درگیری با این هواپیما برای هواپیماهای غربی کار بسیار آسانی می باشد.

هواپیمای اف - ۷ مدل چینی میگ - ۲۱ است که برای ساختن آن، سیستمهای ارتباطات هوایی ساخت کشورهای غربی را روی بدنه ای مانند بدنه میگ - ۲۱ سوار کرده اند. این هواپیما به کشورهای خارج صادر می شود.

هواپیمای جنگنده هجومی اس یو ۲۵ فواگ فوت^{۶۱} (پای قور باغه)

مشخصات:



تعداد خدمه: ۱ نفر (خلبان)

حداکثر سرعت: ۰/۸ ماخ

شتاب: ضعیف

قابلیت مانور: نسبتاً خوب

سیستمهای هدف یابی: ضعیف

شعاع عملیاتی: ۳۰۰ مایل دریایی

حداقل طول باند پرواز: ۴۰۰۰ فوت

نوع سلاح هوا به هوا: ۲ قبضه توپ ۳۰ م م، ۲ فروند موشک آ آ - ۲

دی یا ۲ فروند موشک آ آ - ۸

نوع سلاح هوا به زمین: مهمات به وزن ۹۷۰۰ پوند شامل بمب های

چند منظوره، خوشه ای، لیزری، و تعدادی راکت

قابلیت پرواز در شب و در شرایط جوی مختلف: ندارد

قابلیت سوخت گیری در هوا: ندارد

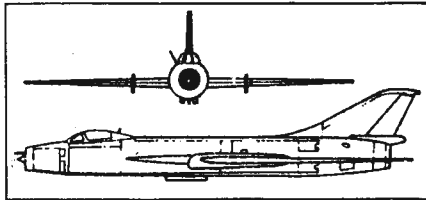
سال بکار گیری: ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۴ م

⁶¹ Frog Foot

هواپیمای جنگنده هجومی فراگ فوت را گاهی اوقات هواپیمای آ - ۱۰ روسی می‌گویند ، هر چند در بسیاری از ویژگی های پروازی، از آ - ۱۰ ضعیف تر و پائین تر است . به هر حال این دو هواپیما بدین منظور طرح ریزی و ساخته شده اند که با هماهنگی کامل نیروهای زمینی خودی ، از زمین برخاسته با هواپیماهای نیروی مقابل نبرد کنند .

هواپیمای اس یو - ۲۰ فیتز^{۶۲} (کمکی)

مشخصات:



تعداد خدمه : ۱ نفر (خلبان)

حداکثر سرعت : ۲/۰۹ ماخ

شتاب : خوب

قابلیت مانور : خوب

اندازه : متوسط

سیستم های هدف یابی : نسبتاً خوب

شعاع عملیاتی : ۲۰۰ مایل دریایی

حداقل طول باند پرواز : ۲۰۰۰ فوت

نوع سلاح هوا به هوا : ۳۰ قبضه توپ ۳۰ م م ، یک دستگاه رادار ،

یک یا ۲ دستگاه سیستم دید در شب مادون قرمز

نوع سلاح هوا به زمین : مهمات به وزن ۶۶۱۷ پوند شامل بمب های

چند منظوره و راکت :

قابلیت پرواز در شب و در شرایط جوی مختلف : ندارد

قابلیت سوخت گیری در هوا : ندارد

سال بکارگیری : ۱۹۶۷ م

اس یو - ۲۰ مدل صادراتی هواپیمای اس یو - ۱۷ می باشد . اس یو - ۱۷ عمومی ترین هواپیمای تهاجمی شوروی سابق بوده که هر چند از کارایی زیاد برخوردار نیست ، ولی می توانست آسیب هایی به نیروهای متحدین وارد کند .

هواپیمای اس یو - ۷

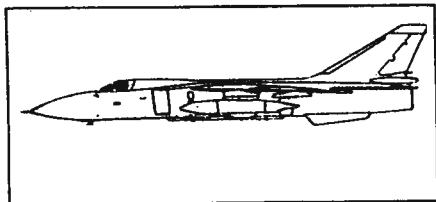
این هواپیما نسل اولیه ((اس یو - ۱۷)) بوده و قابلیت و کارایی آن کمتر از نصف اس یو - ۱۷ می باشد .

هواپیمای اف - ۶

اف - ۶ را چینی ها با استفاده از بدنه هواپیمای میگ - ۱۹ روسی ساخته و سیستمهای ارتباطی غربی را روی آن سوار کرده اند . این هواپیما یک مدل صادراتی است و مانند هواپیمای اف - ۷ ، به قیمت نسبتاً ارزانی فروخته می شود .

هواپیماهای بمب افکن

بمب افکن اس یو - ۲۴^{۶۳} فَنسِر



مشخصات:

تعداد خدمه : ۲ نفر

حداکثر سرعت : ۲/۸ ماخ

شتاب : خوب

قابلیت مانور : خوب

اندازه : بزرگ

⁶³ Fencer (شمشیر باز)

سیستمهای هدف یابی : عالی
 شعاع عملیاتی : ۹۷۰ مایل دریایی
 حداقل طول باند پرواز : ۳۰۰۰ فوت
 نوع سلاح هوا به هوا : توپ
 نوع سلاح هوا به زمین : بمب های چندمنظوره و هدایت شونده بالیزر،
 و موشک ضد موشک هدایت شونده . وزن کل این مهمات ۱۷۶۳۵ پوند
 می باشد .
 قابلیت پرواز در شب و در شرایط مختلف : عالی
 قابلیت سوخت گیری در هوا : ندارد
 سال بکار گیری : ۱۹۷۴ م
 قدرت تخریبی یک ماموریت موفق اس یو - ۲۴ فنسر بیشتر از ۵۰ موشک
 اسکاد می باشد . عراق به تازگی از این نوع بمب افکن دریافت کرده است .

هواپیمای میراژ اف - ۱

این هواپیما قبلاً تحت عنوان هواپیماهای متحدین^{۶۴} شرح داده شده است .
 خدمه هائی که از کارآیی و آموزش عالی برخوردار هستند، می توانند از
 این جنگ افزار بهترین استفاده را نموده و قابلیت کشندگی آن را به
 حداکثر برسانند . خلبانان اف - ۱ عراقی بوسیله فرانسوی ها بسیار خوب
 آموزش داده شده اند و نتیجه این آموزش عالی در جنگ ایران و عراق آشکار
 گردید . در خلال بسیاری از تک های سریعی که این خلبانان در عمق خاک ایران
 انجام دادند ، مهارت ، خلاقیت و تهور آنها به ثبوت رسید .

هواپیماهای آی ۱-۲۸ ، تی یو - ۲۲ و تی یو - ۱۶

این بمب افکن های بزرگ ، مقدار زیادی بمب را حمل و پرتاب می کنند ولی سیستم های پدافند هوایی کشورهای خلیج ، آنها را به آسانی یافته و مورد اصابت قرار می دهند .

مهمات جنگی اجرای ما موریت را ممکن می سازد

مهمات مورد استفاده نیروی هوایی متحدین

از عوامل موثر در توان هوایی یک کشور، قابلیت انعطاف و مهارت در انجام کار می باشد . مهمات نیز بخش بزرگی از توان هوایی را تشکیل می دهد ، زیرا هواپیماها را قادر می سازد که به اهداف مورد نظر خود نائل شوند . بنابراین برای شناختن مهمات باید ابتدا با ماهیت هدف ها آشنایی پیدا کرد . هدف ها به طور کلی دارای سه ویژگی هستند : سختی ، نیاز به دقت برای این که مورد اصابت قرار گیرند و خطرناک بودن .

سختی

هر هدف، برای آنکه بتوان آن را منهدم کرد به مقدار مشخصی نیروی انفجاری نیاز دارد ، بنابراین از مواد منفجره نباید بیش از مقداری که لازم است استفاده شود .

هر نوع هواپیما توانایی حمل مقدار معینی بار (مهمات) را دارد و در صورتی که بتوان برای اجرا کردن یک ماموریت هوایی ، از کوچکترین و سبکترین بمبی که ممکن است استفاده نمود ، در یک سورتی پرواز می توان ماموریت های زیادتری را اجرا کرد .

نیاز به دقت

بسیاری از تماشاگران فیلمهای آمریکایی، انگلیسی و فرانسوی که در آنها نحوه اجرای مأموریت های نظامی به نمایش گذارده می شود، تحت تاثیر آن فیلم ها قرار گرفته و تصور می کنند که برای منهدم کردن کلیه هدف های نظامی، به دقت زیادی در هدف گیری نیاز می باشد. این باور درست نیست، زیرا برای مثال: اگر بمبی در هر نقطه از یک انبار سوخت بیفتد، آن محل را منفجر می کند. به عبارت دیگر اگر یک دوجین بمب معمولی روی منطقه ای که در آن یک انبار سوخت قرار دارد انداخته شود، حداقل یکی از آن بمب ها به انبار اصابت کرده و آن را منفجر خواهد ساخت. بعضی اوقات نیاز به دقت هدف گیری بوسیله خود هدف بوجود نیامده و به تاسیسات مجاور آن مربوط می شود. برای مثال، در صورتی که انبار سوخت مورد بحث، در مجاورت یک مسجد قرار داشته باشد، خلبان بمب افکن ترجیح می دهد بمب های خود را فقط روی انبار بیاندازد.

خطر

اگر یک هدف برای خلبان بمب افکن آنقدر مهم باشد که بخواهد آن را منهدم کند، این هدف برای دشمن نیز به اندازه کافی اهمیت خواهد داشت تا برای پدافند از آن، کوشش خود را مبذول دارد. جنگ افزارهایی که به خلبان امکان می دهد که هنگام اجرای تک هوایی و پرتاب بمب، از هدف و پدافند کنندگان فاصله کافی داشته باشند، می تواند امید به زنده ماندن را در خلبان افزایش داده و علاوه بر این امکان زدن هدف را بیشتر نماید.

روشهای انتخابی برای انهدام هدف های با درجات سختی مختلف

بدن انسان بسیار نرم و ظریف است. حتی کوچکترین بمب متعارف در صورت انفجار، بدن یک سرباز را به تکه های ریزی تبدیل می کند، ولی به

سر باز دیگری که بفاصله چند یارد از او در داخل یک سنگر انفرادی (حفره روباه) قرار گرفته، کوچکترین آسیبی نمی‌رساند. برای حل این مشکل، بمب‌های خوشه‌ای^{۶۵} مورد استفاده قرار می‌گیرند، زیرا با انفجار هربمب خوشه‌ای، تعداد زیادی بمب‌های کوچک بر فراز منطقه مورد نظر پخش و منفجر می‌گردد. بنابراین در حالیکه وزن بمب مورد استفاده فرقی نمی‌کند، هدف‌های بیشتری مورد اصابت قرار می‌گیرند که البته تعدادی از آنها مورد نظر خلبان بمب افکن نخواهند بود.

برای هدف‌های کمی سخت‌تر مانند خودروهای زرهی سبک، از بمب‌های خوشه‌ای محتوی مهمات ترکیبی استفاده می‌شود. این نوع بمب‌های خوشه‌ای، دارای ترکش‌های انفجاری ضد نفر و ضد زره بوده و تعدادی بمب کوچک آتش‌زا نیز در فضای منطقه پخش می‌کنند. برای انهدام هدف‌های باز هم سخت‌تر، آنها را با سری بمب‌های ((ام کی)) مورد اصابت قرار می‌دهند، و بالاخره برای اهداف بسیار سخت (از قبیل آشیانه‌های هواپیما که بسیار محکم و غیرقابل نفوذ فرض می‌شوند)، از کلاهک جنگی پیشرفته ۲۰۰۰ پوندی ((آی-۲۰۰۰)) استفاده می‌شود.

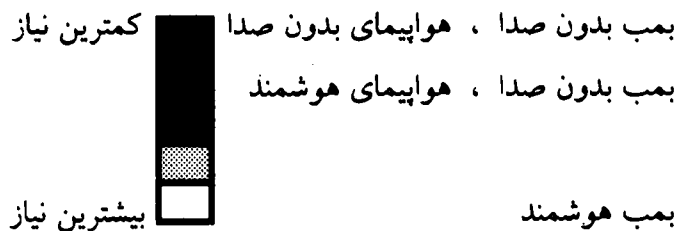
انتخاب نوع و وزن بمب‌های خوشه‌ای با توجه به میزان سختی هدف			
وزن	مهمات ترکیبی	نوع بمب خوشه‌ای	
پوند ۲۵۰	۸۱	MK	نرم‌ترین هدف
پوند ۵۰۰	۸۲	MK	
پوند ۱۰۰۰	۸۳	MK	
پوند ۲۰۰۰	۸۴	MK	
* پوند ۲۰۰۰		I-۲۰۰۰	سخت‌ترین هدف

* در ۱۲ پائین نفوذ می‌کند

نیاز به هدف گیری دقیق

دقت در هدف گیری برای پرتاب بمب همیشه لازم نیست. در یک تک ایدایی که به منظور بیدارنگ داشتن دشمن در شب اجرا می گردد، لازم نیست که نقاط مشخصی مورد هدف قرار گیرند. بدین منظور از هر نوع هواپیمای حامل بمب می توان استفاده نمود. البته بعضی از هواپیماهای بمب افکن مانند اف - ۱۶ می توانند با استفاده از مهمات متعارف، هدف های مورد نظر را با دقتی تقریباً مثل بمب های هدف یاب^{۶۶} مورد اصابت قرار دهند. به هر حال برای اغلب انبارهای مهمات، دقت هدف گیری توسط خلبان بمب افکن مورد نیاز نیست، زیرا بمب به هر نقطه از آن اصابت کند، انبار را منفجر خواهد کرد، ولی گاهی اوقات، پرتاب بمب، دقت هدف گیری زیادی را ایجاب می کند، برای مثال: در صورتی که یک زاغه مهمات بصورت سنگری غیر قابل نفوذ بوده و تنها درب ورودی آن قابل انفجار با بمب باشد، بدیهی است که خلبان بمب افکن آن نقطه را با دقت هدف گیری کرده و بمب را روی آن می اندازد.

میزان دقت مورد نیاز در هدف گیری



^{۶۶} Smart Bomb (بمب هوشمند)

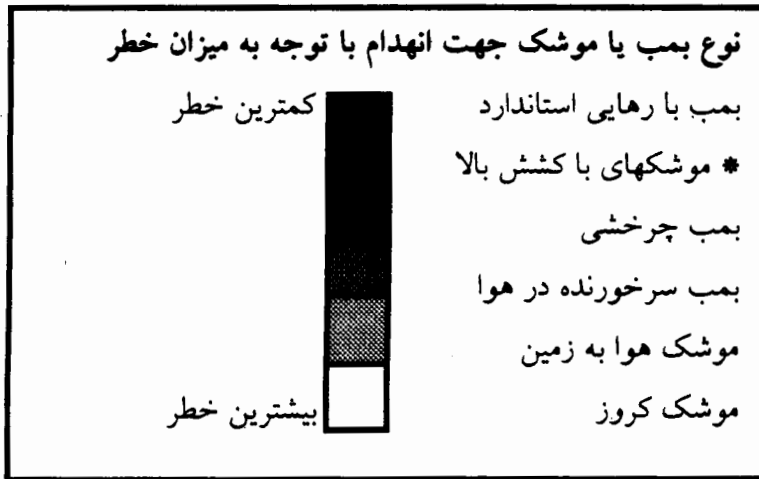
خطر

هنگامی که حداقل خطر وجود داشته باشد (یا هیچ راه کار انتخابی برای احتراز از خطر موجود نباشد) ، خلبان بمب افکن ، با ارتفاع ثابت و یا با زاویه باز نسبت به هدف پرواز کرده ، بمب را در فاصله ای رها می کند که نواخت جدا شدن آن از هواپیما ، بمب را درست روی هدف بیاندازد . در صورتی که در اطراف هدف جنگ افزارهای کوچک ، آتش پدافندی اجرا کند، خلبان بمب را از یک ارتفاع بیشتر رها می کند ، ولی این ارتفاع نباید خیلی زیاد باشد ، زیرا در آن صورت ، خلبان بمب افکن ، احتمالاً هدف را گم خواهد کرد .

از طرفی اگر هواپیما در ارتفاع پائین پرواز کند ، در این سقف پرواز کوتاه نسبت به زمین ، از مورد اصابت قرار گرفتن بوسیله اکثر مدل های موشک سام مصون خواهد ماند ، زیرا در آن شرایط خدمه موشک انداز وقت کافی را برای هدف گیری و پرتاب موشک ندارد ، ولی انداختن بمب از ارتفاع کم منجر به این خواهد شد که هواپیما در شعاع ترکش انفجار بمب قرار گرفته و در پرواز آن خللی ایجاد گردد . برای جلوگیری کردن از این وضعیت ، بمب های سری ((ام کی)) به پره های چرخشی مجهز می شوند تا زمان اصابت بمب به هدف را به تأخیر انداخته و به خلبان بمب افکن امکان گریز از شعاع ترکش بمب را بدهند .

برای آنکه هواپیما در حالیکه از هدف فاصله زیاد دارد آن را مورد اصابت بمب قرار دهد ، از بمب های هدف یاب استفاده می شود . این نوع بمب به خلبان امکان می دهد که از ارتفاع زیاد آن را رها کند و یا آن را دور از هدف انداخته و در هر دو مورد مطمئن باشد که بمب به هدف اصابت خواهد کرد . در صورتی که روانه کردن بمب هدف یاب به سوی هدف ، ایجاب کند که هواپیما بیش از فاصله مطمئن به منطقه هدف نزدیک شود ، برای احتراز از خطرات

احتمالی می‌توان بمب هدف یاب را به یک خمپاره یا موشک، مجهز کرده و به این وسیله برد آن را افزایش داد. حال اگر این فاصله از هدف باز هم برای هوایما کافی نبود، احتمالاً برای منهدم کردن هدف، به یک موشک ((کروز)) نیاز خواهد بود.



High drag Rockets

راه حل کلی

به عنوان مثال: دوباره به بحث در باره انبار مهمات که شرح آن قبلاً داده شده است می‌پردازیم. در صورتی که درب ورودی بسیار محکم باشد، برای انفجار آن به بمب ((ام کی ۸۳)) نیاز می‌باشد. البته برای انهدام درب، نوع بمب باید هدف یاب باشد و جعبه وسایل تبدیل بمب های ام کی به هدف یاب نیز، در اختیار خلبان های بمب افکن گذاشته شود. با روانه کردن بمب هدف یاب بسوی هدف، خلبان از برد آتش جنگ افزارهای پدافند هوایی دشمن دور مانده و ضمناً لازم نیست که از خمپاره های مجهز به موشک، برای سوار کردن روی بمب استفاده شود.

سایر جنگ افزارهای هدایت شونده

بعضی جنگ افزارهای هوایی دارای مشخصات و ویژگی های بمب های هدف یاب هستند ، هر چند به عنوان بمب شناخته نمی شوند . اغلب موشکهای هوا به هوا به یکی از دو نوع کلاهکهای هدف یاب بشرح زیر مجهز می باشند :

سیستم هدف یاب موشک آ آی ام - ۷ ، انرژی منعکس شده توسط رادار را دیده و موشک را به سوی آن روانه می کند .

سیستم حرارت یاب موشک آ آی ام - ۹ ، گرمای ناشی از سوخت هواپیما را احساس کرده و موشک را به طرف هواپیما هدایت می کند .

موشکهای مورد استفاده در هواپیمای ضد موشک سام ، انرژی رها شده توسط تعدادی از فرکانسهای رادار دشمن را دیده و مسیر پرواز خود را به طرف رادار تنظیم می کنند . معمولاً رادار ها در صورتی که موشکی به سوی آنها روانه شده باشد ، آن را دیده و خود را خاموش می کنند . این کار خوب است ولی موشک انداز های خودی بهتر است رادارها را برای همیشه خاموش کرده ، از کار بیاندازند . موشکهای جدید به علت سرعت بسیار زیاد ، به اپراتور رادار فرصت نمی دهند که رادار خود را خاموش کرده و یا سمتی را که از آن ، اشعه حرارتی موشک به طرف رادار می آید ، تشخیص دهد . در بعضی از موارد اپراتور قادر به

انجام دادن هیچ یک از این دو عمل نخواهد بود .

بمب لیزری هدایت شونده

جی بی یو - ۱۰ ای و بی



۲۰۰۰ پوندی

مدل بمب هوا رو

طول : ۱۲ فوت و ۹ اینچ

قطر : ۱۸ اینچ



۲۵۱۳ پوند

مهمات ویژه

تعداد این مهمات زیاد بوده و در ذیل دو نوع آن که از اهمیت بیشتری نسبت به بقیه برخوردار می باشد شرح داده شده اند :

مین های قابل پخش از هوا

اگر جاده ای که در آن ، قصد اجرای عملیات ممانعتی دارید به رودخانه ای برسد ، مشکلی ایجاد نمی شود ، زیرا می توانید پلی را که روی آن است تخریب کرده و راه تعقیب کردن دشمن را قطع کنید . ولی در صورتی که جاده مورد استفاده ، از میان یک بیابان در خاک عراق عبور کند ، برای بازداشتن نیروهای عراقی از تعقیب شما ، عاقلانه نیست که مینی را در زیر زمین بکارید ، زیرا عراقیها بادیدن هر نوع حفره در روی شن ، آن را دور زده و از آسیب احتمالی انفجار مین مصون می مانند . در این مورد بهتر است که از مینهای قابل پخش از هوا استفاده شود ، زیرا این مینها مناطق وسیع تحت اشغال دشمن را کاملاً پوشانیده و راههای عبور نیروهای او را می بندند . آنها در ضمن هوشمند و هدف یاب هم هستند . زیرا با افتادن روی زمین در انتظار دشمن می مانند .

مهمات منهدم کننده باندهای پرواز

باندهای پرواز ، هدفهای بسیار مقاومی هستند ، زیرا برای تحمل کردن وزن هواپیماها ، این باندها را بسیار مستحکم می سازند . به هر حال برای متوقف ساختن عملیات پروازی دشمن ، باید در قسمتهایی از باند ، قیفهای انفجار ایجاد شود که اجرای این عملیات به مهمات مخصوصی نیاز دارد . این مهمات باید برای غلبه کردن بر سختی و استحکام باند پرواز ، دارای حجم مناسب بوده ، در ضمن بتوان تعداد زیادی از آنها را روی باند فرو ریخت . از طرفی مهندسین

نیروی مقابل این عادت ناراحت کننده (از لحاظ ما) را دارند که به طور مرتب باندهای پرواز را ترمیم و بازسازی کنند .
 بسیاری از مهمات تخریب فرودگاهها شامل مینهای ضد نفر^{۶۸} (پرسنل مهندس) و ضد خودرو^{۶۹} (بولدوزرها) می باشند .

طرز کار بمبهای هوشمند

کلیه بمبهای هدف یاب دارای چهار قسمت اصلی می باشند : کلاهک هدف یاب که مسیر بمب به طرف هدف را می بیند ، مغز هوشمند بمب ، سطوح کنترل (که مسیر پرواز بمب را در صورت لزوم تصحیح می کنند) و کلاهک جنگی کلاهک هدف یاب می تواند یک بازتاب انرژی لیزری را دیده و یا یک تصویر نوری یا مادون قرمز را با آنچه باید ببیند مقایسه کند .

بمبهای هدف یاب اولیه را می شد ((نسبتاً نفهم))^{۷۰} نامید، زیرا در صورتی که کلاهک هدف یاب زیاد پائین می آمد ، به سطوح کنترل برخورد کرده ، دماغه بمب را به طرف بالا متمایل می کرد . این مقدار بالا رفتن دماغه بمب به حدی می رسد که دماغه با سطوح کنترل برخورد کرده ، دوباره ، پائین می آمد . در نتیجه بمب در مسیر خود به سمت هدف ، به نوسان و لرزش می افتاد . به این علت اکثر بمبهای هدف یاب اولیه در اطراف هدفها به زمین اصابت کرده و آسیبی به خود آنها نمی رساندند . اما بمبهای هدف یاب جدید هنگام روانه شدن به طرف هدف ، تصحیحات لازم را انجام می دهند . این بمبها نه تنها دقیق تر هستند ، بلکه می توان آنها را از فواصل دور نسبت به هدف ، پرتاب نمود .

^{۶۸} Antipersonnel

^{۶۹} Antivehicle

^{۷۰} Fairly Stupid

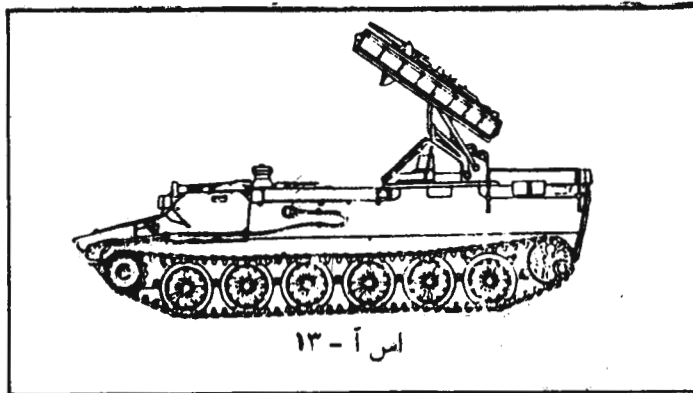
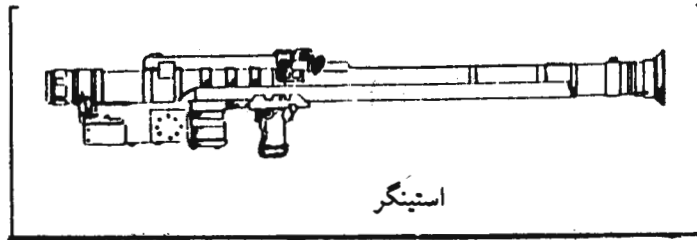
موشکهای کروز هم دارای این ویژگی می‌باشند. در چندین نقطه در طول مسیر، سیستم هدف یاب موشک، آن چیزی را که در تصویر رادار می‌بیند با آنچه که باید انتظار دیدنش را داشته باشد مقایسه کرده و برای قرار دادن موشک در مسیر صحیح، تغییرات لازم را انجام می‌دهد.

پدافند هوایی نیروی زمینی عراق

هر چند رژیم عراق توجه خاصی نسبت به نیروی هوایی آن کشور مبذول داشته بود، ولی نیروهای متحدین موفق شدند از فعالیت این نیرو جلوگیری کرده و نگذارند حتی یک هواپیمای خودی بوسیله آن سرنگون شده و یا یک هدف متحدین بمباران شود. از طرف دیگر هر چند در مورد پدافند هوایی نیروی زمینی عراق، گزارشات قابل توجهی دریافت نشده، ولی باید اذعان داشت که اقدامات خصمانه همین پدافند هوایی باعث از دست رفتن ۵۶ فروند هواپیمای متحدین در صحنه های عملیات گردیده است. ما از ماهیت و نحوه عملکرد پدافند هوایی نیروی زمینی عراق اطلاع چندانی نداشته و نمی‌دانیم چطور این پدافند هوایی که هزینه زیادی نیز صرف آن نشده بیش از نیروی هوایی عراق موثر بوده و کارایی داشته است.

عراق زمان و سرمایه قابل توجهی را صرف بوجود آوردن یک سیستم پدافند هوایی یکپارچه نموده بود. آن سیستم از چهار قسمت اصلی تشکیل می‌شد که عبارت بودند از: رادارها، شبکه فرماندهی و کنترل برای هدایت نبرد، پدافند هوایی نیروی زمینی در مواضع کلیدی و هواپیماهای جنگنده که بعنوان نیروی احتیاط استراتژیکی با دریافت دستور، ماموریت‌های پدافندی را انجام می‌دادند.

در اولین ثانیه‌های عملیات طوفان صحرا ، نیروی هوایی متحدین برای از هم گسیختن آن سیستم پدافند هوایی توام ، جنگنده بمب افکنهای خود را به پرواز درآورد. رادارها جزو اولین هدفها بودند و شبکه فرماندهی و کنترل (از ستاد نیروی هوایی عراق به مراکز کنترل پدافند هوایی تقویت شده) در همان شب اول به شدت بمباران شدند . هواپیماهای اف - ۴ جی وایلد ویزل نیروی هوایی و هواپیماهای ۱ - ۷ ای نیروی دریایی آمریکا ، سکوها ی پرتاب موشک سام^{۷۱} موشک زمین به هوا (عراق را در حد امکان بمب باران کردند . بمب افکن های تورنادوی نیروی هوایی سلطنتی انگلستان^{۷۲} ، در زیر آتش کوبنده پدافند هوایی عراق ، عملیات خود را ادامه دادند .



^{۷۱} Surface to air missile (SAM)

^{۷۲} Royal air force

بعد از یک هفته ، تمام چیزی که از پدافند هوایی عراق باقی ماند، سیستمهای زمینی آن بود . یگانهای اطلاعاتی عراق سریعاً مراکز فرماندهی و رادارهای بزرگ خود را مستقر ساختند ولی پنهان ساختن باندهای فرودگاه از دید ماهواره های متحدین که حتی می تواند شماره پلاک یک اتومبیل را خارج از مدار زمین بخواند، کاری بس مشکل ، و پیدا کردن و نابودی چنین اهدافی کاری نسبتاً ساده بود . سیستمهای پدافند هوایی عراق را نمی شد به این آسانی منهدم کرد . تعداد سیستمهای پدافند هوایی عراق نسبت به تعداد فرودگاه ها و سنگرهای بتونی مخصوص فرماندهی ، بسیار زیادتر بود و مخفی ساختن این سیستمها از شناسایی هوایی و ماهواره ای متحدین آسانتر صورت می گرفت . ضمناً در صورت کشف مواضع ، عراقیها سیستمهای پدافند هوایی خود را به آسانی جابجا می کردند . بهر حال با انهدام شبکه های کنترل و فرماندهی و رادارها ، کارآیی یگانهای پدافندی عراق بطور چشمگیری کاهش پیدا نمود ولی یگانهای مستقل رزمی آنها تا آخرین لحظه نابودی ، خطری جدی برای متحدین بحساب می آمدند .

موشکهای زمین به هوا (سام)

موشک اس آ - ۲ گاید لاین^{۷۳} (خط راهنما)

برد : ۳۱ مایل

ارتفاع : زیاد

ایالات متحده در پایان جنگ ویتنام بخوبی مشخص ساخت که چگونه می توان بر این موشکهای ساخت ۱۹۵۰ م غلبه کرد . از طرفی جابجایی سکوی پرتاب موشک های اس آ - ۲ توسط عراق زمان و تلاش زیادی را نیاز داشت .

موشک اس آ - ۳ گوا GOA

برد : ۱۸ مایل

ارتفاع : متوسط

قدمت موشک ((گوا)) مانند موشک اس آ-۲ می باشد ولی قابلیت تحرک آن بطور چشمگیری بیشتر است .

موشک اس آ - ۶ گین فول^{۷۴} (سودمند)

برد : ۳۷ مایل

ارتفاع : متوسط

گرچه موشک گین فول در سال ۱۹۶۷ ساخته شد ولی تا سال ۱۹۷۳ که مصادف با جنگ بین اعراب و اسرائیل بود، این موشک شهرت جهانی پیدا نکرد . با شروع این جنگ علیرغم پرواز سطح پائین هواپیماهای اسرائیلی ، این موشک صدمات زیادی را بر آنها وارد کرد (پرواز در سطح پائین ، تکنیکی برای غلبه بر موشکهای قدیمی سام به حساب می آمد) .

موشک اس آ - ۷ گریل^{۷۵}

برد : ۶ مایل

ارتفاع : کم

طبق گزارشهای واصله ، موشک اس آ - ۷ دقیقاً مانند اولین موشک سام می باشد که از روی شانه شلیک می شد ((موشک اف آی ام ۴۳ آ رد آی^{۷۶} (چشم قرمز) که اکنون از رده خارج شده)) . موشک اس آ - ۷ یکی از اولین

^{۷۴} Gainful

^{۷۵} Grail

^{۷۶} Red eye

موشکهای حرارتی می‌باشد و فقط زمانی کارآئی دارد که هدف در حال دور شدن از موشک انداز باشد. قابلیت تحرک آن عالی بوده و سریعاً در محل مستقر می‌شود.

موشک اس آ - ۱۳ گروفر^{۷۷}

برد: ۵ مایل

ارتفاع: کم تا متوسط

موشک گروفر در اواسط دهه سال ۱۹۷۰ ساخته شد. این موشک حرارتی بوده و بر روی یک خودروی شنی دار سوار می‌شود و معمولاً همراه با توپ ضد هوایی زد اس یو - ۴ - ۲۳ مورد استفاده قرار می‌گیرد تا پدافند هوایی برای یگان زرهی گارد ریاست جمهوری عراق تامین شود.



زد اس یو - ۴ - ۲۳

⁷⁷ Gropher

موشک هاوک^{۷۸} - ۱ (باز شکاری)

برد : ۲۵ مایل

ارتفاع : برای هر ارتفاعی

کویت چهار آتشبار موشک انداز زمین به هوا (از نوع موشک پیشرفته هاوک) در اختیار داشت که در هنگام تهاجم عراق ، به غنیمت نیروهای عراقی در آمد . موشک هاوک - ۱ دارای سیستمی با کارایی بسیار بالا می باشد ولی هیچ گونه مدرکی که نشانگر مورد استفاده قرار گرفتن این موشکها توسط عراقیها باشد در دست نیست ، زیرا هم نیروهای عراق در یاد گرفتن به موقع طرز استفاده از این موشکها ناتوان بودند و هم اینکه سایتهای موشک هاوک - ۱ جزء اولین اهداف نیروهای هوایی متحدین ، بمباران شد .

موشک اف آی ام - ۹۲ آ استینگر (نیش زن)^{۷۹}

برد : ۱۱ مایل

ارتفاع : کم

طبق اطلاعات بدست آمده کویت تعدادی از این موشکها را در اختیار داشته است ، ولی معلوم نیست که بر علیه هواپیماهای متحدین مورد استفاده قرار گرفته باشند .

توپخانه ضد هوایی

توپهای ضد هوایی بر اساس شلیک گلوله با حجم بالا، عمل می کنند . توپهای کوچک با شلیک گلوله های متعدد در مسیر هدف عمل کرده و توپهای

^{۷۸} Hawk

^{۷۹} Stinger

بزرگ از گلوله های سنگین ترو همراه با خرج های انفجاری استفاده می کنند تا ترکش های فراوانی را در مسیر هدف پراکنده سازند . در بعضی از توپها تعیین موقعیت هدف و روانه کردن گلوله بر عهده توپچی می باشد (مثل هدف گیری یک اردک توسط شکارچی) به طوریکه هدف و گلوله در آسمان تقریباً در یک زمان و مکان به یکدیگر برسند . از دیگر انواع توپهای ضد هوایی ، توپهای مجهز به رادار می باشد که توپ را در سمت مناسب قرار می دهد و البته اینگونه توپها در معرض حمله موشکهای ضد رادار قرار دارند .

جنگنده ها ، راههای زیادی برای مقابله با آتش توپهای ضد هوایی در اختیار دارند . آنها می توانند بالاتر از برد گلوله ها پرواز کرده ، رادارهای هدف گیر توپهای ضد هوایی را نابود ساخته و در چانه های مخابراتی و فرماندهی آنها اختلال ایجاد کنند . هواپیماهای جنگنده می توانند زمانی که دید توپچی کافی نیست پرواز نموده ، در ضمن از سلاحهای هدف یاب استفاده کنند تا خارج از برد توپهای ضد هوایی ، آنها را مورد حمله قرار دهند .

توپخانه ضد هوایی

<u>مدل</u>	<u>کالیبر</u>	<u>ملاحظات</u>
زد پی یو ۳،۲،۱	م ۱۴/۵ م	برد کوتاه
زد پیو - ۲۳	م ۲۳ م	
ام ۱۹۳۹	م ۳۷ م	
اس ۶۰	م ۵۷ م	با سایتهای ثابت
کی اس ۱۲	م ۸۵ م	
کی اس ۱۹	م ۱۰۰ م	
کی اس ۳۰	م ۱۳۰ م	برد بلند
زد اس یو ۴-۲۳	م ۲۳ م	برد: یک مایل، متحرک و ۴ لوله
زد اس یو ۵۷-۲	م ۵۷ م	برد : دو مایل ، دو لوله

فصل سوم

نیروهای شرکت کننده

در عملیات

نیروهای هوایی متحدین

بیان این مطلب که نیروهای ائتلافی تنها بخاطر برتری نیروهای هوایی برنده جنگ شدند، کاملاً بدور از حقیقت است. البته در حال حاضر بنا بر شواهدی که از اسرای جنگی عراق بدست آمده، نیروی هوایی می‌تواند سهم گسترده تری رانسبت به جنگهای قبلی ایفا نماید، ولی شش ماه قبل از آغاز عملیات طوفان صحرا این ناوگان بزرگ هوایی بعنوان یک نیروی یکپارچه و توأم وجود خارجی نداشت. حال باید دید این نیروها چگونه کنار یکدیگر قرار گرفتند و چنان اقتدار نظامی در برابر دشمن کاملاً مسلح، از خود نشان دادند که توانستند برتری نسبی هوایی را در مدت چند ساعت و برتری کامل هوایی را در مدت چند روز و پیروزی را در زمین و دریا در طول چند هفته بدست آورند.

نگرشی عمیق

ایجاد و سازماندهی فرماندهی قرارگاه نیروی هوایی متحدین را ایالات متحده آمریکا به عهده داشت و بیشتر هواپیماهای مورد استفاده در عملیات جنگ خلیج، متعلق به آن کشور بود. اطلاع از میزان توانایی نیروی هوایی ایالات متحده، خودنشان دهنده قدرت هوایی نیروهای ائتلافی در این عملیات می‌باشد. اکثر عواملی که منجر به پیروزی و برتری نیروهای متحدین در قلمرو هوایی عراق شد، نشأت گرفته از شکست آمریکا در ویتنام بود. وجود بمبهای هدف یاب که اکنون شهرت قابل توجهی پیدا کرده اند، مدیون عدم کارایی نیروی هوایی آمریکا در نابود سازی پلهای ویتنام شمالی است. پدافند هوایی قوی و موثر ویتنام شمالی باعث شد ارتش آمریکا، هواپیماهای زیر را طرح ریزی و تولید نموده و مراکز آموزشی ویژه ای را ایجاد نماید:

• جنگنده های ویژه شکار موشکهای سام (هواپیماهای اف ۴ جی وایلد ویزل)

• هواپیماهای کنترلی و تجسس هوایی هواپرد (سیستم اعلام خطر و کنترل هواپرد (آواکس)^۱ ای ۳ E-3 Sentry)

• تاکتیکهای به کارگیری ((گروه بندی موقت چندین فروند هواپیما))
• یک هواپیمای مخصوص نبردهای هوا به هوا مجهز به توپ (اف - ۱۵ ایگل)

• مراکز آموزشی که، چگونه پرواز کردن را آموزش نمی دادند بلکه نحوه جنگیدن را تعلیم می دادند (مرکز آموزش تاپ گان نیروی دریائی آمریکا ، مرکز آموزش هواپیماهای جنگنده نیروی هوایی و مانورهای «پرچم سرخ آمریکا»).

تعداد بیشتر ، کارائی بالاتر

• در نگاه اول ، طرح ریزی و اجرای یک عملیات هماهنگ و منسجم هوایی توسط نیروهای هوایی کشورهای متحد ، موضوعی جالب توجه بنظر می رسد . البته باید اذعان داشت که عوامل متعددی در نیل به این موفقیت نقش داشته اند :

• در حدود نیمی از نیروی هوایی غیر آمریکائی متحدین را کشورهای تشکیل می دادند که اعضای پیمان ناتو بودند . پرسنل این نیروها را افرادی تشکیل می دادند که بیش از ۴۰ سال با خلبانان آمریکائی در طرح و اجرای مانورهای گوناگون همکاری داشتند .

• نیم دیگر نیروی هوایی غیر آمریکائی را کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تشکیل می دادند . تجربه همکاری این کشورها با یکدیگر و سطوح

^۱ Air borne warning and control systems (Awacs)

مختلف همکاری این کشورها با نیروی هوایی آمریکا را نیز می‌توان حائز اهمیت دانست .

- انگلیسی ، زبان بین المللی در امر هوانوردی بوده و از این رو ، برقراری ارتباط بین خلبانان کشورهای مختلف مشکل مهمی تلقی نمی‌شد .
- خط مشی اصلی نیروی هوایی آمریکا در جهت دست یابی به یک هدف متمرکزی باشد اما عملکرد آن غیر متمرکز است . در جنگ خلیج برای عملیات رزمی یک طرح کلی وجود داشت اما هر یک از کشورها با نیروی هوایی خود تنها می‌توانستند مأموریت ها را مطابق با امکانات ، تجهیزات ، آموزش و خط مشی هایی که برای آنها تعیین شده بود ، اجرا کنند .

دو پوند در یک بسته یک پوندی

سربازان آمریکایی شرکت کننده در جنگ ویتنام ، هنگامی که به هم می‌رسند ، اولین سؤالی که از یکدیگر می‌پرسند این است : در زمان جنگ ویتنام در کدام منطقه بودی ؟ این پرسش برای آنست که در جنگ طولانی یاد شده ، نقاط مختلفی از ویتنام جنوبی درگیر جنگی سخت ، و نقاطی نیز از آرامش کامل برخوردار بودند پرسنل نیروی هوایی متحدین که چند سال بعد احتمالاً با یکدیگر ملاقات خواهند کرد، بدلائیل دیگر این سوال را مطرح می‌کنند : در جنگ خلیج ، پایگاه شما کجا بود؟ حال در زیر به بیان دلایل مطرح شدن این سوال می‌پردازیم :

ایالات متحده و بسیاری از کشورهای هم پیمان آن در سازمان ناتو آنقدر هوایما به خلیج فارس فرستادند که از هر پایگاه هوایی ، صرفنظر از نوع آن ، در حداکثر ظرفیت استفاده می‌شد . این کمبود ها برای پارک کردن هوایماها در پایگاه‌های مورد استفاده متحدین ، بصورت یک مشکل جدی نظامی در آمد . در

پایگاه های اصلی ، آشیانه های هواپیماها در شرایط عالی و بی نظیر بودند ، ولی در فرودگاههای ویژه هواپیماهای تجارتي و پایگاههای آماده نشده ، هواپیماها را ابتدا کنار هم و بدون حفاظ پارک می کردند . با زیاد شدن تعداد این وسایل پروازی ، دیگر جایی برای آنها وجود نداشت . یکی از مشکلاتی که در این زمینه پیش آمد ، نبودن فرودگاه و باند پرواز مناسب برای هواپیماهای ب - ۵۲ بود که ایجاب می کرد این هواپیما از دیه گوگارسیا (جزیره ای در وسط اقیانوس هند) و انگلستان به پرواز در آید . این پروازهای طولانی ، تعداد سورتی های پرواز ((ب - ۵۲)) را بطور چشمگیری کاهش می داد . نیروی دریایی آمریکا با اعزام شش ناو هواپیما بر گروه رزمی مشترک^۲ خود به منطقه ، باندهای مورد نیاز هواپیماها را تامین کرد . با این وجود شرایط جغرافیایی منطقه برای نیروی دریایی مساعد نبود . خلیج فارس بعلت کوچک بودن و عرض کم آن ، برای عملیات ناوهای هواپیما بر مناسب نمی باشد . ناوهای هواپیما بر بندرت می توانستند برای بلند شدن هواپیماهای پر از بمب و سوخت ، تغییر جهت بدهند . از طرف دیگر اگر می خواستند از یکدیگر فاصله بیشتری گرفته و در آبهای آزاد مستقر شوند ، آن وقت عراق و کویت در خارج از برد هواپیماهای آنها قرار می گرفتند .

خوشبختانه آمریکا نیرنگی را که هم نیروی دریایی آن کشور و ژاپن در جنگ جهانی دوم بکار بستند ، کاملاً بخاطر داشت ، بدین ترتیب که هواپیماها می توانستند از ناوهای هواپیما بر به پرواز در آیند ، اما برای فرود ، از باندهای فرود موقتی موجود بر روی زمین استفاده کنند . با این کار آنها می توانستند سوخت و مهمات بیشتری حمل کرده و بعد از چند سورتی پرواز دوباره به ناو

² Task force

اولیه باز گردند. باندهای پرواز منطقه جلو، نیاز چندانی به سکوهای توقف هواپیما ندارند و برای پوشش دادن هواپیماها نیز هیچ آشیانه و پناهگاهی لازم نیست زیرا هواپیماها تنها برای مدت محدودی روی زمین می‌مانند. از طرفی، با استفاده از این روش، پرسنل کمتری هم بکار گرفته می‌شوند زیرا اکثر کارهای تعمیر و نگهداری در داخل ناوهای هواپیما بر انجام می‌گیرد.

تجزیه و تحلیل

بکارگیری همزمان هواپیمای اف - ۱۵ و ای-۳، نیروی هوایی متحدین رابه کارآمدترین نیروی هوایی جهان تبدیل ساخت. دراین میان، هواپیماهای تورنادوی نیروی هوایی انگلستان محققاًبهترین هواپیماهای منهدم کننده باندهای پروازبودند.

بکارگیری تعداد کمی از هواپیماهای اف - ۱۱۷ آ، به نیروهای ائتلافی چنان نیروی تهاجمی بخشید که نظیرش در جنگ های قبلی دیده نشده بود.

بااستفاده از اسکادران هوایی جوینت استارز^۳ ای-۸ و سیستم کنترل کننده خطوط مقدم، هلیکوپترهای ضد تانک آ - ۱۰ و آپاچی می‌توانستند برعلیه نیروی زمینی عراق کارائی بیشتری داشته باشند.

^۳ Joint Stars

تنها نقطه ضعف نیروی هوایی متحدین ، در شلوغ شدن بیش از حد پارکینگ های هواپیما بود. اگر یک هواپیمای عراقی یا یک موشک اسکاد می توانست از خطوط پدافندی متحدین عبور کند ، خسارتی که ممکن بود وارد کند. بسیار زیاد بود . از این رو نابود سازی نیروهای هوایی و موشکی عراق برای متحدین اولویت خاصی داشت .

استعداد و پراکندگی یگانهای هوایی شرکت کننده در عملیات

طوفان صحرا

نیروی هوایی ایالات متحده

نام هواپیما	نوع و تعداد	واحدهای استفاده کننده
اف ۱۵ سی	جنگنده ۱۴۴ فروند	TFW ۱ - ۳۳ - ۳۶
اف ۴- جی	وایلد ویزل ۴۸ فروند	" " ۵۲ - ۳۵
اف - ۱۶	جنگنده تهاجمی ۲۸۸ فروند	" " ۵۰ - ۳۶۳ - ۳۸۸ - ۴۰۱
آ - ۱۰	تک ور ۱۹۲ فروند	" " ۱۰ - ۲۳ - ۳۵۴
اف - ۱۱۷	بمب افکن ۴۴ فروند	" " ۳۷
اف - ۱۵ ای	بمب افکن ۷۲ فروند	" " ۴
اف - ۱۱۱ اف	بمب افکن ۳۶ فروند	" " ۴۸
ب - ۵۲	بمب افکن ۸۰ فروند	-
تی آر - ۱ آ	شناسایی ۶ فروند	RW ۱۷
آر-اف ۳	شناسایی ۴۸ فروند	TRW ۱۱۷
آرسی-۱۳۵	شناسایی ؟	-
ای-۳	شناسایی و کنترل ۵ فروند	AWCW ۵۵۲
ای-۸	شناسایی و کنترل ۲ فروند	-
او-آ ۱۰	شناسایی و کنترل ۲۴ فروند	TACS ۲۳
ای اف-۱۱۱	جنگ الکترونیکی ۱۲ فروند	TFW ۳۶۶
ای سی - ۱۳۵	جنگ الکترونیکی ؟	-
سی - ۱۳۰	حمل نقل هوایی ۲۸۸ فروند	-
کی سی - ۱۰	سوخت گیری هوایی ۱۶۲ فروند	-

کی سی - ۱۳۵ سوخت گیری هوایی ۱۶۲ فروند -

نیروی دریائی ایالات متحده

شش فروند از دوازده فروند ناو هواپیمابر نیروی دریائی آمریکا در عملیات طوفان صحرا شرکت کردند که عبارتند از: آمریکا^۴، ساراتوگا^۵، کندی^۶، رنجر^۷، میدوی^۸ و روزولت^۹.

ترکیب هواپیماهای بکار گرفته شده در این ناوها متفاوت بود. در زیر به پراکندگی این هواپیماها اشاره شده، ولی نام هواپیماهای ضد زیر دریائی درج نگردیده است.

نام هواپیما	تعداد	نوع
اف - ۱۴	۱۴۴ فروند	جنگنده رهگیر
اف - ۱۸	۱۲۰ فروند	جنگنده تک ور
آ - ۷	۲۴ فروند	جنگنده تک ور
آ - ۶ ای	۶۰ فروند	بمب افکن
ای - ۲ سی	۲۴ فروند	تجسسی و کنترل
ای - آ - ۶ بی	۲۴ فروند	جنگ الکترونیک
کی - آ - ۶ دی	۲۴ فروند	تانکر

^۴ America در دریای سرخ

^۵ Saratogo " "

^۶ Kennedy " "

^۷ Ranger در خلیج فارس

^۸ Midway " "

^۹ Roosevelt " "

تفنگداران دریایی ایالات متحده آمریکا

جدول زیر براساس تعداد یگانهای زمینی تفنگداران دریایی تعیین گردیده که در عملیات طوفان صحرا شرکت کردند :

نام هواپیما	تعداد	نوع هواپیما
اف-۱۸	۱۲۰ فروند	جنگنده تک رو

(تعدادی از این هواپیما ها بدون استفاده بر روی عرشه ناوهای هواپیما بر باقی ماندند)

نام هواپیما	تعداد	نوع هواپیما
آوی-۸ جی	۱۶۸ فروند	تک ور
او-۱۰	۳۰ فروند	تجسس و کنترل

عربستان سعودی :

نام هواپیما	تعداد	نوع هواپیما
اف-۱۵	۵۷ فروند	جنگنده

احتمالاً ۱۲ فروند از این هواپیما ها را عربستان قبل از اجرای عملیات طوفان صحرا دریافت کرده بود . هواپیماهای اف-۱۵ عربستان سعودی قابلیت اجرای تک به اهداف زمینی را داشتند .

هواپیمای تورنادو اف-۳	۲ فروند	جنگنده
(احتمالاً تمامی آنها تحویل داده نشدند)		
اف-۵ ای	۷۰ فروند	جنگنده تک ور
هواپیمای تورنادو جی آر ۱	۴۸ فروند	بمب افکن
(احتمالاً تمامی آنها تحویل داده نشدند)		

شناسایی	۱۰ فروند	آر اف - ۵ ای
تجسس و کنترل	۴ فروند	ای - ۳ آ
سوخت رسان	؟	کی ای - ۳ آ
سوخت رسان	۶ فروند	کی سی - ۱۳۵
سوخت رسان	۸ فروند	کی سی - ۱۳۰ اچ
ترابری هوایی	۳۵ فروند	سی - ۱۳۰
ترابری هوایی	۵۰ فروند	انواع دیگر

انگلستان :

<u>نام هواپیما</u>	<u>تعداد</u>	<u>نوع هواپیما</u>
تورنادو اف ۳	۱۸ فروند	رهگیر و جنگنده
جگوار جی آر - ۱	۱۲ فروند	تک ور
تورنادو جی آر - ۱	۶۳ فروند	بمب افکن
بوکانیر	۴ فروند	بمب افکن
وی سی - ۱۰ کی	-	بمب افکن

فرانسه :

<u>نام هواپیما</u>	<u>تعداد</u>	<u>نوع هواپیما</u>
میراژ ۲۰۰۰	۱۲ فروند	جنگنده
اف آ - ۱۸	۲۴ فروند	جنگنده تک ور

کانادا :

<u>نام هواپیما</u>	<u>تعداد</u>	<u>نوع هواپیما</u>
اف آ - ۱۸	۲۴ فروند	جنگنده تک ور

ایتالیا :

<u>نام هواپیما</u>	<u>تعداد</u>	<u>نوع هواپیما</u>
تورنادو جی آر ۱	۱۰ فروند	بمب افکن

کویت :

اکثر هواپیماهای نیروی هوایی کویت در اوت ۱۹۹۰ نابود شدند .

<u>نام هواپیما</u>	<u>تعداد</u>	<u>نوع هواپیما</u>
میراژ اف ۱ - سی کی	۳۲ فروند	جنگنده رهگیر
آ - ۴ کی یو	۳۰ فروند	تک ور

بحرین :

<u>نام هواپیما</u>	<u>تعداد</u>	<u>نوع هواپیما</u>
اف ۵- ای اف	۱۲ فروند	جنگنده تک ور

قطر :

<u>نام هواپیما</u>	<u>تعداد</u>	<u>نوع هواپیما</u>
میراژ اف ۱-	۱۲ فروند	جنگنده تک ور
هانتز	۲ فروند	جنگنده تک ور
آلفا جت	۶ فروند	آلفا جت

امارات متحده عربی :

<u>نام هواپیما</u>	<u>تعداد</u>	<u>نوع هواپیما</u>
میراژ ۵	۲۹ فروند	رهگیری
آلفا جت	۳ فروند	تک ور

سی - ۱۳۰	۵ فروند	حمل و نقل هوایی
انواع دیگر	۲۳ فروند	حمل و نقل هوایی
<u>عمان :</u>		

نام هواپیما	تعداد	نوع هواپیما
جگوار	۲۰ فروند	تک ور
هانتز	۱۲ فروند	تک ور
سی - ۱۳۰	۳ فروند	حمل و نقل هوایی
دیگر انواع	۲۶ فروند	حمل و نقل هوایی

کره جنوبی :

نام هواپیما	تعداد	نوع هواپیما
سی - ۱۳۰	۵ فروند	حمل و نقل

ترکیه :

هواپیماهای نیروی هوایی ترکیه که از پایگاههای متعدد ناتو به ترکیه اعزام شدند، در فهرست فوق منظور نشده اند. زیرا این هواپیماها در حالت آماده باش برای مقابله با حملات احتمالی عراق به ترکیه بودند و در عملیات طوفان صحرا شرکت نکردند.

ناوگانهای دریایی نیروهای ائتلافی

توان دریایی متحدین

در میان نیروهائی که در آغاز تهاجم عراق به کویت برای مقابله با آنها به خلیج فارس اعزام شدند، می توان واحدهای نیروی دریائی ایالات متحده مستقر در اقیانوس هند را نام برد. این کشتی ها بمنظور پشتیبانی نیروهای تفنگدار

دریایی ، در اولین مراحل پیاده شدن آنها در عربستان سعودی ، به منطقه اعزام شدند تا سد مستحکمی را در برابر نیروهای عراقی بوجود آورند . تعدادی از کشورهای متحد به منظور کمک به استحکام این خط پدافندی کشتی های جنگی خود را سریعاً به منطقه اعزام داشتند .

با افزایش قدرت نیروی دریایی متحدین در خلیج فارس ، توجه خاصی به عملکرد این نیرو در پشتیبانی از عملیات زمینی مبذول گردید . کنترل خطوط دریائی مأموریت مهمی است ، به ویژه زمانی که نیروهای متحدین بخواهند درانتهای یک سفر دریایی طولانی ، مأموریتی را انجام دهند . به هر حال بسا توجه به توازن نیروهای دریایی در خلیج فارس ، به نظر می رسد که متحدین توانایی اجرای آن عملیات دریایی را داشته باشند .

نیروهای دریائی علاوه بر کنترل های دریایی می توانستند با در اختیار داشتن قدرت هوایی ، توپخانه ها و موشکهای دریائی تاثیر مستقیمی را بر میادین هوایی وزمینی بگذارند .

توپهای دریائی

توپهای دریایی تسلیحات متعارفی هستند که توسط نیروی دریایی به منظور پشتیبانی نیروی زمینی به کار می روند ، اما اکثر کشتی های مدرن ، سیستمهای موشکی پیشرفته ای را به منظور درگیری با کشتی های دشمن جایگزین توپهای فوق کرده اند که غالباً به علت قیمت گران نمی توان آنها را علیه نیروی زمینی به کار برد .

در این میان ایالات متحده چند کشتی جنگی را از نوع ((ایوا)) به منطقه اعزام داشته بود که برای حمل موشکهای دریایی کروز مورد استفاده قرار گرفتند ، با این وجود این کشتی ها دارای ۱۶ قبضه توپ دریایی پرقدرت نیز بوده و

می‌توانستند سواحل دشمن را مورد حملات خود قرار دهند . تسلیحات فوق تقریباً در تمامی نقاط کویت برای پشتیبانی نیروی زمینی ایده آل بنظر می‌رسیدند .

موشکهای دریائی

دومین وسیله مورد استفاده نیروی دریایی متحدیس ، موشکهای دوربرد هستند . اگر چه کشتی های جنگی آن قدر کوچکند که ارزش سرمایه گذاری جهت هدف قرار دادن اهداف مستقر بر روی زمین را ندارند اما این امر در مورد استفاده از موشکهای ((توما هاوک))^{۱۰} صادق نیست . این موشکهای دوربرد دارای کلاهک جنگی بزرگ و قابلیت هدف گیری دقیقی هستند . تمامی کشتی های نیروی دریایی آمریکا از جمله دو کشتی موجود در منطقه ، قابلیت حمل این موشک ها را داشتند . علاوه بر اینها کشتی های دیگری به منطقه اعزام شده بودند که حمل و پرتاب موشکهای بیشتری برای آنها امکان پذیر بود .

رزم ناوهای نیرومندی که هسته مرکزی اسکورت ناوهای هواپیمابر را تشکیل می‌دهند با در اختیار داشتن رادارهای بسیار پیشرفته ، دارای قدرت پدافند هوائی بالائی هستند . با آن اقتدار هوائی که نیروهای متحدین در اختیار داشتند ، این سوال مطرح بود که موشکهای ضد هوایی سام به چه کار می‌آیند؟ از این رو موشکهای توما هاوک با وزن دو برابر و هزینه ای معادل موشکهای سام جایگزین آنها شدند . رزم ناوهای فوق با قابلیت پرتاب عمودی موشکها معمولاً ۱۲ موشک توما هاوک و ۱۱۰ موشک سام را حمل می‌کنند . اکثر رزم ناوهای که به خلیج فارس اعزام شدند بین ۲۴ الی ۴۸ موشک توما هاوک به همراه داشتند . اما در این میان رزم ناو((سان جاسینتو))* بگونه ای طراحی شده بود که با استفاده از یک سکوی پرتاب ویژه می‌توانست ۱۰۰ موشک توما هاوک

^{۱۰}Tomahawk

* San Jacinto

را حمل نماید. در کل، بین شش تا هشت زیر دریائی اتمی آمریکا در منطقه وجود داشت که مجموعاً ۱۰۰ فروند موشک توما هاوک را حمل می کردند. بطور کلی حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰ فروند موشک توما هاوک (که نوعی موشک هدایت شونده کروز می باشد) بر روی کشتی ها سوار شده بود که بمنظور هدف قرار دادن نیروهای زمینی در منطقه مورد استفاده قرار می گرفتند. این تمرکز عظیم موشکهای کروز به نیروی دریایی متحدین امکان آنرا داده بود که قبل از شروع جنگ هوایی، ضربات دقیق و متعددی را بر اهداف استراتژیکی عراق مثل فرودگاه ها، تاسیسات زراد خانه ای و مراکز کنترل و فرماندهی وارد سازند.

قدرت هوایی نیروی دریایی

هرناو هواپیمابر آمریکایی در حدود ۷۴ هواپیمای جنگی دارد که معمولاً شامل انواع زیر است:

۲۴ فروند تام کت اف - ۱۴ آ (جنگنده)

۲۴ فروند هورنت^{۱۱} اف آ - ۱۸ (جنگنده - تک ور)

۱۰ فروند اینترودر^{۱۲} آ - ۶ ای (تک ور دور برد)

۸ فروند وایکینگ^{۱۳} اس - ۳ (ضد زیردریائی)

۴ فروند پرولر^{۱۴} (گشت زن) ۴ ای آ - ۶ بی

۴ فروند هاوک آی^{۱۵} (چشم شاهین) ای - ۲ سی

هواپیمای تام کت یکی از بهترین و پیشرفته ترین هواپیماها در جهان میباشد.

^{۱۱}Hornet

^{۱۲}Intruder

^{۱۳}Viking

^{۱۴}Prowler

^{۱۵}Hawkeye

که برای کسب برتری هوائی مورد استفاده قرار می گیرد .
 هواپیمای هورنت راهم می توان بعنوان یک هواپیمای تک ور و جنگنده سریع السیر تلقی کرد . عموماً این هواپیما ماموریت های تک را هنگامی انجام می دهد که هواپیمای تام کت پوشش فوقانی را تامین کرده باشد .
 هواپیماهای اینترودر از نوع جنگنده بمب افکن های دور برد بوده و قابلیت تطبیق و انعطاف ویژه ای دارند . با سوار کردن باک های سوخت بزرگ بر روی هر فروند از این هواپیماها ، آنها را به تانکر تبدیل کرده ، بدین وسیله به گشتی های هوائی رزمی^{۱۶} (سی آ پی) امکان داده بودند که مدت بیشتری در هوا بوده ، ماموریت های ضربتی را با برد زیادتری اجرا نمایند .
 وایکینگ هواپیمای ضد زیر دریائی بوده ، که در جنگ خلیج فارس ، مورد استفاده چندانی ندارد ، ولی بعنوان هواپیمای ضربتی و بمب افکن می توان آنها را به پرواز در آورد .
 هواپیماهای پرولر برای تعیین محل و ایجاد اختلال در رادارهای پدافند هوائی دشمن ، از سیستم های الکترونیکی استفاده می کنند .
 هواپیماهای ((هاوک آیز)) از رادار نیرومند و دوربرد خود ، برای رهگیری هرنوع هواپیمای نفوذی دشمن ، اعلام خطر به ناوهای هواپیمابر و هدایت جنگنده ها به سمت هواپیماهای سوخت رسانی استفاده می کنند . شش فروند از این هواپیماها در اختیار نیروی هوائی اسرائیل قرار گرفته بود که برای نیروهای سوری مستقر در لبنان یک تهدید واقعی به حساب می آمد . ناوهای هواپیمابر آمریکا به زودی تعداد ۲۰ فروند از این هواپیماها را در اختیار می گیرند .

ناوهای هواپیمابر آمریکا علاوه بر حمل هواپیماها باندهای پرواز رانیزبا خودبه همراه می‌آورند. از آنجاکه استقرار هواپیماهای متحدین در عربستان سعودی و دیگر کشورهای خلیج فارس تمامی ظرفیت فرودگاههای منطقه را اشغال کرده بود، در صورت نیاز به تقویت نیروی هوایی، باید از باندهای موجود بر روی ناوهای هواپیمابر استفاده می‌شد. از طرف دیگر به خاطر قابلیت تحرک ناوهای هواپیمابر، هدف قرار دادن آنها نسبت به پایگاههای زمینی مشکندر خواهد بود.

سازمان برای رزم نیروهای دریائی متحدین

نیروی دریائی ایالات متحده آمریکا

اسکادران مستقر در خلیج فارس

- کشتی های فرماندهی: لاسال^{۱۷} و بلوریج^{۱۸}
- رزم ناو: میسوری و ویسکونسین
- ناوهای موشک انداز: انگلند و هورن
- ناوشکن: دیوید ری^{۱۹} (شعاع داود)
- ناوهای جنگی تندرو: برادلی، رید^{۲۰}، باربی^{۲۱}، واندر گریفت^{۲۲}
- تایلور^{۲۳}، رنر^{۲۴} و جارت

^{۱۷} Lasalle

^{۱۸} Blue Ridge

^{۱۹} David Ray

^{۲۰} Reid

^{۲۱} Barbey

^{۲۲} Vandergrift

^{۲۳} Tayler

^{۲۴} Rentz

- مین جمع کن : آدرویت ، لیدر ، اونجر و ایمپروویوس

گروه یگانهای آبی خاکی در خلیج فارس

- ناو هلیکوپتربر ((این چون))
- ناو حمل و نقل دریائی ((ناشویل))
- کشتی مجهز به بارانداز ((ویدی آی لند))
- کشتی های حمل سوخت نیوپورت و فیرماکس کانتری
- یگان سوم آبی خاکی (با تیپ پنجم تفنگداران دریائی)

گروه ناوهای هواپیمابر ساراتوگا

- ناو هواپیمابر تک ور ساراتوگا
- رزم ناو موشکی دریایی فیلیپین بایش از ۲۴ فروند موشک توما هاوک
- ناو شکنهای سامپسون ، اسپرانس با تعدادی موشک توما هاوک
- کشتیهای تندروی مونتگمری و هارت

گروه ناوهای هواپیمابر کندی

- ناو هواپیمابر تک ور جان اف کندی
- رزم ناو سان جاسیتو بایش از ۱۰۰ فروند موشک توما هاوک و رزم ناو گیتس مجهز به بیش از ۲۴ فروند موشک توما هاوک
- ناو موشک انداز : می سی سی پی
- ناو شکن : موس بروگر
- کشتی تندرو : رابرتس
- کشتی های تدارکاتی : سیا تل و سیلوانیا

گروه ناوهای هواپیمابر میدوی

- ناو هواپیمابر تک ور : میدوی
- رزم ناو بانکرهیل مجهز به بیش از ۲۴ موشک توما هاک و رزم ناو موبایل بی با بیش از ۲۴ موشک توما هاوک
- ناوشکنها : هویت و الدندرف
- کشتیهای تندروی : کرتس و راندنی دیویس

گروه ناوهای هواپیمابر روزولت

- ناو هواپیمابر اتمی تئودور روزولت
- رزم ناو زرهی لیت گلف با بیش از ۲۴ موشک توما هاوک
- رزم ناو موشکی ریچارد کی ترنر
- ناو شکن کارن با ۶۰ موشک توما هاوک
- کشتی های تندروی هاوز و وريلند
- کشتی نفت کش پلات
- کشتی مهمات بر نیترو
- کشتی تدارکاتی سان دیاگو

گروه ناوهای هواپیمابر امریکا

- ناو هواپیمابر تک ور امریکا
- رزم ناو زرهی نرماندی
- رزم ناو موشک انداز ویر جینیا با بیش از ۸ موشک توما هاوک
- ناو شکن های : پری بل و ویلیام وی پرات
- کشتی تندروی هاکلی برتون
- کشتی نفتکش کالا مازو

- کشتی مهمات بر سانتا باربارا

گروه ناوهای هواپیما بر رنجر

- ناو هواپیما بر رنجر
- رزم ناوهای ولی فورج و پرینستون
- ناو شکنهای ویل و فوستر
- کشتی تندروی هاموند
- کشتی نفتکش کانزاس سیتی
- کشتی مهمات بر شاستا

نیروی دریایی سلطنتی انگلستان

- ناو شکن های یورک و گلاسستر
- کشتی های تندروی : ژوپیتر و بتل آگس
- کشتی های مین روب : کاتی ساک ، هورورث و اترستون
- تانکر حمل سوخت : ارنج لیف
- کشتی بیمارستان : آرگوس

نیروی دریایی پرتغال

- کشتی تدارکاتی سائو میگوئل که به عنوان کشتی ذخیره نیروی دریائی انگلیس عمل می کرد.

نیروی دریایی کانادا

- ناو شکنهای آ تابا سکان و ترا نوا
- کشتی تدارکاتی یک فروند

نیروی دریایی استرالیا

- ناو شکن بریس بان
- کشتی تندروی سیدنی (جایگزین آ دلاید و داروین)
- کشتی تدارکاتی ساکسس

نیروی دریایی فرانسه

- کشتی های تندروی پروتت ، کومانდანت ، داکوینینگ ، مونت کالم و داپلیکس

- کشتی حمل سوخت دورانس

نیروی دریایی بلژیک

- کشتی تندروی واندار
- کشتی های مین روب ایریس و میوسوتیس
- کشتی تدارکاتی زینیا

نیروی دریایی هلند

- کشتی های تندروی ویت دو ویت و پیترو فلوریزا
- کشتی تدارکاتی زویدر کرویز

نیروی دریایی ایتالیا

- کشتی های تندروی اورسا ، لیسیو و زفرو
- ناوچه های اسفینج و مینروا
- کشتی تدارکاتی استرومبولی

نیروی دریایی اسپانیا

- کشتی تندروی نومانسیا (جایگزین سانتاماریا)

• ناوچه های دیانا ، اینفانتا، کریستینا، (جایگزین کازادورا ، دیسکو بیرتا)

نیروی دریایی یونان

• کشتی تندروی الی (بجای کشتی لیمنوس)

نیروی زمینی آمریکا

به نظر می رسد که آمریکائیا به هنگام برخورد با مسائل نظامی ، دچار نوعی عقده حقارت ملی می شوند . علت بروز این حالت به صورت یک رمز و راز بوده ، ولی با این حال واقعیتهای است که وجود دارد . در افکار آمریکائیا یک نوع ترس و عدم اطمینان مداوم نسبت به نیروهای نظامی این کشور وجود داشته و گویی ، بوجود آوردن یک ارتش قابل و برجسته از توانائی آن ملت خارج می باشد. (و یا با منش و شخصیت ملی آنها مغایرت دارد)

اهداف نظامی در هر میزان از اهمیت و اولویت که باشند ، همواره این شک و تردید وجود دارد که در زمان رزم اشتباهاتی در نحوه تعیین اهداف ایجاد شده باشد .

منتقدین ادعا می کنند که آموزش در ارتش آمریکا غیر واقعی می باشد و سربازان از صلابت و خشونت کافی برخوردار نیستند . جنگ افزارها خوب عمل نمی کنند و علی رغم مدرن بودن نسبت به جنگ افزارهای مشابه خارجی ، از قابلیت و قدرت کمتری برخوردار هستند . عملکرد این جنگ افزارها مطمئن نیست و بعلت پیچیدگی و فنی بودن بیش از حد آنها ، افراد نظامی نمی توانند به درستی از این سلاحها استفاده نمایند .

منتقدین اظهار می دارند که هر کسی خلاف آنچه که ما در این مورد گفته ایم ، معتقد باشد از حقیقت به دور بوده و هر اندازه برای صحت ادعای خود دلایل بیاورند کذب گفتار آنها بیشتر آشکار خواهد شد .

این نوع قضاوتها در مورد کارائی ارتش آمریکا زیاد بوده ، در آینده نیز بطور مستمر ایراد خواهد شد .

این نوع طرز فکر زایده افکارافراد بد بین نیست (یا همیشه اینطور نبوده) که برعکس ، این فکر ناشی از احساس حقارت قابل درک ولی کاملاً بدون دلیلی است که آمریکائیا نسبت به ارتش خود دارند .

در حقیقت آمریکا همیشه سربازان قابل و برجسته داشته و افتخارات رزمی و تاریخی واحدهای ارتش آمریکا ، موجد این قابلیت نظامیان می باشد . امروزه نیروی زمینی ارتش آمریکا بهترین نیروی زمینی است که تاکنون در رزم بکار گرفته شده است ، که دلایل قابلیت و توانائی این نیروی برجسته به شرح ذیل می باشد :

این نیرو از بهترین تجهیزات برخوردار بوده ، از بالاترین سطح آموزش و رهبری برای بهینه سازی آن استفاده می شود .

آمریکا در گذشته هرگز چنین نیروی زمینی نداشته است ، و ما ادعا می کنیم که این نیرو امروزه در دنیا بهترین نیرو می باشد . به عقیده ما نیروی زمینی آمریکا وضعیت آفندی داشته و بطور تخصصی عمل می کند .

شاید پس از عملیات طوفان صحرا ، سربازان آمریکائی به عنوان نظامیان برجسته مورد تقدیر و توصیف همگان قرار بگیرند و این احتمال وجود دارد که در آینده مقداری از عقده های حقارت ما کاسته شود .

سازمان نیروی زمینی ارتش آمریکا

لشکرهای سنگین آمریکا (زرهی و مکانیزه) در رده های کاملاً مشابهی سازمان یافته اند . هر لشکر، دارای ۱۰ گردان مانوری در تابعیت تیپها ، یک گردان سوار زرهی (شناسایی - مکانیزه) ، ۳ گردان توپخانه ، یک آتشبار مجهز به

سیستمهای موشک انداز چند لوله ای (کاتیوشا) ، یک یا دو گردان هلیکوپتر توپ دار ، یک گردان مهندسی و یک گردان توپخانه پدافند هوایی می باشد . لشکرهای زرهی دارای ۶ گردان تانک و ۴ گردان مکانیزه هستند درحالیکه این نسبت در لشکرهای مکانیزه کاملاً برعکس می باشد . هنگهای سوار زرهی دارای ۳ اسکادران یا گردان سوار زرهی ، یک اسکادران شناسائی هوایی و یک گردان توپخانه می باشد .

گردانهای تانک شامل یک گروهان ارکان و ۴ گروهان تانک می باشند... هر گروهان تانک دارای ۳ دسته ، و هر دسته دارای چهار دستگاه تانک می باشد . ضمناً ۲ دستگاه تانک نیز در قسمت ارکان گروهان قرار دارد. گروهان ارکان گردان دارای ۲ تانک فرماندهی ، یک دسته سوار زرهی همراه باشش خودروی رزمی سوار زرهی برادلی ام ۳ (خودروی رزمی سوار زرهی و انواع خودروهای رزمی پیاده ام ۲) ، یک دسته همراه با ۶ خمپاره انداز سنگین خود کشی و انواع مختلف واحدهای پشتیبانی است . گردانهای مکانیزه بطور مشابهی سازمان یافته اند . خود گردان شامل : یک گروهان قرارگاه ، چهار گروهان پیاده - مکانیزه و یک گروهان ضد تانک می باشد، با این تفاوت که قسمت فرماندهی بجای تانک ، دارای خودروهای برادلی ام ۲ می باشد . هر گروهان پیاده دارای سه دسته (هردسته با سه گروه تفنگدار یک گروه فرماندهی و چهار خودروی برادلی) می باشد. گروهان ضد زره دارای سه دسته می باشد که هر کدام دارای چهار خودروی پیشرفته ام ۹۰۱ مجهز به موشک تاو ، یک خودروی شنی دار ام - ۱۱۳ فرماندهی ، یک گروهان ارکان کوچک با یک خودروی ام - ۱۱۳ می باشد . هر کدام از گردانهای هلیکوپتر های توپ دار دارای یک گروهان ارکان و سه گروهان هلیکوپتر تک ور بوده ، گروهان ارکان ، دارای واحدهای پشتیبانی و تعدادی هلیکوپترهای شناسائی و ترابری برای فرماندهی و عملیات پشتیبانی

می‌باشد. هر گروهان هلیکوپتر، یک دسته هجومی دارای هفت هلیکوپتر توپدار (توپ آج - ۱ کومبراس یا آج - ۶۴ آپاچی) و یک دسته گشت زنی که از چهار هلیکوپتر شناسایی (او اچ - ۵۸ کیوواس) تشکیل شده است را در اختیار دارد.

گردانهای سوار زرهی سازمانی مرکب و غیر معمول دارند. هرگردان دارای یک گروهان تانک می‌باشد که دقیقاً مانند گردانهای تانک سازمان یافته اند. هر گروهان سوار زرهی شامل ۲ دسته گشت زنی، هر کدام با ۶ خودروی سوار زرهی ام ۳ برادلی، ۲ دسته تانک هر کدام مجهز به چهار تانک قسمت خمپاره انداز سنگین خود کششی و یک قرارگاه و یک تانک اضافی می‌باشد. بطور کلی یک گردان سوار زرهی دارای ۴۳ تانک سنگین اصلی و ۳۶ خودروی سوار زرهی می‌باشد که نیروی مکانیزه بسیار قدرتمندی را بوجود می‌آورد.

گردانهای توپخانه از سه گروهان آتشبار تشکیل شده اند که هر کدام دارای دو دسته بوده و هر دسته نیز چهار قبضه توپ در اختیار دارند. به این ترتیب در هر گردان، ۲۴ قبضه توپ موجود است.

استعداد و تجهیزات نیروی زمینی آمریکا در سراسر جهان

پرسنل کادر نیروی زمینی: ۷۵۰٫۰۰۰ زن و مرد

گارد ملی نیروی زمینی: ۵۸۷٫۰۰۰ زن و مرد

نیروهای احتیاط: ۶۱۰٫۰۰۰ مرد و زن

۱۷ لشکر نیروی زمینی (۴ زرهی، ۶ مکانیزه، ۱ پیاده، ۴ پیاده سبک، ۱

هجوم هوایی و ۱ هوابرد)، چند تیپ و هنگ مانوری مستقل.

۱۰ لشکر گارد ملی (۲ زرهی، ۲ مکانیزه، ۵ پیاده، ۱ پیاده سبک)

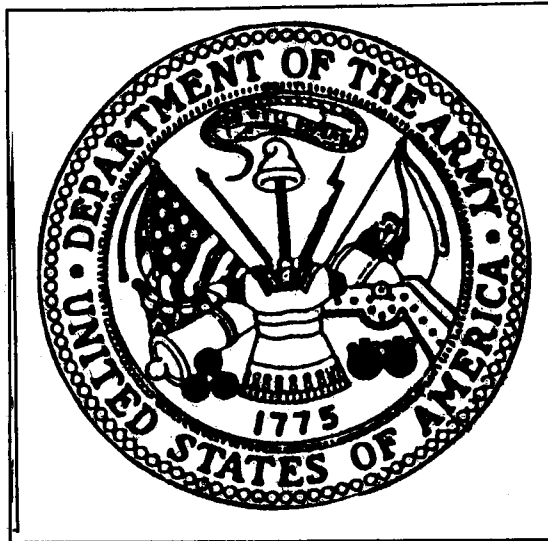
چندین تیپ عملیاتی مستقل و نیروهای تقویتی برای لشکرهای منظم، ۱۲ لشکر آموزشی احتیاط (پرسنل کادر) و ۳ تیپ عملیاتی مستقل .
تعداد تانکها : ۱۶۰۰۰ دستگاه .

تعداد خوروهای رزمی پیاده : ۵۰۰۰ دستگاه .

تعداد نفربرهای زرهی : ۲۶۰۰۰ دستگاه .

تعداد توپها : ۵۴۰۰ عراده .

تعداد هلیکوپترهای توپدار : ۲۲۵۰ فروند .



تفنگداران دریایی

برعکس نیروی زمینی ، تفنگداران دریایی هنوز از هنگ های خود بعنوان واحدهای تاکتیکی استفاده می کنند . تفنگداران دریایی دارای تیهایی نیز هستند ولی این تیهها ، مستقل از یک لشکر برای انجام ماموریت شکل می گیرند . یک لشکر همراه با هنگ ها و گردانهای کامل که دارای جنگ افزارهای پشتیبانی

(مثل : تانکها و خودروهای زرهی سبک و غیره) هستند عمل می‌کند و این تجهیزات را بر حسب نیاز در اختیار این هنگ ها و گردانهای زیر امر می‌گذارد .

بجای سپاه ، تفنگداران دریائی از یک قرارگاه به نام ((نیروی اعزام کننده تفنگداران دریائی)) استفاده می‌کنند . در گذشته اینگونه قرارگاهها ، اطراف قرارگاه لشکر ساخته می‌شدند ولی در حال حاضر لشکرها جدای از این قرارگاهها هستند . (همانطوریکه لشکرها یکم و دوم نیروی زمینی آمریکا همراه با سپاههای یکم و دوم تفنگداران دریائی در قسمت بالای خلیج مستقر شدند و این مسأله ، مشکل خاصی را بوجود نیاورد) . به استثنای عملیات بسیار گسترده از قبیل عملیات طوفان صحرا ، نیروی اعزامی ارتش آمریکا معمولاً کنترل مستقیمی بر روی تیپهای اعزامی تفنگداران دریائی (شامل : چندین گردان تفنگدار دریائی بعلاوه جنگ افزارهای پشتیبانی) اعمال می‌کند . سازمان سپاه دوم تفنگداران دریائی ، این موضوع را نشان می‌دهد که برای عملیات بسیار گسترده ، قرارگاههای لشکر در منطقه مستقر می‌شوند و کنترل مستقیمی را روی هنگ های زیرامر اعمال می‌نمایند . سازماندهی سپاه یکم تفنگداران ، مثال خوبی در این مورد است .

تفنگداران نیروی دریائی آمریکا

پرسنل کادر : ۱۹۵۰۰۰ زن و مرد

نیروهای احتیاط : ۸۷۰۰۰ زن و مرد

۳ لشکر منظم

۱ لشکر احتیاط

تعداد تانکها : ۷۰۰ دستگاه

تعداد خودروهای رزمی پیاده : ۴۰۰ دستگاه

تعداد نفربرهای زرهی : ۸۰۰ دستگاه

تعداد توپها : ۱۰۰۰ عراده

تعداد هلیکوپتر های توپدار : ۸۰ فروند

تعداد جنگنده ها : ۴۹۰ فروند



نیروهای زمینی فرانسه و انگلستان

(اعضای ناتو)

فرانسه

نیروی واکنش سریع فرانسه (اف آ آر)^{۲۵} مانند نیروی گسترش سریع آمریکا (فرماندهی مرکزی) بمنظور عهده دار شدن ماموریت مشابه ، در سال ۹۸۳ شکل گرفت . اف آ آر از پنج لشکر تشکیل می شود که عبارتند از لشکر نهم تفنگداران دریائی ، لشکر یازدهم هوابرد ، لشکر بیست و هفتم آلپ ، لشکر

²⁵ Force Action Rapid (FAR)

ششم زرهی سبک و لشکر چهارم متحرک هوایی. تمام سربازان این نیرو داوطلب می‌باشند، زیرا یک سری محدودیتهای قانونی در مورد گسترش مأموریت های برون مرزی سربازان وظیفه فرانسوی وجود دارد. به هر حال این نفرات داوطلب به همراه ارتش فرانسه یک سپاه زبده را تشکیل می‌دهند.

همزمان با آغاز بحران خلیج فارس، فرانسه سریعاً یک تیپ کوچک جدا شده از لشکر ششم زرهی سبک خود را به منطقه اعزام کرد و باقیمانده لشکر نیز بسرعت به آنها پیوستند، اما به قدر کافی قدرت نداشتند تا در برابر نیروهای سنگین عراق بطور مداوم نبرد کنند. بمنظور جبران این ضعف، نفرات و تجهیزات اضافی از دیگر یگانهای نیروی واکنش سریع به لشکر نامبرده اختصاص داده شده که شامل یک یگان متحرک هوایی، نیروی پیاده نظام و توپهای صحرایی می‌باشد.

در این میان آنچه که نیروهای واکنش سریع فرانسه هرگز از آن برخوردار نبودند، رسته زرهی سنگین بود. از اینرو نیاز به وجود یک گردان تانک نیمه سنگین در خاک کویت، فرانسویها را مجبور می‌ساخت تا گردان چهارم دراگون خود را با یگان مجهز به خودروهای زرهی آم ایکس ۲۰ بی ۲ و نفرات داوطلب تقویت نمایند.

این یکی از آخرین واحدهای لشکر بود که وارد شد.

این گروه تقویت شده بعنوان لشکر داگوت^{۲۶} وارد عمل شد.

سازمان نیروهای اعزامی فرانسه

لشکر داگوت (لشکر ششم زرهی سبک فرانسوی ، تقویت شده) :

لشکر ششم زرهی سبک با یگانهای سازمانی مشروحه ذیل:

هنگ یکم زرهی لژیون خارجی (۳۵ دستگاه خودروی آم ایکس - ۱۰ آر سی)

هنگ یکم اسپاهیز (۳۵ دستگاه خودروی آم ایکس ۱۰ آر سی)

هنگ دوم پیاده نظام لژیون خارجی (نفربرهای زرهی وی آبی)

هنگ بیست و یکم پیاده تفنگداران دریائی (نفربرهای زرهی وی آبی)

هنگ شصت و هشتم توپخانه تفنگداران دریائی (چهار آتشبار توپخانه

کشی هویتر ۱۵۵ میلیمتری ، یک آتشبار موشک سام میسترال)

گردان ششم مهندسی لژیون خارجی

از لشکر چهارم متحرک هوایی

هنگ پنجم هلیکوپتر هجومی (۱۰ فروند هلیکوپتر توپدار با توپهای ۲۰

میلیمتری ، ۳۰ فروند هلیکوپتر ضدتانک با موشکهای هدایت شونده)

هنگ یکم هلیکوپتر ترابری

هنگ یکم پیاده نظام (متحرک هوایی)

از لشکر نهم تفنگداران دریائی

هنگ دوم پیاده تفنگداران دریائی (نفربرهای زرهی وی آبی)

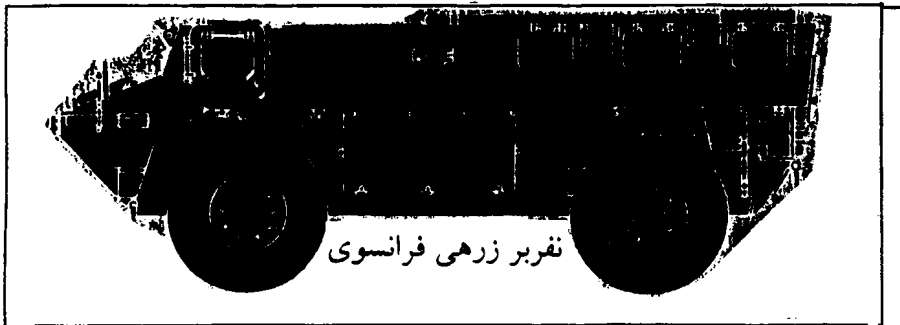
عده هائی از هنگ سوم پیاده تفنگداران دریایی (۲۶۹ مرد)

هنگ یازدهم توپخانه تفنگداران دریائی (چهار آتشبار هویتر ۱۵۵

میلیمتری کشی) .

از لشکر دهم زرهی

هنگ چهارم دراگون (۴۰ دستگاه تانک اصلی رزم آ ام ایکس ۳۰ بی ۲)



این خودروی چرخدار سبک ، بعنوان خودروی فرماندهی یا وسیله ترابری یگان شناسائی پیاده نظام مورد استفاده قرار می گیرد .

مشخصات

وزن : ۱۳ تن

سرعت : ۹۲ کیلومتر در ساعت

نوع سلاح : تیر بار ۷/۶۲ میلیمتری

تعداد سرنشین : ۱۰ نفر

قطر زره : ۱۲ میلیمتر

استفاده کننده : فرانسه و قطر

انگلستان

نیروهای اعزامی انگلیسی بعنوان بخشی از سپاه سوم آمریکا وارد عملیات جنگ خلیج فارس شدند . این نیروها متشکل از تیپ هفتم زرهی که بعدها بوسیله تیپ زرهی اضافی تقویت شدو یک قرارگاه لشکر و چندین گردان پیاده که وظیفه رسیدگی به امور زندانیان جنگی دشمن را بعهده دارند ، می باشد .

انگلستان نیز مانند آمریکا از یک ارتش تماماً داوطلب با استاندارد بالایی از تخصص و کارایی استفاده می‌نماید. اگر چه در مورد امتیازات ویژه در میان سربازان زمینی ناتو بحث زیادی بعمل آمده اما جای تردید نیست که انگلستان یا در رأس و یا در ردیفهای بالای لیست مربوطه جای دارد.

قوانین اصلی و خط مشی انگلستان بطور قابل توجه ای با خط مشی جنگ هوا به زمین آمریکا چه از نظر جزئیات و چه از نظر فلسفه کلی متفاوت است. انگلستان همیشه به برتری قدرت آتش در مانور تکیه کرده، نیروهایش به جای حرکت گسترده در عرض، آنطور که توسط ارتش سوم بکار می‌رود، بیشتر بر اساس روش اجرای عملیات با فرصت، آموزش دیده اند. از اینرو در جنگ خلیج فارس، ترکیب واحدهای انگلیسی و آمریکایی در دو جناح، اجرای ماموریت‌های بزرگ لجستیکی را پیچیده تر می‌ساخت.

برای آنکه انگلیسی‌ها از بهترین فرصت‌های ممکن در میادینی که مناسب شیوه جنگی آنها باشد، استفاده کنند، در لبه داخلی سپاه هفتم مستقر شدند.

لشکر یکم زرهی

تیپ هفتم زرهی

گارد‌های دراگون سلطنتی اسکاتلندی (۵۷ دستگاه تانک اصلی رزم چلنجر)^{۲۷}

سربازان سواره نظام سلطنتی ایرلندی ملکه (۵۷ دستگاه تانک چلنجر)
یگان پیاده نظام یکم استافورد شایر (۴۵ دستگاه خودروی پیاده نظام زرهی واریر)

هنگ سی ونهم، مهندسین سلطنتی

اسکادران ۶۶۴ هلیکوپتر (۹ فروند هلیکوپتر لینکس^{۲۸})
 آتشبار دهم پدافند هوایی جاولین^{۲۹}
 هنگ چهل و نهم رزمی (۲۴ قبضه هویتر خود کشی ام ۱۰۹)

تیپ چهارم زرهی

سوار نظام سبک اسلحه چهاردهم و بیستم پادشاهی (۴۳ دستگاه تانک
 چلنجر)
 پیاده نظام یکم رویال اسکات^{۳۰} (۴۵ دستگاه خودروی رزمی پیاده نظام از
 نوع واریر)
 پیاده نظام سوم تفنگداران سلطنتی (۴۵ دستگاه خودروی پیاده نظام زرهی)
 هنگ بیست و سوم مهندسین سلطنتی
 آتشبار چهل و ششم پدافند هوایی (جاولین)
 هنگ دوم رزمی (بیست و چهار قبضه هویتر خود کشی ام ۱۰۹)

قسمتهای لشکر

گردان شناسایی رویال لانسرز^{۳۱} ملکه (۲۴ دستگاه تانک اسکورپیون ، ۲۴
 دستگاه تانک سیمیتار و ۱۲ دستگاه تانک استرایکر^{۳۲})
 هنگ چهارم هوایی نیروی زمینی (۲۴ فروند هلیکوپتر لینکس با موشک
 تاو ، ۱۲ فروند هلیکوپتر گزل^{۳۳})

^{۲۸} LynX

^{۲۹} Javelin

^{۳۰} Royal scots

^{۳۱} Royal Lancers

^{۳۲} Striker

^{۳۳} Gazelle

هنگ سی و دوم توپخانه سنگین (۱۶ قبضه توپ ام ۱۰۹ ، ۱۲ قبضه توپ
ام ۱۱۰)

هنگ بیست و نهم توپخانه سنگین (۱۲ دستگاه موشک انداز ام آر اس)

هنگ دوازدهم پدافند هوایی (۲۴ دستگاه خودروی راپیر شنی دار)

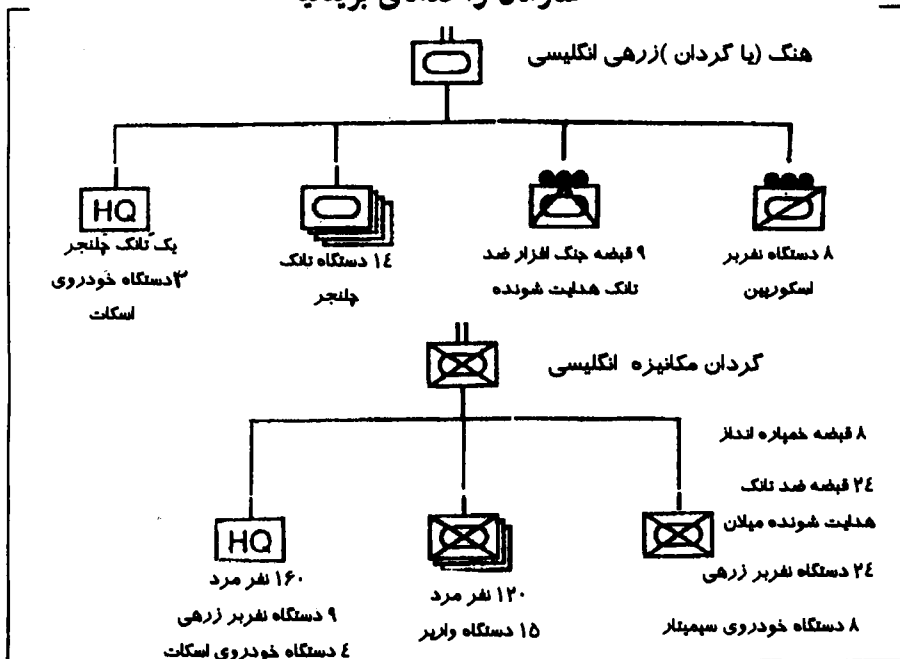
هنگ سی و دوم مهندسین سلطنتی

گردانهای پیاده نظام مسئول رسیدگی به امور زندانیان جنگی

گاردهای یکم کلد استریم^{۳۴}

تفنگداران کوهستانی سلطنتی

سازمان واحدهای بریتانیا



مرزبانان اسکاتلندی پادشاه

فرماندهی مشترک اعراب

فرماندهی مشترک اعراب از یگانهای منظمی تشکیل شده بود که سازماندهی آنها به قبل از شروع عملیات نظامی جنگ خلیج فارس برمی گردد. این یگانها مقادیر زیادی وسایل نظامی و جنگ افزار بطور پراکنده در اختیار داشتند و با نزدیک شدن نبردهای زمینی، این تجهیزات را تا حد امکان یکپارچه نموده، بکار گرفتند.

سازماندهی این فرماندهی چندین بار تغییر یافت، ولی در این بخش از کتاب، منابع اصلی و اولیه این نیروها و سازمان نهایی آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

نیروی زمینی عربستان سعودی

نیروی زمینی عربستان سعودی عملاً از دو نیرو تشکیل گردیده که در یک نیرو خلاصه می شوند: یکی نیروی زمینی سلطنتی عربستان و دیگری گارد ملی عربستان سعودی. مورد دوم یک یگان احتیاط بشمار نمی آید بلکه خود یک نیروی شبه نظامی است که از سربازان تازه نفس برخوردار است. پرسنل این نیرو وفاداری کاملی نسبت به پادشاه داشته، وظیفه آنها حفظ تمامیت ارضی و رژیم پادشاهی است. این نیرو بطور کامل به پیشرفته ترین تسلیحات نظامی مجهز است اما سلاحهای آنها سبکتر از سلاحهایی است که در اختیار نیروهای منظم قرار می گیرد. از این رو، نیروی فوق از تانک برخوردار نیست و بجای نفربرها و یا خودروهای شنی دار نیروی پیاده، از نفربرهای چرخدار وی - ۱۵۰ استفاده می کند.

سازمان رزمی نیروی زمینی سلطنتی عربستان قبل از شروع جنگ مشتمل بر یک تیپ پیاده، دو تیپ زرهی، چهار تیپ مکانیزه، یک تیپ گارد سلطنتی،

دو گردان هوابرد و پنج گردان توپخانه بود. گارد ملی عربستان سعودی نیز دو تیپ مکانیزه در اختیار داشت.

نیروی زمینی کویت

پیش از تجاوز عراق به کویت، نیروی زمینی این کشور شامل دو تیپ زرهی و یک تیپ پیاده مکانیزه بود. اما پرسنل این یگانها آمادگی اجرای عملیات نظامی را نداشتند و هنگام تجاوز نیروی زمینی این کشور تنها مقاومت پراکنده ای از خود نشان دادند. ظاهراً عناصری از تیپ ۳۵ زرهی این کشور قبل از عقب نشینی به داخل خاک عربستان توانستند خساراتی بر دشمن وارد سازند. اما در عوض تیپهای ۱۵ و ۲۵ نتوانستند کارآیی چندانی از خود نشان دهند و در تهاجم نیروهای عراقی اکثراً تجهیزات خود را از دست دادند.

نیروهای کویتی بعد از ورود به داخل خاک عربستان تعدادی تانک ام ۸۴- ساخت یوگسلاوی (سابق) را در اختیار گرفته و نیروی زمینی خود را مجدداً سازماندهی کردند. برای کشوری با جمعیتی اندک چون کویت، که قسمت اعظم آن توسط عراقیها اشغال شده بود، تعداد افراد زیر پرچم و کسانی که قادر به جنگ باشند بسیار بود. تا به حال در طول تاریخ سابقه نداشته که یک ارتش در تبعید با چنین درصد بالایی از جمعیت کشور متبوع آن تشکیل شود.

نیروی سپر شبه جزیره

این نیرو که مشتمل بر یگانهایی از تمامی دولتهای تشکیل دهنده شورای همکاری خلیج فارس می باشد، لشکر ضعیفی را تشکیل می دهد. در هنگام صلح این لشکر از یک تیپ عربستان سعودی و یک تیپ مرکب از سربازان بحرین، عمان، قطر و امارات متحده عربی تشکیل می شود. با شروع جنگ تمامی یگانهای تشکیل دهنده این لشکر، تقویت شده، به نیروی رزمی مشترکی

تبدیل گردید که یگانهای از عربستان سعودی، کویت و دیگر کشورهای آمریکایی و آسیایی را در اختیار داشت.

سوریه

سوریه لشکر نهم زرهی خود را که مجهز به تانکهای تی - ۶۲ و خودروهای بی ام پی بود، برای خدمت در نیروی مشترک اعراب اعزام داشت. ملاحظات سیاسی امکان استقرار دیگر نیروهای عربی را در کویت نمی داد. این نیروهای سوریه برای مدتی همراه سپاه دوم مصر بودند اما بعد از چندی تحت امر قرارگاه شمالی نیروهای مشترک قرار گرفتند.

مصر

نیروهای مصری بعد از ایالات متحده و عربستان بیشترین تعداد نیروهای ائتلافی را به خود اختصاص می دادند. مصری ها دو لشکر پرقدرت و یک هنگ (با قدرت یک تیپ) از رنجرهای تعلیم دیده را به منطقه اعزام داشتند. از لحاظ تجربه و آموزش، مصری ها در بین نیروهای عربی مقام اول را در اختیار دارند. مصری ها بشکل یک سپاه متحد، ولی تحت امر قرارگاه شمالی نیروهای مشترک عمل می کردند.

نیروهای مشترک اعراب به هنگام نبرد

با شروع تهاجم علیه نیروهای عراقی، قرارگاه نیروهای مشترک به دو سپاه و یک قرارگاه نیروهای مقدم تقسیم شد که قرارگاه فوق وظیفه ایجاد یک نیروی پوششی و تجمع سربازان را قبل از حمله بر عهده داشت. در زیر جزئیاتی از سازماندهی قرارگاه نیروهای مشترک در هنگام تهاجم زمینی ذکر گردیده است.

قرارگاه مقدم

- گردان پنجم هواپرد نیروی زمینی سلطنتی عربستان
- گردانهای ۴۱ و ۴۲ از تیپ گارد ملی ملک فیصل
- تیپ هفتم زرمی پاکستان

قرارگاه شرقی نیروهای مشترک

کنترل مستقیم

- تیپ دهم مکانیزه نیروی زمینی سلطنتی عربستان (با تانکهای ام - ۶۰ و منهای یک گردان مکانیزه)
- گردان مکانیزه امارات متحده عربی (با تانکهای آ ام ایکس - ۳۰)
- تیپ تقویت شده شمال عمان

نیروی رزمی لشکری عثمان

- تیپ هشتم مکانیزه نیروهای زمینی سلطنتی عربستان (باتانکهای ام-۶۰)
- گروهان پیاده موتوریزه بحرین
- تیپ الفتح کویت
- گردان دوم یا پانزدهم مکانیزه کویت

نیروی رزمی لشکری بکر

- تیپ دوم مکانیزه گارد ملی عربستان

نیروی رزمی لشکری طارق

- گردان تفنگداران دریایی پادشاهی سعودی
- گردان ششم مکانیزه مراکشی (مغربی)
- گردان یکم سنگالی

فرماندهی پشتیبانی و احتیاط

- گردان چهاردهم توپخانه صحرایی نیروی زمینی سلطنتی عربستان
- گردان هیجدهم موشکی نیروی زمینی سلطنتی عربستان
- گروهان دوم ضد تانک نیروی زمینی سلطنتی عربستان
- آتشبار ششم تجسس هدف نیروی زمینی سلطنتی عربستان
- گردان مکانیزه قطر (تقویت شده با تانکهای آم ایکس - ۳۰)
- گردان یکم پیاده شرق بنگلادش

قرارگاه شمالی نیروهای مشترک

تیپ چهل و پنجم کماندوی سوریه :

- گردانهای ۸۲۴، ۱۸۳ و ۱۲۲
- یک گردان توپخانه
- یک گردان ضد تانک

لشکر نهم زرهی سوریه

- تیپهای ۴۳ و ۳۳ زرهی (با تانکهای تی - ۶۲)
- تیپ ۵۲ مکانیزه (تانکهای تی - ۶۲ و نفربرهای بی ام پی)
- هنگ ۸۹ توپخانه
- تیپ ۷۹ ضد هوایی

نیروی رزمی لشکری موطن (وطن ما)

- تیپ بیستم مکانیزه نیروی زمینی سلطنتی عربستان (با تانکهای ام - ۶۰)
- تیپ ۳۵ مکانیزه کویت (با تانکهای ام ۴۸)

نیروی رزمی لشکری سعد

- تیپ چهارم نیروی زمینی سلطنتی عربستان سعودی (با تانکهای آ ام ایکس ۳۰)
- تیپ پانزدهم پیاده کویت

سپاه دوم مصر

- لشکر سوم مکانیزه
- تیپهای ۱۱۴ و ۱۰ مکانیزه (با در اختیار داشتن تانکهای ام ۶۰ و نفربرهای ام - ۱۱۳)
- تیپ ۲۳ زرهی (با در اختیار داشتن تانکهای ام - ۶۰ و نفربرهای ام ۱۱۳)
- تیپ ۳۹ توپخانه (ام ۱۰۹)
- تیپ ۱۲۶ توپخانه ضد هوایی
- لشکر چهارم زرهی
- تیپهای دوم و سوم زرهی (با تانکهای ام - ۶۰ و نفربرهای ام - ۱۱۳)
- تیپ ششم مکانیزه (با تانکهای ام - ۶۰ و نفربرهای ام - ۱۱۳)
- تیپ چهارم توپخانه (ام ۱۰۹)
- هنگ یکم رنجر (متشکل از ۳ گردان و عده های پشتیبانی)

فرماندهی پشتیبانی و احتیاط

- گردان تهاجم هوایی عربستان سعودی
- گردان پانزدهم موشک انداز نیروی زمینی سلطنتی عربستان سعودی
- گروهان هفتم تجسس هدف نیروی زمینی سلطنتی عربستان سعودی
- گروهان ضد تانک نیروی زمینی سلطنتی عربستان سعودی
- گردان چهارم هوابرد نیروی زمینی سلطنتی عربستان سعودی

• گروهان پدافند ش. م. ه. چکسلواکی (سابق)

• تیپ «حق» کویت

• تیپ «خلود» کویت

دیگر کشورهای متحد

• تیپ بنگلادش (۶۰۰۰ سرباز) : محل استقرار در مکه

• گردان یکم پیاده بنگال شرقی بنگلادش تحت امر قرارگاه شرقی

نیروهای مشترک

• گردان ششم مکانیزه مراکش (۱۲۰۰ سرباز به همراه نفربرهای ام-۱۱۳)

زیرامنیروی رزمی لشکری طارق از قرارگاه شرقی نیروهای مشترک

• گردان پیاده سنگال (مشمول بر ۴۸۱ سرباز به فرماندهی سرهنگ صنیع)

زیر امر نیروی رزمی لشکری طریق از قرارگاه شرقی نیروهای مشترک

• گردان پیاده نیجر (به استعداد ۵۰۰ سرباز) تحت امر قرارگاه شمالی

نیروهای مشترک

• تیپ هفتم زرهی پاکستان تحت امر قرارگاه مقدم

• گردان پیاده پاکستان : محل استقرار در امارات متحده عربی

• گروهان پدافند ش. م. ه. چکسلواکی (سابق) تحت امر قرارگاه شمالی

نیروهای مشترک

• یگان بهداری کره جنوبی تحت امر قرارگاه شرقی نیروهای مشترک

• بیمارستان صحرائی چکسلواکی (سابق)

• بیمارستان صحرائی نیوزیلند

• بیمارستان صحرائی هلند

• بیمارستان صحرائی لهستان

ساختار ارتش عراق

نیروی زمینی

سپاههای ارتش عراق بعنوان بزرگترین قرارگاههای ثابت صحرایی در نیروی زمینی عمل می‌کنند. قبل از تجاوز به کویت، ارتش عراق از ۷ سپاه (از شماره ۱ الی ۷) و قرارگاه نیروهای گارد ریاست جمهوری (که استعداد آن نیز به اندازه یک سپاه بود)، تشکیل شده بود. بطور متوسط، هر سپاه دارای یک لشکرزرهی یا مکانیزه و پنج لشکر پیاده می‌باشد که تعداد آنها می‌تواند تغییر یابد.

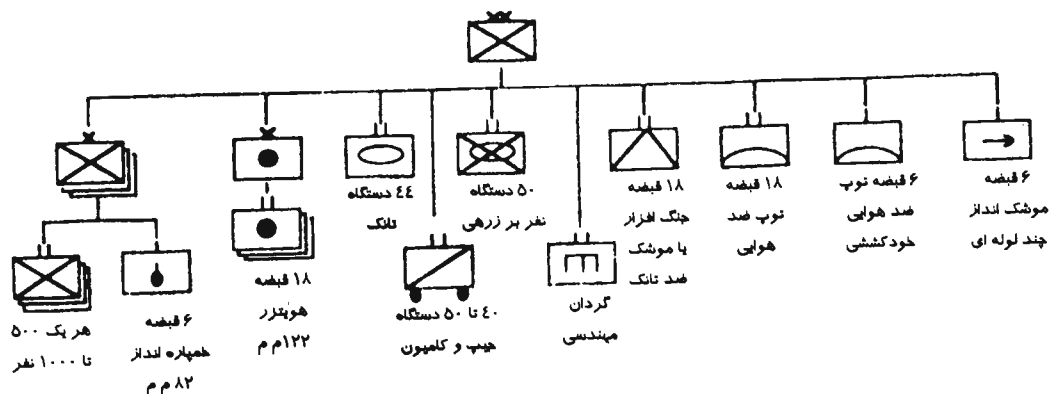
به دنبال تجاوز به کویت، تعداد زیادی لشکر جدید بسیج شد، (بسیاری از آنها باتوان رزمی بسیار پائین) و چندین قرارگاه جدید سپاه نیز برای کنترل آنها برقرار گردید. گارد ریاست جمهوری گسترش یافته به دو سپاه تقسیم گردید (گاردهای شماره ۱ و ۲) و همچنین سه سپاه دیگر به تشکیلات ارتش قبلی اضافه شد (سپاه هشتم تانک، سپاه نهم و دهم احتیاط) سپاه هشتم تانک، کنترل پنج لشکر زرهی و مکانیزه را که از دیگر سپاهها جدا گردیده بودند، بر عهده داشت، در حالیکه دو سپاه دیگر، تعدادی از لشکرها را که عهده جدید تشکیل شده بودند، کنترل می‌کردند.

بزرگترین واحد در نیروی زمینی عراق که سازماندهی ثابت دارد، لشکر می‌باشد. یک لشکر از سه تیپ مانوری (پیاده، زرهی یا مکانیزه)، یک تیپ توپخانه و چندین گردان و گروهان پشتیبانی تشکیل شده است.

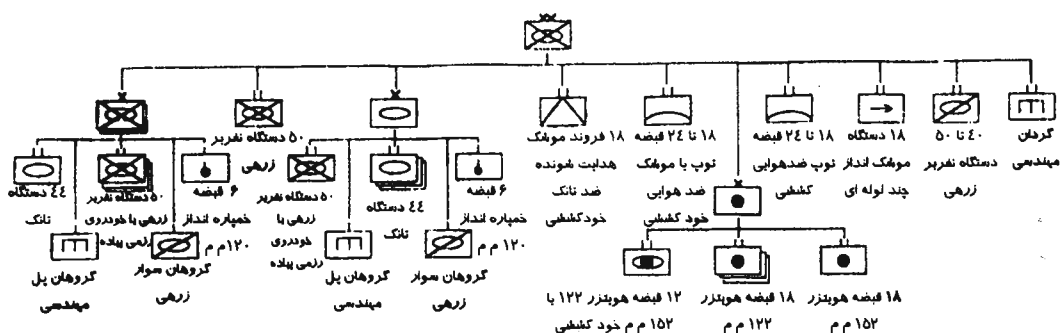
در نیروی زمینی عراق، لشکرها از نظر سازمان بر سه نوع هستند: پیاده، مکانیزه و زرهی. سازمان لشکرها پیاده و مکانیزه در نمودارهای صفحه بعد نشان داده شده است. لشکرها زرهی، سازمانی مشابه لشکرها مکانیزه دارند

ولی با دو اختلاف : لشکر زرهی دارای دو تیپ زرهی و یک تیپ مکانیزه (برخلاف لشکر مکانیزه) بوده و گردان ضد تانک نیز ندارند .

لشکر پیاده عراق



لشکر مکانیزه عراق



واحدهای زرهی

هر گردان در لشکر از سه گروهان تشکیل می شود که هر یک از آنها دارای سه دسته می باشد . هر دسته تانک ، ۴ تانک در اختیار دارد (۱۴ دستگاه

تانک در گروهان و ۴۴ دستگاه در گردان). دسته های توپخانه هر یک دارای دو عراده توپ، هویتزر یا موشک اندازهای چند لوله ای هستند (۶ قبضه در هر آتشبار که همان گروهان توپخانه می باشد و بنابراین ۱۸ قبضه در گردان) دسته های پیاده هر یک دارای سه گروه ۱۰ نفری تفنگدار و یک گروه با سلاحهای کالیبر کوچک و مجهز به یک تیربار سبک و یک موشک انداز آرپی جی-۷ می باشد.

در بعضی از واحدهای مکانیزه، گروهان علاوه بر سه دسته تفنگدار، دارای یک دسته خمپاره انداز ۶۰ میلیمتری (دوقبضه خمپاره انداز) نیز می باشد. ضمناً، بجز همان سلاحهای معمولی که در یک دسته وجود دارد هیچ خمپاره انداز یا سلاح سنگینی در گردان موجود نیست. واحدهای گارد ریاست جمهوری از توان رزمی بالاتری برخوردار هستند. هر گردان تانک بجای سه گروهان دارای چهار گروهان می باشد (۶۰ دستگاه تانک بجای ۴۴ دستگاه). هر گروهان یک دسته خمپاره انداز ۸۲ میلیمتری دارد و هر گروه تفنگدار دارای تیربار سبک و آرپی جی - ۷ مخصوص خود می باشد. بسیاری از یگانهای نیروهای مخصوص ممکن است بطور مشابهی سازمان یافته و تجهیز گردند.

مقایسه قدرت آتش دسته های پیاده نیروی زمینی ارتشهای

آمریکا و عراق

در این قسمت تعداد نفرات و جنگ افزارهای یک دسته پیاده مکانیزه آمریکائی که به خودروهای رزمی پیاده برادلی مجهز است با یک دسته مشابه عراقی که خودروهای رزمی پیاده بی ام پی را در اختیار دارد مورد مقایسه قرار گرفته است. کلیه یگانهای پیاده آمریکائی، مکانیزه بوده، از خودروهای رزمی پیاده برادلی استفاده می کنند، اما نیروهای پیاده عراق اکثراً فاقد چنین

خودروهایی بوده ، تنها حدود ۱۵٪ گردانهای مکانیزه آنها خودروی بی ام پی در اختیار دارد . بقیه نفرهای زرهی فقط مجهز به تیربار می باشند .

عنوان	آمریکا	عراق
تعداد نفرات	۳۳	۳۶
خودروی رزمی پیاده	۴	۴
تعداد تفنگ هجومی	۲۴	۳۲
تعداد نارنجک انداز	۷	۰
تعداد جنگ افزار اتوماتیک رسد	۶	۱
تعداد تیربار چندمنظوره	۳	۰
تعداد موشک انداز ضد تانک	۱۵	۱
تعداد موشک هدایت شونده ضدتانک	۳	۰

توجه : خودروی رزمی پیاده (در دسته آمریکائی ، مدل برادلی مجهز به تیربار دارای سیستم آتش زنجیری و موشک انداز تاو- ۲ و در دسته عراقی بی ام پی - ۱ می باشد که توپ ۷۳ م م با سرعت کم و موشک انداز ضدتانک- ۳ ساگر بر روی آن نصب شده اند)

تفنگ هجومی (در دسته آمریکائی ام ۱۶ و در دسته عراقی آ کی ام)

موشک انداز (در دسته آمریکائی ام ۲۰۳)

جنگ افزار اتوماتیک رسد (آمریکا : مدل ام ۲۴۹ و عراق : آرپی کی)

تیربار چندمنظوره (آمریکا : مدل ام ۶۰)

موشک انداز ضدتانک (آمریکا : مدل آ تی - ۴ و عراق : آرپی جی - ۷)

موشک هدایت شونده ضد تانک (آمریکا : مدل دراگون)

واحدهای پشتیبانی

علاوه بر یگانهای رزمی که در نمودار نشان داده شده اند، تیپها و لشکرها تعدادی واحد پشتیبانی غیر رزمی نیز در اختیار دارند. هر تیپ، یک گروهان آماد و یک دسته رفع آلودگی شیمیایی داشته، هر لشکر، یک گردان آماد و ترابری، یک گردان بهداری، یک گردان مخابرات، یک گروهان دژبان و یک گروهان رفع آلودگی شیمیایی دارد. تمامی لشکرها مکانیزه و زرهی نیز علاوه بر گردان مهندسی رزمی، یک گردان مهندسی فنی با تجهیزات سنگین برای جاده سازی و پل گذاری در اختیار دارند تا امکان تحرک نیرو در هر نوع زمین فراهم گردد.

نیروهای مخصوص عراق

در ارتش ایالات متحده آمریکا و اکثر ارتشهای دنیا، نیروهای مخصوص، ماموریت و عملیاتشان از نوع کماندویی و چریکی می باشد. بعنوان مثال: نیروهای مخصوص ایالات متحده در آموزش دادن سربازان بومی برای شرکت در جنگهای پیاده نظام و یا چریکی تخصص داشته و خودشان نیز در انجام چنین ماموریتهایی، زبده هستند. اما نیروهای مخصوص عراق وضعیتی کاملاً متفاوت دارند. قسمت عمده نیروی زمینی عراق، پیاده هستند ولی تمرکز بهترین سربازان در یگانهای زرهی، مکانیزه و گارد ریاست جمهوری، باعث گردیده که لشکرها پیاده، در اجرای عملیات آفندی ناتوان باشند. برای به حداکثر رساندن توانایی یگانهای پیاده، لشکرها در طول جنگ با ایران، شروع به تکمیل گروهانهای نیروی مخصوص نمودند. گروهانهای استوس تروپن^{۳۵} ارتش آلمان در طول جنگ جهانی اول، از لحاظ تاریخی شباهت زیادی به این گروهانها داشت.

در آن جنگ ، ارتش آلمان درگیر عملیات آفندی یکپارچه و مداوم و آرایشهای گسترده پیاده شد و برای پاسخگویی مناسب در آن شرایط سخت ، بهترین افراد خود را در گروهان « استوس کومپانی»^{۳۶} قرار داد. به هر یک از این گروهانها آموزشها و سلاحهای اضافی داده شد تا بتوانند مأموریت خود را که همانا پیشگام بودن در هنگام تک لشکر است به انجام برسانند .

گروهانهای نیروهای مخصوص عراق تقریباً در روش اجرای عملیات یکسان هستند . آنها بهترین افراد موجود در یک لشکر بوده ، بهترین سلاحها را دریافت می کنند . مثلاً اگر لشکر ، نفربرهای زرهی داشته باشد، معمولاً آنها را در اختیار یگانهای نیروی مخصوص قرار می دهند . در پایان جنگ عراق با ایران اکثر لشکرها ، یک گردان کامل از نیروهای مخصوص و تعداد کمی از لشکرها نیز ۲ یا ۳ یگان مخصوص در سطح تیپ در اختیار داشتند . هر سپاه نیز دارای یک یا دو تیپ نیروی مخصوص می باشد .

در پدافند ، معمولاً گردان نیروی مخصوص لشکر همراه با گردان تانک خود بعنوان یک نیروی احتیاط متحرک عمل می نماید . در عملیات آفندی ، اکثر تانکها ، تک اصلی یگانهای پیاده را پشتیبانی می کنند ولی یک گروهان و یا بیشتر به همراه گردان نیروی مخصوص بعنوان نیروی استفاده کننده از موفقیت در عقب نگه داشته می شوند . نیروی زمینی عراق در شناسایی میدان نبرد خبره نیست و بنابراین از حمله یگانهای پیاده به منظور پیدا کردن نقاط حساس استفاده می کند . گردان نیروهای مخصوص که با تانک تقویت شده است با

^{۳۶} Stoss Kompanie

سلاحهای سنگین خود پیشروی نموده ، عملیات استفاده از موفقیت را شروع می نماید .

عملکرد دیگر این نیروهای مخصوص زیرامر ، تضمین کردن وفاداری یگانهای سازمانی و معمولی ارتش و نگه داشتن آنها در مواقع حساس و سخت در خطوط رزم می باشد . و به همین دلیل است که در گزارشها ، از نیروهای مخصوص بعنوان «گردانهای اجرایی» یاد می کنند .

نیروی هوایی عراق

عراق ششمین نیروی هوایی بزرگ جهان را در اختیار داشت . جدیدترین هواپیمای جنگنده ساخت شوروی سابق آنها ، جزو بهترین جنگنده های دنیا مطرح بود . با این حال نه تنها یکی از هواپیماهای متحدین بوسیله جنگنده های عراقی ساقط نگردید ، بلکه یک سرباز نیروهای متحدین هم در حمله هوایی عراقیها کشته نشد . حال این سوال مطرح می شود که آیا در مورد قدرت نیروی هوایی عراق اغراق شده بود ؟

افزایش کارایی با گذشت زمان

با وجود کثرت تجهیزات نسبتاً خوب نیروی هوایی عراق ، این نیرو طی سالهای اول جنگ عراق با ایران و توجه تعداد بسیار کمی از ناظران امر را به خود جلب کرد و در طول سالهای بعدی آن جنگ طولانی ، مانند نیروی زمینی آن کشور ، توان رزمی خود را به مقدار قابل توجهی از دست داد .

سال ۱۹۸۰: نیروی هوایی عراق با یک حمله جاه طلبانه بر روی ۱۰ پایگاه نیروی هوایی ایران ، جنگ را آغاز نمود . آنها ظاهراً میزان خرابی ایجاد شده توسط جنگنده های خود را زیاد برآورد می کردند ولی نمی دانستند که انهدام هواپیماهای ایرانی که در آشیانه ها پارک شده بودند ، بسیار مشکل بود .

پس از آن ، نیروی هوایی ایران حملات خود را بر روی پایگاههای هوایی عراق شروع کرد . اینجا بود که عراقیها با تحمل خسارات سنگین دریافتند که مورد هدف قرار گرفتن هواپیماهای پوشش نیافته آنها چقدر آسان می باشد . آنها پس از تحلیل بیشتر ، باقی مانده هواپیماهای خود را به پایگاههای نزدیک اردن انتقال دادند . در ماههای اول جنگ که شانس موفقیت ارتش عراق بسیار زیاد بود ، نیروی هوایی عراق کنترل هوایی خود را بر روی منطقه نبرد و بیشتر خاک عراق از دست داده بود .

سال ۱۹۸۲ : همانگونه که وسائط نقلیه مختلف احتیاج به بنزین دارند ، جت های نظامی مدرن نیز احتیاج به قطعات یدکی دارند . ایران به اندازه عراق در مقابله با تحریم تسلیحاتی که بر هر دو کشور تحمیل شده بود ، موفق نبود . بنابراین ، با گذشت زمان توانایی پروازی نیروی هوایی ایران کاهش یافت ، ولی عراق از قدرت هوایی بیشتری برخوردار شد .

سال ۱۹۸۳: یکی از عوامل موثر در قدرت یافتن نیروی هوایی عراق دریافت کمکی بزرگ از جانب شورویها در آن هنگام بود که عراق اطلاعاتی درباره موشک پیشرفته ضد هواپیمای هاوک آمریکایی و یا احتمالاً یک آتشبار کامل از این موشکها را که از نیروی زمینی ایران گرفته بود در اختیار شورویها قرار داد و آنها نیز در مقابل ، یکصد دستگاه تولید پارازیت به عراقیها دادند .

سال ۱۹۸۴: نیروی هوایی عراق از جانب فرانسه نیز کمکی دریافت داشت و با تاثیرپذیری از موفقیت آرژانتین بر علیه انگلستان در جنگ (فالکلند یا مالویناس) شروع به زدن تانکهای نفتکش ایرانی با بهترین موشکهای ضد کشتی نمود و اگر قادر می شد درآمد نفتی ایران را قطع نماید باعث جلوگیری از خرید تسلیحات اضافی ایران می شد . عراق در آنجا یک موفقیت جزئی بدست آورد . همچنین نیروی هوایی عراق در سال ۱۹۸۴ تعداد پنج هزار بمب

خوشه ای با اثر ترکیبی پیچیده (شامل تعداد بسیاری بمب ضدنفر و ضد زره و بمبهایی که در آنها تعدادی بمبهای کوچک آتش زا بود) از شیلی دریافت نمود.

سال ۱۹۸۵: همانطور که نیروی زمینی عراق به حالت پدافندی خود ادامه می داد و سعی می کرد تا تلفات سنگین خود را به نحوی جبران کند، نیروی هوایی عراق به حملات و تجاوزهای خود بر علیه تأسیسات نفتی ایران ادامه می داد.

سال ۱۹۸۶: نیروی زمینی عراق تقریباً در بسیاری از نبردها شکست خورده بود، لیکن نیروی هوایی عراق به عنوان ذخیره و احتیاط و نهایی به هنگامی که خطوط عراقی شکسته می شد وارد منطقه نبرد شد. این امر به نیروی زمینی عراق فرصت شکل گیری مجدد را می داد. حملات بر روی صادرات نفتی ایران موثرتر شده بود، بنابراین ایران صادرات نفتی خود را از لارک واقع در جنوب خلیج فارس شروع کرد. جنگنده های اف - ۱ نیروی هوایی عراق ظاهراً پس از سوختگیری مجدد در هوا به لارک حمله کردند - فاصله عراق تا لارک یکصد و پنجاه مایل دریایی بیشتر از فاصله آن کشور تا ریاض، پایتخت عربستان سعودی می باشد - در این زمان نیروی هوایی عراق یک وسیله کامپیوتری از یک کمپانی آمریکایی دریافت نمود که این امکان را به آنها می داد تا احتمال خسارات و تأثیرات حملات را بر روی اهداف مختلف در ایران تعیین و بررسی نمایند. سپس هواپیماهای عراقی هدف های بیشتری را در ایران مورد حمله قرار دادند که نوع این هدف ها نشان می داد عراق قصد دارد اعتماد مردم ایران را نسبت به دولت خود متزلزل کند.

سال ۱۹۸۷: در حالیکه نیروی زمینی عراق همچنان در موضع پدافندی خود قرار داشت، فشار نیروی هوایی عراق بر روی ایران ادامه می یافت.

سال ۱۹۸۸: نیروی هوایی عراق چیره دستی و مهارت قابل توجهی را در حملات استراتژیک بر روی اهداف ایرانی به نمایش گذاشته، شروع به استفاده از موشکهای هدف یاب لیزری کرد. نیروی هوایی عراق در آن موقع نقش موثری را در حملات موفق نیروی زمینی آن کشور علیه ایران بازی نمی کرد و با وجود داشتن جنگنده های تک و ر خوب حملات هوا به زمین بسیار کمی را بطور هماهنگ شده انجام می داد .

علل احتمالی این عدم موفقیت شامل موارد زیر بود :

- نیروی زمینی عراق برای طراحی حملات زمینی خود از روش «بازی جنگ»، شوروی استفاده می کرد که این روش براحتی نمی توانست پشتیبانی هوایی را در پی داشته باشد .

- خلبانان عراقی تصور می کردند که متصدیان سلاحهای ضد هوایی خودی به علت شور و شعف ناشی از پیروزی های بدست آمده ، ممکن است اشتباهاً آنها را با آتش جنگ افزارهای خود هدف بگیرند .

- بنظر می رسد که هلیکوپترهای تک و ر شوروی سابق بطور مشترک با عراق حملاتی را علیه نیروهای سطحی ایران به عهده گرفتند اند .

در فاصله بین دو جنگ

نیروی هوایی عراق در فاصله زمانی بین پایان جنگ با ایران و شروع تهاجم به کویت به افزایش مهارت و توانائیهای خود ادامه داد . عراقیها بوسیله نصب رادار پیشرفته فرانسوی بر روی یک کامیون روسی توانستند امکان عملیات تجسس بوسیله نیروهای هوا برد و توانائی درامر کنترل را فراهم سازند . عراق قبل از اتمام جنگ با ایران شروع به دریافت میگ ۲۹ فالکروم نمود و این دریافت هواپیما همچنان ادامه یافت . بسیاری معتقدند که فالکروم جزو یکی از

بهترین جنگنده های هوا به هوا در دنیا می باشد . (عده ای نیز معتقدند که عراق یک نوع صادراتی آن را با راداری ضعیف تر دریافت داشته است .)

ساختمان بنیانی

(به نقشه شماره ۳ در پایان کتاب مراجعه شود) نیروی هوایی عراق در طول جنگ قابلیت آموزش و یادگیری خود را بنحو قابل توجهی نشان داد . در این مورد ، عملیات پوشش دادن و حفاظت از هواپیماهای پارک شده در روی زمین را می توان بعنوان یک نمونه بارز و مشخص بیان کرد . عراقیها در اوایل جنگ ، دیده بودند که چقدر هواپیماهای بدون پوشش و آشیانه آنها آسیب پذیر می باشند . بدین منظور سریعاً شروع به ساختن آشیانه هواپیما نمودند . عراقیها همچنین با اطلاعات ماهواره ای که از مناطق نبرد ایرانیها دریافت کردند ، متوجه شدند که آگاهی از محل هواپیماهای دشمن چقدر مفید می باشد . آنها در ابتدا سقف و پوششهای ساده ای بر روی آشیانه های خود گذاشته ، سپس شروع به ساختن پناهگاههای بسیار مستحکم برای هواپیماها نمودند تا پس از آن در برابر تسلیحات غیر اتمی آسیب ناپذیر گردند . آنها همچنین سیستم فرماندهی و کنترل مورد نیاز این نیرو را ، نیز منسجم نمودند .

در هر پایگاه ، تعداد پناهگاهها و آشیانه های سر پوشیده بیشتر از شمار هواپیماها بود ، لذا این امکان را به عراقیها می داد تا فعالیتهای هوایی خود را بدون آنکه توسط ماهواره های شناسائی کشف گردند به نقاط مختلف کشور منتقل نمایند .

ارزیابی

بر اساس عملکرد گذشته و تجهیزات موجود ، نیروی هوایی عراق در زمان تهاجم به کویت مورد ارزیابی قرار گرفت و نکات زیر تقریباً محقق گردید :

در حالیکه نیروهای عراقی تجهیزاتی را برای دفاع از فضای هوایی خود نیاز داشتند ، این تجهیزات برای مدت نسبتاً کوتاهی در اختیار آنها قرار گرفت ، بطوریکه اکثر خلبانان احتمالاً به حدکافی مهارت کسب نمودند . از این گذشته ، روسها به آنها آموزش دادند تا بتوانند با میگ - ۲۹ پرواز نمایند . آموزش روسها خلبانان را ملزم می ساخت که بر طبق راهنمایی های یک سیستم کنترل کننده روسی ، عملیات هوایی را اجرا کنند . بنابراین نیروی هوایی آمریکا بایستی این نکته را مورد توجه قرار می داد که تمام کنترل کننده های عراقی را باید سریعاً از محدوده هوایی خارج کند .

در چنین شرایطی با وجود آنکه عراقیها هواپیماهای متعددی را برای حمله به اهداف زمینی در اختیار داشتند ولی به علت فقدان هماهنگی لازم جهت حملات زمینی و هوایی و تجربه کم در هدایت چنین حملاتی ، نتوانستند تهدید مهمی برای متحدین به حساب آیند .

با این وجود ، عراق دارای تعدادی خلبان و تجهیزات آزمایش شده در جنگ بود که یا مهارت و کارایی تمام ، توانایی حمله بر اهداف استراتژیک را داشتند .

به هر حال ، از کل تعداد ۷۰۰ فروند هواپیمای نیروی هوایی عراق ، فقط ۷۵ فروند میراژ اف - ۱ و ۷۰ فروند میگ - ۲۷ تهدید مهمی برای متحدین به شمار می آیند . هر دو نوع هواپیمایاد شده قادرند در هوا از هواپیمای ترابری ((آن - ۱۲)) که توسط عراق تغییراتی در آن داده شده ، سوختگیری مجدد نمایند و همچنین توانایی استفاده از سیستمهای لیزری پیچیده ، هدف یابهای لیزری و موشکهای هدف یاب هوا به زمین را دارا باشند . بنابراین تعجبی ندارد که اولین نیروهایی که آمریکا به خلیج فارس فرستاد ، دو اسکادران هوایی از جنگنده های ایگل ((اف - ۱۵)) و پنج فروند اواکس ((ای - ۳)) بود .

سازمان برای رزم نیروی هوایی عراق

در این مورد که آیا از تاریخ یکم اوت ۱۹۹۰ برای نیروی هوایی عراق یک سازماندهی دقیق شده یا خیر ، اطلاعات جامعی وجود ندارد . علت این است که تعداد هواپیماهای فروخته شده به آن کشور معلوم نیست و همچنین تمام خسارات جنگ عراق با ایران مشخص نگردیده است . بهترین برآوردی که در مورد تعداد هواپیماهای نیروی هوایی عراق انجام شده در زیر ارائه می شود . هواپیماها بر اساس تعداد خدمه تحت تعلیم فهرست بندی شده اند ، به استثنای میگ ۲۵ که باتوجه به دونوع ماموریت متمایز آن ، دوباردرلیست وارد شده است .

جنگنده ها

میگ - ۲۹ : ۴۰ تا ۸۰ فروند

میگ-۲۵: ۱۸ فروند (احتمالاً بیشتر آنها برای شناسایی مورد استفاده قرار گرفته اند)

میگ - ۲۳ : ۲۰ فروند

میگ - ۲۱ : ۱۰۵ فروند

اف - ۷ : ۲۰ فروند

جنگنده / تک ور

میگ - ۱۷ : ۳۰ فروند

تک ور هوا به زمین

سوخو - ۲۵ : ۲۰ فروند

سوخو - ۲۰ : ۳۰ فروند

سوخو - ۷ : ۵۰ فروند

اف - ۶ : ۲۰ فروند

هانتز : ۳۰ فروند

بمب افکن ها

سوخو - ۲۴ : ۱۰ فروند

میراژ اف ۱ : ۱۰۰ فروند (احتمالاً یک چهارم از این تعداد بعنوان جنگنده

مورد استفاده قرار گرفته اند)

میگ ۲۳ یا ۲۷ : ۷۰ فروند

ایلیوشین - ۲۸ : ۱۰ فروند

توپولف - ۲۲ : ۷ فروند

توپولف - ۱۶ : ۱۲ فروند

هواپیماهای شناسایی

میگ - ۲۵ : ۱۸ فروند (احتمالاً بعضی از آنها بعنوان جنگنده مورد

استفاده قرار گرفته اند)

هواپیمای کنترل و تجسس

ایلیوشین - ۷۵ : احتمالاً ۲ فروند

هواپیمای سوخت رسان

آنتونوف - ۲ : ۴ فروند

هواپیمای ترابری

در حدود ۸۰ فروند که انواع مختلفی را شامل می شود .

سازماندهی ارتش عراق در میدان نبرد

ارتش عراق جنگ خود را با ایران در حالی به اتمام رسانید که تعداد

پرسنل نظامی آن کشور نزدیک به یک میلیون نفر بود . با وجود این ، صدام

حسین بعد از جنگ نیز به تقویت نیروی نظامی خود ادامه داد. در ماه اوت ۱۹۹۰ نیروی زمینی ارتش عراق در هفت سپاه و یک گارد ریاست جمهوری سازماندهی شده بود. هر یک از سپاههای ارتش عراق نیز دارای یک لشکر زرهی یا مکانیزه، پنج یا شش لشکر پیاده و تعدادی تیپ مستقل مشتمل بر یگانهای رزمی و پشتیبانی بود. (به نقشه شماره ۱ در پایان کتاب مراجعه شود) گارد جمهوری عراق نیز توانائی رزمی بالاتری نسبت به دیگر سپاههای این کشور داشت.

در آغاز تهاجم عراق به کویت، گارد ریاست جمهوری آغازگر حمله بود، اما پس از مدت کوتاه عقب نشینی کرد و جای خود را به لشکریهای پیاده ای داد که از سپاههای جنوبی اعزام شده بودند. با نزدیک شدن درگیری بین نیروهای عراق و متحدین، دو قرارگاه سپاههای سوم و چهارم عراق برای کنترل نیروهای پیاده مستقر در کویت، به آنجا اعزام شدند. سپاههای دیگر در جنوب عراق و در مرز مشترک با ایران مستقر شده، سعی داشتند شکاف موجود را بپوشانند. سپاه هفتم نیز که ظاهراً اکثر یگانهایش پراکنده بودند، مسئولیت کنترل پدافند را در جنوب عراق بر عهده داشت. اکثر لشکریهای سنگین (زرهی و مکانیزه) که از دیگر سپاهها اعزام شده بودند و در مرکز کویت تحت امر یک قرارگاه جدید بنام قرارگاه هشتم تانک قرار داشتند. در همان زمان تعداد زیادی لشکر تازه نفس از داوطلبان جوان و نیروهای احتیاط تشکیل شد که موقتاً تحت امر سپاه نهم و دهم احتیاط قرار گرفتند. سپاه نهم با استعداد لشکریهای احتیاطی که بطور تعجیلی شکل گرفته بودند به سمت جنوب حرکت کرد و سپاه دهم عراق به منظور نظارت بر آموزشهای اضافی در شمال عراق باقی ماند. سپاه نهم احتیاط به منظور ایجاد یک سد پدافندی در جنوب غربی حداقل از چهار لشکر احتیاط تشکیل شده بود (لشکریهای ۴۵، ۴۷، ۴۸ و ۴۹) و می توانست به منظور

نظارت بر انتهای غربی این خط پدافندی، به حالت فعال عمل نماید. (به نقشه شماره ۲ در پایان کتاب مراجعه شود) در شب حمله نیروهای ائتلافی به عراق، نیروی زمینی این کشور یگانهای زیادی را تحت فرماندهی داشت.

تعداد کل نفرات: ۱۲۰۰۰۰ نفر

تجهیزات

۵۵۰۰ دستگاه تانک رزمی
۱۰۰۰ دستگاه خوروی رزمی پیاده
۱۰۰۰ دستگاه خودروی شناسایی زرهی
۷۰۰۰ دستگاه نفربر زرهی
۳۰۰۰ عراده توپ کششی
۵۰۰ عراده توپ خود کششی
۲۰۰ دستگاه موشک انداز چند لوله ای
۴۰۰۰ قبضه توپ پدافند هوایی
۳۵۰ فروند موشک ضد هوایی دوربرد سام
۱۰۰ فروند موشک زمین به زمین
۱۶۰ فروند هلیکوپتر هجومی توپدار

گسترش نیروها در میدان رزم: (به نقشه شماره ۲ در پایان کتاب مراجعه شود)

تعداد و نحوه گسترش یگانهای عراقی در صحنه عملیات کویت به شرح زیر بود. در این لیست بعثت پرداختن به جزئیات، اطلاعاتی زیادی وجود دارد:

سپاه یکم (در کردستان شمالی)

شامل: شش لشکر منظم پیاده و هشت لشکر پیاده احتیاط.

سپاه دوم (در جنوب و مرز مشترک با ایران)

شامل : پنج لشکر منظم پیاده

سپاه سوم (در مرز کویت و عربستان)

شامل: ۱۰ لشکر منظم پیاده (لشکرهای ۷، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۶) .

سپاه چهارم (برای پدافند از سواحل کویت)

شامل: ۵ لشکر منظم پیاده (لشکرهای ۲، ۱۱، ۱۹ و دو لشکر نامشخص دیگر)

۲ لشکر پیاده احتیاط (لشکرهای ۴۲ و نامشخص)

سپاه پنجم (برای پدافند در مرزهای شمالی با ایران)

شامل : ۵ لشکر منظم پیاده

سپاه ششم (در مرز سوریه)

شامل : ۶ لشکر منظم پیاده

سپاه هفتم (مستقر در جنوب عراق)

شامل : ۳ لشکر منظم (۳۱، ۲۷ و ۲۵) پیاده

۲ لشکر پیاده (۴۷، ۴۸) احتیاط

لشکر ۱۲ زرهی

سپاه هشتم تانک (در مرکز کویت)

شامل : ۳ لشکر (۳، ۶ و ۱۰) زرهی

۲ لشکر (۵، ۵۱) مکانیزه

سپاه نهم احتیاط (در جنوب غربی عراق)

شامل : لشکر منظم ۲۶ پیاده احتیاط

۲ لشکر منظم (۴۵، ۴۹) پیاده

سپاه دهم احتیاط (در مرکز عراق)

شامل : هشت لشکر پیاده احتیاط

قرارگاه نیروهای گارد ریاست جمهوری عراق

- شامل دو لشکر زرهی (گارد یکم ، گارد دوم) جمهوری
- یک لشکر زرهی احتیاط (نامشخص)
- یک لشکر مکانیزه (گارد سوم جمهوری)
- ۳ لشکر پیاده موتوریزه (گاردهای چهارم ، ششم و هفتم جمهوری)
- ۱ لشکر نیروهای ویژه (گارد هشتم جمهوری)
- نیروی احتیاط مرکزی
- شامل : دو لشکر منظم پیاده
- یک لشکر موتوریزه گارد جمهوری
- یک لشکر مکانیزه

گارد ریاست جمهوری عراق

وظیفه گارد ریاست جمهوری اصولاً وفاداری به صدام حسین و اطاعت محض و بی چون و چرا از او می باشد . از آنجا که قتل و کودتا بعنوان عوامل اصلی موفقیت ریاست جمهوری عراق بشمار می آیند ، این یگانها بیشتر سیاسی تلقی می شوند تا نظامی . هر یک از آنها اصولاً از سه تیپ تشکیل شده اند ، که پرسنل خود را از شهر ((تکریت)) یعنی ، - زادگاه شخص صدام حسین - تأمین می کنند ، تشکیل شده اند .

اگر چه مقایسه بین هیتلر و صدام حسین منطقی بنظر نمی رسد با این وجود ، اهداف اصلی گارد ریاست جمهوری شباهت زیادی به نیروهای اس.اس. آلمانی داشت که بعنوان یک نیروی شبه نظامی قابل اعتماد در نقش محافظین شخصی مسلح برای شخصیت های مهم آلمانی عمل می کردند . شباهت این دو نیرو در موارد دیگر هم به چشم می خورد . نیروهای اس . اس بعد از چندی

بخش مهمی از نیروهای نظامی آلمان را تشکیل داد و اکثر تجهیزات پیشرفته ارتش آلمان را بخود اختصاص داد و مانند گارد ریاست جمهوری عراق از نظر استعداد در حد یک سپاه بود. در سال ۱۹۸۶ گارد ریاست جمهوری عراق در صدد آن بر آمد که با در اختیار گرفتن پرسنل برگزیده کادر و هزاران داوطلب جوان که اکثراً دانشجوی و از طرفداران حزب بعث بودند بشکل یک نیروی نظامی عمده درآید. با پایان گرفتن جنگ ایران و عراق گارد ریاست جمهوری با داشتن ۲۵ تیپ عملیاتی، به آن سطح ازاستعداد رزمی که برای آن تعیین شده بود، رسید. واحدهای گارد ریاست جمهوری عراق کاملاً مجهز به تجهیزات استاندارد ارتش عراق بودند. هر یک از تیپهای کاملاً مستقل این گارد، علاوه بر آتشبار خمپاره انداز، دربرگیرنده یک گردان کامل توپخانه (شامل ۱۸ عراده هویتزر ۱۵۵ میلیمتری) بود. هر گروه پیاده معمولاً دارای ده سرباز بود و در میان تجهیزات هر گروه، مسلسل سبک و موشک انداز آر پی جی - ۷ نیز به چشم می خورد (در واحدهای ارتشهای منظم یک قبضه برای هر دسته در نظر گرفته شده است). گردانهای تانک بجای سه گروهان، دارای چهار گروهان بودند (تعداد کل تانکهای هر گردان بجای ۴۴ دستگاه، ۶۰ دستگاه بود) اکثر تانکهای تی - ۷۲، تی - ۶۲ و نفربرهای ((بی ام پی)) به واحدهای گارد ریاست جمهوری اختصاص یافته بود و در لشکرهاى مکانیزه نیز تعدادی نفربر زرهی و تانکهای دیگر به چشم می خورد.

لشکرهاى گارد ریاست جمهوری به جز لشکر پنجم بغداد بطور سازمانی دارای سه تیپ استاندارد بودند. محل استقرار دائمی لشکر پنجم در پایتخت عراق بود و چهار تیپ را در اختیار داشت. این لشکر در برخی از موارد به دو لشکر کوچک تقسیم می شد که هر یک، دو تیپ را در اختیار می گرفتند. لشکر پنجم تنها لشکری بود که در صحنه عملیات کویت شرکت نداشت.

علامت مشخصه نیروهای گارد ریاست جمهوری عراق یک دستمال گردن قرمز رنگ است که به شکل کاشکول مورد استفاده قرار می دهند .

سازمان برای رزم گارد ریاست جمهوری عراق

- لشکر یکم زرهی حمورابی
- لشکر دوم زرهی مدینه
- لشکر سوم مکانیزه توکلنا
- لشکر چهارم موتوریزه الفاو
- لشکر پنجم موتوریزه بغداد
- لشکر ششم موتوریزه نبوجد نزار
- لشکر هفتم موتوریزه عدنان
- لشکر هشتم نیروهای ویژه

تعداد تانکهای عراق قبل از جنگ (بطور تقریبی)

نام تانک	تعداد
تی - ۵۴ و تی - ۵۵	۱۴۰۰ دستگاه
مدل ۵۹	۵۰۰ دستگاه
مدل ۶۹	۱۰۰۰ دستگاه
تی - ۶۲	۱۶۰۰ دستگاه
تی - ۷۲	۱۰۰۰ دستگاه
مجموع	۵۵۰۰ دستگاه

کشورهای فروشنده خودروهای رزمی زرهی به عراق

خودروهای شناسایی

- برزیل : جاراراکا ای ای - ۳ و کاسکاول ای ای - ۹
فرانسه : ای آر سی - ۹۰ ، آم ال - ۶۰ ، آم ال - ۹۰
مجارستان : اف یو جی - ۷۰
شوروی : بی آر دی ام - ۲

نفربر زرهی

- برزیل : اورو تو ای ای - ۱۱
چین : مدل ۶۳
چک و اسلواکی : او تی - ۶۲ ، او تی - ۶۳ ، بی وی پی - ۱
مصر : ولید
فرانسه : پانهارد ام - ۳
شوروی : بی تی آر - ۴۰ ، بی تی آر - ۵۰ ، بی تی آر - ۶۰ ، بی ام پی - ۱

نیروی دریایی عراق

- ۵ فروند ناوچه تندرو
۳۲ فروند قایق گشتی
۶ فروند کشتی آبی - خاکی (احتمالاً هاور کرافت)
عراق سفارش خرید ۱۳ فروند کشتی مدرن را به ایتالیا داده بود ، ولی هیچ یک از آنها به عراق تحویل داده نشد . کلیه شناورهای نیروی دریایی آن کشور در حملات هوایی متحدین مورد اصابت موشک قرار گرفته و غرق یا طوری صدمه دیدند که کارائی رزمی آنها به صفر رسید .

سازمان برای رزم نیروهای متحدین

ارتش سوم ایالات متحده

دومین نیروی شناور اعزامی تفنگداران دریایی :

- تیپ چهارم تفنگداران دریایی
- تیپ پنجم تفنگداران دریایی
- یگان سیزدهم تفنگداران دریایی
- سیزدهمین یگان اعزامی تفنگداران دریایی

قرارگاه نیروهای لبحمن

- تیپ ملک فیصل (گارد ملی عربستان)
- تیپ هفتم زرهی پاکستان

قرارگاه شرقی نیروهای مشترک

- تیپ دهم مکانیزه عربستان سعودی
- گردان مکانیزه امارات متحده عربی
- تیپ عمان شمالی
- نیروی رزمی لشکری عثمان
- تیپ هشتم مکانیزه عربستان
- تیپ فتاح کویت
- نیروی رزمی لشکری ابوبکر (تیپ دوم گارد ملی عربستان)
- نیروی رزمی لشکری طارق
- گردان تفنگداران دریایی عربستان
- گردان ششم مکانیزه مراکش

• گردان سنگالی

یگانهای احتیاط

• گردان مکانیزه قطر

• گردان یکم پیاده شرق بنگلادش

اولین شناور اعزامی تفنگداران دریایی

• لشکر یکم تفنگداران دریایی

• هنگهای ۱، ۳، ۴ و ۷ تفنگداران دریایی

• هنگ ۱۱ توپخانه تفنگداران دریایی

• لشکر دوم تفنگداران دریایی :

• هنگهای ششم و هشتم تفنگداران دریایی

• هنگ دهم توپخانه تفنگداران دریایی

• تیپ یکم بیر^{۳۷} لشکر دوم زرهی

قرارگاه شمالی نیروهای مشترک

• تیپ چهارم کماندویی سوریه

• لشکر نهم زرهی سوریه

• تیپهای ۵۲ مکانیزه، ۴۳ و ۳۳ زرهی

• نیروی رزمی لشکری موطن

• تیپ ۳۵ مکانیزه کویت

• تیپ ۲۰ مکانیزه عربستان

• نیروی رزمی لشکری سعد

• تیپ پانزدهم پیاده کویت و تیپ چهارم زرهی عربستان

یگانهای احتیاط

- تیپهای خلود و حق کویت

سپاه دوم مصر

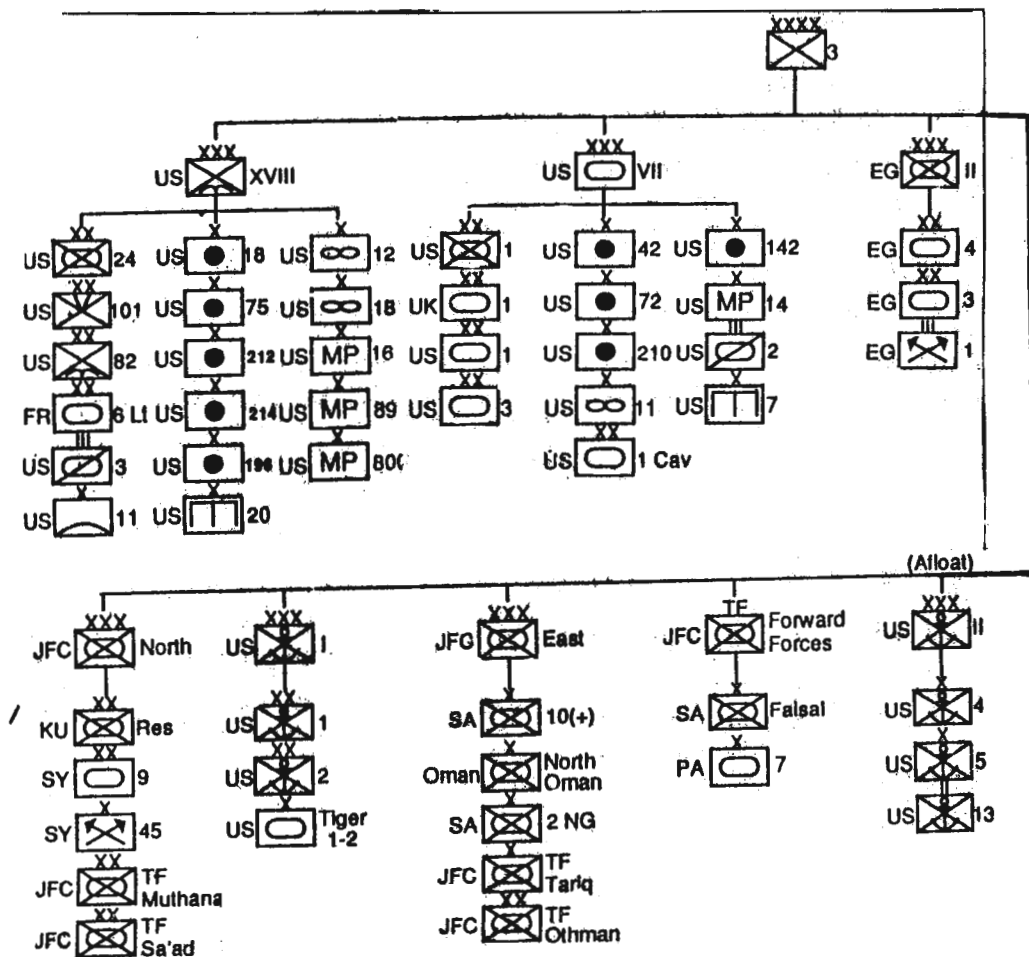
- لشکر سوم مکانیزه مصر
- تیپهای ۱۱۴ و ۱۰ مکانیزه و ۲۳ زرهی
- لشکر چهارم زرهی مصر
- هنگ ششم مکانیزه ، تیپهای دوم و سوم زرهی
- تیپ یکم رنجر مصر

سپاه هفتم ایالات متحده

- تیپهای دوم و یکم لشکر یکم سوار زرهی
- لشکر یکم پیاده مکانیزه :
- تیپهای یکم و دوم پیاده مکانیزه
- تیپ سوم لشکر دوم زرهی (زیرامر)
- تیپهای چهارم و هفتم لشکر یکم زرهی انگلستان
- تیپهای یکم ، دوم و سوم لشکر سوم زرهی
- تیپهای یکم ، دوم و سوم لشکر یکم زرهی
- هنگ دوم سوار زرهی
- تیپهای ۲۱۰ ، ۱۴۲ ، ۷۲ و ۴۴ توپخانه صحرائی
- تیپ هفتم مهندسی
- تیپ یازدهم هوا نیروز
- تیپ چهاردهم دژبان

سپاه هجدهم ایالات متحده

- لشکر ۲۴ پیاده مکانیزه :
- تیپ‌های یکم و دوم لشکر بیست و چهارم پیاده مکانیزه
- تیپ ۱۹۷ پیاده مکانیزه (زیرامر)
- هنگ‌های هجومی ۱۸۷، ۵۰۲ و ۳۲۷ از لشکر ۱۰۱ تهاجم هوایی
- هنگ‌های ۵۰۵، ۵۰۴ و ۳۲۵ چترباز از لشکر ۸۲ هوابرد
- لشکر ششم زرهی سبک فرانسه
- هنگ‌های سوم سوار زرهی
- تیپ‌های ۲۱۴، ۲۱۲، ۱۹۶، ۷۵ توپخانه صحرائی و تیپ ۱۸ هوابرد
- تیپ ۲۰ مهندسی
- تیپ‌های هیجدهم و دوازدهم هوانیروز
- تیپ‌های ۸۰۰، ۸۹ و ۱۶ دژبان



شمای سازمانی نیروهای متحدین در جنگ خلیج فارس

فصل چهارم

جنگ

نیل به تحرک استراتژیکی

هنگامیکه بوش رئیس جمهور ایالات متحده، دستور ورود نیروهای آمریکائی به خلیج فارس را صادر نمود در پشت این تصمیم ۱۰ سال تدارک و آماده سازی نهفته بود. مدت اندکی پس از تهاجم شوروی سابق به افغانستان در سال ۱۹۷۹، گروه رزمی مشترک واکنش سریع^۱ و بعدها جایگزین آن، فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکوم^۲) اقدام به طرح ریزی و بازی جنگ در منطقه نمود. سرعت اقدامات در طول عملیات ((سپر صحرا))^۳ در نتیجه این آمادگی بود.

تحرک استراتژیکی مفهومی بیش از توانایی ورود به یک منطقه بحران زده دارد. نیروهای باید قادر باشند در مواقع لزوم در منطقه ای تخلیه گردیده، برای مدتی بجنگند. ارتش آمریکا در پیرامون یک تحرک سه گانه استراتژیکی: ترابری هوایی، ترابری دریایی و استقرار در محل پیش بینی شده، به بحث می پردازد. نمونه کامل تر تقسیم بندی فوق، این تفکیکهای دو گانه را تشکیل می دهد: تاسیسات ثابت نظامی (بنادر و پایگاهها)، ترابری (هوایی و دریایی) و استقرار در محل پیش بینی شده (استقرار در خشکی و دریا).

تاسیسات ثابت نظامی

بنادر: فرماندهی مرکزی فوراً متوجه این موضوع گردید که ظرفیت فرودگاهها و بنادر ساحلی منطقه برای تخلیه سریع کشتی های ترابری وباری که قصدورودبه این مراکز را دارند کافی نمی باشد.

^۱ Rapid Deployment Joint Task Force

^۲ Central Command (CENTCOM)

^۳ Desert Shield

پایگاهها : فرماندهی مرکزی همچنین متوجه گردید که تعداد فرودگاههایی که جهت انجام پرواز هوایماهای تک ور مورد نیاز است ، کم می باشد .

فرماندهی مرکزی ، استراتژیهای مشابهی در زمینه کاهش مسائل مربوط به تاسیسات ثابت نظامی اتخاذ نمود و این امر موجب گردید که کمکهای خارجی تضمینی شود تا برخی از دولتهای منطقه قادر به ایجاد تاسیساتی گردند که در صورت لزوم، جهت استفاده نیروهای ایالات متحده نیز مفید واقع شود . ثروتمندترین دولتهای منطقه نیز تشویق شدند تا به ساخت فراوان تاسیسات دست بزنند (عربستان سعودی پنج پایگاه هوایی ایجاد نمود که هر یک به اندازه ای وسعت داشتند که می توانستند کل نیروهای هوایی عربستان را در خود جای بدهند) . در طول عملیات سپر صحرا ، در عبور و مرور، تراکم ایجاد شده ، خطوط پرواز بسیار پر رفت و آمد شده بودند اما این مشکلات بسیار کمتر از آنچه که در سال ۱۹۸۰ وجود داشت به نظر می رسید .

ترابری

ترابری هوایی : فرماندهی ترابری هوایی^۴ به اندازه کافی ، توانائی حمل و نقل و برآوردن نیازهای کلی ایالات متحده و حتی فرماندهی مرکزی را نداشت . در خلال سالهایی که ریگان طرح افزایش توان نیروی نظامی^۵ را ارائه نمود، با انجام یک سری ابتکارات و اقدامات ، تواناییهای حمل و نقل نیروی هوایی افزایش یافت . نیروی هوایی از طریق یک برنامه قدیمی که استفاده از

^۴ Military Airlift Command (MAC)

^۵ Buildup

ناوگان هواپیماهای احتیاط کشوری^۶ بود، ظرفیت بیشتری پیدا کرد و ضمناً با اجرای این برنامه توانست هواپیماهای مسافربری غیرنظامی و خدمه پرواز آن را به خدمت بگیرد. در مقایسه با هواپیماهای موجود که به سهولت می‌توانستند کلیه نیروهای مورد نیاز را ترابری کنند، تعداد هواپیماهای تجاری برای حمل و نقل محمولات ناچیز بودند. این مسئله باعث پیشرفت سریع صنعت حمل و نقل گردید. نیروی هوایی نیز به تغییر و اصلاح هواپیماهای مسافربری دست زد تا بدین وسیله جهت ترابری سریع محمولات توانائی لازم را داشته باشند.

ترابری دریایی*: فرماندهی ترابری دریایی (ام اس سی) برای حمل و نقل نیروهای آمریکایی یا فرماندهی مرکزی، آمادگی و امکانات کافی در اختیار نداشت. در گذشته نیروی دریایی آمریکا بدین منظور غالباً از ناوگان کشتی های تجاری دربرنامه های آمادگی رزمی خود استفاده می نمود و از طریق برنامه آماده باش ترابری دریایی، ناوگانهای تجاری خود را فرا می خواند. اما با این وجود تعداد این ناوگانها کاهش یافت و کشتیهای باقیمانده، کشتیهای بزرگ باری بودند که نیاز به تجهیزات مخصوص جهت محمولات داشتند که در حوزه عملیاتی فرماندهی مرکزی وجود نداشت. نیروی دریایی آمریکا چند فروند کشتی سریع السیر باری تهیه نمود که می توانستند در بنادر با آب و هوای نامطلوب، محموله خود را تخلیه نمایند و در نتیجه دیگر به کشتی های قدیمی که کارآیی چندانی نداشتند، نیازی نبود فرماندهی ترابری ایالات متحده در یکم

^۶ Civil Reserve Air Fleet (CRAF)

* Military Airlift Command (MAC)

ماه اکتبر سال ۱۹۸۶ تشکیل گردید تا این امکان را فراهم آورد که کلیه تجهیزات ترابری آمریکا بتوانند با یکدیگر همکاری موثری داشته باشند.

استقرار در محل پیش بینی شده

استقرار زمینی: فرماندهی مرکزی منی توانست دقیقاً از منطقه ای که قصد جنگ در آنرا داشت مطلع باشد و ضمناً تعدادی از دولتهای منطقه بنا به دلایل سیاسی به فرماندهی مرکزی اجازه استقرار در خاک خود را نمی دادند.

استقرار دریایی: فرماندهی مرکزی، استقرار نیرو و تجهیزات را در کشتیها به عنوان یکی از راه حلهای ممکن پیشنهاد نمود. کشتیهای مذکور در ابتدای بحران می توانستند به بندری در نزدیکی محل مأموریت خود عزیمت کنند. هنگام استفاده از این روش، اکثر وسایل و اقلامی که از قبل تعیین وضعیت شده اند، در محلهای نامناسب قرار خواهند گرفت ولی انتقال آمد و وسایل به آمادگاههای مورد نظر طبق این روش، از آوردن محموله ها - بطور مستقیم - از آمریکا به خلیج فارس، بسیار سریعتر انجام می گیرد.

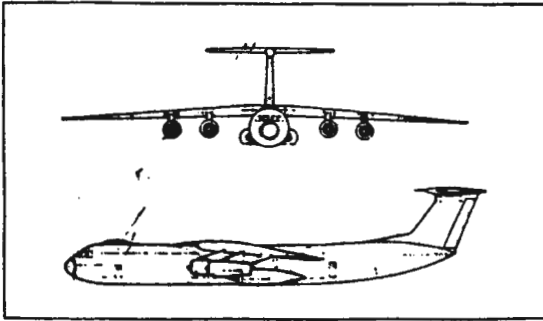
نیروی دریایی و تحرک استراتژیکی

نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا از لحاظ استراتژیکی در سرتاسر اقیانوسهای جهان تردد دارد ولی در آبهای داخلی خود کاملاً غیر متحرک می باشد. در مقایسه با افزایش توان نظامی نیروی زمینی و هوایی ایالات متحده که سرعت آنها بوسیله عوامل ((تحرک استراتژیکی)) محدود می گردد، افزایش توان نظامی نیروی دریایی تحت تاثیر سرعت کشتی های خود قرار می گیرد. به همین دلیل آبهای کم عمق و ممنوع خلیج فارس، عملیات ناوهای هواپیمابر را با اشکال مواجه می ساخت. ناوهای مذکور در آبهای با عمق زیادتر قابلیت تحرک

خوبی داشتند ولی البته در نتیجه دوری مسافت ، هواپیماهای برخاسته از عرشه آنها ناگزیر بودند تا حداکثر برد خود ، پرواز نمایند .

هواپیماهای ترابری

هواپیماهای استار لیفتر سی - ۱۴۱ بی



مشخصات :

تعداد خدمه : ۵ نفر

سرعت متوسط :

۴۱۵ گره

برد متوسط : ۳۵۰۰ مایل (بدون سوخت گیری مجدد)

بارمفید: ۱۳ پالت^۷ ، حداکثر ۸۹۰۰۰ پوند (هنگام عملیات خلیج ۷۵۰۰۰ پوند)

یا انواع خودروها یا ۲۰۰ نفر سرباز یا ۱۵۳ چتر باز یا ۱۰۳ نفر بیمار

همراه با افراد مراقبت کننده .

حداقل باند پرواز : ۶۰۰۰ فوت (با خدمه به تعداد متوسط)

موجودی : ۲۶۶ فروند

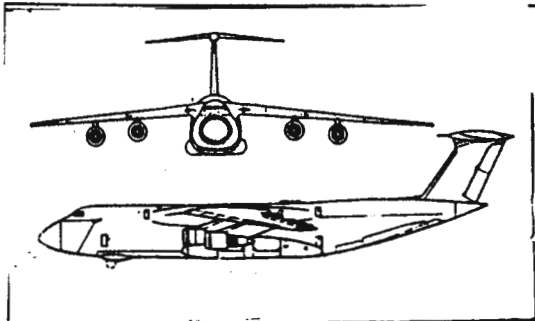
این نوع هواپیما پس از سال ۱۹۶۵ اوسيله سودمندی جهت حمل و نقل

نظامی بود . و ۲۸۵ فروند از آن تاکنون ساخته شده است . در اوایل دهه ۴۱۹۸۰

این هواپیماها ناوگان موجود به صورتی اصلاح شدند که بتوانند قابلیت حمل سه

پالت اضافی را داشته باشند و ضمناً سیستم سوخت گیری مجدد در هوا نیز به آن افزوده گردد .

هواپیمای گالاکسی^۸ سی - ۵ یا ۵ - بی



مشخصات :

خدمه : ۵ نفر

سرعت متوسط :

۴۳۰ گره

برد متوسط ۳۵۰۰ مایل (بدون سوخت گیری مجدد)

بار مفید : ۷۵ سرباز با ۳۶ پالت ، حداکثر به وزن ۲۹۱۰۰۰ پوند ، یا انواع

خودروها یا یک تانک ام - یک یا ۲۷۰ نفر سرباز

حداقل باند پرواز : ۶۰۰۰ فوت (با خدمه به تعداد متوسط)

موجودی: ۸۹ فروند هواپیمای سی - ۵ و ۵۰ فروند هواپیمای سی - ۵ بی

هواپیماهای سی - ۵ پس از سال ۱۹۷۰ عملاً مورد استفاده قرار گرفته

است و حمل و نقل محمولاتی را که سایر هواپیماها قادر به انجام آن نیستند ،

انجام می دهد . محمولاتی که در طول جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳ به

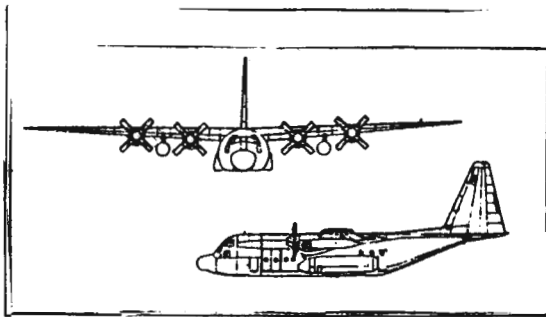
اسرائیل حمل گردید برتری و قابلیت سوخت گیری مجدد این هواپیما در هوا را

به نحو کاملاً موفقیت آمیزی نشان داد . مفید بودن این قابلیت هواپیما

موجب گردید تا در مورد تغییر و تحول هواپیماهای ((سی - ۱۴۱)) بگونه ای

که آنها نیز قابلیت سوخت گیری مجدد در هوا را داشته باشند ، تصمیم گیری شود . در ضمن به لحاظ کمبود تحرک استراتژیکی ، در اواخر دهه ۱۹۸۰ ، پنجاه فروند هواپیمای ((سی - ۵ بی)) پیشرفته تر به ناوگان هوایی آمریکا افزوده شد .

هواپیمای هرکولس سی - ۱۳۰ (هرکی برد)^۹



مشخصات :

خدمه : ۵ نفر

سرعت متوسط :

۲۷۰ گره

برد مفید : ۲۵۰۰ مایل

بار مفید : ۵ پالت به وزن حداکثر پنجاه هزار پوند یا ۹۲ سرباز ، یا

۶۴ چتر باز یا ۷۴ مجروح

حداقل باند پرواز : ۳۰۰۰ فوت (با خدمه به تعداد متوسط)

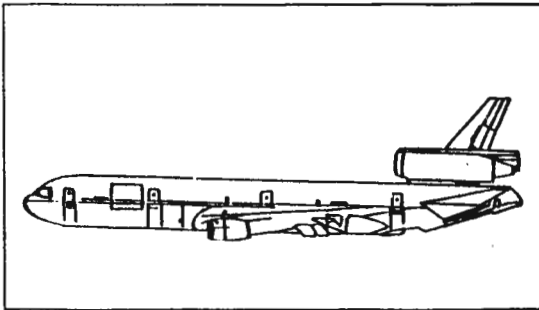
موجودی : ۴۹۲ فروند

هواپیمای مذکور رسماً به عنوان وسیله ترابری نظامی مورد استفاده قرار گرفته و کارکرد متنوع آن در عصر حاضر از این هواپیما یک نوع افسانه ساخته است . پس از گذشت حدود چهل سال از اولین پرواز ، هنوز در خط تولید قرار دارد و شاید بتوان گفت هواپیمای ((سی - ۱۳۰)) پر استفاده ترین هواپیما در تاریخ هواپیمائی جهان می باشد . تعداد کشورهائی که نیروی هوائی آنها از این

^۹ Herky Bird

هواپیما استفاده نمی‌کنند، انگشت شمارند. هواپیماهای هرکولس در طول عملیات طوفان صحرا ابتدا تجهیزات پیش بینی شده سنتکوم را از محل خود به مناطقی که ضرورت پیدا می‌کرد، انتقال دادند و سپس محمولات را از اروپا و خاور دور به پایگاههای مورد استفاده نیروهای متحدین حمل کردند.

هواپیمای اکستندر^{۱۰} کی سی - ۱۰ آ



مشخصات:

خدمه : ۴ نفر
سرعت متوسط :
۴۶۵ گره

برد مفید : ۴۳۷۰ مایل

بار مفید : ۲۷ پالت به وزن ۱۷۰۰۰۰ پوند به اضافه ۷۵ مسافر

حداقل باند پرواز : ۷۰۰ فوت (با خدمه به تعداد متوسط)

موجودی : ۵۹ فروند

این نوع هواپیما که بر اساس هواپیمای تجاری دی سی-۱۰ طراحی گردیده در سال ۱۹۸۱ وارد خدمت در نیروهای مسلح شدند. مأموریت اولیه این هواپیما افزایش تحرک استراتژیکی هواپیماهای نظامی می‌باشد و وظیفه آن ترابری و سوخت رسانی هوایی است. پرسنل تعمیر و نگهداری یگان هواپیمای جنگنده می‌توانند با هواپیمای کی سی-۱۰ آ پرواز کرده و به هواپیماهای یگان خود که دارای شکل و وضعیت مشابه می‌باشند سوخت برسانند.

^{۱۰}Extender

راه کارهای موجود جهت نیل به تحرک استراتژیکی

حمل و نقل هوایی

۱. پر هزینه ترین راه کار می باشد .
۲. بسیار سریع السیر است .
۳. دارای قابلیت تحرک و انعطاف پذیری بسیار می باشد .
۴. ظرفیت حمل محمولات محدود است .
۵. غالباً به فرودگاه نیاز دارد .
۶. هواپیما ناوگان احتیاط کشوری و هواپیماهای کی سی - ۱۰ به تجهیزات مخصوص جهت تخلیه محمولات نیاز دارند .

حمل و نقل دریایی

۱. کم هزینه ترین راه کار می باشد .
۲. میزان سرعت آن کم یا بسیار کم می باشد .
۳. تا اندازه ای دارای انعطاف پذیری است .
۴. دارای ظرفیت حمل بار زیاد می باشد (یک کشتی متوسط می تواند ۲۴۰ برابر وزن محموله هواپیمای گالاکسی سی - ۵ بار حمل نماید)
۵. اکثر کشتیهای غیر نظامی به تجهیزات مخصوص این نوع حمل محمولات نیاز دارند .
۶. اغلب به بندر نیاز دارند .

حمل و نقل زمینی

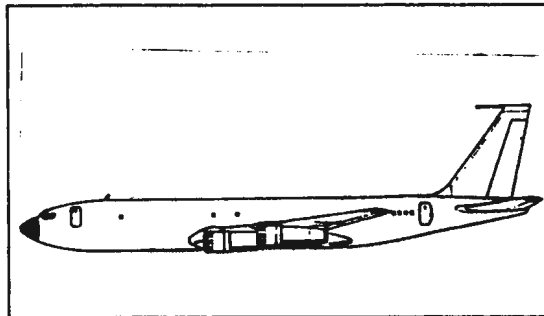
۱. پر هزینه می باشد .
۲. نیاز به کسب اجازه از دولت میزبان دارد .

۳. مستلزم تماس و برقراری ارتباط با نیروها می باشد .
۴. فاقد انعطاف پذیری است .
۵. به تجهیزات و وسایل بالا بر کمتری نیاز دارد .
۶. در مقابل تک دشمن آسیب پذیر می باشد .

حمل و نقل در مناطق پیش بینی شده دریائی

۱. از لحاظ پرهزینه بودن در دومین رده قرار دارد .
۲. مستلزم تماس و برقراری ارتباط با نیروها می باشد .
۳. تا اندازه ای دارای انعطاف پذیری است .
۴. نسبتا به بنادر دریایی وابسته است .
۵. کشتیها پس از تخلیه می توانند جهت حمل و نقل دریائی مورد استفاده قرار گیرند .
۶. در مقابل تک دشمن و اوضاع جوی آسیب پذیر بوده و امکان غرق شدن کشتیها در آن زیاد است .
۷. به تجهیزات و وسایل بالابر کمتری نیاز دارد .

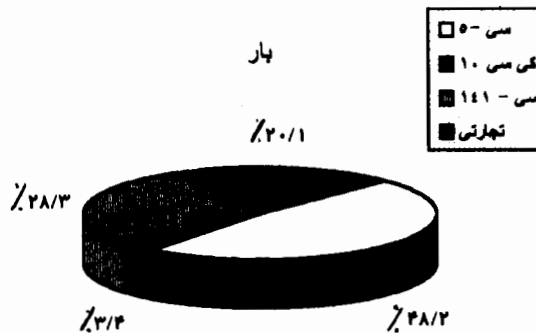
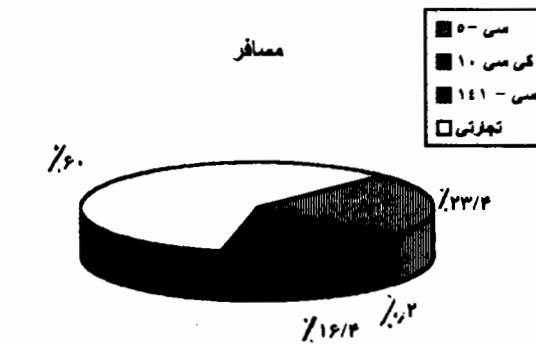
هوایماهای ترابری غیر نظامی احتیاط CRAF Airliner



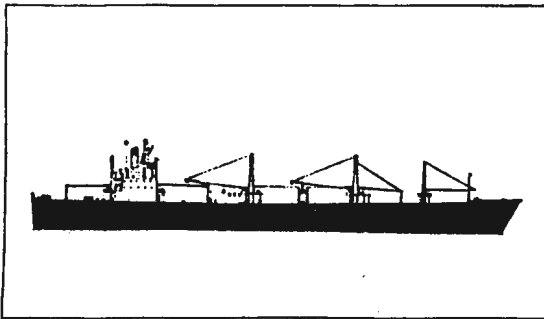
چون مدل های مختلفی از این هوایماهای ترابری غیر نظامی وجود دارد ، می توان برای آنها مشخصات مشترکی را ذکر نمود : این نوع هوایماها قابلیت

تجدید سوخت گیری در هوا را نداشته و به باند فرود بسیار طولانی نیاز دارند و تعداد اندکی از این هواپیماها قابلیت حمل محمولات را دارا می باشند. بعلت بالهای کوتاه و طرح مخصوص درب های این نوع هواپیما که در قسمت فوقانی قرار دارد، تجهیزات مخصوص حمل و نقل آماد که فقط در فرودگاههای اصلی یافت می شود، مورد نیاز خواهد بود.

«تعداد مسافر و مقدار بارهای حمل شده با هواپیما های مختلف در عملیات سپر صحرا»

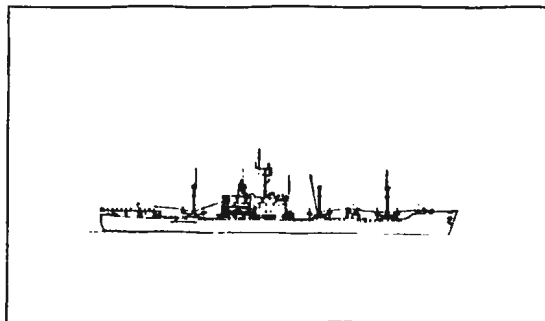


کشتیهای ترابری کانتینردار Containerized Sealifter



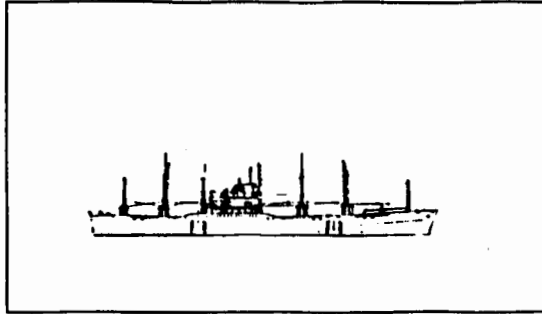
کارایی این نوع کشتی موجب گردیده که امروزه به صورت عمومی ترین کشتی باری در آید . متأسفانه بسیاری از بنادری که ممکن است ارتش جهت اعزام ناوها به مأموریت نیاز داشته باشد ، دارای تجهیزات مخصوص تخلیه بار اینگونه کشتیها نمی باشند و حتی در بنادری که تجهیزات مذکور موجود می باشد ، ممکن است حمله دشمن را مختل سازد .

کشتیهای ترابری (Dry- Cargo Sealifter)



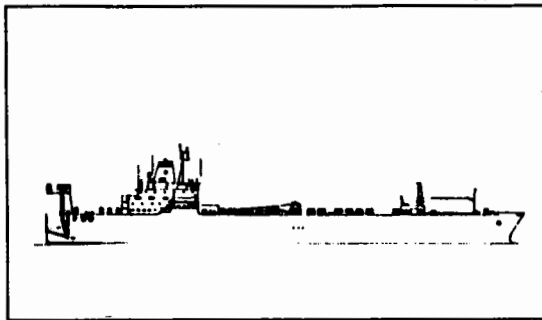
این نوع کشتی باری برای تخلیه محمولات به بنادر کوچکی که عمومی ترین تجهیزات تخلیه محموله را داشته باشد، نیاز دارد . تعداد کشتیهای فوق الذکر که در سرویس تجاری قرار دارند ، در حال کاهش است ولی همین

کشتیهای بارگیری مستقیم (Rou- On / Roll - Off (Ro- Ro)



این نوع کشتی این امکان را فراهم می‌نماید که وسایل نقلیه به سهولت وارد آن یا از آن خارج شوند و بدین خاطر در نزد طراحان نظامی از محبوبیت و شهرت خاصی برخوردار است زیرا بدون نیاز به تجهیزات مخصوص و یابدون آسیب پذیر می‌تواند به سهولت در هر باراندازی محموله ها را تخلیه و یا بارگیری کند . متأسفانه این نوع کشتی کاربرد تجاری نسبتاً ناچیزی دارد و در صورتیکه نیروی نظامی در مواقع بحرانی به چندین فروند از این نوع کشتی نیاز داشته باشد باید اکثر آنها را به گونه ای خریداری نماید .

کشتیهای دوبه بر^{۱۱}



^{۱۱}Lash (Lighter - Aboard - Ship)

این نوع کشتیها می‌توانند با استفاده از دویه های کم عمقی که حمل می‌نمایند به بارگیری و تخلیه محمولات پردازند که این خودمزیتی قابل توجه محسوب می‌شود. متأسفانه مانند مورد قبل، این نوع کشتی هم کاربرد تجاری نسبتاً ناچیزی دارد و در صورتیکه نیروی نظامی در مواقع بحرانی به چندین فروند از آنها نیاز داشته باشد، باید تعداد مورد نیاز خود را به طریقی خریداری نماید.

ناوگان احتیاط آماده

وجوه مربوط به بودجه نیروی دریایی آمریکا چندین سال است که به منظور حفظ و نگهداری تعدادی از کشتیهای باری ذخیره، به سازمان کشتیرانی اختصاص یافته است. بسیاری از برنامه ریزیهای بکارگیری نیروهای آمریکا بر این اصل قرار گرفت که کشتیهای مذکور در زمان مقتضی برای جنگ خلیج فارس در دسترس باشند. برنامه این بود که کشتیها ظرف پنج روز جهت انجام وظیفه آماده شوند. اما از شانزده فروند کشتی فرا خوانده شده تنها سه فروند کشتی به موقع حضور پیدا کردند و یازده فروند کشتی دیگر تا پانزده روز بعد از آن در دریا سرگردان بودند و فروند کشتی نیز برای عملیات علیه عراق اصلاً آماده نشدند و یک فروند کشتی هم هشت ساعت پس از ترک بندر خراب شد.

بیش از چهل فروند کشتی از ناوگان احتیاط فرا خوانده شدند. اما بعلت وجود مسائل متعدد در رابطه با فرا خواندن کشتیهای مذکور، تاخیر طولانی در اعزام اولین لشکرهای سنگین (لشکر سوارزهی یکم و لشکر ۲۴ مکانیزه) به عربستان سعودی موجب گردید: فرماندهی ترابری دریایی، سی فروند کشتی دیگر را کرایه نمود و تا ماه نوامبر (یعنی هنگامیکه قرار شد تجهیزات سنگین آمریکا از اروپا به خلیج فارس منتقل شود) این روش ادامه یافت. به هر حال به دلیل وجود این مشکل و شاید به علت تغییرات سیاست جهانی، نیروی دریایی

آمریکا تصمیم گرفت تعدادی کشتی ترابری روسی را که به غلتک های* بارگیری مستقیم مجهز بودند برای حمل و نقل تانکهای آمریکایی به خلیج فارس ، اجاره کند .

طرح ریزی نقشه تک پیروزی

طرح ریزی عملیات آفندی طوفان صحراحتی درزمانیکه نیروهای متحدین قصد تجمع داشتند ، شروع شده بود. عملیات آفندی مذکور قرار بود در دو مرحله اجرا شود: بمباران سنگین و مداوم هوایی همراه و سپس آفندپر قدرت سریع زمینی به منظور انهدام کامل نیروهای عراقی مستقر در صحنه عملیات کویت .

ژنرال ((چارلز هورنر)) فرماندهی هوایی عملیات سپر صحرا ، ستاد تخصصی طرح ریزی کننده را گرد آورد که سرهنگ ((ای واردن)) -که شهرتش بیشتر به خاطر کتاب رزم هوایی : طرح ریزی برای نبرد می باشد- یکی از عناصر آن بود. سپس او تصمیم گرفت نقشه نبردی را طرح کند که موجب تضعیف و ناتوانی نیروهای عراقی شود .

در همان زمان ، طرح کلی نبرد زمینی ریخته شد . صدام حسین منتظر تهاجم متحدین به مرزهای کویت بود و اکثر نیروهای خود را در آن مناطق متمرکز نموده بود . نیروهای مذکور توسط لشکریهای زرهی و مکانیزه پشتیبانی می شدند و کل این سازمان هم توسط فرماندهی نیروهای گارد جمهوری پشتیبانی می شد . این نیرو که به استعداد هفت لشکر بود از جهات مختلف نیروی اصلی عراق را تشکیل می داد ، زیرا نه تنها تواناترین نیروهای رزمی عراقیها محسوب می شد بلکه از اهمیت سیاسی فراوانی نیز برخوردار بود . رابطه نزدیک

صدام با گارد جمهوری و ماموریت این گارد در حفظ صدام در راس هرم قدرت ، موجب گردید که این نیرو ، خود هدف مهمی برای متحدین به شمار آید . در هر نبردی نکته مهم این است که مراکز ثقل دشمن^{۱۲} شناسائی و حداکثر تلاش در آن نقطه متمرکز گردد . با شناسائی گارد جمهوری به عنوان مرکز ثقل عراقیها، تعداد کثیری از نفرات یگانهای مکانیزه سنگین متحدین مامور شدند تا از مناطق پدافندی نیروهای عراقی عبور نموده ، ضربه مستقیمی به گارد جمهوری وارد سازند .

جهت موفقیت انجام این امر می‌بایست به سه مسأله کلی توجه شود :

۱ - سیاست ۲ - امنیت ۳ - لجستیک .

۱- سیاست

بمنظور عبور از مناطق پدافندی نیروهای عراقی و دور زدن آن ، لازم بود که نیروهای متحدین سریعاً در خاک عراق وارد شوند . هنگامی که ایالات متحده و متحدین اروپایی آن (فرانسه و انگلیس) جهت انجام عملیات در داخل خاک عراق مهیا شدند ، اختلاف عقاید موجود در کشورهای اسلامی راجع به عملکرد متحدین ، بکارگیری نیروهای مذکور را در این وضعیت بسیار دشوار نمود . (در واقع اکثر دولتهای مذکور علناً به مردم خود اطمینان دادند که نیروهایشان به خاک عراق وارد نخواهند شد) . در نتیجه استفاده از نیروهای ایالات متحده ، انگلستان و فرانسه به عنوان نیروهای جناحی و نیروهای ائتلاف جهت حمله به کویت ضرورت پیدا کرد .

تحمیل ماموریت انهدام نیروهای عراق در بدترین منطقه جبهه به اعضا غیر اروپائی ، در صورتی که نیروهای ایالات متحده فقط مسئول پیشروی در

جناح باشند ، کار عاقلانه ای نبود . از این رو تفنگداران دریائی آمریکا به صورتی مستقر گردیدند که بتوانند به مرز عراق تکهای نفوذی انجام داده و آماده همکاری جهت مقابله با هر حمله آبی خاکی عراقیها در ساحل کویت باشند .

۲- امنیت

صدام مجبور بود نیروهایش را به کویت سرازیر کند. این امر صرفاً باعث شد که آنها را در یک زندان غیرقابل فرار قرار دهد و این دام مرگ به محض تنگ تر شدن محاصره نیروهای متحدین گسترده تر شد . با این وجود صدام مجبور بود که به اینکار ادامه بدهد و بنابراین هدف و نقشه نیروهای متحدین می‌بایست از عراقیها مخفی بماند . بدین ترتیب کلیه نیروهای آمریکایی تا زمانی که تهاجم هوایی کاملاً اجرا شود، به جنوب کویت گسیل داده شدند . به مجرد اینکه توانایی عراق جهت هدایت شناسایی هوایی فلج گردید، نیروهای سنگین می‌توانستند از سمت غرب به منطقه تجمع شان حرکت کنند ، ولی قبل از انجام این کار نمی‌بایست تحرکاتی را انجام دهند .

تجمع گشتیهای تهاجمی تفنگداران دریایی ، نیروهای مشترک عرب و همچنین لشکر یکم سوار زرهی درمرزکویت ، این تصور را در ذهن عراقیها ایجاد می‌نمود که حملات سنگین متحدین در آنجا در حال وقوع است . حملات تفنگداران دریایی و لشکر یکم سوارزرهی آنچنان قاطعانه بود که عراقیها تصور کردند این همان حمله مورد انتظار است که ۲۴ ساعت زودتر آغاز گردیده است .

۳- لجستیک

نیروهای سنگین جدید مقادیر چشمگیری از منابع و ذخایر را مصرف می‌کنند و لذا جهت برآوردن این نیاز می‌بایست انبارهای بزرگی در سمت غرب در امتداد مرز عراق ایجاد می‌شود . به محض شروع جنگ ، اکثر تجهیزات

و خودروهای نظامی کاملاً مورد استفاده نیروهای خط مقدم قرار گرفت. یعنی به عبارتی انبارها سریعاً تخلیه شد و بدین لحاظ تمام منابع و ذخایر مورد نیاز پیشاپیش تخلیه گشتند. جهت حصول اطمینان در این زمینه، برای یک حمله شش هفته ای آذوقه و تدارکات تهیه گردید.

عناصر تامینی در این مرحله دخالت کردند. قبل از شروع نبرد هوایی امکان اجرای عملیات آماد و ترابری وجود نداشت زیرا هواپیماهای شناسایی و تجسس که در بالای مرز کویت پرواز می کردند، ممکن بود فعالیت نیروهای متحدین را مشاهده کرده، از قصد و تصمیم آنها باخبر شوند. بنابراین حرکت خودروهای ترابری آماد به طرف غرب می بایست تا زمانی که نبرد هوایی شروع می شد، متوقف گردد. ترابری این آماد و وسایل بایستی اجباراً با استفاده از همان راههای مورد استفاده لشکریان متحدین و بطور همزمان انجام می گرفت که این خود مشکلات موجود را زیادتر می نمود.

معرفی فرماندهان نیروهای نظامی آمریکا

ژنرال نورمن شوارتسکف از نیروی زمینی ارتش ایالات متحده، فرمانده تیزهوش و استثنائی فرماندهی مرکزی آمریکا می باشد. غالباً او را با ژنرال پتن مقایسه می نمایند و ژنرالهای آینده آمریکا را نیز با او مقایسه خواهند نمود. در ارتش غالباً به او عنوان نورمن خشمگین می دهند ولی او لقب خانوادگی خودش یعنی ((خرس))^{۱۳} را ترجیح می دهد.

ژنرال ((کالوین والرز)) از ارتش ایالات متحده جانشین ژنرال شوارتسکف می باشد. او در طول عملیات آفندی به جای سپهد جان یوساک، فرماندهی ارتش سوم را به عهده داشت.

¹³ Bear

سپهد جان یوساک از نیروی زمینی ارتش ایالات متحده ، افسری است پرکار و سخت کوش . نامبرده فرمانده ارتش سوم غیر از وست پوینت است . از ویژگیهای شخصی او می توان هوش زیاد و قاطعیت را نام برد . هر چند جان یوساک یک هفته قبل از شروع نبرد زمینی جنگ خلیج بیمار شد ولی ارتش سوم را از قبل برای یک پیروزی درخشان آماده کرده بود .

سپهد چارلز هورنر از نیروی هوایی ایالات متحده فرماندهی مرکز نیروهای مشترک هوایی را به عهده داشته و برای همکاری نزدیک با نیروی زمینی مستقر در عربستان سعودی ، در تمام مراحل با ژنرال یوساک هماهنگی کامل داشته و در یک مکان اقامت داشتند .

دریابان استانیلی آرتور از نیروی دریایی ارتش ایالات متحده ، فرمانده ناوگان هفتم ایالات متحده بوده ، فعالیت های ۱۲۰ فروند کشتی ایالات متحده و ۵۰ فروند کشتی نیروهای متحدین را هماهنگ می نمود . او در جنگ ویتنام دارای بیش از ۵۰۰ ماموریت پروازی بوده ، نشان صلیب پرواز را دریافت کرده است .

سپهدوالتر بومر ، جمعی نیروی تفنگداران دریایی ایالات متحده می باشد وی که فرماندهی کل نیروهای تفنگداران دریایی در خلیج فارس را به عهده داشته ، در این مورد نقل می کند : ((ما در جنگ ویتنام مرتکب اشتباهات فاحشی شدیم و دیگر نمی خواهیم آن خطاها را تکرار کنیم)) .

سرلشکر رابرت جانسون رئیس ستاد نیروی تفنگداران دریایی ایالات متحده ، در اسکاتلند متولد گردید و در همان جا هم بزرگ شد . در سن ۱۸ سالگی به آمریکا مهاجرت نمود و به سپاه تفنگداران دریایی پیوست . رابرت جانسون کارکنان ستاد را که هفتصد نفر بودند ، در یک مدت کوتاه از فلوریدا به

عربستان سعودی منتقل نمود. وی مسئولیت هماهنگی ستاد را که ((شوالیه های جدی))^{۱۴} نامیده می شد برعهده داشت.

سرلشکر ویلیام پاگونیس جمعی نیروی زمینی ارتش ایالات متحده، فرمانده لجستیک عملیات طوفان صحرا و دارای سوابق نظامی درخشان می باشد. یک ژنرال آمریکایی در این مورد می گوید: ((به نظر من فعالیتهای لجستیکی این عملیات، یکی از اقدامات بسیار عالی است که تاکنون انجام شده و در تاریخ ثبت خواهد شد. ما کل سپاه تفنگداران دریایی را که تعداد آنها متجاوز از ۱۰۰۰۰۰ نفر بود، به مسافت بیش از ۳۰۰ مایل و عمدتاً در طول جاده تب لاین^{۱۵} انتقال دادیم و این مأموریت در طی شانزده روز با کلیه پشتیبانی های خدمات رزمی، لجستیکی و مهماتی انجام گرفت)).

معرفی فرماندهان نظامی نیروهای عراقی

مارشال^{۱۶} ستاد ((صدام حسین))، فرمانده کل قوای عراق می باشد. او خود شخصاً حمله به شهر خفجی را طرح ریزی و با دقتی مو شکافانه استقرار نیروها را در صحنه عملیات کویت رهبری نمود. صدام حسین هیچ گونه سابقه خدمت در ارتش حتی به عنوان یک درجه دار را هم نداشته است.

ژنرال ((عدنان خیرالله))، برادر همسر صدام حسین بود و، گارد جمهوری را در مراحل نهایی جنگ ایران و عراق در پی یک سری پیروزیهای قاطع در جبهه جنوبی رهبری نمود و پس از جنگ، عهده دار وزارت دفاع شد: ژنرال عدنان خیرالله، فردی با استعداد و کار آمد بود و شهرت خاص داشت. او

^{۱۴} Jedi Knights

^{۱۵} Tap Line

^{۱۶} Marshal

در ماه مه سال ۱۹۸۹ در یک سانحه هوایی (سقوط هلیکوپتر) کشته شد و سپس ژنرال عبدالجبار شنشال که مخالف با ادامه جنگ بود ، بجای او منصوب گردید . وی در ماه دسامبر سال ۱۹۹۰ از مقام وزارت دفاع عزل گردید و ژنرال سعدی طعمه عباس که فردی مطیع و متملق بود ، جایگزین او شد .

ژنرال نزار عبدالکریم الخزرجی، افسری است که سابقه درخشانی در ستاد و نبردها داشته است . وی در پایان جنگ عراق با ایران و در طول حمله عراق به کویت رئیس ستاد بود . ژنرال نزار بعد از جنگ خلیج فارس برکنار شد و ژنرال حسن التکریتی که فردی مزدور و با صدام حسین از یک زادگاه بود به جای او منصوب گردید .

سپهد ماهر عبدالرشید : وی موجب پیروزی سپاههای دوم و سوم در پایان جنگ ایران و عراق شد . او فرماندهی متفکر بوده ، در طول جنگ ، قهرمان ملی عراق گردید و دخترش نیز با پسر کوچک صدام ازدواج کرد . وی به علت رفتار و برخورد تبعیض آمیزش نسبت به گارد ریاست جمهوری، مورد اعتراض قرار گرفت و در تابستان ۱۹۸۸ از فرماندهی برکنار گردید و طبق اطلاعات واصله در حال حاضر تحت نظرمی باشد .

ژنرال جعفر عبدالرشید : وی پسر عموی سپهد ماهر عبدالرشید و یک فرمانده رزمی مجرب و موفق بود. ژنرال جعفر عبدالرشید در اوایل سال ۱۹۸۸ در یک سانحه هوایی هلیکوپتر کشته شد .

ژنرال عبدالعزيز ابراهیم الحدیثی : وی فرمانده مجرب و موفقی بوده ، در سال ۱۹۸۸ در یک سانحه هوایی هلیکوپتر کشته شد .

ژنرال سلمان شجاع : او فرمانده رزمی موفق و مجربی بود . نامبرده در یک سانحه هوایی هلیکوپتر کشته شد .

سپهد صالح عبود : وی فرمانده سپاه سوم عراق در طول حملات به شهر خفجی و عملیات تهاجمی بعدی بود . سپهد صالح عبود ژنرال سیاسی گمنامی بود که در طول جنگ عراق با ایران سمت فرماندهی مهمی را به عهده نداشت .

نبرد هوایی

پنج هفته و نیم اول عملیات طوفان صحرا ، جنگ هوایی و صد ساعت آخر آن جنگ زمینی نامیده شد . این بدان معنی است که در عملیات خلیج فارس فارس دو نبرد مستقل و مجزا اجرا گردید که ارتباطی با یکدیگر نداشتند . تاریخ نویسان جنگ خلیج فارس علت این امر را تخصصی بودن بیش از اندازه ویاکوته نظری عناصر تصمیم گیرنده می‌دانند که البته این نظریه قابل قبول نیست . در واقع مانند سایر جنگها ، در طرح نبرد نیروهای ائتلاف ، عوامل رزم هوایی ، زمینی ، دریایی و حتی سیاسی در هم ادغام شده بودند . منظور ما از رزم هوایی صرفاً مرحله میانی جنگ است که با تجاوز عراق به کویت شروع شد و با نابودی واقعی کلیه نیروهای عراقی در صحنه عملیات کویت به پایان رسید .

افراد متخصص و هوشمند

شهرت عمده عملیات طوفان صحرا بعثت وجود جنگ افزارهای هدفیاب بود و بدون شک تسلیحات فوق ، جان افراد بیشماری از سربازان نیروهای متحدین و همچنین غیرنظامیان عراقی را از مرگ نجات داد . اما در پیروزی بی نظیر نیروهای متحدین این سلاحها تنها عامل تعیین کننده به شمار نمی‌آید و باید این مطلب را در نظر گرفت که نیروی هوایی عراق هم مجهز به این نوع جنگ افزار بوده است . درواقع تصمیمات اتخاذ شده توسط افرادمتخصص وهوشمند ،

نحوه استفاده از بمبهای هدف یاب و این که کدام نیرو از آن استفاده کند را مشخص ساخت .

طرح نبرد

با درسی که از جنگ ویتنام گرفته شده بود نقشه رزم هوایی مورد توجه و دقت قرار گرفت . در طول جنگ ویتنام ، پنج نیروی هوایی بود که کم و بیش مأموریتهایی را به عهده داشتند. آنها عبارت بودند از: نیروی هوایی ویتنام جنوبی، نیروی هوایی ایالات متحده ، هواپیمایی نیروی دریایی ایالات متحده ، هواپیماهای تفنگداران دریایی آمریکا و هواپیمایی فرماندهی نیروی هوایی استراتژیک . ژنرال شوار تسکف که خود در اصل دانشجوی تاریخ نظامی و بخصوص در زمینه نبرد ویتنام بود، از فرصتهای از دست رفته ای که عدم وجود یک فرماندهی هوایی واحد بوجود می آورد ، مطلع بود و از ابتدا صریحاً اعلام نمود که فقط یک مقام فرماندهی برای نیروهای هوایی متحدین وجود دارد و آن هم ژنرال نیروی هوایی آمریکا ((چارلز هورنر)) می باشد . ژنرال هورنر یک تیم کوچک برنامه ریزی همراه با نمایندگان هر یک از نیروهای مذکور تشکیل داد . این تیم نه تنها از خلبانان تشکیل شده بود بلکه متخصصین علم لجستیک و علوم اطلاعاتی نیز در آن شرکت داشتند . سایر نیروهای هوایی متحدین در طرح این نقشه فعالانه شرکت کردند . نقشه فوق خیلی جامع تر از فهرست مشخصات هدفها بود . در این طرح ، روند مورد تک قرار گرفتن هدفها به علت وجود تاثیر احتمالی آن بر روی تلفات و ضایعات خودی و اهداف کلی جنگ ، دقیقاً مورد بررسی قرار گرفت و توانایی های نیروهای متحد ، مشخص گردید . خود شوار تسکف به اجرای این طرح علاقه زیادی داشت .

خلاصه طرح

این نقشه نیاز به قدرت هوایی در هر یک از مناطق اصلی اجرای تک هوایی و انتقال تلاش رزمی در هنگام پیشرفت نبرد را بشرح زیر داشت :

۱. اولین تلاش، صرف بدست آوردن کنترل هوایی می‌شد و این کار با استفاده از چند هواپیما که مهمترین اهداف استراتژیکی را می‌کوبیدند و هواپیماهای بی - ۵۲ که گارد جمهوری را مورد حمله قرار می‌دادند ، انجام می‌گرفت .

۲. هنگامیکه برتری نسبی هوایی بدست آمد، اهمیت بیشتری به اهداف استراتژیکی ، عملیات بازدارنده و انهدام نیروی زمینی عراق داده شد .

۳. در آخر، همینکه برتری مطلق هوایی حاصل گردید ، و اکثر اهداف منهدم شدند ، تلاش فراوانی صرف قطع کردن ارتباط نیروی زمینی عراق در صحنه عملیات کویت از طریق عملیات بازدارنده و نابودی آن با حمله مستقیم هوایی می‌گردید .

در دقایق نخستین

یکی از مشکلاتی که هنگام نوشتن وقایع جنگ خلیج فارس با آن مواجه هستیم اینست که باید عوامل ایجاد این مخاصمه را دسته بندی کرده ، مشخص سازیم . اما در این مورد نیروهای دو طرف متخاصم شلیک اولین گلوله را که منجر به جنگ خلیج فارس شد متوجه طرف دیگر می‌دانند بنا به گزارش ، اولین اقدام خصومت آمیز زمانی صورت گرفت که تیم نیروهای ویژه نیروی زمینی آمریکا ، رادارهای مجاور عراق را دچار اختلال نمودند تا هواپیماهای نیروهای متحدین بدون اینکه شناسایی شوند از این شکاف عبور کنند . در اقدام خصومت آمیز دیگر، موشکهای کروز نیروی دریایی بگونه ای از لحاظ زمانی تنظیم شده بودند

که در یک زمان به هدفهای مربوطه اصابت کنند که این عمل ضمن ایجاد اختلال در منطقه ، باعث می‌شد کلیه هواپیماهای سرنشین دار با استفاده از این موقعیت عملیات نفوذی خود را اجرا کنند . در یک گزارش دیگر اولین بمب توسط یک هواپیمای ((اف - ۱۱۷ آ)) به قرارگاه نیروی هوایی عراق پرتاب گردید و در آخر گزارش ، این باور وجود دارد که اولین گلوله ها از طرف دو هلیکوپتر دریایی که یک پست استراق سمع و تجهیزات الکترونیکی عراق را از کار انداختند، شلیک شده بود . واقعیت هر چه باشد، علی رغم ادعاهای ضد و نقیض طرفین ، بالاخره آشکار می شود. ضمناً رزم هوایی ، امری مهمتر از تلاشهای عادی نیروی هوایی می باشد .

نخستین اقدام

نخستین اقدامی که پس از جریانات پیش گفته به عمل آمد ، استفاده نمودند از حرکات مخفیانه و اصل غافلگیری جهت ضربه زدن به اهداف کاملاً پدافندشده وبا ارزش عراق بود . سپس نیروهای متحدین باحملات غافلگیرانه خود ، سیستم دید پدافند هوایی منسجم عراق را کور کرده ودر ارتباطات آنها اختلال و وقفه ایجاد نمودند تا باقی هواپیماهای مهاجم متحدین به حریم هوایی عراق وارد شوند .

اهدافی که در آن شب اولویت ویژه داشت ، عبارت بود از: اهدافی که انهدام آنها تلفات نیروهای متحدین را در طول عملیات به حداقل می رسانید . بنابراین مواضع ثابت موشکهای اسکاد و سکوهاى متحرک پرتاب که کشف می شدند، از اولویت خاصی برخوردار بود .

یکی از اولویتهائی که اهمیت فوق العاده ای داشت ضربه زدن به نیروی هوایی عراق بود . هواپیماهای تورنادوی نیروی هوایی سلطنتی از این

لحاظ از سرعت و کارایی بسیار خوبی برخوردار بودند ولی به علت آنکه عراقیها از اهمیت پایگاههای هوایی خود آگاهی داشتند و به شدت از آنها دفاع می‌کردند، نیروی هوایی سلطنتی در طول هفته اول، بیشترین درصد خسارات را در بین انواع هواپیماها در طول جنگ متحمل گردید.

انهدام کامل موشکهای سام^{۱۷} عراق در شب اول بسیار پراهمیت بود. با غیرموثرنمودن موشکهای سام، هواپیماهای نیروهای متحدین می‌توانستند بالاتر از برد موثر توپخانه ضدهوایی عراق پرواز کنند.

زمانیکه هواپیماها از اولین پرواز عملیاتی خود مراجعت نمودند، این امر کاملاً بدیهی بود که یک واقعه تاریخی به وقوع پیوسته است، زیرا هیچ خسارت و ضایعه‌ای در طول ساعات اولیه تک متوجه هواپیماهای خودی نشده بود. حتی پس از اینکه تعدادی از هواپیماها در همان روز ناپدید شدند، باز هم میزان خسارت نسبت به یک مانور آموزشی در زمان صلح، رضایت بخش و قابل قبول بوده است.

گاهی اوقات قدرت هوایی می‌تواند مستقیماً به اهداف سیاسی منجر شود. ظاهراً یکی از اهداف نیروهای ائتلاف از بین بردن تهدید تسلیحات ش‌م ه عراق بوده است. این مواضع در اولین فرصت به شدت موردحمله قرارگرفتند.

شکست در انهدام موشکهای اسکاد

علیرغم خسارات کم و موفقیت اولیه که به صورت معجزه‌آسایی اتفاق افتاد، رزم هوایی با دو مشکل غیرمنتظره مواجه شد. اولین مشکل، ردیابی و انهدام سکوهای متحرک پرتاب موشکهای اسکاد عراق بود. برآورد ناچیز و مختصر پیش از جنگ در مورد میزان موجودی سکوهای پرتاب عراق و

^{۱۷} Sam : Surface to air missile

بکارگیری فریبهای تاکتیکی، استتار و تقویت نیروهای عراق، عملیات جستجو و انهدام موشکهای اسکاد را تا پایان عملیات طوفان صحرا با مشکل مواجه ساخت. این عملیات چنان مخارج سنگینی برای پرواز هواپیماها به جای گذاشت که باعث شد شروع تک زمینی چند روز به تعویق افتد.

مسأله غیر منتظره دیگر این بود که نیروی هوایی عراق حاضر نبود تا خود را در معرض تک نیروهای متحدین قرار دهد. رکود و عدم فعالیت نیروی هوایی عراق، تعجب افرادی را که این موضوع را بررسی نمودند، برنیا نگیخت. پرسنل نیروی هوایی آمریکا معتقد بودند که حتی الامکان هر روز چندین سورتی پرواز توسط هواپیماهای آنها باید انجام گیرد. ولی دکتربین عراق بر این قرار داشت که نیروی هوایی یک عامل مهم و تعیین کننده بوده، باید تنها هنگام دستیابی به نتایج قطعی در نبرد مورد استفاده قرار گیرد و در غیر این صورت به دور از آسیب دشمن حفظ گردد. در هر صورت بهترین هواپیماهای عراق در آشیانه هائی قرار داشتند که به منظور مقاومت در مقابل نفوذ هرگونه جنگ افزار غیراتمی ساخته شده بود.

هنگامیکه نیروهای متحدین با بمبهای جدید هدایت شونده لیزری ((ای-۲۰۰)) به بمباران پرداختند، دیگر نوبت عراقیها بود که غافلگیر شوند. عملیات انهدام آشیانه ها در بیست و پنجم ژانویه آغاز گردید و از فردای همان روز فرار هواپیماهای عراقی به ایران شروع شد، در هر صورت، اینکه عزیمت بسیاری از بهترین نیروهای هوایی دشمن نشانگر وحشت یا نقشه سنجیده عراقیها جهت محدود نمودن قسمتی از قدرت هوایی نیروهای متحدین تا هنگام بازگشت هواپیماهای عراقی بوده باشد، این منظور عراقیها برآورده شد.

عملیات ممانعتی

جنگ افزارهای هوشمند و هدف یاب به علت کارایی زیاد در عملیات ممانعتی که کلیه لشکرهای عراق را شدیداً محتاج آب باران و غلفهای صحرا کرد، کاملاً شهرت یافته اند. اما تمام داستان اینگونه نیست. موفقیت در عملیات ممانعتی نیروهای هوایی متحدین هنگامی بدست آمد که نیروهای دریایی آنها در اعمال تحریم سازمان ملل بر روی عراقیها موفق گردیدند.

در طول عملیات مذکور هرچه مهمات و لوازم یدکی کمتری به عراق صادر می گردید، نیاز کمتری به تخریب وسایل و جنگ افزارهای عراقیها احساس میشد. حملات استراتژیکی به کارخانجات مهمات سازی عراق اثر عملیات ممانعتی را افزایش داد. ضمناً، نیاز نیروهای عراقی به انتقال آب و جستجوی خطوط نیروهای متحدین توسط آنها برای کسب اطلاعات و پاسخ دادن به تجسسی که نیروهای متحدین انجام می دادند، چنان شرایط نامساعدی را در خطوط تدارکاتی عراق بوجود آورد که تاثیر آن به مراتب بیشتر از عملیات ممانعتی نیروهای متحدین گردید.

آماده سازی میدان نبرد

هیچ کس، دست کم تا پس از شکست یگانهای خط مقدم عراق، انتظار این فروپاشی کامل نیروهای صدام را نداشت. هیچ یک از ماهواره ها، هواپیماهای تجسسی یا سکوهای جنگ الکترونیکی قادر به مشاهده روحیه سربازان عراقی نبودند، چه بسا سربازی برای هدف و آرمانی کشته می شد که هیچ اعتقادی به آن نداشت و یا بسیاری از دوستان خود را می دید که کشته شده اند ولی هیچ هواپیمای مهاجمی را به چشم خود نمی دید که سرنگون شود.

بعثت پشتیبانی کم منطقه عقب و نبودن امکان مقابله با دشمن ، خودداری سربازان عراقی از جنگیدن امری مشهود بود. در این مورد باید توجه داشت که قدرت هوایی تاثیر جسمی و روانی ایجاد می کند و از تاثیرات جسمی می شود عکس تهیه نمود اما بازتابهای روانی را فقط می توان از طریق تاثیراتی که بمبارانها در روحیه افراد باقی می گذارد ، مشاهده نمود .

شرح وقایع جنگ

نبرد خفجی :

به محض شروع آفند هوایی متحدین ، نیروی هوایی عراق سرکوب و از صحنه عملیات خارج شد. در این میان تعدادی از هواپیماها نابود یا مجبور به فرار به طرف ایران گردیدند و یا در آشیانه ها زمین گیر شدند . تهاجم مذکور موجب عجز و ناتوانی فرماندهی عالی عراق گردید و دستیابی به اطلاعات کافی در مورد توان رزمی و آرایشهای نظامی متحدین را برای آنها مشکل نمود .

عملیات اولیه گشت زنی نیروهای متحدین تا اندازه زیادی ناموفق بود . احتمالاً عراقیها در پاسخ به این اقدام تصمیم گرفتند که به حملات گسترده تری دست بزنند . شاید این حملات به منظور یک شناسائی گسترده همراه با عملیات رزمی اجرا گردید و یا به جهت عقب راندن متحدین از خطوط مقدم جبهه و اشغال مواضع توپخانه آنها که عراقیها را هدف قرار می دادند، انجام گرفت. به هر منظور که باشد ، تصمیم گیری فوق ، موجب وقوع نبردهائی در ظرف چند روز گردید که یکی از مهمترین آنها نبرد خفجی بود .

جهت اجرای این حملات ، نیروهای مکانیزه رده پدافندی دوم ، جهت تقویت تانکهای سازمانی و گردانهای نیروهای مخصوص لشکرهای پیاده

خط مقدم عراق ، به جلو اعزام شدند. مجموع کل نیروهای عراقی درگیر نبرد ، حداقل به چهار گردان پیاده مکانیزه و چهار گردان تانک ، بالغ می گردید .

۱. خط مرزی زانویی^{۱۸} شکل

ساعت ۲۳ ، ۲۹ ژانویه ۱۹۹۱

مرز میان کویت و عربستان سعودی از سواحل خلیج فارس شروع شده ، به طرف غرب به طول ۴۰ کیلو متر ادامه می یابد و سپس مانند زانویی خمیده به سمت شمال غربی تغییر مسیر می دهد .

در اینجا تپه های شنی کم ارتفاعی وجود دارد که از شمال غربی به جنوب شرقی در امتداد مرز ادامه یافته ، سپس به سمت جنوب کشیده می شود و زمینهای مرتفع ، موضع مناسبی جهت مشاهده فعالیت های درون کویت می باشد .

زمین مجاور این قسمت توسط نیروهای هنگ سوم و لشکر یکم تفنگداران دریایی آمریکا که به خودروهای چرخدار با تحرک زیاد و چند منظوره یا خودروهای رزمی پیاده ((ال آوی-۲۵)) مجهز بودند ، پاسداری می شد . تفنگداران دریایی که در مجاورت نقطه ۲۲۰ قرار داشتند ، در اواخر شب ۲۹ ژانویه یک ستون مکانیزه دشمن را که از سمت شمال شرقی نزدیک می شد ، مشاهده نمودند . نیروی مذکور به سلاحهای مختلف مجهز گردیده و استعدادشان نیز یک گردان پیاده مکانیزه تقویت شده با بیست دستگاه تانک بود .

تفنگداران دریایی فوراً از توپخانه درخواست پشتیبانی آتش نمودند و ستون عراقی را زیر آتش مستقیم خود قرار دادند . نبرد در ابتدا با استفاده از نور ایجاد شده بوسیله گلوله های منور صورت گرفت اما سرانجام خورشید طلوع کرد و جنگ در روشنایی روز ادامه یافت .

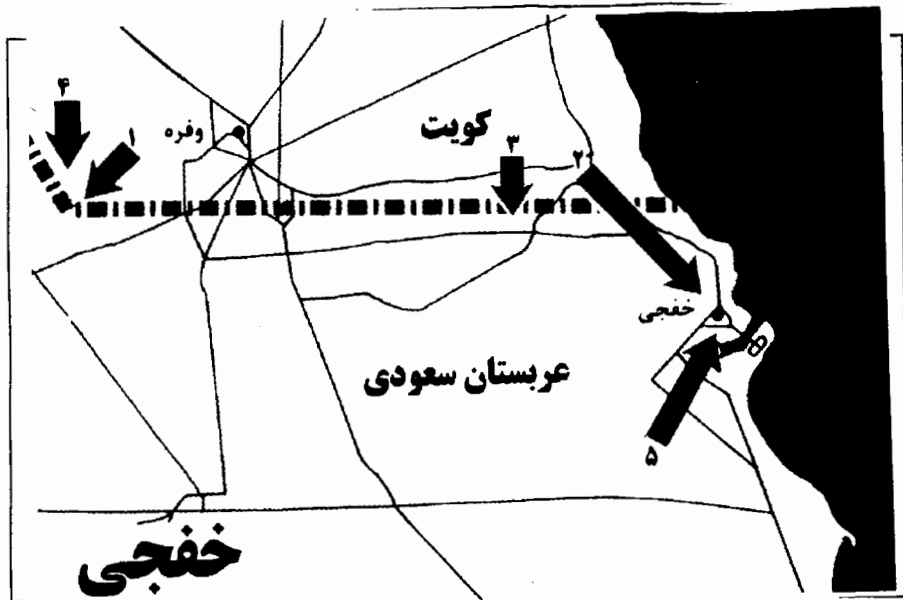
¹⁸ Elbow

۲. تصرف شهر خفجی

ساعت ۳۰ : ۲۳ ، ۲۹ ژانویه ۱۹۹۱

اندکی پس از اجرای اولین تک ، یک گردان پیاده مکانیزه عراق ، سوار بر نفربرهای زرهی چینی آپی سی مدل ۶۳ که با یک گروهان تانک تی - ۵۵ و یک دسته خوروی زرهی ئی آر سی - ۹۰ تقویت می گردید در جنوب و در امتداد جاده ساحلی که به خفجی منتهی می شد، اجرای تک نمودند شهر خفجی که جمعیت آن پیش از وقوع جنگ به هشتاد و پنج هزار نفر می رسید یکی از بزرگترین شهرهای عربستان بود و اندکی پس از شروع جنگ مورد حمله قرار گرفت . ساکنین آن به جنوب کشور منتقل شدند و به همین دلیل این شهر در ۲۹ ژانویه یک شهر متروک و خالی از سکنه شده بود. خط پدافندی که در شمال این شهر بود ، صرفاً از چند پایگاه پراکنده نظامی گردان پنجم هوابرد عربستان تشکیل می شد .

در حدود ساعت ۲۲،۳۰ یگان مقدم یک گردان عراقی همراه با یک گروهان مکانیزه، یک دسته تانک و چند خودروی زرهی، موانع روی جاده هارامنهدم کرده، پیشروی نمودند و خفجی را به تصرف خود درآوردند. تا اولین ساعات روز ۳۰ ژانویه ، باقیمانده گردان تقویت شده عراق به یگان مقدم پیوست ولی با این وجود، ورود نیروهای پشتیبانی کننده عراقی از دیدنیروهای عربستان مخفی ماند. شهر خفجی کاملاً از نیروهای نظامی تخلیه نشده بود و دو تیم گشتی شناسایی شش نفره متعلق به لشکر یکم تفنگداران دریایی که توسط عراقیها غافلگیر شده بودند، بمدت سی و شش ساعت با آنها به یک جدال نابرابر (به اصطلاح بازی موش و گربه) پرداختند ، و بدین وسیله مانع کشف و شناسایی خود شدند و از طریق بی سیم از توپخانه در خواست آتش پشتیبانی نمودند .



۳. تمرکز نیرو

ساعت ۱۰/۰۰ ، ۳۰ ژانویه ۱۹۹۱

عراقیها هنوز یک گردان پیاده مکانیزه و تانک بطوراحتیاط در شمال خفجی در اختیار داشتند و به جای تحکیم موقعیتشان در خفجی در ساعت ۱۰ صبح تقریباً در پانزده مایلی داخل خاک عربستان دست به یک تک جداگانه زدند.

ستون تک کننده توسط تانکهای هدایت می شد که برجکهایش به طرف عقب قرار داشتند. علامت تسلیم شدن که در اوراق تبلیغاتی عملیات روانی نیروهای متحدین درج شده بود، در طول هفته بعد در سرتاسر خطوط عراق پخش گردید. بدین ترتیب این ستون پیش از اینکه متحمل ضایعات و خطراتی شود، وارد مواضع نیروی پوششی متفقیین گردید. نیروهای واقع در این خطوط از سربازان گارد ملی عربستان، تیپ شاه فیصل و یک گردان مکانیزه تقویت شده درخواست پشتیبانی هوایی و آتش توپخانه نمودند. در پی این اقدام، نبرد شدید

و آشفته ای پدید آمد. اما نیروهای عراقی در ساعات اولیه بعد از ظهر همان روز پس از متحمل شدن ضایعات سنگین مجبور به عقب نشینی شدند در این میان نیروهای قطری با تانکهای خود، دو دستگاه تانک عراقی را منهدم نمودند.

۴. موج دوم نبرد در خط جبهه زانویی

ساعت ۰۶۰۰، ۳۰ ژانویه ۱۹۹۱

با وجود اینکه از حمله قبلی عراق در غرب توسط تفنگداران دریایی جلوگیری گردیده بود، اما عراقیها هنوز دو گردان مستقل که عبارت از یک گردان تانک و یک گردان پیاده بود، در اختیار داشتند. عراقیها در ساعات نخستین صبح روز ۳۰ ژانویه این دو گردان را جهت نفوذ به مواضع پدافندی تفنگداران دریایی به جنوب اعزام داشتند و بواسطه توان رزمی زیاد این تک، مواضع جلویی تفنگداران دریایی را بیست و پنج متر به عقب راندند. به محض روشن شدن هوا، هواپیماهای تک ور ((آ - ۱۰)) نیروی زمینی آمریکا به کمک هلیکوپترهای مسلح^{۱۹} ((آج - ۱)) و هواپیماهای ((هارییر)) آمدند تا تانکهای پیشروی کننده عراق را منهدم نمایند. عراقیها در حالیکه توسط توپخانه و موشکهای ضد تانک هوا به زمین و نیز مدافعان سرسخت زمینی متحدین کوییده می شدند ۱۲ دستگاه دیگر از تانکها و چندین نفر بر زرهی خود را از دست دادند. با این وجود یک هواپیمای تک ور آمریکایی در بحبوحه نبرد، نفربرهای زرهی هشت چرخ آوی - ۲۵ تفنگداران دریایی را اشتباهاً به جای نفربرهای زرهی بی تی آر - ۶۰ ساخت شوروی سابق گرفت و دو دستگاه از آنها را منهدم نمود، در نتیجه دوازده نفر از تفنگداران دریایی بوسیله آتش خودی کشته شدند.

^{۱۹} Gun Ship

در ساعت ۹ پس از حدود ۹ ساعت رزم شدید که یک افسر تفنگدار دریایی آنرا یک «نبرد جهنمی» نامید، عراقیها عملیات را متوقف نموده، عقب نشینی کردند و طی آن بیست و چهار دستگاه تانک و بیش از دوازده دستگاه نفربرزهری آنها منهدم و متجاوز از یکصد نفر از افراد عراقی نیز زخمی گردیدند.

۵. پاتک

چهار شنبه و پنج شنبه ۳۰ و ۳۱ ژانویه ۱۹۹۱

سهولت سقوط شهر خفجی باعث نگرانی سعودیها شد. نیروهای عربستان از تفنگداران دریایی که به عنوان پشتیبانی کننده مستقر گردیده بودند، خواستند که تصرف مجدد شهر خفجی را به خود عربستانیها محول کنند.

یک گردان پیاده مکانیزه گارد ملی عربستان از مواضع احتیاط نخود خارج شد و یک پاتک تعجیلی در صبح روز ۳۰ ژانویه بر روی شهر انجام داد. تصور می شد شهر فقط توسط یک گروهان عراقی پشتیبانی گردد ولی حجم آتش پدافندی چنان زیاد بود که باعث غافلگیری سعودیها شد و پاتک آنها را خنثی نمود. در سرتاسر صبح آن روز، چندین تک صورت گرفت و سرانجام توسط یک گروهان تانک ام - ۶۰ تقویت شد. به محض اینکه نیروهای عربستان و قطردرسمت غرب با عقب نشینی ستون مرکزی عراق، از درگیری رها شدند و موجب تقویت تک خفجی گردیدند اما عراقیها در مقابل آن پایداری می کردند. چند دقیقه بعد اکثر تانکهای گردان عراق از شهر خفجی گریخته و به سمت شمال عقب نشینی کردند و بعداً بسیاری از این تانکها توسط هواپیماهای تک ور متحدین منهدم شدند.

نیروهای عربستان و قطر سرانجام در اواخر شب به خفجی رخنه نموده، مرکز شهر را تصرف کردند، ولی وضعیت ساختمانها و مناطق مسکونی شهر

نشانگر این بود که پاک کردن منطقه از وجود بقایای افراد دشمن بیشتر از یک روز طول بکشد. در ضمن تیمهای شناسایی تفنگداران دریایی نیز نجات یافتند.

مجموع تلفات پاتک نیروهای عربستان هیجده کشته، بیست و نه زخمی و چهار گمشده بود و دو دستگاه تانک و شش دستگاه خودروی زرهی آنها نیز از کار افتاد. نیروهای عراقی کل گردان پیاده خود را از دست داده و متحمل ۳۰ نفر کشته شدند و ۴۵۰ نفر از آنها نیز به اسارت متحدین در آمدند. کلیه نفربرهای زرهی گردان یاد شده بعلاوه حدود دوازده دستگاه تانک آن از کار افتادند.

شکست خط دفاعی صدام بوسیله تفنگداران دریایی و

نیروهای فرماندهی مشترک اعراب

طرح کلی تک مستلزم این بود که نیروهای متحدین در امتداد مرز کویت در مواضع خود مستقر شوند و نه تنها به حمله بهر دازند بلکه تک آنان چنان قدرت داشته باشد که با موفقیت، نیروهای احتیاط عراق را به سمت جنوب بکشانند. لشکر یکم سوار زرهی و اولین نیروی اعزامی تفنگداران دریایی به عنوان نیروی مقدم برای اجرای یک آفند واقعی، به یک سری عملیات علیه نیروهای عراقی در مرز کویت دست زدند و به این عمل، از طرف عراقی ها پاسخ ناهماهنگ و ضعیفی داده شد و بزودی مشخص گردید که ارتش عراق یارای جنگیدن ندارد.

روز یک شنبه (به نقشه شماره ۷ در پایان کتاب مراجعه شود)

ساعت چهار بامداد روز بیست و چهارم فوریه اولین ضربات آفندی متحدین شروع شد. در این تک که توسط دو لشکر از اولین نیروهای اعزامی تفنگداران دریایی انجام شد. عملیات نفوذی بوسیله عناصر فرماندهی

نیروهای مشترک شرق اجرا گردید. نیروهای مذکور حتی المقدور سعی می کردند از ضربه واقعی تک اصلی عراق به دور باشند.

عملیات تهاجمی به سرعت اجرا گردید و موجب شد که تعدادی شماری از نفرات عراقی اسیر شوند. با اینکه عراق موانع و استحکامات مستحکمی را در مرز کویت ایجاد کرده بود، مقاومت آنها به صورت شگفت آوری کوتاه بود. سه لشکر عراق (لشکرهای هفتم، چهاردهم و بیست و نهم) هنگامی که دو لشکر تفنگداران دریایی به یک عملیات نفوذی سریع دست زدند، انسجام و ارتباط با یکدیگر را از دست داده، عقب نشینی کردند. در سمت غرب منطقه، افراد فرماندهی نیروهای مشترک به لشکر هیجدهم پیاده عراق ضرباتی وارد آوردند. فرماندهی مرکزی متحدین با در نظر قرار دادن شواهدی مبنی بر شکست کلی ارتش عراق، تاریخ عملیات کلی آفندی را جلو انداخت و سایر واحدهای متحدین نیز در بعد از ظهر روز بیست و چهارم فوریه به حمله پرداختند. (به نقشه شماره ۵ در پایان کتاب مراجعه شود).

در شمال محل استقرار سپاه تفنگداران دریایی آمریکا، اولین یگان موجود در آن ناحیه شنزار، تیپ سی و پنجم زرهی الشهید کویت بود که خودروهای زرهی مدل شوروی سابق (تانکهای ۸۴ - ام و خودروهای رزمی پیاده جی ام پی - ۲) را در اختیار داشت. در این صحنه عملیات، مسئله تشخیص و شناسائی خودروهای نامبرده توسط هواپیماهای متحدین مورد توجه بود و برای جلوگیری از بمبارانهای اشتباهی، در هر یک از این خودروهای زرهی، یک صفحه نارنجی رنگ بزرگ بر روی قسمت موتور نصب گردیده بود.

در عقب این یگان زرهی، تیپ بیستم مکانیزه نیروی زمینی پادشاهی عربستان قرار داشت و با نیروهای زرهی کویتی، مجموعاً لشکر عملیاتی موطن را تشکیل می داد هدف این نیروی مشترک آزاد سازی شهر کویت بود.

لشکر نهم زرهی عربستان سعودی ، حفاظت از جناح چپ این نیروی رزمی را برعهده داشت ، در قسمت غربی تر منطقه ، سپاه دوم مصر دو لشکر زیر امر خود را برای نبرد به سمت مواضع لشکر ۲۶ پیاده عراق فرستاد . این لشکرها چند دستگاه از تانکهای خود را در اثر انفجار مینهای کاشته شده توسط عراقیها از دست دادند ، ولی به پیشروی ادامه داده ، بزودی در وضعیتی قرار گرفتند که موفق به گرفتن تعدادی زیادی اسیر از نیروهای عراقی گردیدند .

روز دوشنبه (به نقشه شماره ۶ در پایان کتاب مراجعه شود)

در بیست و پنج فوریه نیروهای متحدین سعی نمودند خطوط متعدد موانع و میادین مین را که در جلوی آنها قرار داشت بشکنند و پاک نمایند . ضمناً ، انبوه زندانیان جنگی نیز باعث کندی حرکت آنها شده بود از طرفی اسرای عراقی جاده ها را پر و اشغال نموده بودند که این خود موجب کندی و اختلال در تردد خودروهای حامل آماد و پیشروی نیروهای تعقیب کننده خودی می گردید .

مشکل بعدی که متحدین با آن مواجه شدند کنترل عبور و مرور بود . در مقایسه با نیروهای مصری و سوری که تجربه زیادی در انتقال نیروها داشتند و تفنگداران دریایی نیز از این امر مستثنی نبودند، بقیه نیروهای مشترک عملاً هیچ تجربه ای در این زمینه نداشتند .

همانطور که زمان سپری می شد نیروهای مصری کار پاکسازی منطقه را از وجود لشکر ۲۶ عراق به پایان رسانده ، خود را به محیط باز رساندند و به محض فرارسیدن شب همراه با نیروهای سوری که در جناح راست آنها قرار داشتند از سمت شرق عازم شهر کویت شدند .

زمانیکه ستونهای تفنگداران دریایی از درگیریها آزاد گردیده ، عازم شمال شدند ، نیروهای عربستان و کویت در یک ترافیک سنگین گیر کردند . لشکر

دوم تفنگداران دریایی ، جناح راست خود را جهت تماس با فرماندهی شرق نیروهای مشترک گسترش داد و با این عمل ، باقیمانده لشکر هشتم پیاده عراق را از بقیه نیروهای آنها جدا نمود . عزیمت تفنگداران دریایی به سمت شمال باعث شد آنها همراه با تیپ تایگر متحدین با لشکر پنجم مکانیزه عراق (با ۱۵۰ دستگاه تانک تی - ۶۲) تماس برقرار نمایند و درگیر شوند . در این درگیری کلیه این تانکهای عراقی کاملاً منهدم شدند .

روز سه شنبه

نیروهای متحدین در این روز با نزدیکتر شدن به دشمن که در شهر کویت مستقر بودند ، توانستند تعداد کثیری اسیر بگیرند . وجود مین ها و راه بندانهای ناشی از تردد خودروها بیش از مقاومت دشمن باعث کندی کار می شد . تا هنگام ظهر سپاه سوم عراق که ده لشکر پیاده را در مرز کویت مستقر نموده بود از بین رفت . سپاه چهارم هم در حال متلاشی شدن بود در صورتیکه لشکرهای سپاه هشتم تانک به صورت موقت مواضع خود را تثبیت نموده بودند .

تفنگداران دریایی آمریکا که در حال پیشروی بودند ، در فرودگاه بین المللی کویت با لشکر سوم زرهی عراق که تا اندازه ای نظم و ترتیب خود را حفظ کرده بود ، روبرو شدند . تفنگداران دریایی پس از چند مبارزه پراکنده تانک با تانک به محض فرا رسیدن شب ، فرودگاه را تخلیه کرده و صبح روز بعد خود را برای حمله به عراقیها آماده نمودند .

در همین زمان بود که عناصری از دومین نیروی اعزامی تفنگداران دریایی جهت تقویت نیروهای پیشروی کننده به سمت شمال ، در پشت خطوط نیروهای خودی مستقر شدند . نیروی اعزامی ، تیپ پنجم تقویت شده تفنگداران

دریایی بود که به محض ورود به منطقه عملیات ، تحت کنترل لشکر دوم تفنگداران دریایی در آمد .

تفنگداران دریایی می توانستند روز سه شنبه وارد شهر کویت بشوند اما تصمیم گرفته شد که نیروی رزمی لشکری موطننا شهر کویت را آزاد نماید و در خط حمله نیز تیپ سی و پنجم کویت قرار گردد ، زیرا این تیپ در مقابل تهاجم شش ماهه عراق مقاومتی مشهورانه از خود نشان داده و با نظم و ترتیب خاصی عقب نشینی کرده بود . نیروی رزمی لشکری موطننا به کندی پیشروی می کرد ولی با این وجود از میان بقایای سه لشکر پیاده عراق (ششم ، بیست و یکم و سی و ششم) عبور نمود .

خوشبختانه در این مرحله از عملیات ، فوریتی وجود نداشت زیرا لشکر یازدهم عراق با هزاران نفر نیرو به محاصره نیروی مقاومت کویت در آمده و آرایش نظامی خود را به کلی از دست داده بود .

چهار شنبه و روزهای بعد

در ساعت ۹ بامداد روز بیست و هفتم فوریه درست هفتاد و هفت ساعت پس از شروع حمله ، تیپ سی و پنجم کویت وارد شهر کویت شد و به دنبال آن تیپ بیستم نیروی زمینی پادشاهی سعودی و نیروهای ویژه آمریکا وارد آن شهر شدند .

صحنه خیابانهای شهر یادآور ورود لشکر دوم زرهی فرانسه در سال ۱۹۴۴ به پاریس بود. مانند آنچه در پاریس اتفاق افتاد ، نظامیان کویتی و خبرنگاران پیش از همه به شهر وارد شدند. در پاریس ارنست همینگوی به خبرنگاری پرداخت و در شهر کویت گزارشگر خبرگزاری سی بی اس ، باب مک کثون و همکارانش خبرنگاری می کردند ، وی در این مورد اظهار داشت : « بدون آنکه با مشکلی مواجه بشویم وارد شهر شدیم » .

بستن راهها توسط سپاه هیجدهم هواپرد آمریکا

پاکسازی سریع منطقه

ماموریت ارتش سوم آمریکانه تنها اخراج عراقیها از کویت ، بلکه ایجاد پیش شرطهای لازم جهت رسیدن به یک صلح دائمی بود بنا به دلایلی به نظر می رسد که ، توانایی زیاد نظامی عراق عامل عدم موازنه قدرت در منطقه باشد و لذا هدف اصلی عملیات طوفان صحرا انهدام آن قدرت نظامی مخرب بود .

ماموریت تفنگداران دریایی و فرماندهی نیروهای مشترک ، زمینگیر کردن عراقیها بودونیزمی بایستی سپاه هفتم باحرکت به سمت غرب ، دشمن رادورمی زد . سپاه هیجدهم هواپرد با قطع نمودن کلیه راههای فرار، تقویت نیروهای عمل کننده در صحنه عملیات کویت و پوشاندن رده های عقب سپاه هفتم ، یک نقش حیاتی ایفا نمود و سپس باچرخش سمت شرق با گارد جمهوری عراق روبرو شد .

سپاه هیجدهم جهت انجام ماموریت دوگانه خود- محاصره نمودن دشمن و تامین منطقه - از مجموعه گوناگونی از افسران و سربازانی که به نفع نیروهای متحدین جنگیدند تشکیل شده بود. چهار لشکراز سپاه مذکورکه شامل یک لشکر سبک زرهی ، یک لشکر سنگین مکانیزه ، یک لشکر محمول هوایی و یک لشکر هواپرد بوداصلاً به عنوان یک ستون سبک موتوریزه عمل می کردند .

درجناح داخلی ، لشکر داگت^{۲۰} فرانسه (لشکر ششم سبک زرهی که کاملاً تقویت شده بود) ، می بایست همراه با یک تیپ از لشکر ۸۲ هواپرد آمریکا که سواربرخودروبودندبه سمت شمال شرقی حرکت کرده وتقاطع های کلیدی منطقه میان رفحا و السماوه روی رودخانه فرات رابه تصرف خوددرآورد .

^{۲۰} Daguet

در قسمت میانی سپاه مذکور لشکر یکصد و یکم محمول هوایی همراه با عنصری از لشکر ۸۲ هوایرد عملیات اصلی را شروع می‌کردند. این لشکر قرار بود به پایگاه هوایی ناصریه حمله نموده راه عقب نشینی گارد جمهوری عراق در دره رود فرات را قطع کند. به لحاظ اینکه شهر ناصریه دور بود و دسترسی به آن با یک پرواز امکان پذیر نبود، لشکر مزبور ابتدا فرودگاههای رها شده در شهر العبید را تصرف و یک پایگاه مقدم لجستیکی در آنجا ایجاد نموده و با استفاده از تعداد زیادی هلیکوپتر سنگین، آن پایگاه را تقویت کرد. این لشکر سپس دومین پیشروی خود را به سمت رود فرات انجام داد.

در سمت راست، لشکر بیست و چهارم پیاده مکانیزه به همراه هنگ سوم سوار زرهی قراربود به سمت غرب سپاه هفتم حرکت نموده، گارد جمهوری را در شمال شرقی به دام اندازد. هدف آنها ابتدا تصرف شهر جلیبه بود ولی بعداً می بایست به سمت شرق حرکت نموده و درحالیکه بوسیله هلیکوپترهای ۱۰۱ توپدار آپاچی پشتیبانی می شدند مجدداً در ناصریه گسترش پیدا کنند. محور پیشروی می بایستی توسط گروه پنجم نیروهای ویژه که ماموریت شناسائی گسترده استراتژیکی را دارد تهیه می شد. نقشه مذکور متهورانه ولی در عین حال متناسب با مقدمات منحصر به فرد هر کدام از عناصر واحدهای سپاه، طرح ریزی شده بود.

روز یک شنبه (به نقشه شماره ۵ در پایان کتاب مراجعه شود)

با در نظر گرفتن ماهیت ماموریت سپاه مذکور، در روز اول شانس کمی برای تماس زمینی با نیروهای عراقی وجود داشت، زیرا تعداد نیروهای عراقی موجود در مجاورت و در جناح سپاه اندک بود. بعد از ظهر، لشکر ۲۴ پیاده مکانیزه از سمت راست و لشکر داگت فرانسوی نیز از سمت چپ در آن سوی مرز مستقر شدند.

لشکر بیست و چهارم به سمت غرب و به طرف منطقه عمده تمرکز نیروهای عراقی حرکت نمود و به جای اینکه به حمله بپردازد در جستجوی جاده های عریض تری برای اجرای عملیات بود. از سوی دیگر مأموریت لشکر داگت این بود که نیروهای عراقی در غرب را شناسائی نماید و لذا گشتی های موتوریزه لشکر را جهت جستجوی دشمن به نقاط مختلف اعزام نمود. تنها تماس با دشمن در روز اول در بخش مرکزی اتفاق افتاد و این زمانی بود که تیپ مقدم یکصد و یکم به طور ناگهانی در شهر العبید حاضر شد و پانصد نفر از لشکر بیست و ششم پیاده عراق را به اسارت در آورد.

حمل و نقل اولیه شامل یک نیروی دو هزار نفری از نیروهای زمینی، ۵۰ دستگاه خودروی سبک، چندین عراده توپخانه کششی و مقداری تدارکات بود که همگی توسط ۳۰۰ هلیکوپتر ترابری و هلیکوپترهای مسلح که آنها را اسکورت می نمودند، ترابری شد که این خود بزرگترین هجوم هلیکوپتری در تاریخ نظامی بوده است. در این هنگام یک تیپ دیگر نیز از راه خشکی با استفاده از خودروهای چرخدار به آن محل حرکت نمود و در حالیکه نیروی تامینی در حال استقرار بودند اردوگاه مجزایی به مساحت ۶۰ مایل مربع راکه «پایگاه کبری» نامیده می شد، پاکسازی نمود و برای انجام مرحله دیگر عملیات، خود را آماده کرد.

روز دو شنبه (به نقشه شماره ۶ در پایان کتاب مراجعه شود)

در حالیکه آب و هوای نامساعد باعث شد تلاشهای لشکر یکصد و یکم جهت افزایش میزان تدارکات ارسالی به جلو توسط هلیکوپتر به بن بست کشیده شود، لشکر داگت در غرب به لشکر چهل و پنجم پیاده عراق حمله برد و گشتیهای سبک موتوریزه خود را در جاده های گل آلود به سمت شمال گسیل داشت. در مدت ۳۶ ساعت از شروع تهاجم زمینی، لشکر فرانسوی و نیروهای

هواپرد آمریکا کلیه اهداف را به تصرف خود در آورده ، ۳۰۰۰ نفر از افراد عراقی را به اسارت گرفتند .

لشکر بیست و چهارم مکانیزه در جناح راست در حالیکه تماس کمی با دشمن داشت به سمت شمال پیشروی نمود . سهولت پیشروی لشکر فوق و هنگ سوار زرهی زیر امرش نباید موجب کم اهمیت قلمدادشدن ماموریت آنها بشود. در واقع اگر گارد جمهوری عراق در منطقه موضع گرفته و با سپاه هفتم وارد نبرد می شد ، لشکر بیست و چهارم اوضاع و شرایط جنگ را سریعاً و بطور قطع به نفع نیروهای متحد تغییر می داد .

اهمیت ماموریت لشکر ۲۴ به این بود که لشکر نامبرده کلیه وظایفی را که به عهده یگان سوار زرهی می باشد اجرا نمود . آنها از دید و حتی از روی نقشه دشمن پنهان مانده و با حداکثر سرعت در عمق منطقه عقب نیروهای عراقی مستقر شدند و سپس هنگامی که در برابر دشمن قرار گرفتند ، او را کاملاً غافلگیر کرده و با نیرویی کوبنده ، افراد و تجهیزات ارتش عراق را منهدم نمودند .

روز سه شنبه

در حالیکه فرانسوی ها از یک طرح گشتی موثر در جناح چپ نیروهای خود استفاده کرده و این گشتی ها را به مناطق شمالی مثل سماوه و نجف اعزام نمودند ، لشکر ۱۰۱ دست به اقدام تهاجمی بعدی زده به نیروهای عراقی مستقر در ناصریه ضربه زده و نیروهای احتیاط لشکر ۴۹ پیاده عراق را متفرق کرد . این لشکر اولین یگان نیروهای متحدین بود که به رودخانه فرات رسید و توانست راه عقب نشینی نیروهای عراقی را به سمت شرق ببندد .

پایگاه کبری از نظر عملیاتی ، ذخایر آمادی ، تعمیر و نگهداری هواپیما و همچنین به عنوان نقطه شروع عملیاتی برای نیروهای نظامی که از شمال در حال

حرکت به سمت دره فرات بودند ، در شرایط مناسبی قرار داشت . کمی دورتر به طرف شرق لشکر ۲۴ پیاده مکانیزه در حال نزدیک شدن به جلیبه و آغاز حمله به نیروهای عراقی در غرب بصره بود.

چهارشنبه به بعد

فرانسه به عملیات گشتی خود ادامه داد اما اثری از نیروهای تقویتی دشمن که در حال حرکت به سمت جنوب و شکستن حلقه محاصره باشند دیده نمی شد . شبیه به آنچه در سایر جبهه ها مشاهده می شد ، در ارتش عراق یک عدم همبستگی در مقابل حملات متحدین به دلایل مختلف وجود داشت :

اولین علت ، عدم فرماندهی و قدرت اجرایی در سلسله مراتب بالا بود . قبلاً صدام عملیات جنگی را با نکته سنجی و با دقت زیاد شخصاً فرماندهی می کرد اما در این زمان او تصمیم گرفت برای بازدید از لشکر یکم به کردستان برود . در تمام مسائل شبیه به این ، ستاد کل ارتش عراق در بغداد نمی توانست اطلاعات مفیدی دریافت کند تا بر مبنای آن تصمیمات عملیاتی خود را اتخاذ نماید . این شاید به دلیل عدم توانایی ارتش عراق بوده ، یا آنها در سایر نبردهای خود نیز با چنین مسئله ای روبرو بوده اند .

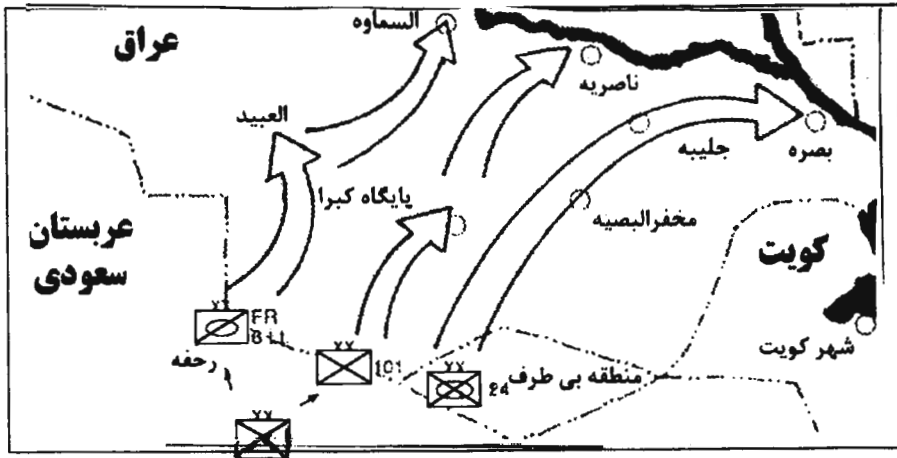
دومین علت این بود که توانایی فرماندهان عراقی جهت ابلاغ دستورات عملیاتی سریع و مطمئن به نیروهایشان ، در واقع به سمت صفر سیر می کرد . چنانچه فرماندهان مستقر در بغداد یا بصره نظر مساعدی نسبت به جنگ داشتند ، می توانستند اقداماتی در رابطه با آن انجام دهند اما آنها تقریباً ارتباط با نیروهایشان را غیر ممکن می دانستند .

سومین علت نیز این بود که در صورت اقدام به عملیات آفندی نیروهای خط مقدم آنها از بین می رفتند . توانایی آفندی آنها مدتها قبل از بین رفته بود . از

لحاظ نیروی پدافندی نیز در شرایط مناسبی نبودند. این بدان معنا نبود که خیلی از آنها نمی‌توانستند بجنگند زیرا تعدادی از آنها رزمندگان خوبی نیز بودند. در واقع اگر تک نیروهای متحدین کند و محتاطانه می‌بود، تلفات آنها به علت حملات عراقیها بسیار زیاد می‌شد. حتی نیروهایی که توان خود را از دست داده بودند می‌توانستند فشار قابل ملاحظه‌ای را تحمل کنند البته در صورتی که تدریجاً در عملیات مختلف از آنها استفاده می‌شد. اما ارتش سوم این فشار تدریجی را هم نمی‌توانست تحمل کند. هنگامی که به یک لشکر عراقی حمله می‌شد، این حمله ناگهانی، شدید و کوبنده بود و در چنین شرایطی لشکرها یکی پس از دیگری شکست می‌خوردند. در جناح چپ، لشکر ۲۴ مکانیزه متحدین و نیروهای زیر امر آن در حوالی جلیبه با یگانهای زرهی و پیاده عراقی مواجه شدند. این نیروها بهتر از سربازانی بودند که نزدیک مرز با آنها مواجه شده بودند. احتمالاً آنها از لشکر «الفاو» گارد جمهوری عراق بودند پایین تر از این منطقه، لشکر زرهی همورایی دست به یک عملیات تاخیری بیهوده زد تا زمینه را برای فرار گروهی از افراد گارد جمهوری عراق فراهم کند. تنها راه گریز باقی مانده، مسیر رودخانه دجله با جاده‌ای باریک به طرف شمال بود. این جاده از چندین پل می‌گذشت که روی آبروهای اصلی احداث شده بود. این پلها با حملات هوایی متحدین در طی یک هفته از بین رفته بود و تنها پل باقی مانده هم بوسیله تیمهایی از نیروهای ویژه مورد حمله قرار گرفت و در نتیجه نیروهای گارد جمهوری عراق به تله افتادند.

لشکر بیست و چهارم مکانیزه در حالیکه توسط گردان هلیکوپتر تک‌ور و تجهیزات هوایی اضافی لشکر صد و یکم پشتیبانی می‌شد، پیشروی کرده، به طرف جنوب غربی پیچید و منطقه جنوب بصره را تبدیل به یک قتلگاه وسیع نفرات عراقی کرد. لشکر بیست و چهارم مکانیزه در حالیکه در جنوب به سپاه

هفتم می پیوست ، نیروهای دشمن را به عقب می راند . در این موقع کل ارتش عراق نابود شده و تجهیزات از بین رفته و منهدم شده و وسایل نقلیه زرهی سوخته را از خود بر جای گذاشته بود .



ضربه کاری سپاه هفتم

ضربه نهایی

در حالیکه توجه عراق به جنوب کویت جلب شده بود و سپاه هیجدهم هواپرنیز جهت قطع کلیه راههای فرار عراقیها به دره رود فرات به سمت غرب گسترش یافته بود ، سپاه هفتم آماده شد تا با نیرویی که بیش از ۲۰۰۰ خودروی زرهی در اختیار داشت از طریق منطقه بیطرف که خط پدافندی ضعیفی داشت مستقیماً به گارد جمهوری عراق حمله کند .

روز یکشنبه (به نقشه شماره ۵ در پایان کتاب مراجعه شود).

با اینکه سپاه مذکور به گونه ای زمان بندی نمود که در تاریکی شب بیست و چهارم و بیست و پنجم فوریه شروع به حمله کند ، پیشرفت زیاد حملات در شرق باعث شد سپاه مذکور تاریخ حمله خود را جلو انداخته ، به اوایل بغداد از ظهر روز بیست و چهارم موکول کند . سپاه هفتم جهت عبور از خط سه لشکر آمریکایی اعزام گردید . این سه لشکر عبارت بودند از لشکر یکم پیاده مکانیزه ، لشکر یکم زرهی و لشکر سوم زرهی که از سمت شرق به غرب منطقه عملیات گسترش یافته بودند . قرار بود به محض اینکه خط مذکور شکسته شود ستون دوم وارد شده ، به سمت شمال روانه گردد . ستون دوم در سمت غرب عبارت بود از هنگ دوم سوار زرهی ، اما در سمت شرق چند لشکر در طول خط اتصال^{۲۱} میان عراق و کویت مستقر بودند و به یک نیروی پشتیبانی سنگین تر یعنی لشکر یکم زرهی انگلستان نیاز بود . به محض اینکه تک مذکور شروع شد سپاه هفتم می دانست همانطور که تجربه در منطقه جنوب نشان داده بود می تواند کاملاً رخنه کند . لشکر یکم پیاده مکانیزه از سمت راست لشکر بیست و هفتم پیاده عراق گذشته توپخانه کوچک عراق را که از بمباران هوایی سالم به جای مانده بود نابود کرد و چند ساعت جلوتر از برنامه به تحکیم هدف پرداخت .

لشکر یکم زرهی انگلستان نیز از موضع خود عبور نموده از موانع رد شد لشکر یکم زرهی در منتهی الیه غرب درست به منطقه میان لشکرهای چهل و هشتم و بیست و پنجم عراق ضربه وارد نموده از هر دو لشکر گذشت و در زمین با هیچ نوع مقاومتی روبرو نگردید. اما با لشکر سی و یکم پیاده عراق که به عنوان ستون دوم تهاجمی در عقب مستقر شده بود مواجه شد و بطور

²¹ Seam

سریع ، لشکر مذکور را تقریباً نابود کرد . لشکر سوم زرهی در جناح چپ تلاش بیشتری از خود نشان داد و جناح چپ خط عراق را دور زد .

هنگ دوم سوار زرهی از موانع موجود عبور نمود و در مکانهای وسیع تری گسترش یافت . دیگر میان آنها و گارد جمهوری جز تعدادی تپه شنی چیزی وجود نداشت . هنگ نامبرده ، ۴۵ کیلومتر در داخل خاک عراق پیشروی کرده سپس متوقف شد تا لشکر های زرهی متحدین شانس رسیدن به آن منطقه را داشته باشند .

روز دوشنبه (به نقشه شماره ۶ در پایان کتاب مراجعه شود)

در سمت راست سپاه ، لشکر یکم پیاده مکانیزه آمریکا و لشکر یکم زرهی انگلستان در حاشیه غربی وادی الباطن به از بین بردن لشکرهای عراقی ادامه می دادند . آنها تا پایان روز لشکرهای چهل و هفتم پیاده و دوازده زرهی عراق را از بین بردند و به سمت شرق برگشتند تا راه فرار هر واحد عراقی را که قصد داشت در غرب کویت عقب نشینی نماید قطع کنند .

در سمت چپ ، هنگ دوم سوار زرهی تمام روز همراه با لشکرهای یکم و سوم زرهی به حمله پرداخت . در اجرای این تک ، شرایط جوی بیش از مقاومت دشمن مانع پیشرفت آنها گردید . سپاه مذکور در طول روز عناصر متفرق لشکر بیست و ششم پیاده عراق را دور زده ، آنها را قلع و قمع نمود . یگانهای مستقر در جناح چپ سپاه به محض فرارسیدن شب ، شاه راههای عمده در مخفر البوصیه را تصرف کرد و از آن تاریخ به بعد سپاه مذکور در عوض پیشروی به سمت شمال به سمت شرق پیشروی نمود .

روز سه شنبه

سپاه هفتم برای اولین بار با یگانهای سنگینی از گارد جمهوری عراق درگیر شد. در این موقع کل سپاه به جای شرق به غرب، در طول خطی از جنوب به شمال مستقر شدند. سپس این خط آفندی به حرکت در آمده، مانند یک ماشین گوشت چرخ کن هر چه را که در سر راه خود بود از بین برد.

تا پایان روز، یک لشکر زرهی احتیاط به گارد جمهوری افزوده شد. زیرا لشکر سوم مکانیزه توکلنا منهدم شده بود و لشکر دوم زرهی «مدینه» نیز در حال عقب نشینی بود و احتمالاً فقط نیمی از آمادگی رزمی خود را دارا بود.

لشکر بیست و چهارم مکانیزه از سپاه هیجدهم هوابرد آمریکا، در شمال مستقر شده و راه وصول عراقیها به رود فرات را بست و کلیه راههای فرار آنها را مسدود نمود. لشکر مذکور در همان زمان با عناصری از گارد جمهوری که احتمالاً از لشکر چهارم موتوریزه «الفاو» بودند درگیر بود.

در اواخر آن روز مفسرین اطلاعاتی نیروهای متحدین اعلام نمودند که نیمی از چهل و دو لشکر عراق در صحنه عملیات کویت، از نظر رزمی فاقد کارایی می باشند و بقیه نیز در حال عقب نشینی کامل هستند.

چهار شنبه و روزهای بعد

به محض سرازیر شدن نیروهای زمینی عراق به سمت شمال، بزرگترین لشکرگارد جمهوری (لشکر یکم حمورابی) آماده نبرد شد تا بدینوسیله با کسب زمان لازم، عقب نشینی یگانهای باقی مانده سپاه مذکور را ممکن سازد.

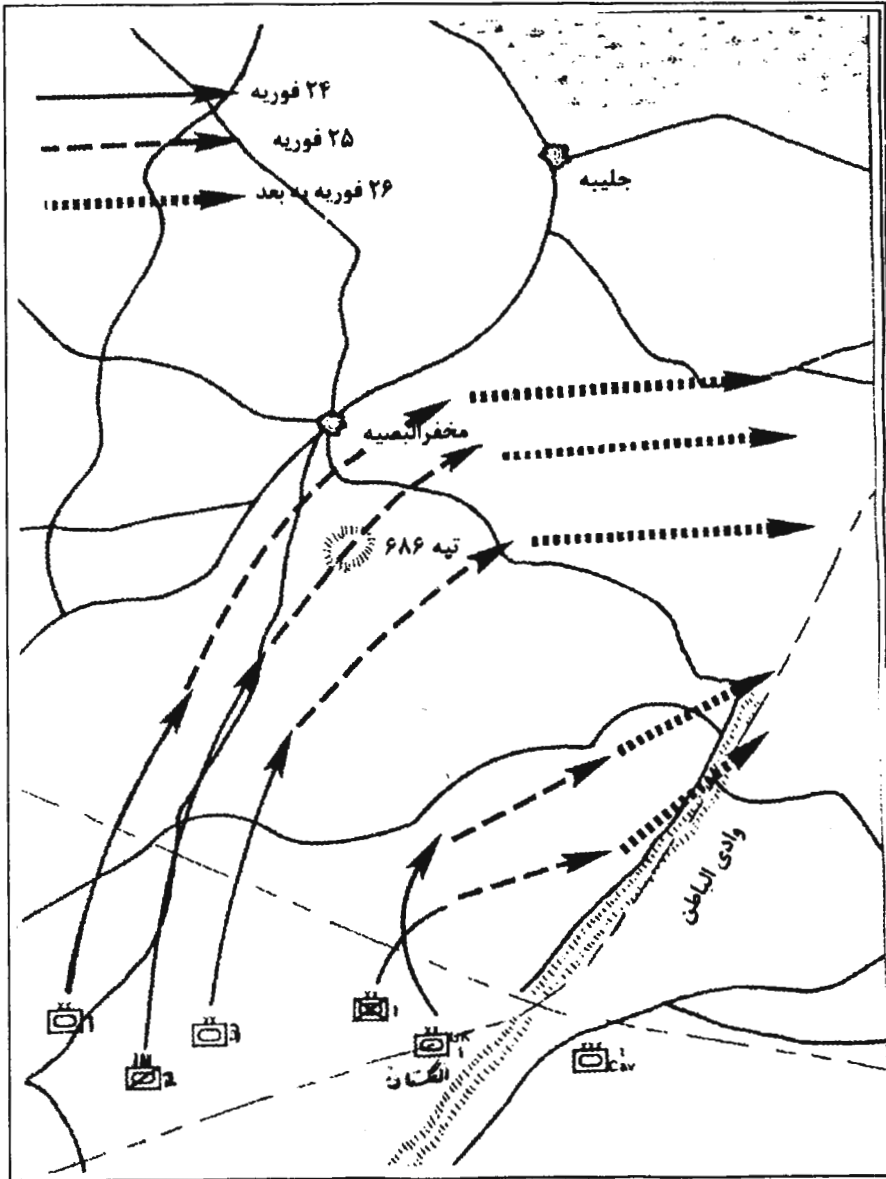
قابلیت دید تقریباً صفر بود و این در نتیجه شرایط جوی و دود ناشی از سوختن صدها چاه نفت در کویت بود و می توانست یکی از عواملی باشد که موجب ناتوانی لشکر حمورابی شد.

گارد جمهوری در یک جدال یکروزه با لشکرهای یکم و سوم زرهی متحدین کاملاً منهدم شد و این تنها به قیمت خسارت دیدن یک یادودستگاه تانک ام یک آ یک متحدین حاصل شد. با وجود عدم قابلیت دید کافی، خدمه تانکهای ام یک آ یک و نفربرهای برادلی با استفاده از دوربین های حرارتی خود که از میان باران و دود قابلیت نشانه گیری اهداف را داشتند به جنگ پرداختند. تانکهای آمریکایی به دفعات وارد کمینگاه تانکهای عراقی شدند، ولی از خطر آنها به دور ماندند زیرا تانکهای آمریکایی قادر بودند خودروهای مخفی شده عراقیها را پیش از آنکه عراقیها بتوانند خودروهای آمریکایی را شناسایی کنند، دیده و آنها را زیر آتش بگیرند. در اکثر درگیریهایی که بین تانکهای طرفین رخ داد، تنها تانکهای آمریکایی بودند که اول اجرای آتش نمودند. خدمه تانکهای عراقی که زنده مانده بودند بعداً نقل کردند که بندرت می توانستند بگویند که آتش دشمن از کجا می آمد.

اداره اطلاعات نیروهای متحدین تخمین زد که تا روز چهارشنبه، ۲۷ لشکر عراقی منهدم گردیده اند. ۱۵ لشکر باقیمانده نیز که از لحاظ رزمی کارایی دارند در جنوب بصره مستقر بوده، شامل یک لشکر زرهی (احتمالاً لشکر هفدهم)، نیمی از لشکر دوم زرهی مدینه و سه لشکر گارد جمهوری می باشند مسلماً لشکر هشتم نیروهای ویژه در زمره سه لشکر مذکور قرار داشته و دولشکر دیگر نیز احتمالاً لشکر ششم بخت النصر و لشکر هفتم پیاده موتوریزه عدنان باشند.

در پایان جنگ، کلیه لشکرهای گارد جمهوری و لشکرهای منظم مستقر در صحنه عملیات کویت از لحاظ رزمی، کارایی خود را از دست داده بودند. هرچند گروههای پراکنده نفرات پیاده و خدمه تانک با پای پیاده فرار کردند اما

نیروی زمینی عراق در صحنه عملیات کویت به عنوان یک ماشین، جنگی کاملاً منهدم شد و از بین رفت.



عملیات ویژه

کماندوهای جدید

ایالات متحده با توانایی عملیاتی ویژه ای وارد درگیری و جنگ در خلیج فارس شد. با اینکه فعالیتهای نیروهای فوق الذکر ضرورتاً در پرده ای از ابهام قرار دارد، ولی شواهد زیادی حاکی بر این است که در طول جنگ و طی عملیات گوناگون از این نیروها به طور گسترده و موثری بهره برداری شده است. یگانهای اصلی که با تواناییهای عملیاتی ویژه ای به خلیج فارس اعزام گردیدند عبارت بودند از هنگ هفتاد و پنجم (تکاور)، گروه پنجم نیروهای ویژه^{۲۲}، نیروی عملیاتی ویژه نیروی هوایی و چندین تیم (دریایی، هوایی و زمینی). بزرگترین و قدرتمندترین واحد عملیاتی ویژه، گروه پنجم نیروهای ویژه بود.

گروه پنجم نیروهای ویژه که در دهه ۱۹۶۰ شروع به فعالیت نمود و در جمهوری ویتنام، گروه هفتم نیروهای ویژه آمریکا را تقویت نمود، مدت زمانی است که اجرای عملیات ویژه در خاور میانه را به عهده گرفته است. گروه مذکور بسیار قدرتمند بوده و دارای بیش از پنجاه تیم الف می باشد. افراد آن، مانند زمان جنگ ویتنام، آشنایی زیادی با زمین، زبان و آداب و رسوم محلی دارند. از قرار معلوم هر تیم، افرادی را که مسلط به زبان عربی بودند در اختیار داشت. آنها با لهجه ها و گویشهای قومی ناحیه محل اجرای عملیاتشان آشنا بوده و آموزشهای لازم را نیز دیده بودند.

^{۲۲} SFG (Special Forces Group)

تیم های عملیاتی گروه پنجم نیروهای ویژه (هر تیم دارای ۱۲ تا ۱۴ افسر و سرباز می باشد) در نه گروهان و در قالب سه گردان سازمان یافته اند. هر گردان ، ماموریت پشتیبانی از یک گروه مقاومت اصلی را دارد که این گروه ها عبارتند از : گروه مقاومت کویت ، گروه مقاومت کردها و گروه مقاومت عراقیهای غیرکرد . به هر گروهان ، مسئولیت پشتیبانی از یک دسته ویژه در هر گروه مقاومت داده شده است .

به طور مثال : سه دسته اصلی گروه مقاومت کردها عبارتند از حزب دموکراتیک کردستان ، حزب کارگر کردستان و اتحادیه میهنی کردستان . ظاهراً برای هریک از این حزبها ، گروهانی در نظر گرفته شده که مسئول پشتیبانی از عملیات آنها هستند . بلافاصله پس از شروع مخاصمات در ۱۶ ژانویه ، عناصری از گردانهای دوم و سوم گروه پنجم نیروهای ویژه به عمق پشت خطوط دشمن نفوذ کرده و به انجام ماموریتهای پنهانی دست زدند . این ماموریتهای گوناگون عبارت بودند از: پشتیبانی از مقاومت محلی ، شناسائیهای در عمق زیاد و خرابکاری و ماموریتهای رزمی. اکثر ماموریتهای فوق الذکر ناشناخته ماند اما برخی از آنها به شرح زیر فاش گردید :

۱. در ۱۶ ژانویه ، یک تیم الف گروه پنجم نیروهای ویژه با همکاری یک یگان هلیکوپتر توپدار آپاچی نیروی زمینی ، دو مرکز فرماندهی پدافند هوایی عراق را منهدم نمود و در طول اولین لحظات تک هوایی ، عملیات استراق سمع و آتش ضد هوایی دشمن را دچار اختلال ساختند .

۲. مدت کمی پس از شروع مخاصمات ، تیم عملیاتی الف ۵۴۴ از گروهان آ گردان دوم گروه پنجم نیروهای ویژه طی یک عملیات نفوذی با چتر در ارتفاع بالا از هوایما رها شده در نزدیکی سطح زمین چترهای خود را باز کرده و سریعاً در پشت خطوط نیروهای عراقی فرود آمدند. آنها یک ماموریت ناشناخته نسبتاً

مهم را انجام دادند که با اهدای یک مدال افتخاریه تیم مذکور از افراد آن تقدیر به عمل آمد (این مدال اولین مدال افتخاری بود که در عملیات طوفان صحرا داده شد).

۳. نیروهای عملیاتی ویژه در طول جنگ جهت هدایت ماموریت‌های نجات خلبانانی که هواپیماهایشان در پشت خطوط نیروهای عراقی سقوط کرده بود مورد استفاده قرار گرفتند. اولین ماموریت موفقیت آمیز در ۲۱ ژانویه انجام شد که طی آن یک خلبان نیروی دریایی آمریکا که هواپیمایش سقوط کرده بود نجات داده شد. نیروی نجات حداقل چهار ساعت در پشت خطوط نیروهای عراقی وقت صرف کرد. این زمان شامل مدت پرواز به منطقه و عملیات در روی زمین می باشد. در این ماموریت افراد نیروی عملیات ویژه نیروی هوایی شرکت داشتند و ممکن است عملیات توسط خود آنها هدایت شده باشد.

۴. در ۳۱ ژانویه، یک هلیکوپتر توپدار آ سی - ۱۳۰ اسپکتر^{۲۳} که جهت پشتیبانی عملیات گروه پنجم نیروهای ویژه در حال پرواز بود با تمامی ۱۴ خدمه اش در پشت خطوط نیروهای دشمن ناپدید گردید.

۵. چندین تیم الف از گروه پنجم نیروهای ویژه در اجرای ماموریت‌های دوربرد شناسایی استراتژیکی در امتداد دره فرات قرار گرفتند و اطلاعاتی دقیق از حرکت و جابجائی نیروهای احتیاط عراق و موقعیت پدافند در عمق آنها را در دسترس متحدین قرار دادند. این اطلاعات برای انتقال سریع سپاه هیجدهم هواورد به فرات حیاتی بود.

۶. تیمهای الف نیروهای ویژه با نیروهای زمینی کویت و گروه مقاومت کویت به همکاری پرداختند و در عملیات آزادسازی شهر کویت شرکت نمودند.

گزارشهای پی در پی عراق در مورد فرود تعدادی چترباز در غرب شهرکویت ممکن است در نتیجه نفوذ همین نیروهای ویژه بوده باشد.

۷. در زمانی که نبرد زمینی به پایان خود نزدیک می شد، باقیمانده گارد جمهوری در منطقه بصره و کنار رود فرات محاصره شده بودند و تنها راه فرار آنها عبور از عرض رودخانه بود. بمبارانهای هوایی متحدین به اکثر پلها خسارت وارد آورده، یا آنها را نابود کرده بود، ولی باز هم تکههای سریع و تخریب به سبک کماندوئی توسط نیروهای ویژه لازم بود تا هرچه راکه باقیمانده بود از بین ببرد و راه فرار افراد گارد جمهوری را بکلی مسدود کند.

در طول جنگ با عراق، از نیروهای عملیات ویژه بصورت جسورانه و خیالی استفاده شد. این نیروها ماموریتهای ویژه را به صورت موفقیت آمیزی به عهده گرفته و انجام دادند. اگرچه بررسی دقیق این ماموریتها نیاز به جمع آوری اطلاعات جامع تری دارد، اما شکی نیست که ایالات متحده در این زمینه بسیار قدرتمند عمل کرده است.

مسئولیتهای نیروهای ویژه در سطح جهان

گروه اول نیروهای ویژه: خاور دور

گروه سوم نیروهای ویژه: آفریقا

گروه پنجم نیروهای ویژه: خاور میانه

گروه هفتم نیروهای ویژه: آمریکای مرکزی و جنوبی

گروه نوزدهم نیروهای ویژه: اروپا

نیروی ویژه پیش آمدهای احتمالی با مسئولیت در سراسر جهان: احتیاط

سازمان برای رزم گروه پنجم نیروهای ویژه در عملیات طوفان

صحرا:

گردان یکم

گروهان A: تیم های عملیاتی الف ۵۱۱ تا الف ۵۱۶

گروهان B: تیم های عملیاتی الف ۵۲۱ تا الف ۵۲۶

گروهان C: تیم های عملیاتی الف ۵۳۱ تا الف ۵۳۶

گردان دوم

گروهان A: تیم های عملیاتی الف ۵۴۱ تا ۵۴۶

گروهان B: تیم های عملیاتی الف ۵۵۱ تا ۵۵۶

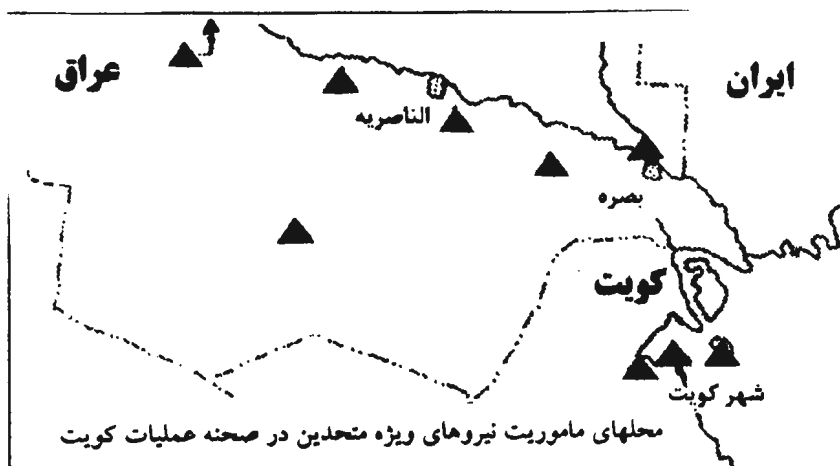
گروهان C: تیم های عملیاتی الف ۵۶۱ تا ۵۶۶

گردان سوم

گروهان A: تیم های عملیاتی الف ۵۷۱ تا ۵۷۶

گروهان B: تیم های عملیاتی الف ۵۸۱ تا ۵۸۶

گروهان C: تیم های عملیاتی الف ۵۹۱ تا ۵۹۶



حضرت داود(ع) و جالوت^{۲۴}

موشک پاتریوت علیه اسکاد

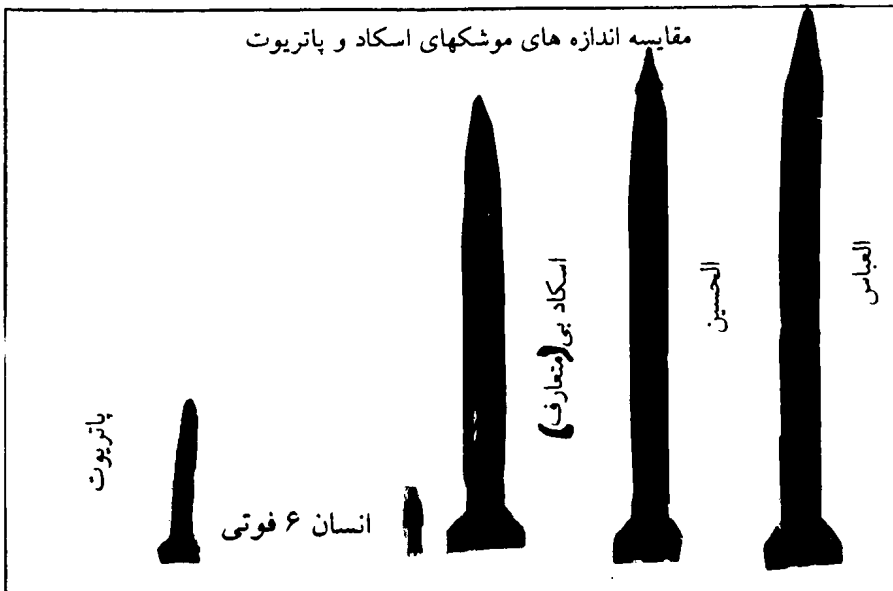
اهالی شهر لندن وحشتزده بودند . هیچ کس نمی توانست به سر کار خود برود . وحشت عمومی مردم شهر را به لرزه انداخته بود . تلاش برای جنگ با سختی و مشقت ادامه داشت . دلیل اصلی وحشت مردم ، احساس نا امیدی آنان درجنگ بود . زیرا هیچ نیرویی ، توانایی مقابله با «کشتی های هوایی^{*}» را نداشت . اکنون پس از گذشت هشتاد سال ، کمتر کسی است که تسلط کوتاه مدت کشتی های هوایی رابه عنوان یک جنگ افزارشکست ناپذیر ، به یاد داشته باشد . با وجود اینکه تلفات ناشی از بمباران این کشتی های هوایی در شهر لندن در طول جنگهای اول و دوم جهانی ، ناچیز بوده است ، ولی مردم آن شهر از حملات هوایی وحشت زیادی داشتند . این مطالب حاکی از آن است که تا ظهور هواپیمای بلند پرواز و خصوصاً گلوله های آتش زا ، کشتی های هوایی واقعاً شکست ناپذیر بودند . درواقع هنگامیکه بشر توانایی مقابله با تهدیدات را ندارد ، ترس از آنها به اوج خود می رسد .

در جنگ خلیج فارس، موفقیت سیستم ضد موشکی پاتریوت در برابر موشکهای بالستیک اسکاد که ساخت کشور شوروی بوده و عراق در آن تغییرات و اصلاحاتی ایجاد کرده بود ، یک پیروزی بزرگ محسوب می شد . این پیروزی ، نه تنها وحشت اسرائیل و عربستان بلکه ترس مردم جهان را فرو ریخت . از اوایل دوران جنگ سرد ، جهان از وجود دو سلاح بیمناک بوده است : اول

²⁴ Goliath

* Zeppelins

سلاحهای اتمی و دوم موشکهای بالستیک حامل آنها. اکنون موشکهای پاتریوت توانسته اند امید را جایگزین این ترس نمایند. البته باتاسف باید گفت که بررسی دقیق تر این موضوع نشان می‌دهد که موشکهای بالستیک به سرعت کنار رفتن موشکهای اسکاد، از صحنه نظامی خارج نخواهند شد.



تاریخچه موشکهای اسکاد عراق

در برخی موارد، برای نامگذاری موشکهای ساخت شوروی که توسط عراق تغییراتی در آنها ایجاد شده بود، از واژه ها و کدهای ناتو استفاده می‌شد. در سال ۱۹۶۵، روسها یک مدل پیشرفته از موشکهای اس اس - ۱ («اسکاد») را ساخته و آن را «اسکاد بی*» نامیدند. در طی دهه ۱۹۷۰، عراق تعداد زیادی از تجهیزات نظامی را از شوروی سابق دریافت کرد که اسکاد بی یکی از همین

* SCUD-B

تجهیزات وارداتی بود. عراق در طول جنگ با ایران، موشکهای اسکاد خود را باز سازی کرد تا بتواند تهران را هدف قرار دهد و سران این کشور از این برنامه موشکی خود راضی بودند. موشکهای جدید که الحسین و العباس نامیده می شدند، به علت افزایش بردشان، از دقت آنها کاسته شده بود و لذا برای رفع این نقیصه لازم بود وزن کلاهک جنگی آن کاهش یابد.

مشخصات موشکهای اسکاد عراق

نام موشک	برد (بر حسب مایل)	وزن کلاهک (بر حسب پوند)
اسکاد بی	۱۸۰ - ۱۱۰	۲۲۰۰
الحسین	۴۰۰ - ۳۷۵	۴۲۰
العباس	۵۵۰ - ۴۳۵	۳۰۰

استتار موشکهای اسکاد

خاصیت انعطاف پذیری سکوی موشکهای اسکاد، باعث شده است که این موشکها از تاثیر و کارائی خوبی برخوردار باشند. در حالیکه نیروی هوایی عراق، برای اجرای عملیات، به یک باند طولانی و قابل شناسایی احتیاج داشت، اما سکوی پرتاب اسکاد، در هر نقطه ای می توانست قرار گیرد. از سوی دیگر، با ساخت آشیانه های مخصوص سکوی پرتاب اسکاد عمر آنها، افزایش یافت. این آشیانه ها، ساده و به اندازه یک خودروی معمولی که در قسمت میانی آنها سرپوش قرار داشت و در قسمت های جلو و عقب آنها نیز، تورهایی برای استتار کشیده شده بود. کیفیت ساخت این آشیانه ها، جالب توجه نبوده و با صرف کمترین هزینه تهیه می شد. بهر حال تعداد زیادی از این آشیانه ها ساخته شدند. خلبانان متحدین یکی از این آشیانه ها را پیدا کردند ولی از خوش شانسی عراقیها، آنجا خالی بود.

تاریخچه موشکهای پاتریوت

موشکهای پاتریوت همیشه فوق العاده عمل نمی کردند . طرح ساخت این موشکها که در دهه ۱۹۷۰، برای سیستم پدافند هوایی ارتش آمریکا ریخته شده بود ، در دهه ۱۹۸۰ با تاخیر و با صرف بودجه ای بیشتر ، اجرا گردید .

در سال ۱۹۸۳ و همزمان با کاهش قیمتها و افزایش تولید ، دیگر صبر ارتش آمریکا به پایان رسید . تا آن زمان ، دقت روز افزون موشکهای بالستیک تاکتیکی شوروی ، مساله ای نگران کننده شده بود . در سال ۱۹۸۴، ارتش آمریکا با صرف بودجه ای قابل توجه در صدد یافتن پاسخی برای این سؤال برآمده آیا موشکهای پاتریوت می توانند چنین موشکهایی را نیز نابود کنند یا نه ؟ اولین تلاش عملی ساخت موشک ضد موشکهای بالستیک به نام پاتریوت در سال ۱۹۸۷ شروع شد و سه سال بعد یعنی در سپتامبر سال ۱۹۹۰ نیز تولید و به ارتش تحویل گردید .

دلیل کارایی موشکهای پاتریوت

کار موشکهای پاتریوت خوب بود زیرا قبل از اینکه اسکادها ، اهداف خود را مورد اصابت قرار دهند این موشکها آنها را نابود می ساختند . البته انجام این کار مشکل تر از آن است که بنظر می رسد . اسکادها با سرعت مافوق صوت به اهداف خود نزدیک می شوند . در ابتدا رادار موشک پاتریوت باید موشک اسکاد را شناسایی کند . از آنجایی که اسکادها ، نسبتاً کوچک هستند ، رادار نمی تواند آنها را در بردهای بسیار زیاد شناسایی نماید . هنگامی که رادار پاتریوت ، موشک را که در حال نزدیک شدن است شناسایی می کند ، بطور اتوماتیک پاتریوت را به سوی آن پرتاب می نماید : ضمناً در صورتی که پاتریوت دیگری

به سوی آن اسکاد پرتاب شود خطری ایجاد نشده ، فقط بین این دو موشک برای رسیدن به موشک اسکاد مسابقه ای پدید می آید .

حتی در یک رهگیری موفق پاتریوت ، احتمال دارد که موشک اسکاد در نزدیکی محل هدف منهدم شود که در این وضعیت به علت شتاب حرکت اسکاد قطعات و ترکش های جدا شده از آن روی منطقه هدف ریخته و باعث خسارت های احتمالی خواهد شد. این مسئله تاحدودی شبیه به یک فیلم تلویزیونی و یا سینمایی است که در آن ، قهرمان فیلم در حالیکه سعی دارد اتومبیلی را از حرکت باز دارد ، به سمت آن شلیک می کند ، در آن هنگام ، قهرمان ممکن است باعث نقص عضو راننده شود اما شتاب حرکت اتومبیل ، آن را به سمت قهرمان هدایت می کند .

تاثیر گذاری بر عملیات طوفان صحرا

قبل از وجود آمدن خصومت بین عراق و آمریکا ، ژنرال شوارتسکف و اعضای ستاد وی بر این عقیده بودند که موشکهای اسکاد از لحاظ نظامی خطر عمده ای ندارند . دلیل آن هم بسیار روشن است . چنانچه یکی از ده هواپیمای سوخو ۲۴^{۲۵} فנסر نیروی هوایی عراق این امکان را می یافت که از روی باند بلند شده ، به هدف مورد نظر نزدیک گردد ، می توانست بمبهای خود را که قدرت تخریشان معادل کلاهک های ۶۰ فروند موشک اسکاد العباس بود ، بر روی هدف فرو ریزد . این مساله شاید تنها اشتباه شوارتسکف در آن جنگ بود .

خساراتی که توسط موشکهای اسکاد قبل از پایان جنگ وارد شد ، حاکی از این نکته است که نیروهای آمریکائی مستقر در چادرها و اماکن موقتی ، حتی در مقابل کلاهکهای کوچک این موشکها نیز آسیب پذیر بودند . پانصد تن از نیروهای

آمریکایی که وارد منطقه شده، در نقطه ای قرار گرفته بودند که نزدیک بود مورد اصابت موشک اسکاد واقع شوند ولی با به موقع عمل کردن موشک پاتریوت، خطر رفع شد.

بزرگترین مزیت موشکهای اسکاد، این بود که خدمه رادارهای متحدین می بایست کوشش زیادی برای ردیابی آنها بعمل آورند. متوقف کردن پرتاب اسکادها، از نظر سیاسی بسیار ضروری بود. از اینرو، بسیاری از عملیات هوایی به این سمت متمایل گردید. البته باید اذعان داشت که اسکادها در اجرای آن بخش از عملیاتی که مانورهای دیپلماتیکی از عهده انجام آن بر نمی آمدند، موفق بودند زیرا شروع حملات زمینی را به مدت چند روز به تاخیر انداختند.

مسائل آینده

جنگ موشکها ممکن است مسائلی را در بر داشته باشد که خارج از حوزه اطلاعات ما است. پرواضح است که موشکهای بالستیک، هنوز بدون استفاده نشده اند. انهدام موشکهای اسکاد اولیه، کار چندان مشکلی نبود. طرح این موشکها از موشکهای دهه ۱۹۵۰ استخراج شده بود. کلاهک جنگی آنها به بدنه موشک، متصل می باشد و موشکهای پاتریوت با استفاده از رادار می توانند آنها را از فاصله دور شناسائی کنند و بنابراین غالباً فرصت کافی دارند تا اسکادها را مورد اصابت قرار دهند. اما موشکهای بالستیک قاره پیما که سریعتر از اسکاد پرواز می کنند، زمان کمتری را برای عکس العمل در اختیار پاتریوت فرار می دهند.

پرواضح است که امکان ارتقاء کیفیت موشکهای پاتریوت وجود دارد و آن به این صورت است که در هواپیماهای بلند پرواز، از راداری استفاده شود که بتواند موشک اسکاد را در مسافت دورتری نسبت به هدف، شناسائی کرده و پاتریوت در فاصله دورتری به آن اصابت کند. شاید مسأله نابودی

«کشتی های هوایی» و از بین رفتن خطر آنها، صحت نداشته باشد. در آسمان خاورمیانه، ما شاهد ماجرای بوده ایم که بیشتر شبیه به جنگ بین مانیتور و مریمک^{۲۶} بوده است. یادآوری می کنیم که جنگ مذکور، اولین نبرد مدرن در سالهای اخیر محسوب می شود.



جنگ افزاری که وجود نداشت

بطور قطع، یکی از مهمترین سئوالات راجع به جنگ خلیج فارس این بود که چرا ارتش عراق، برای مبارزه با نیروهای زمینی متحدین از سلاحهای شیمیایی استفاده نکرد؟ کمتر از یک هفته قبل از آغاز حملات زمینی، در یک مصاحبه، از نویسنده درخواست شد که نظرش را راجع به احتمال استفاده عراق از این سلاحها ابراز دارد. وی در جواب گفت: احتمال این مسئله ۸۰ درصد است. در این ارزیابی نویسنده تنها کسی نبود که این نظر را می داد. ژنرال شوارتسکف و تقریباً تمام تحلیلگرانی که از آنها سوال شد، احتمال قریب الوقوع بودن آنرا پیش بینی می کردند.

²⁶ Monitor and Merrimac

چرا همه آنها اشتباه کردند و ارتش عراق از سلاحهای شیمیایی استفاده نکرد؟ هنوز زود است که به این مساله، با اطمینان کامل پاسخ دهیم. اما چند دلیل متقاعد کننده ارائه شده است و در تمامی احتمالات، پاسخ صحیح، ترکیبی از چند و یا تمام دلایل زیر است:

۱ - گازهای شیمیایی فاسد شده

هنگامی که از ژنرال شوارتسکف سوال شد که چرا عراق از گازهای شیمیایی استفاده نکرد، وی گفت که نمی تواند با اطمینان، دلیل آنرا ابراز کند. وقتی از او خواستند تا در این مورد حدسی بزند، وی گفت: مواد شیمیایی عراق در انبارها، با گذشت زمان فاسد شده بود. در اولین روزهای جنگ، جنگنده های کشورهای متحد، بمبهای خود را بر روی کارخانجات شیمیایی عراق می ریختند. در نتیجه، توانایی عراق برای ساخت مواد شیمیایی نیز از بین رفت.

عوامل عصبی، به سرعت فاسد نمی شوند. ولی گازهای خردل خیلی زود فاسد می گردند. این مطلب قابل توجه است که گاز خردل (از نظر کمیت) مهمترین عامل شیمیایی موجود در زراد خانه های عراق بود.

۲ - شرایط نامساعد جوی

سلاحهای شیمیایی در دمای معمولی، هوای صاف و در معرض باد کم، بخوبی عمل می کنند. در حین اجرای بسیاری از تکه های متحدین، هوا بسیار بد بود و ارتش عراق هنگامی از اجرای عملیات باخبر می شد که فرصت بکار انداختن توپخانه های خود را بواسطه نامساعد بودن هوا نداشت. باران و بادهای شدید، از جمله شرایط نامساعدی بودند که استفاده از گازهای شیمیایی را منتفی می کردند. تعدادی از واحدهای توپخانه عراق که قادر بودند، اهداف مورد نظر را شناسائی کنند. اگر از گلوله های سوختار شدید استفاده می کردند،

می توانستند خسارت عمده ای را به متحدین وارد سازند که در صورت استفاده از سلاح های شیمیایی ، این مقدار خسارت ایجاد نمی شد .

۳ - عدم شناسایی اهداف

ا زمان آغاز تک ، ارتش عراق ، بیش از نیمی از توپخانه های خود را از دست داده بود . انتظار می رفت پس از خسارات شدیدی که به گردان ها و تیپها وارد شده بود ، مراکز هدایت آتش بسیاری از توپهای سالم ، منهدم شده باشند . خسارات وارده به خطوط مقدم احتمالاً بسیاری از دیده بانهای جلویی واحدها را از بین برد و همچنین ارتباطات بسیاری از دیده بانهای جلورا قطع نمود . بی سیم های منطقه عملیات ، باباطری کار می کنند . از اینرو تامین روزانه بابطری برای بی سیم چی هایی که وارد خط مقدم شده اند ، از حساسیت و اهمیت خاصی برخوردار است .

حال چنانچه سیستم آمادی ارتش عراق مورد اصابت بمباران متحدین قرار می گرفت ، احتمالاً بابطری های موجود ، نابود می شد و دیدبانهای جلویی مجبور بودند به جای بی سیم از تلفن های منطقه عملیات استفاده کنند . به هر حال تا زمان شروع حملات ، متجاوز از ۸۰ درصد از خطوط زمینی عراقیها توسط توپخانه و بمباران هوایی متحدین نابود شده بود . دیدبانهای جلو ، هم اگر می خواستند هدفی را شناسایی کنند تا توپخانه عراق آن را با گلوله های خود نابود کنند ، هرگز قادر به انجام این کار نبودند .

۴ - نا امیدی

بنا به گزارش ژنرال موریس اشمیت ، فرمانده کل ارتش فرانسه ، فرماندهان خط مقدم ارتش عراق از صدام حسین دستور استفاده از سلاحهای شیمیایی را دریافت کرده بودند ، اما این دستور را نادیده گرفتند . دلیل آنهم

این بود که نیروهای متحد، عملیات روانی موثری را علیه کاربردهای شیمیایی اجرا کرده بودند. سربازان یگانهای توپخانه عراق از طریق اعلامیه‌های پخش شده مطلع شدند که نفرات شلیک کننده گلوله های شیمیایی، به جهت ارتکاب جنایات جنگی، تحت تعقیب نیروهای متحد قرار گرفته و شکنجه خواهند شد. آنها بر این باور بودند که به هر جا فرار کنند، هرگز از تعقیب متحدین در امان نخواهند بود و برای اثبات این عقیده، نگهبانان اردوگاه های مرگ آلمانها در جنگ جهانی دوم را مثال میزدند که بدلیل ارتکاب آن جنایات جنگی، اخیراً به دادگاه احضار شده بودند. این محاکمات، نشان داد که متحدین، حتی پس از گذشت زمانی طولانی، بالاخره افراد نظامی را که از عوامل ش.م.ه. در جنگ ها استفاده کرده اند بعنوان جنایتکاران جنگی به دادگاه خواهند کشانید.

واضح است که این واقعیات غیر قابل انکار بر افکار افسران و مردم عراق تأثیر گذاشته بود. اکثر آنها فکرمی کردند که تازمان لزوم استفاده از این سلاحهای شیمیایی، جنگ تقریباً تمام شده باشد. لذا پنداشتند که در صورت استفاده از این سلاحها، آنها فقط ارزش انسانی خود را پایین خواهند آورد. اگر این توضیح درست باشد، مسئله، خیلی جالب است. افرادی که در مورد نحوه استفاده شیمیایی، تجربه زیادی داشتند و نیز برای این جنگ، کاملاً مجهز شده بودند، نفرات گارد جمهوری بودند. چنانچه این افراد، عمداً از دستور صدام مبنی بر استفاده از سلاحهای شیمیایی، سر باز میزدند، تا اواسط ماه فوریه، وفاداری ارتش عراق به صدام به شدت کاهش می یافت.

اسکادها و گازهای شیمیایی

ارتش عراق هرگز موشکهای اسکاد خود را به کلاهک شیمیایی مجهز نکرد. ممکن است دلیل این موضوع رعایت مسائل انسان دوستانه بوده باشد. اما دلیل متقاعد کننده تری نیز وجود دارد و آن این است که آنها هرگز قادر نبودند کلاهک شیمیایی کارآمدی برای موشکهای خود بسازند.

آیا ساختن یک کلاهک شیمیایی اینقدر مشکل است؟ چرا آنها دماغه تیز موشک را با گاز شیمیایی پر نمی کردند؟ جواب این است که بخش اعظم مواد شیمیایی با اصابت موشک به زمین، سوخته و نابود شده و به دلیل شدت برخورد موشک دارای سرعت مافوق صوت به زمین، باقیمانده این مواد، اکثراً به درون زمین فرو می روند. البته همین مختصر پخش مواد شیمیایی هم خطرناک خواهد بود اما میزان این خطر شیمیایی، بیشتر به اندازه یک قرص سمی است تا یک سلاح کارآمد شیمیایی.

کلاهک جنگی موشک برای اینکه به خوبی عمل کند باید گاز شیمیایی را کمی قبل از برخورد به زمین رهاسازد تا ابر مواد شیمیایی، اطراف هدف را احاطه می کند. حال اگر این رها شدن گاز خیلی زودتر انجام شود مواد شیمیایی به هدر خواهد رفت. زیرا گاز در فضایی گسترده پخش می شود و نمی تواند خسارات جانی ببار آورد. از طرفی چنانچه گاز دیرتر آزاد گردد، موشک با اصابت به هدف منفجر شده و گاز سوخته و به هدر می رود.

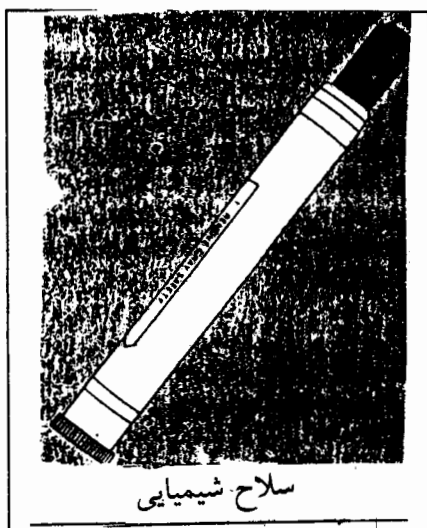
با استفاده از گلوله های توپخانه می توان عوامل شیمیایی را پرتاب و در فضا پخش نمود. چرا عراقیها سیستم مشابهی را بر روی موشکهای اسکاد نصب نکردند؟ در پاسخ می توان گفت که ماسوره مجاورتی گلوله توپخانه با وجود کامل نبودن، با توجه به سرعت گلوله بخوبی و به موقع عمل می کند. اما

سرعت نزدیک شدن اسکاد به زمین ، دو برابر سرعت گلوله توپخانه است . این بدان معناست که در صورت استفاده از ماسوره مجاورتی گلوله توپ در کلاهدک موشک ، یا گاز در ارتفاع بالا رها می شود و یا همراه با موشک به زمین فرو میرود .

البته این مشکل ، غیر قابل حل نیست ، اما از لحاظ فنی رفع آن بسیار مشکل است . ظاهراً ، ارتش عراق هرگز به آن مشکل غلبه نیافت و بسیاری از مردم از انجام نشدن این عمل راضی هستند .

سلاحهای شیمیایی

سلاحهای شیمیایی بوسیله گازهای سمی ساخته می شوند . گازهای سمی که توسط نیروهای نظامی بکار گرفته می شوند ، به سه نوع کلی طبقه بندی می گردند : عوامل خون ، عوامل تاولزا و عوامل عصبی . پس از آنکه عوامل خون وارد بدن شدند ، به جریان خون راه پیدا کرده ، فرد را مسموم می سازند . عوامل تاولزا ، جراحتهای عمیقی را روی پوست ایجاد می کند و چنانچه از راه تنفس به درون بدن راه یابند ، به ششها آسیب می رسانند . عوامل عصبی (یا گاز عصبی) به دستگاه عصبی حمله کرده ، می توانند از طریق تنفس و یا جذب شدن بوسیله پوست بدن ، وارد سلسله اعصاب شوند . هر سه نوع این عوامل ، بالقوه کشنده می باشند .



برآورد کارائی نیروهای متحدین پس از عملیات طوفان

صحرا

در روز پنجم نوامبر سال ۱۷۵۷، ارتش پروس به فرماندهی فدریک کبیر^{۲۷} با بیش از ۲۰۰۰۰ مرد جنگی رو در روی ارتش فرانسه و متحدین آن، قرار گرفت. این جنگ، ((راسباخ))^{۲۸} نام گرفت و تعداد نفرات فرانسوی و متحدین آنها در این جنگ، دو برابر نفرات ارتش پروس بود. در پایان همان روز، ارتش فرانسه، کاملاً متلاشی شد. این در حالی بود که تلفات فرانسه و متحدین ۶۰۰۰ نفر و تلفات پروس، تنها ۵۴۸ نفر بود.

در روز نوزدهم سپتامبر سال ۱۴۱۵، ارتش انگلیس به فرماندهی هنری پنجم با ۶۰۰۰ مرد جنگی علیه ارتش ۲۵۰۰۰ نفری فرانسه در منطقه آگین کورت^{۲۹} وارد جنگ شد. در این جنگ، ارتش فرانسه، بطور حیرت انگیزی شکست خورد. فرانسویها، قریب به نیمی از نفرات خود (بیش از ۱۰۰۰۰ نفر) را ازدست دادند. درحالیکه ارتش انگلیس تنها تعداد کمی مجروح داشت.

درژوئن سال ۱۹۶۷، نیروهای پدافندی اسرائیل، در برابر اتحادیه همبستگی سه کشور عربی موضع گرفته و ضربه نهایی خود را به آنها وارد ساختند.

²⁷ Frederick The Great

²⁸ Rossbach

²⁹ Agin Court

تعداد نیروها و تجهیزات اعراب و اسرائیل در این جنگ به شرح زیر بود :

اختلاف از لحاظ کمیت

تعداد	اعراب	اسرائیل	واحد
نفرت	۳۲۸۰۰۰	۲۵۰۰۰	نفر
تانک	۲۳۳۰	۱۰۰۰	دستگاه
هواپیمای جنگی	۶۸۲	۲۸۶	فروند

اسرائیل با وارد آوردن ضربات اولیه بر هواپیماهای جنگی اعراب، در روی زمین موفق شد برتری هوایی خود را در منطقه رزم بدست آورد. این مسئله باعث شد که اسرائیل، حملات زمینی را به داخل خاک خود کشانده و میزان تاثیر این حملات را افزایش دهد. تا پایان جنگ شش روزه، اسرائیل توانست حدود ۱۸۰۰۰ تن از اعراب را کشته یا مجروح نموده و حدود ۱۰۰۰ دستگاه تانک و ۴۵۰ فروند هواپیمای آنها را نابود کند. تلفات و ضایعات اسرائیل، فقط ۵۵۰۰ نفر کشته و مجروح و انهدام ۴۰۰ دستگاه تانک و ۴۰ فروند هواپیما بود.

جنگهای «راسباخ»، «اگین کورت» و جنگ شش روزه، سه پیروزی از بزرگترین پیروزیها در تاریخ نظامی است. اما این سه در مقایسه با دامنه وسعت پیروزی نیروهای متحدین در عملیات طوفان صحرا، عظمت کمتری دارد. در عملیات طوفان صحرا، ارتش ۵۰۰۰۰۰ نفری عراق متلاشی شد. در حالیکه تلفات نیروهای متحدین کمتر از ۱۰۰ نفر بود. در این جنگ، ۴۰ لشکر عراق با ۴۰۰۰ تانک آن کاملاً نابود شدند در حالیکه خسارات متحدین، کمتر از ۱۰ تانک بود. این بدان معناست که نسبت تلفات خط مقدم متحدین به تلفات و خسارات وارده به دشمن آنها در منطقه نبرد، کمتر از یک نفر از متحدین به انهدام یک لشکر از عراق بوده است.

این احتمال وجود دارد که دانشکده فرماندهی و ستاد در ارتشهای جهان ، جزئیات طوفان صحرا را برای نسل های آینده ارائه دهند . اما شاید برای مردم عادی فهم کامل حقیقت این جنگ ، تقریبا غیرممکن باشد. هنگامی که می خواهیم از رویدادی آگاه شویم برای راهنمایی ، به تاریخ مراجعه می کنیم .اما در تاریخ، اتفاقات خیلی کمی، مشابه آنچه در خلیج فارس اتفاق افتاد یافت می شود .

تنها جنگی که اخیرا رخ داد واز نظر موفقیت ، شبیه به این جنگ بود جنگ ارتش بریتانیا علیه ارتش دهم ایتالیا در شمال افریقا در سال ۱۹۴۰ بود . در آن جنگ ، به محض شکسته شدن خط مقدم ، ارتش صد هزار نفری انگلیس به آسانی متلاشی شد . جاده ها مملو بود از سربازانی که می خواستند تسلیم شوند ودر برابر هر سرباز اسیر ایتالیایی ، هزار سرباز انگلیسی اسیر شده بودند . حتی اگر ذکر مثال های جالب فوق ، نمونه بودن پیروزی در جنگ خلیج فارس را تا اندازه ای منتفی سازد ، تصاویربخش شده درسطح جهان و خاطره جنگ زمینی آن نبرد،مدتهای مدیدباقی خواهد ماندوتصویر تفنگداران دریایی آمریکا که زیر آسمان پر دودحرکت می کردندوجلوی چشمان آنها-دردردست افق- چاه های نفت کویت در حال سوختن بود ، همیشه در ذهن نویسنده خواهد ماند وگمان می کنم خاطره این صحنه ها در ذهن بسیاری از خوانندگان نیز جای باقی بماند .

چطور این واقعه رخ داد؟

تمام حوادث را می توان توضیح داد . اما فهم آنها ، درایت و هوشمندی خواننده را طلب می کند . اگر بخواهیم موفقیت عملیات طوفان صحرا را توضیح دهیم ، به منابع بسیاری نیاز خواهیم داشت . از اینرو بهتر دیدیم تا در اینجا ، مطالب را بطور خلاصه بدین شرح بیان کنیم :

۱ - حیاتی بودن قدرت هوایی

اگر دشمن ، آسمان منطقه را تحت کنترل خود قرار دهد ، شما مجبور خواهید بود با چشم بسته بجنگید . از اینرو نمی‌توانید عملیات متحرک دشمن را متوقف کنید . دلیل این مطلب آن است که تحرک ، این امکان را ایجاد می‌کند که یک طرف جنگ ، نیروهای رزمی نامحدود خود را در هر نقطه ای که مورد نظر باشد متمرکز کند و چنانچه شما ، این تحرک را مشاهده نکنید ، نمی‌توانید در آن مداخله کنید . موثر بودن بمباران هوایی در جنگ باعث شده است که اطلاعات نظامی تحت الشعاع تاثیر زیاد کنترل هوایی قرار گیرد .

۲ - حیاتی بودن رهبری

هنگامی که یک طرف جنگ ، باهوش و طرف دیگر احمق باشد ، پیروزی های چشمگیری رخ می‌دهد . نقشه جنگی آمریکا ، استادانه طرح شده بود . از سوی دیگر ، حماقت صدام نیز قابل توجه بود .

نیروهای متحدین در کلیه رده های فرماندهی توسط با تجربه و حرفه ای هدایت می‌شدند . مردان و زنان نیروهای متحدین ، به رهبران خود اطمینان داشتند و فرماندهان و مسئولین نیز هرگز آنها را تنها نگذاشتن تا سقوط نمایند . هنگامیکه یک سازمان نظامی یا غیرنظامی ، رهبری مقاوم و پرفعال داشته باشد ، می‌تواند معجزه کند .

از سوی دیگر ، رهبری عراق بسیار بد و خطرناک بود . بهترین رهبران نظامی این کشور ، تماماً ، برکنار شده ، بجای آنها ، افراد مطیع و متملق بر سر کار آمده بودند . رهبری صدام در طول بحران و جنگ ، به طور وحشت انگیزی نادرست بود . قلب ارتش عراق در طول ۸ سال جنگ با ایران به طور مداوم در معرض تخریب قرار داشت . پاداش شرکت در آن نبرد برای افراد عراقی ، این

بود که از رهبری درستی برخوردار باشند که چنین نشد در نتیجه ، یک ارتش کاملاً رزمی، قربانی خود رأی بودن یک فرد گردید .

۳ - حیاتی بودن انگیزه

ارتش عراق به مدت ۸ سال به سختی در برابر ایران جنگید ، اما در مدت زمان ۱۰۰ ساعت این ارتش رزمی نیم میلیون نفری قدرت خود را بطور کامل از دست داد . افراد به مدت پنج هفته زیر شدیدترین بمباران تاریخ قرار گرفتند . تلفات مجروحین جنگی عراق به صورت عجیبی افزایش می یافتند و به دلیل فقدان مواد غذایی و مراقبتهای پزشکی ، بسیاری از واحدها افراد زیر امر خود را از دست داده ، در معرض سقوط قرار داشتند .

اما فقط بمبارانها ، نتوانسته بود تمام واحدها را نابود کند . حداقل یک گردان با بیش از ۷۰۰ نفر و ۱۲ افسر به ارتش مصر تسلیم شد که در بین آن افسران ، سرهنگ دومی که مسئولیت فرماندهی را بعهدہ داشت به چشم می خورد . این به معنای وجود توان رزمی کامل آن گردان می باشد . ضمناً تمام واحدها بدون غذا نمانده بودند . لشکر یکم پیاده آمریکا هنگام پاک کردن سنگرهای عراقیها ، انواع مواد غذایی کنسرو شده را در آنها یافتند . واحدهایی که هنوز از لحاظ تعداد نفرات و توانایی جسمانی ، دارای قدرت و آمادگی لازم بودند نیز تسلیم شدند . اما دلیل این مسأله چیست ؟

در جنگ بین عراق با ایران ، سربازان عراقی برای میهن خویش می جنگیدند و افسران آنها نیز نگران سعادت و آینده آنان بودند . ولی در جنگ با کویت ، قضیه طور دیگری بود . در این جنگ ، سربازان عراقی برای محافظت از اموال و وسایلی که از کویتیهها سرقت کرده بودند می جنگیدند و افسران آنها که

در جنگ قبلی، تجربه کمی کسب کرده بودند نیز در بسیاری از مواقع که جنگ، شدت می گرفت، سربازان خود را رها می کردند.

انگیزه با وفاداری، رابطه بسیار نزدیکی دارد و وفاداری تنها، زمانی وجود دارد که دو طرفه باشد. به هر حال تسلیم شدن ارتش عراق با آن ضعف و خواری، به مراتب از لیاقت و شایستگی رهبران نظامی آنها بهتر بود.

۴ - اهمیت تجهیزات

اهمیت وسایل و تجهیزات نظامی آنقدر متقاعد کننده و قابل قبول است که هیچ کس نمی تواند آنرا انکار کند. دقیق و موثر بودن بمبارانهای هوایی می تواند دائماً موازنه قوا را در جهان بر هم زند. بطور مثال تانکهای مدرن متحدین با تجهیزاتی که داشتند بطور پیوسته انواع خودروهای رزمی عراق را نابود می کردند. می دانیم که تکنولوژی ((استیلث))^{۳۰} تهاجمات هوایی را متحول نموده است. به هر حال در این زمینه یعنی اهمیت تجهیزات، مطالب زیادی می توان نوشت ولی به همین چند نمونه اکتفاء می شود.

۵ - اهمیت بیشتر افراد

افراد خوب و لایق می توانند بر نامرغوب بودن تجهیزات فائق آمده از آن وسایل به خوبی استفاده کنند. . . . و بالعکس، افراد بی تجربه ممکن است، تجهیزات خوب را از بین ببرند. ترکیب بهترین افراد با بهترین تجهیزات، نیرویی غیر قابل شکست را در جنگ موجب می گردد.

۶ - تجربه کافی نیست

نیروهای مسلح عراق، تجارب بسیاری از جنگ داشتند. آنها، یک جنگ هشت ساله را با ایران با پایانی موفقیت آمیز به اتمام رسانده بودند. از سوی دیگر، افراد ارتش متحدین، بسیار بی تجربه بودند. بریتانیا در جنگ ((فالكند)) با نیروی دریایی و افراد شبه نظامی جنگیده بود، اما در جنگ خلیج فارس از تانکها و یگانهای پیاده مکانیزه استفاده کرد. ارتش سوریه در دهه اخیر در داخل خاک لبنان جنگیده بود، اما لشکر نهم این ارتش در جنگ مذکور شرکت نکرده بود. ارتش مصر نیز آخرین جنگ خود را در سال ۱۹۷۳ انجام داده بود که مدت کوتاهی پس از پایان گرفتن درگیری آمریکا در جنگ ویتنام بود. در بین کشورهای حوزه خلیج فارس، تنها ارتش عمان بود که به تجارب رزمی بسیار، نائل شده بود.

تعدادی از ارتشهای متحدین ۱۰ تا ۲۰ سال قبل در جنگهایی شرکت کرده بودند و به همین دلیل در رده های گردان به بالا، دارای افسران رزمی و با تجربه ای بودند که این خود یک مزیت مهم به شمار می رفت. اما افراد خط جبهه آنها، تقریباً هیچ نوع تجارب جنگی نداشتند.

یکی از دلایل عدم موفقیت ارتش عراق این بود که تجارب رزمی آنها درست نبود. آنها در انجام یک جنگ فرسایشی در منطقه نحوه جنگیدن را فرا گرفته بودند. ولی این دانستنی ها بجای کمک به آنها، باعث شد که در یک نبرد متحرک به شدت آسیب بینند؛ بهتر بود آنها عادات بد خود را کنار می گذاشتند و سپس وارد جنگ جدیدی می شدند.

۷ - ضرورت آموزش بر مبنای واقعیت

اکنون بسیاری از طرحهای آماده سازی نیروهای آمریکا برای جنگ ، فاش شده است . بطوریقین ، مهمترین آنها ، آموزش می باشد . افراد آمریکایی همانند نظامیان کهنه کار عمل کردند ، زیرا آنها به طور عجیبی ، کارآموده بودند . آموزش نظامی آمریکائیان ، آنقدر عملی و براساس واقعیت بوده است که آنها می توانند هر حادثه رزمی را که آن مواجه می شوند ، بازسازی و اجرا کنند . البته این امر در صورتی انجام می گیرد که سربازان ترس و واهمه زیادی از مرگ نداشته باشند . زیرا آنها حتماً می توانند با اعتماد به توانایی خود و با اطلاع از اینکه چه باید بکنند ، بر ترس خود غلبه کنند . آموزش عملی می تواند این توانایی و کارایی را فراهم سازد . دانشکده ((توپهای برتر نیروی دریایی *)) ، پروژه ((پرچم سرخ نیروی هوایی **)) و ((مرکز آموزش ملی نیروی زمینی)) ، دانشجویان را در طول مانورهای واقعی با نیروهای مخالف فرضی که خشن هستند روبرو می کنند و یک جنگ واقعی را برای آنها تدارک می بینند . بدین ترتیب ، دانشجویان نیز همانند نظامیان کهنه کار و حرفه ای تربیت می شوند . دلیل این اقدام در عملیات صحرا ، کاملاً بارز و مشخص بود .

یادداشتی در مورد منابع و مآخذ

در پروژه ای همانند تدوین کتاب حاضر *** ، نمی توان تمامی منابع و مآخذ آنرا ذکر کرد زیرا برای شرح حوادث ، مذکور در آن از گزارشهای سرویسهای

* The Navy s Top Gun School

** Air Force s Red Flay Project

*** Gulf War Fact Book ™ is a trademark name of GDW , Inc . For its in for mation book about The persian Gulf War .

مخابراتی باسیم و شبکه های مختلف رادیویی و تلویزیونی و غیره ، استفاده های بسیار زیادی شده است . بطور یقین با گذشت زمان ، دید روشنتری نسبت به ترتیب و روند اتفاقات جنگ زمینی متحدین ، حاصل خواهد شد. البته ، فاصله زمانی بین مشاهده یک اتفاق و نگارش کامل آن به صورت یک داستان ، ممکن است تفاوت های اندکی ایجاد گردد . اما نویسندگان این مقاله کاملاً مطمئن هستند که جزئیات مطالب مهم این کتاب کاملاً صحیح می باشد .

مشکل ترین بخش نگارش تاریخ بخصوص جنگ خلیج فارس ، نشان دادن دوستی ها و دشمنی های نیروهای در حال جنگ است . به خشونت کشیده شدن دشمنی ها ، یک طبیعت کاملاً محسوس است ولی باید تحت کنترل قرار گیرد . نیروهای متحدین ، و به ویژه مرکز فرماندهی ارتش آمریکا ، به طور زیادی، دشمنی نسبت به نیروی مقابل را فراموش کرده بودند که این امر قابل تحسین می باشد .

مسئولیت هر گونه خطا و اشتباه در ارزیابی و یا گزارش مطالب این کتاب ، به عهده نویسندگان می باشد. اگر کمک کسانی که وقت و مهارت خود را بطور رایگان در اختیار ما قرار دادند نبود، کتابی چنین کامل و قابل بحث پدید نمی آمد . آن دسته از خوانندگان که علاقمند به خواندن مطالب بیشتری در این زمینه هستند، می توانند کتابهای متعددی را در این زمینه به دلخواه انتخاب نمایند . با این وجود ، نویسندگان این کتاب ، سه کتاب منتشر شده را که ارزش مطالعه دارند ، به شرح زیر خوانندگان علاقمند پیشنهاد می کنند:

۱. نبرد هوایی: طرح ریزی عملیات رزمی نوشته: سرهنگ جان ای واردن سوم^{۳۱} از نیروی هوایی آمریکا. انتشارات دانشگاه پدافند ملی. سال انتشار: ۱۹۸۸. این کتاب حقیقتاً، اولین تلاش جامع در زمینه نبرد هوایی به عنوان یک هنر عملیاتی است و شاید مهمترین مسئله در دکترین نبرد هوایی آمریکا باشد. این مسئله شاید به اندازه اسناد اولین جنگ هوایی-زمینی برای دکترین نیروی زمینی اهمیت داشته باشد.

این کتاب، بسیار خواندنی است. ((واردن)) همانند بهترین متفکرین نظامی تاریخ معتقد است که ((رمز هنر نظامی، در فهم مشکلات به ساده ترین صورت آن و نه به مشکل ترین فرم آن، نهفته است)). حضور واردن در طرح ریزی عملیات هوایی متحدین علیه عراق، اهمیت این کتاب را کاملاً آشکار می سازد اگر صدام، این کتاب را خوانده و نکته های آنرا دریافته بود، شاید در مورد شکستن مرز خود با کویت، تجدید نظر می کرد.

۲. موشکهای دراگون در جنگ: نبرد زمینی در صحرا. نوشته: سروان دانیال پی بولگر^{۳۲} از آمریکا. انتشارات آی وی وی. سال انتشار ۱۹۸۶. چطور سربازان، دریا نوردان و هوا نوردان آمریکائی که حتی یک تیر را تا آن زمان، با عصبانیت شلیک نکرده بودند، توانستند همانند نظامیان کارآزموده وارد این جنگ شوند؟ کتاب بولگر، توضیحات مفصلی را برای پاسخ دادن به این سوال ارائه می دهد. در عین حال توضیحات وی بسیار جالب و سرگرم کننده است. این کتاب در مورد رزم است ولی نه رزم مرگبار. این کتاب، داستان

³¹ The Air Campaign : planning For com bat by :
colonel John A. Warden III

³² Dragons At War : Land Battle In The Desert by :
Captain Daniel P.Bolger

تجارب افرادی که گردان مکانیزه رادرمركزآموزش ملی واقع در پایگاه فورت ایروین^{۳۳} کالیفرنیا بیان می‌کند .

نویسنده ، در شرح روی جلد این کتاب ، مطالب با ارزش و کاملاً خواندنی را در مورد تاکتیکها و تجهیزات شوروی سابق ، دکترین آمریکا و برنامه های آموزشی کاملاً عملی ارائه می‌دهد . این برنامه ها توسط پروژه پرچم سرخ نیروی هوایی ، دانشکده تاپ گان (توپ برتر) نیروی دریایی و مرکز آموزش ملی نیروی زمینی به کار گرفته شده است . با این آموزش افراد نظامی را در یک صحنه رزم واقعی وارد می‌سازند (البته بدون هیچگونه خونریزی) و بدین ترتیب این افراد را به جنگجویان حرفه ای تبدیل می‌کنند .

پس از خواندن این کتاب ، خواهید دانست که نقش یک سرباز آمریکائی درجنگ خلیج فارس ، به سختی آموزشهای دیده شده در آمریکا نبوده است .
۳. ((تنها برای چشمان شما^{۳۴})) . انتشارات تایگر .

یکی از مهمترین منابع منحصر به فردی که از آن در باره آماده سازی نیروهاوتواناییهایشان کمک گرفته شد، همین کتاب((تنها برای چشمان شما)) می باشد. ناشر این کتاب در توضیح عنوان آن ، این عبارت را ابراز داشت: ((خلاصه اطلاعات آشکاراز امورجاری نظامی)) . آقای استفن وی کل ناشر این کتاب است که هر دو هفته یک بار ، انتشار می‌یابد .

تا آنجایی که نویسنده اطلاع دارد ، برای کسانی که به امور نظامی علاقه روز افزونی دارند ، هیچ منبع دوره ای دیگری وجود ندارد که چنین اطلاعات سودمند و جالبی را ارائه دهد .

³³ Fort Irwin

³⁴ For your eyes only by : stephen v . cole

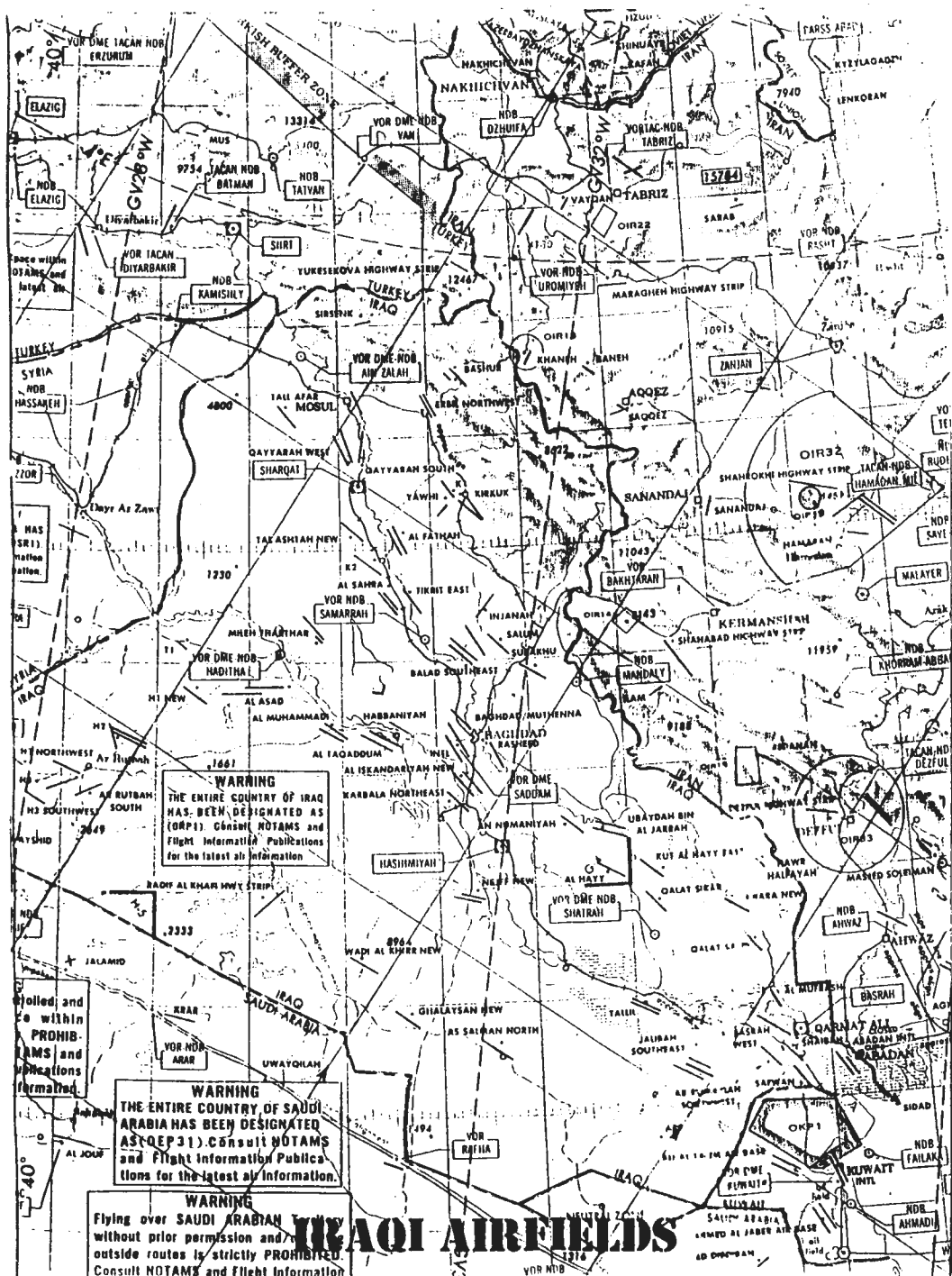
بهای یک دوره یک ساله (۲۶ نسخه ای) این مجله ، برای ساکنین آمریکا و کانادا ، شصت دلارو برای دوره ۶ ماهه (۱۳ نسخه ای) ۳۲/۵۰ دلاری باشد . و بهای یک دوره یکساله برای سفارشهای خارج از این دو کشور با پست هوایی ، به ۷۷ دلار است . (لطفأً بهای آن را به واحد پولی آمریکا بپردازید) . نسخه های نمونه ، هر یک ، ۲ دلار قیمت دارد .

شرکت جی دی دبلیو^{۳۵} و دو نویسنده دیگر ، هیچ کدام جزو پرسنل انتشارات تایگر نمی باشند و در ازای درج شدن علامت اختصاری (جی دی دبلیو) بر روی صفحات این نشریه ، هیچ وجهی دریافت نکرده اند ، ضمناً GDW در قبال مشترکین نشریات نامبرده هیچ مسئولیتی نخواهد داشت .



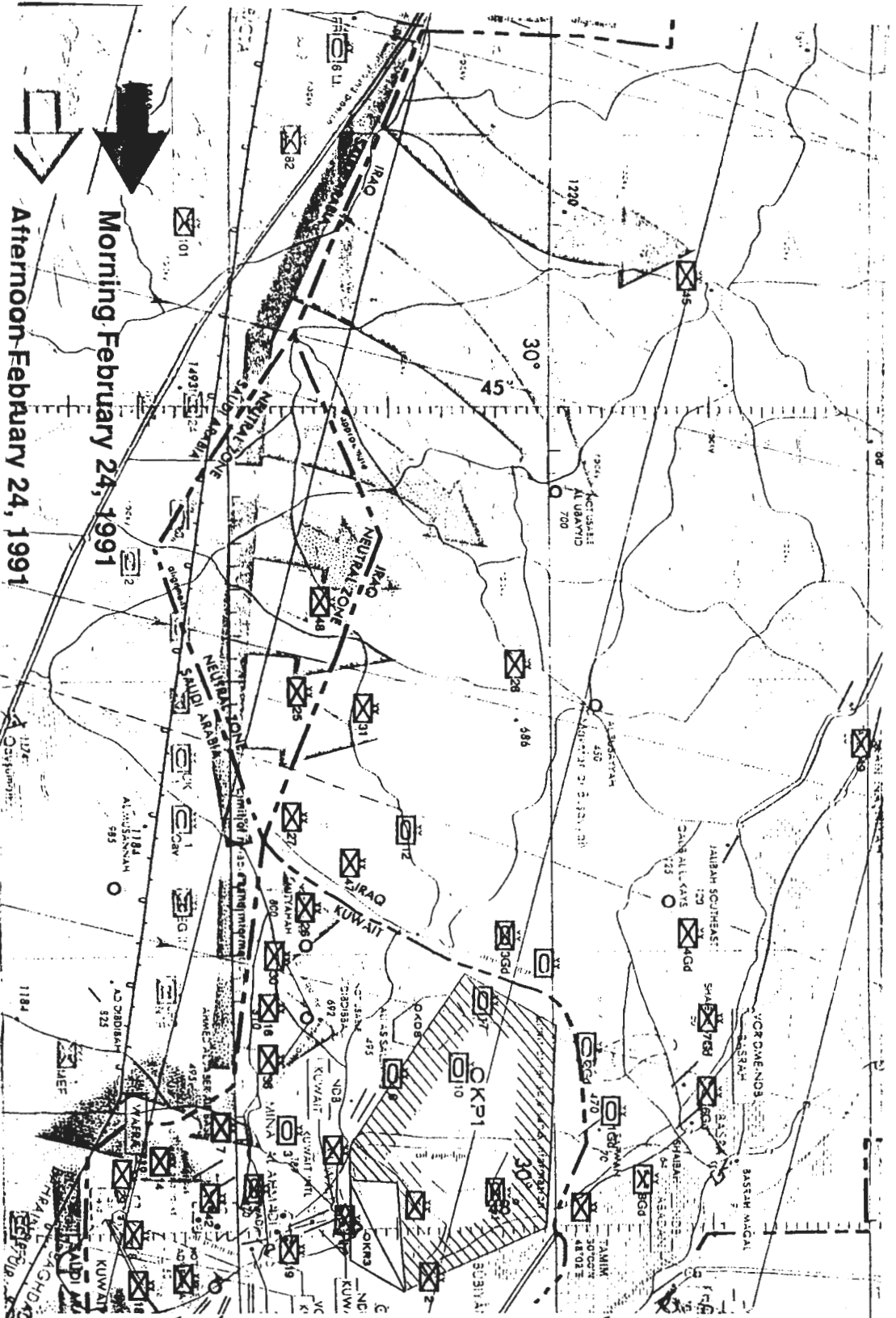


نقشه شماره ۲: گسترش یگانهای عمده نیروی زمینی عراق در ۲۴ فوریه ۱۹۹۱ م



نقشه شماره ۳: موقعیت پایگاههای هوایی عراق





نقشه شماره ۵: گسترش یگانهای عمده متحدين و عراق در اولين روز جنگ خليج فارس

